

تاریخ فرانس از آغاز تارینسانس

دانیل ریور

ترجمه
شهر سلام

دانلود و ویرایش
دکتر محمد جواد محمدی

تاریخ فرانسه

از آغاز تارنسانس

نوشتة

دانیل ریویر

ترجمه

شهنماز سلامی

بانظارت و ویرایش

دکتر محمد جواد محمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۹۰

Daniel, Rivière

ریویر، دانیل	سرشناسه:
ناریخ فرانسه: از آغاز تاریخنسانس / نوشته دانیل ریویر؛ ترجمه شهناز سلامی؛ با نظرات و	عنوان و نام پدیداور:
ویرایش محمدجواد محمدی	مشخصات نشر:
تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰	مشخصات ظاهری:
۲۹۲ ص.؛ مصور	شابک:
978-964-423-849-9	
Histoire de la France	عنوان اصلی:
واژه‌نامه	پادداشت:
کتابنامه	پادداشت:
نمایه	پادداشت:
فرانسه - تاریخ	موضوع:
سلامی، شهناز - ۱۳۶۴	شناسه افزوده:
محمدی، محمدجواد، ۱۳۵۲ -	شناسه افزوده:
مؤسسه اطلاعات	شناسه افزوده:
DS ۳۸/۴ س. ۹ ۱۳۹۰	ردیبندی کنگره:
۹۴۴	ردیبندی دیوبی:
۲۵۰۹۴۸۵	شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۲۱۱
تلفن: ۰۹۹۹۲۴۵۵۶

فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، رو بروی ایستگاه مترو ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۰۶۰۷۲۴۰۷۶۴۶

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، رو بروی دانشگاه تهران، تلفن: ۰۶۰۷۲۴

تاریخ فرانسه: از آغاز تاریخنسانس

نوشته دانیل ریویر
با نظرات و ویرایش دکتر محمدجواد محمدی

صفحه آرا: رحیم رمضانی

دروفتگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۹۰

قیمت: ۴۵۰ تومان

ISBN: 978-964-423-849-9

شابک: ۹ ۸۴۹ ۴۲۳ ۹۶۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۱۰	مقدمه مترجم
۱۹	مقدمه نویسنده

بخش اول: پایان عهد باستان

۳۲	فصل اول / گالیای رومی
۳۳	صلح باروم
۳۳	سیطره و انضمام سیاسی
۳۶	رومی شدن گالیا
۳۹	فعالیتهای پیش‌رونده
۴۱	عصر تهاجمات
۴۱	بحران قرن سوم
۴۲	تجدید قوای موقت گالیا
۴۶	فروپاشی گالیا

بخش دوم: فرانسه در قرون وسطی

۵۱	فصل دوم / سلطنت فرانک‌ها
----------	--------------------------

۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ ناسی

۵۱	دودمان مروونژی (۷۵۱ - ۴۸۱)
۵۱	فرانکها حاکمان سرزمین گالیا
۵۵	روزگار مشقت بار
۵۹	آغاز دودمان مروونژی
۶۲	دودمان کارولنژی (۹۸۷ - ۷۵۱)
۶۲	پیش کوتاه قامت و شارلمانی
۶۷	بازسازی دولت
۶۹	تمدن کارولنژی
۷۴	تجزیه امپراتوری و پیدایش فرانسه
۷۶	آغاز دودمان کارولنژی در فرانسه (۹۸۷ - ۸۴۳)
۸۱	فصل سوم / دوران بیداری (قرون یازدهم و دوازدهم)
۸۲	قدرتمندان: پادشاه، شاهزادگان، قلعه داران و کلیسا
۸۲	کشور تکه تکه شده با حکومتهای بسیار
۸۶	عقب راندن خشونت توسط کلیسا
۸۹	شاهان دودمان کاپسین (۹۸۷ - ۱۱۸۰)
۹۴	خطر دودمان پلانتاژنه
۹۶	فعالیتهای پیش‌رونده
۹۶	آمایش اراضی
۹۹	توسعه زراعی
۱۰۱	بیداری شهر و بازار گانی
۱۰۵	آرمانها و باورها
۱۰۹	بیداری فرهنگ
۱۱۵	فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین‌ها (۱۱۸۰ - ۱۳۲۸)
۱۱۵	استمرار روند رشد
۱۱۵	فعالیتهای پایدار تا پایان قرن سیزدهم
۱۱۹	شکوفایی شهرها
۱۲۵	ملک، کارگزاران و نهادهای شاه
۱۲۵	شاهان نام آشنا
۱۳۰	انسجام سلطنت از طرق حقوقی و نظامی
۱۳۶	اردوکشی‌های بزرگ‌ترین دور

۱۴۰	دارکزاران شاه
۱۴۲	تلایش برای سازمانهای
۱۴۶	آخرین منزل رشد (۱۳۳۰- ۱۲۸۰)
۱۴۶	محدودیتها و افرادها
۱۵۲	آخرین کاپسین های بلا فصل
۱۵۷	فصل پنجم / مصائب سهمگین (۱۳۲۸- ۱۴۰۳)
۱۵۷	سختی روزگار
۱۵۷	تقارن بلا یا
۱۶۰	سقوط تولیدات، ناآرامی های اجتماعی
۱۶۴	شرایط تیره و تار
۱۶۷	و نیز خلق آثار درخشنان
۱۷۱	دوران سلطنت محدود
۱۷۴	رویدادهای بر جسته
۱۷۴	اولین نقش آفرینی ها
۱۷۸	نبرد در سده های چهاردهم و پانزدهم
۱۸۱	نخستین ناکامی ها (۱۳۳۷- ۱۳۵۶)
۱۸۴	خطر انقلاب (۱۳۵۶- ۱۳۶۰)
۱۸۶	اولین تجدید قوای فرانسوی ها (۱۴۰۴- ۱۳۶۰)
۱۸۹	شکست های تازه (۱۴۲۲- ۱۴۰۴)
۱۹۲	و سرانجام پیروزی (۱۴۰۳- ۱۴۲۲)
۱۹۶	فصل ششم / دورانی تازه (۱۴۰۳- ۱۵۱۵)
۱۹۶	تحکیم قدرت
۱۹۶	سلطنتی مقتدر تر
۱۹۹	افزایش قدرت عمل
۲۰۱	تأثیر فراینده در اروپا
۲۰۱	تجزیه ایالات شاهزاده نشین
۲۰۵	ماجراجویی در ایتالیا
۲۰۷	رونق دوباره اقتصاد
۲۰۷	دگرگونی شرایط
۲۰۹	فعالیتهای پیش رونده

۸ تاریخ فراسه، از آثار تاریخی

۲۱۱	واژه‌نامه
۲۲۲	فهرست‌های راهنمای
۲۳۵	فهرست کسان
۲۴۲	فهرست اماکن و جایها
۲۵۰	فهرست آثار، اسناد و رویدادها
۲۵۲	فهرست اقوام و فرقه‌ها
۲۵۵	کتابنامه
۲۵۷	تصاویر

دیباچه

فرانسه شش ضلعی نه چندان پهناوری است که عمق و وسعت اثرگذاری اش در قاره اروپا و حتی فراتر از آن، همواره بیش از نسبت ارضی یا جمعیتی آن بوده است. این کشور اگر خود از بازیگران بزرگ صحنه جهانی و پیروزمندان صفحه گیتی نبوده، اما استفاده از موقعیت ضعف و بهره‌گیری از شرایط نامطلوب را از دیرباز به خوبی آموخته است. در عهد باستان، مردمان گالیا توانستند شکست خود از سزار در سال ۵۲ ق.م و سه قرن تحت الحمایگی را به فرصتی برای ایجاد رونق و شکوفایی در تجارت و کار و پیشه و حتی پریزی یک فرهنگ مكتوب بدل سازند. در پاکس رومانا یا صلح رومی برنده‌گان اصلی و واقعی سکنه گالیا بودند. با ظهر مسیحیت، گالیا از نخستین اهداف تبلیغی قدیسین عیسوی شد. کلوویس، بزرگ فرانک‌ها، اولین شاه در بین اقوام برابر (غیر رومی)، بود که به کیش رسمی روم گروید و کلیسا را از خطر اضمحلال نجات داد. شاید اگر کلوویس و همسرش کلوتید مسیر حوادث را تغییر نمی‌دادند، موج کوبنده آریانیسم، کلیسا‌ای رومی را از بن و پایه ویران می‌کرد. «دختر ارشد کلیسا» لقبی است که پیشگامی فرانسه در تبعیت از جانشینان پیر و یاری فرانک‌ها در روزگار افول کلیسا را ارج می‌نهد. فرانک‌ها اما اگر دیانت عیسوی روم را نجات دادند، خود در آتش تفرقه و دشمنی سوختند. جنگهای داخلی به ویژه بین اوسترازی و نوستری قرنها بی‌ثباتی و هرج و مرج را بر این کشور مستولی کرد.

تا سرانجام به جای «شاهان کاهل» مروون‌تری، سرداری از حاجیان و مباشران دربار به نام شارل مارتل، قدرت را به دست گرفت و نظم و استقرار را تا حدودی به سرزمین خود بازگرداند. پیروزی او در نبرد پواتیه یا غزوه بلاط الشهداء که نقطه پایان پیشروی مسلمین در اروپا بود، دوّمین خدمت بزرگ فرانک‌ها به کلیسا روم محسوب می‌گردد. اما خدمتی که شارل مارتل با گزافه‌گویی و بزرگ‌نمایی فراوان آن را به پا پ تقدیم کرد تا ارج و اعتباری برای خود بخرد، در حقیقت چیزی جز محروم کردن فرانسه از تمدن درخشنان اسلام و فرهنگ متاللی آندلس مسلمان نبود. خون هزاران نفر به همراه فرمانده صالح و دلاورشان عبدالرحمن غافقی، در دشت پواتیه ریخت تا آخرین بخش از فتوحات مسلمانان در اروپای غربی قرین توفیق نگردد.

شارلمانی نوہ مارتل امپراتوری عظیمی بر پا کرد و حدود آن را نه فقط در معركه سیاست و رزم که در میدان دانش و فرهنگ و هنر، چنان گسترانید که موزخان از آن با عنوان «رنسانس کارولنژی» یاد کردند. قرون وسطی به نیمه راه می‌رسید و نظام جدیدی موسوم به فئودالیته ریشه‌های خود را روز به روز عمیق‌تر می‌کرد. دیگر همه چیز در قالب روابط نسبتاً پیچیده و پر فراز و نشیب سوزرن‌ها و واسال‌ها تعریف می‌شد. حکومت مرکز معنایی نداشت و دهها سال کاپسین‌ها در مقابل دوک‌ها و کنت‌های قدرتمند، توانی برای ابراز وجود نداشتند. در خلاً قدرت مرکزی، فرانک‌ها متفرق و پراکنده شده بودند. فرانسیای شرقی، تحت عنوان امپراتوری مقدس رومی - ژرمنی، فرانسیای میانی با نام لوتنژی، و بالاخره فرانسیای غربی، یعنی همان کشور آتی فرانسه، از هم جدا شدند.

فرانسه بار دیگر برای جبران ضعف خود از برگ برنده کلیسا سود جست. صلح الهی و متارکه الهی دو ابتکار نوین بود که آرامش را برقرار و جنگهای خصوصی را محدود می‌کرد، ابتکاری که در نظر همگان از مردم گرفته تا اشرف و کلیسا، مقبول افتاد. پاپ فرانسوی اورین دوم کانون مجادلات و قدرت طلبی‌ها را از قلب اروپا به مرازهای اسلام منتقل کرد. او با یاوه‌های خود در شورای کلرمون واقع در منطقه اوورنی فرانسه در ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵، آتش جنگهای صلیبی را برافروخت. صلیبیون به سرداری بزرگان و اشرف فرانسوی در ارض مقدس جنایت‌ها کردند و آبروی کیش عیسی را بر باد دادند. اما تعصّب دینی فقط در قشون‌کشی‌های عبّث و بی‌شمر صلیبی

متجلی نگشت. راهبان فرانسوی کشور خود را به مرکز رهبانیت مسیحی بدل کردند. آنان در سنت صومعه گزینی، نظامی نوین و ماندگار و در امر راهبی، بنای رفیعی را بر پا کردند. تأسیس رهبانیت کلونی، سیتو و سرانجام شارترو اروپا را متحول ساخت و سیل ثروت را روانه فرانسه کرد. این شور معنوی و مکنت مادی ثقل قدرت دینی را از رم به فرانسه منتقل نمود. رقیب جدی و خطرناک کلیسا رم، با تأسیس و تملک صدها دیر و صومعه در سراسر قاره سبز، چنان بال و پر گشود که مورخان آن را «امپراتوری کلونی» نامیدند. عمارتهای جدید ملهم از رهبانیت جدید، معماری سبک رمان را به اوج شکوفایی رساند و با ظهور کلیساهاي معظم در قرن دوازدهم سبک گوتیك ابداع گردید. دویست سال جنگ صلیبی، در کنار ویرانی ها و خرابی هایش، اروپائیان و فرانسویان را با اسلام و فرهنگ غنی آن آشنا ساخت. این تماسها و آشنایی ها، به مدارس و محافل علمی پاریس رونق و پویایی بی سابقه ای بخشید. آنان حتی میراث یونانی خود را از طریق مسلمانان و ترجمه آثار آنان کشف کردند. دانشمندان بزرگی چون پیر آبلار، توomas آکویناس، آبرت کبیر، روبر دو ملون، اتین لانگتون، روبر دو کورسن و الکساندر دو هالیس در آن شهر گرد آمدند و مجالس درس به راه انداختند. این پویایی از قرن دوازدهم آغاز شد تا با استمرار و اوج گرفتن آن، قرن سیزدهم به درخشان ترین سده در قرون وسطای متاخر مبدل گردد.

اما شکوفایی های هنری و فرهنگی مانع از آن نشد که اوراق دیگری از صفحات تاریخ اروپا، با تأسیس دادگاههای تفتیش عقاید و قتل عامهای خونین از جمله نابود کردن فرقه کاتار در جنوب فرانسه، تاریک و سیاه گردد. کشتار آلبیژوا و فاجعه مونسکور از نمونه های معروف سبیلت و تعصّب کور است. فیلیپ اگوست، ضمن همراهی با خشونتهای کلیسا، فرانسه را به شکوه و عظمت عصر شارلمانی نزدیک کرد و هویت ملی این کشور را پی ریزی نمود. جانشینان او راهش را ادامه دادند و فیلیپ چهارم ملقب به زیبار و کشورش را به اوج اقتدار رساند. به موازات استحکام و اقتدار حکومت مرکزی، دستگاه کلیسا روم راه ضعف و انحطاط را می پیمود. در سالهای اولیه قرن چهاردهم، نوگاره مباشر و فرستاده فیلیپ زیبار در حادثه ای معروف به «سوء قصد آناگنی» پاپ بونیفاس هشتم را از سریر کبریایی اش چنان به خاک مذلت کشاند که کلیسا پس از این قدرت نمایی فرانسوی، دیگر هرگز نتوانست قامت راست

۱۲ تاریخ فرانسه، از امپراطوری سالس

کند. «دختر ارشد کلیسا» در قرون بعدی نیز به خوبی نشان داد فرزند ناخلفی است که قادر است بزرگ‌ترین دشمنی‌ها و ناسیانی‌ها را در حق مام خود روای دارد.

قرن چهاردهم آمد تا نکبت و تاریکی بر فرانسه و اروپا سایه اندازد. جنگهای صدساله با انگلستان (۱۴۵۳-۱۳۳۷)، طاعون سیاه، قحطی و گرسنگی، بلایایی بود که طی دهها سال جان میلیونها نفر را گرفت و بیش از یک سوم جمعیت اروپای غربی را به کام مرگ کشاند. انشقاق کبیر غربی (۱۴۱۷-۱۳۷۸)، رواج دنیا طلبی، ثروت اندوزی و سیاست‌زدگی آبرو و حیثیتی برای کلیسا باقی نگذاشت. آوینیون مقر جدید پاپ‌ها در فرانسه (۱۳۰۹-۱۳۷۸) دیگر نه تنها هیچ قرابتی با یک مرکز دینی و معنوی نداشت، که بیشتر به یک کارتل بزرگ اقتصادی و یک کارگاه عظیم و متجمّل هنری شبیه بود.

انگلستان به یمن برتری نظامی و سیاسی خود، بر فرانسه استیلا می‌یافت و اگر نبود جسارت و شجاعت ژاندارک، شاید جنگهای صد ساله فروپاشی و وابستگی را برای فرانک‌ها به بار می‌آورد. تاریخ فرانسه علاوه بر ژاندارک زنان دیگری چون ژونویو یا ژن هاشت را که جبران کننده کاهلی و سستی مردان باشند، نیز به خود دیده است. نیمه قرن پانزدهم صلح و آرامش را با خود آورد تا در سایه اختراع با ارزشی به نام دستگاه چاپ، بستر لازم برای رواج فرهنگ جدیدی که از ایتالیا می‌آمد، مهیا و آماده گردد. به همت دو تن از اساتید سوربون، ژان هاینلن و گیوم فیشه، فرانسه پس از آلمان، دوّمین کشوری بود که صاحب این صنعت شد.

اما رنسانس چگونه به فرانسه رسید؟ باز هم با جنگ و قدرت طلبی. در آستانه قرن شانزدهم، بهانه‌ای واهی به دست آمد تا بار دیگر ادعای تاج و تخت، آتش جنگی تازه را بیفروزد. اما این بار دشمن ایتالیایی برخلاف خصم انگلیسی سبکی جدید از زندگی و فرهنگ و جهان‌بینی نوینی را به فرانسویان آموخت. شاهان فرانک اگرچه هرگز به آمال و مطامع خود برای تصاحب ایتالیا نرسیدند، اما در رفت و برگشتها و جنگ و گریزهای مدام، اهل هنر و دانش، تحفه‌ای پُر سودتر از تخت سلطنت با خود به ارمغان آوردنند. رنسانس به فرانسه آمد تا در قالبی نو و بیانی جدید به سرتاسر اروپا صادر گردد. فرانسه بار دیگر نشان داد اگر در فاعلیت و ابتکار، رخوت دارد، در قابلیت و پذیرش فتور و سستی خود را جبران می‌کند. بیشتر موطن است تا مبدع. این

کشور دانش و فلسفه را از مسلمانان، رنسانس را از ایتالیا، اصلاح دینی را از آلمان، شور مذهبی را از اسپانیا و روشنگری را از انگلستان جذب و به خوبی تملک کرد.

کتاب حاضر به حوادث دوره رنسانس و پس از آن نمی‌پردازد اما با بیانی دقیق و علمی تحولات مهم سده‌های میانه، حوادث اصلی قرون وسطی و مقدمات ظهور عصر جدید را تبیین و تحلیل می‌کند. ویژگی‌های این اثر ارزشمند در مقدمه مترجم محترم آمده است و من از تکرار آنها خودداری می‌کنم. همین ویژگی‌ها دو تن از دانشجویان کوشای و پرتلاش دوره کارشناسی ارشد، یعنی خانم سلامی و آقای فلک‌پور را بر آن داشت تا به ترجمه مجدد کتاب همت گمارند. آنان فکر خود را با بنده در میان گذاشتند و با اظهار لطف و محبت همراهی مرا در طرح خود خواستار شدند. آقای فلک‌پور که فکر ترجمه کتاب از آن او بود، در اوایل راه به سبب گرفتاری‌های شخصی از ادامه کار منصرف شد و از آن پس خانم سلامی کار ترجمه و تحقیق را پی گرفت.

به موازات پیشرفت کار، مترجم محترم طی چندین ماه، متناوباً ترجمه‌های خود را در اختیارم قرار می‌داد و بنده نکاتی را متذکر می‌شدم و اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کرم. وی با دقّت و انضباطی ستودنی، اصلاحات را اعمال و احياناً اشتباهات را تصحیح می‌نمود. این زحمات همه برای آن بود که ترجمه‌ای شایسته و در خور نام کتاب و مؤلف دانشمند آن به جامعه دانشگاهی کشور ارائه گردد. با وجود این، نتیجه قطعاً عاری از نقص و خطای نیست، اما گواهی می‌دهم که مترجم محترم از هیچ کوششی برای ارتقای کیفی ترجمه خود و غنا بخشدیدن به آن دریغ نکرد. امیدوارم حاصل زحمت او با رضای خداوند متعال، استفاده خوانندگان و قبول اهل تحقیق قرین گردد. ان شاء الله.

اردیبهشت ۱۳۹۰

محمد جواد محمدی

این همه نقش می‌زنم در طلب رضای تو

مقدمه مترجم

درک تاریخ یک کشور با همه فراز و نشیب‌های آن کار ساده‌ای نیست؛ بدین دلیل که گرچه تاریخ بذات یکتاست؛ اما روایتها و خوانش‌های تاریخی چند گانه است و این امر تا حدی طبیعی به نظر می‌رسد؛ زیرا زمانی یک واقعه به تاریخ می‌پیوندد که مدتی از رخداد آن سپری شده باشد. از این رو حتی گاهی اوقات از «بازسازی تاریخ» سخن به میان می‌آید. بنابراین شایسته است که ذهن فعال دانشجو و پژوهشگر جوان تنها به آگاهی از یک روایت تاریخی بسنده نکند و به تحلیل و درک چگونگی و چرازی رخداد وقایع تاریخی و نیز مطالعه تطبیقی روایتهای چندگانه آنها بپردازد. ترجمه اثر حاضر به منظور تسهیل فراگیری تاریخ فرانسه انجام شد تا دانشجویان با آگاهی از وقایع مهم این کشور در کلاس‌های پر جنب و جوش تاریخ در صدد تحلیل و فهم این مطلب برآیند که آنچه رخ داد، چراخ داد و پیامدش چه بود. بی‌حرکت ساختن ذهن پرسشگر خیانت است و پاسخ به پرسش‌های گوناگون گرچه نه چندان قانع کننده، باز بهتر است تا سکوت کشنده.

در دوره تحصیل خود در مقطع کارشناسی ارشد، وقتی در دسر و زحمت زیاد دانشجویان مطالعات فرانسه را در زمینه فراگیری تاریخ می‌دیدم، با خود می‌گفتم تاریخ فرانسه را باید آموخت؛ زیرا این درس پایه شناخت این کشور است و شناخت هیچ کشوری بدون آگاهی از تاریخش ممکن نیست و تلاش برای فهم فرهنگ

۱۶ تاریخ فرانسه، از آمار تاریسانس

هیچ ملتی بدون اطلاع از آنچه بر ایشان گذشته است، میسر نمی‌شود. این دغدغه پیوسته مرا برابر آن داشت تا در زمان فراغت از تحصیل به ترجمه کتاب حاضر پردازم؛ اما با ترجمه چند برگ از آن بهزودی متوجه شدم که این کار سالها به طول خواهد انجامید و صبر و همت بسیار می‌طلبد. بی‌تردید ترجمه تاریخ جامع فرانسه از عهده یک تن ساخته نیست، بلکه کاری است گروهی و نیازمند به طرح صحیح، افراد متبحر و متخصص، برنامه‌ریزی و هماهنگی؛ اما منتظر فراهم آمدن این اسباب ماندن، کار درستی به نظر نیامد و به خود گفتم اکنون که علاقه و اشتیاق به کار است، باید آغاز کرد تا به تدریج اسباب کار فراهم آید؛ چرا که به گفته حافظ: رهروان را عشق بس باشد دلیل. از این رو کار را آغاز کردم و با خواست خداوند در این مسیر بهزودی یاران، صمیمانه به یاری شتافتند.

کتاب تاریخ فرانسه که در سالیان گذشته با عنوان «سرزمین گل» توسط آقایان حسین قنبری و رضا نیری نیز به ترجمه فارسی درآمده، با ترجمه و ویرایش مجدد در نوع خود کتاب منحصر به‌فردی است که در دسترس عموم قرار دارد. پیشنهاد ترجمه مجدد کتاب مذکور از سوی آقای علی فلک‌پور، دانشجوی مطالعات فرانسه مطرح شد. چاپ مجدد این کتاب در فرانسه توسط انتشارات آموزشی «Hachette éducation»، توجه نویسنده به رخدادهای مهم سیاسی و اجتماعی تاریخ فرانسه بدون غرق شدن در جزئیات آنها و نیز استفاده از تصاویر برای درک بهتر متن از جمله انگیزه‌های پذیرش این پیشنهاد از سوی مترجم بود. دریاره این ترجمه نکاتی چند است که ذکر آن لازم می‌نماید:

- * نظر به اینکه در ترجمه نخستین، از ترجمه توضیحات نویسنده چشم‌پوشی شده بود، تمام توضیحات مفید و لازم نویسنده ترجمه و در پانویس قید شد.
- * از آنجا که در ترجمه نخستین برخی بندها از قلم افتاده و برخی عبارات از متن اصلی کتاب کمتر بود و ترجمه کاستی داشت، در ترجمه جدید افتادگی‌ها اصلاح و تکمیل شد.

- * در ترجمه جدید به منظور مزید فایده، تسهیل کار خوانندگان و استفاده عموم از این اثر، معادل فرانسه واژگان کلیدی و اسامی خاص به صورت پانویس قید شد.
- * شیوه و روشی که برای ترجمه انتخاب شده است نه آزاد است و نه تحت‌اللفظی. برای حفظ بیشتر امانت در نقل به معنا سعی بر این بوده که ترجمه تا آنجا که مقدور است به اصل نزدیک‌تر باشد.

- * سعی و کوشش مترجم بر آن بوده که متن هر چه بیشتر روان، شیوا و گویا باشد و نقطه ابهامی را از جهت دریافت محتوای متن فرانسه باقی نگذارد.
- * تعریف اجمالی اصطلاحات و تعبیری که در متن به کار رفته، اما بدون شرح مانده است، در پانویس ذکر شد.
- * در ترجمه جدید، ضمن حفظ استخوان‌بندی اصلی کتاب، از به کار بردن واژگان نامانوس اجتناب شده است.
- * در مواردی که نیاز به توضیح احساس می‌شد، توضیحات اضافی میان [] و به صورت منفک از متن قرار داده شد و از این رو می‌توان این نوشتار را ترجمه تبیینی به شمار آورد.
- * توضیحات نویسنده در پانویسها مختوم به علامت (–ن). و توضیحات مترجم در پانویسها مختوم به علامت (–م). است.
- * برخی از مترجمان در ترجمه کتابها، به خصوص کتب تاریخی به ترجمه اسامی مختلف تنها به زبانی که به آن تسلط دارند، بسته می‌کنند، در حالی که بهتر است تلفظ یک نام به تلفظ اصلی زبانی که این نام از آن برگرفته شده است، نزدیک باشد؛ به عنوان مثال، در بسیاری از کتب تاریخی، زندارک، بانوی تاریخ ساز فرانسوی ژاندارک ترجمه شده است و این نام مذکر ممکن است خوانندگان عزیز را به اشتباه بیندازد. در این کتاب سعی شده است که اسامی تاریخی به صورت صحیح و مصطلح در زبان اصلی نوشته شود.
- * حرف اضافه «de» در دستور زبان فرانسه به منظور ساخت ترکیب اضافی به کار می‌رود. در بسیاری از اسامی خاص فرانسویان این حرف اضافه وجود دارد. نظر به اینکه در ترجمه تاریخ فرانسه در ایران، انگلیسی‌زبانان پیشگام بوده‌اند و گوی سبقت را از فرانسه‌زبانان ربوه‌اند، این حرف اضافه «دو» ترجمه شده است. در این کتاب از ترجمه تحت‌اللفظی آن «دو» اجتناب شده است.
- * چند کوتاه نوشته: م. میلادی، ق.م. قبل از میلاد مسیح
- * با توجه به اهداف آموزشی کتاب، تصاویر و نقشه‌های مناسب برای درک بهتر متن انتخاب و توضیحات مفید و لازم در پانویسها درج شد.
- * از آنجا که تاریخ فرانسه از دروس دانشگاهی است، فهرستی اختصاصی از مراجع و مأخذ فارسی و فرانسه مورد استفاده در آخر کتاب آورده شد. به دلیل آنکه

۱۸ تاریخ فرانسه، از آغاز تارنسانس

تاکنون کتب فرانسه به فارسی ترجمه نشده است، برای مزید اطلاع، فهرست مذکور به زبان فارسی نیز درج شد.

* فهرست واژه‌نامه شامل توضیحات واژگان کلیدی تاریخ فرانسه و نیز فهرست راهنمای نمایه با تفکیک به چهار بخش فهرست کسان، فهرست اماکن و جایها، فهرست آثار، اسناد و رویدادها و فهرست اقوام و ملتها در آخر کتاب درج شد.

* جملات پایانی این مقدمه بی‌تردید جایگاه تقديرها و تشکرهاست. در این صورت هیچ نامی سزاوارتر از نام استاد ارجمند دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر محمدجواد محمدی برای سپاسگزاری نیست که در گشودن گره‌هایی که گاه ناگشودنی می‌نمود، در مسیر ترجمه و ویرایش پاریگر ما بودند. در بررسی کامل کتاب، برابری با متن فرانسه، اصلاح و باز خوانی آن زحمات زیادی را تقبل کردند و با دقت و باریک‌بینی خود بر امانت این ترجمه افزودند. همچنین لازم می‌دانم از جناب آقای علی فلک‌پور که در ویرایش بخشی از کتاب حاضر و باز خوانی آن با ما همکاری داشته‌اند، تشکر کننم. در پایان از استاد محترم گروه مطالعات فرانسه دانشگاه تهران به‌ویژه جناب آقای دکتر حسینی و جناب آقای دکتر اسفندی که هر یک به نوعی مرا در ترجمه این اثر پاری کردند، صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌کنم و توفیق روزافزون همه آنها را از خداوند متعال می‌خواهم.

اکنون با اذعان به اینکه این اثر عاری از اشکال نیست، خاضعانه مراتب سپاس خود را به پیشگاه بزرگوارانی که با تذکر اشان این جانب را ارشاد خواهند نمود، تقديم می‌دارم. به هر حال ما در زمینه ترجمه کتابهای معتبر تاریخی در آغاز راه هستیم و امید است که بتوانیم در این راه گامهای بیشتری برداریم. اثر حاضر به پژوهشگران تاریخ و به‌ویژه آنان که مشتاق‌اند تاریخ فرانسه را مطالعه کنند، تقديم می‌گردد^۱ تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید.

شهناز سلامی

۱. histoiredelfrance@yahoo.fr

از خوانندگان گرامی استدعا دارم، این جانب را از پیشنهادها و انتقادات خود بهره مٹه سازند.

مقدمه نویسنده

این اثر پاسخگوی نیاز شمار زیادی از علاقه‌مندان به تاریخ است که به سبب مطالعه برخی آثار صرفاً موضوعی سردرگم شده‌اند و از آگاهی و شناخت کافی نسبت به مقاطع زمانی مشخص و رخدادهای خاص باز مانده‌اند و حتی به تصاویر مردان و زنانی که در برهه‌هایی از زمان، عصر خویش را تحت تأثیر قرار داده‌اند، دست نیافته‌اند. بنابراین، می‌باشد از هرگونه خطأ و اشتباه بر حذر ماند. گرچه کتاب حاضر به خواننده یک چارچوب زمانی صرف ارائه می‌دهد و نیز روایتی داستان‌گونه را در خود گنجانده است، با این وجود نباید سهم اساسی آثار بزرگ تاریخ اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را نادیده گرفت، چراکه بحق این مهم سبب شهرت مکتب تاریخی فرانسه شده است. هدف این اثر منسجم، ارائه ترکیبی از چندین دیدگاه در خصوص تاریخ فرانسه می‌باشد. گرچه خواننده در این کتاب به توضیحات و نکات برجسته و حساسی در خصوص جنگ صد ساله، پادشاهی لویی چهاردهم، هنر کلاسیک، انقلاب فرانسه، جمهوری پنجم و غیره بر می‌خورد، به همان نسبت با اشاراتی به بی‌ثباتی قیمت‌ها، نوسانات اقتصادی، تغییرات آب و هوا، پیدایش گاوآهن، شیوع طاعون، ازدیاد و هجوم گرگ‌ها و همچنین بیمهای جمعی و اعتقادات پیشینیان روبرو می‌شود. یادداشت‌های حواشی متون، تصاویر متنوع و نقشه‌ها به درک هرچه بهتر خواننده از متن کمک می‌کند؛ متنی که از یک دوره وسیع تاریخی (از پایان عهد باستان تا فرانسه امروزی) ترکیبی جامع و کاربردی ارائه می‌کند.

دانیل ریوب

بخش اول

پایان عهد پاستان

چشم اندازهای حال حاضر کشور فرانسه حاصل تغییرات و تحولات بسیار گند در پستی و بلندی‌ها، آب و هوا و آثار به جای مانده از انسانهاست. طی هزاران سال، تحت تأثیر فشارهای پوسته زمین، فرسایش و تغییرات شدید آب و هواست، بافت طبیعی این سرزمین دچار دگرگونی شده است. در چرخه طبیعت، دگرگونی‌هایی به وجود آمد و این امر به تغییرات معتبرابه در سطح دریاهای، گیاهان و جانوران منجر شد. در قرون وسطی، بافت کنونی سواحل دریاهای شکل گرفت؛ بافتی که تا حدودی نقش انسان نیز در ایجاد آن تأثیرگذار بود. برای تعیین نام این سرزمین (فرانسه کنونی) زمان بسیاری سپری شد.

طی قرون متتمادی، ساکنان سرزمینی که می‌توان آن را شش ضلعی^۱ نامید، قادر مفهومی به نام وحدت سیاسی بودند و نیز نام مشخصی نداشتند. اولین نامها را رومی‌ها و سپس فرانک‌های ژرمن تبار^۲ خارج از این شش ضلعی، این سرزمین نهادند. در قرن سوم ق.م رومی‌ها دریافتند که جنگجویان وحشی سلت^۳ تا چه اندازه به خروس^۴ علاقه دارند و این حیوان را تا حد پرستش دوست دارند. البته، نام فرانسه در گذشته‌ای

۱. L'Hexagone» «منظور از شش ضلعی، سرزمین فرانسه است. [تصویر ۱]-۴.

2. Les Francs originaires de Germanie

3. Celte

۴. Le coq به معنی خروس، معادل واژه لاتین Gallus (گال) می‌باشد که واژه Gaulois (گال یا اهل گالیا) از آن اقتباس شده است -۴.

نسبتاً نزدیک معمول شده است. این نامگذاری به اسکان قبایل فرانک در شمال گالیای رومی^۱ (تحت سلطه رومی‌ها) ارتباط دارد که این امر به مدد حملات سهمگین برابرها^۲ صورت گرفت. کلوویس^۳ فرمانروا (۵۱۱ – ۴۸۱) [تصویر^۲، موفق شد پادشاهیهای کوچک فرانک را در مجموعه ارضی نسبتاً وسیعی گرد آورد که پادشاهی فرانک‌ها^۴ نام داشت. در دوره مروونژی^۵، این نام به فرانسیا^۶ تغییر کرد و در بین مردم مصطلح شد.

با توجه به اطلاعات کنونی، به نظر می‌رسد که مدت مديدة طول کشید تا انسانها در شش ضلعی ساکن شوند. با در نظر گرفتن شواهدی همچون انسانهای اولیه که پنج میلیون سال قبل در قاره آفریقا می‌زیسته‌اند و نیز سنگریزه‌های مصدق که در منطقه شیلاک^۷ (ناحیه بالای رود لوار^۸) یافت شده‌اند، می‌توان تصور کرد که از یک میلیون و هشتصد سال قبل انسان‌هایی در این سرزمین می‌زیسته‌اند؛ اما با اطمینان کامل نمی‌توان این مطلب را بیان کرد. در مقابل، در غار والونه^۹ واقع در روکبرون - کاپ - مارتون^{۱۰} (آلپ - ماریتیم^{۱۱}) ابزارهایی وجود دارند که قدمت آنها به حدود ۹۰۰ هزار سال ق.م. بر می‌گردد. اردوگاه شکارچیان فیل و کرگدن با قدمت ۸۰۰ هزار سال ق.م. در سوله آک^{۱۲} (ناحیه بالای رود لوار) کشف شده است. انسان تو تاول^{۱۳} که

1. La Gaule romaine

۲. «Les barbares» این واژه از زبان یونانی باستان اقتباس شده است. یونانیان باستان از این کلمه به منظور تمیز دادن یونانیان از غیریونانیانی که نمی‌توانستند زبان یونانی را فراگیرند، استفاده می‌کردند. در دوره روم، رود راین مرز جداکننده تمدن رومی از بربرها یا غیر رومی‌ها بود. جنگجویان برابر سربازان ترسناک و بی‌باکی بودند و به نظر می‌رسید که برای کسب افتخار در نبرد زندگی می‌کنند. رومی‌ها بسیاری از آنها را جذب سپاه خود کردند - م.

3. Clovis

4. Regnum Francorum

5. L'époque mérovingienne

6. Francia

7. Chilhac

8. Loire

9. Vallonnet

10. Roquebrune-Cap-Martin

11. Alpes-Maritimes

12. Soleihac

13. L'homme de Tautavel

جمجمه آن نزدیک ناحیه پرپینیان^۱ یافت شده است، بیشک به ۴۵۰ هزار سال ق.م. هرمن گردد و به گروه هومو ارکتوس^۲ تعلق دارد (۱۵۰ سانتی متر قد، هزار سانتی متر مکعب گنجایش جمجمه تحتانی). چشم انداز ترا آماتا^۳ در ناحیه نیس^۴ با قدمت ۳۸۰ هزار سال ق.م. حاکی از آن است که انسان به آسانی از آتش استفاده می‌کرده و از آن تاریخ به بعد، از توانایی ساخت ابزارهای ساده از سنگی بسیار سخت به نام چخماق برخوردار بوده است.

بسیاری از تغییرات زیستی نیز نسل انسان را تحت تأثیر قرار داده است. قد، شکل جمجمه و حجم مغز طی هزاران سال اصلاح شده است. گونه‌های انسانی زیادی پدید آمده‌اند، رشد و تکامل یافته و سپس از میان رفته‌اند و جای خود را به گونه‌های جدید تکامل یافته‌تر و ماهرتر داده‌اند. در نتیجه، گونه‌های انسانی زیر یکی پس از دیگری در شش ضلعی می‌زیسته‌اند:

ابتدا هومو ارکتوس سپس هوموساپی恩^۵ [تصویر ۳] یا انسان نئاندرتال^۶ [تصویر ۴] (بین ۱۰۰ هزار تا ۴۰-۳۵ هزار سال ق.م.) و در آخر هوموساپی恩 ساپیین^۷ که بیشک در پی یک دوره یخبندان از شرق اروپا آمده بودند. نسل فرانسویان حال حاضر به طور مستقیم به این گونه انسانی برمی‌گردد.

در حدود ۱۸ هزار سال ق.م، سرما به شدت افزایش یافت. شش ضلعی، جلگه‌ای بود که در آن گله‌های بزرگ حیوانات علف‌خوار از قبیل اسب، گاو، بوفالو، گوزن شمالی، ماموت و غیره می‌زیستند. این حیوانات توسط گروههای چادرنشین و غارنشین هوموساپی恩 ساپیین تعقیب و شکار می‌شدند. این گروهها در زیر چادرهایی از پوست حیوانات یا در غارهایی که بر روی دیوارهای آنها تصاویر بزرگی نقاشی شده است، پناه می‌گرفتند. نقاشی‌های غار لاسکو^۸ [تصاویر ۵ و ۶] از قدمتی معادل

1. Perpignan

2. L'Homo erectus

3. Terra Amata

4. Nice

5. L'Homo sapiens

6. L'homme de Neandertal

7. L'Homo sapiens sapiens

8. Lascaux

۱۵۵۰ سال ق.م. برخوردارند. گرم شدن دوباره آب و هوا بین ۱۰ تا ۸ هزار سال ق.م. تغییرات شدید محیطی و توازن طبیعی را به وجود آورد. سطح دریاهای دوباره بالا رفت، جلگه‌های یخ زده جای خود را به جنگل‌های انبوه از درختان قان، بلوط، زیزفون، نارون، راش و توسکا داد. ریزش برگهای این درختان در فصول متمادی، هوموس^۱ موجود در خاک را تقویت نمود. گیاهان تیره غلات^۲ افزایش یافت. تعداد زیادی از حیوانات عظیم‌الجثه عصر یخ‌بندان که به سختی خود را با آب و هوا گرم و مرطوب وفق می‌دادند، از بین رفتند و گونه‌های حیوانی از قبیل گوزن، گراز، آهو، گرگ، وغیره که سازگاری بهتری با زندگی در جنگل داشتند، جای آنها را گرفتند. تمدن شکارچیان ماهیگیران رو به زوال بود. بدین‌سان از عصر پارینه‌سنگی^۳ عبور کرده، وارد عصر نو‌سنگی^۴ می‌شویم. در این عصر، شاهد رام کردن حیواناتی از قبیل گوسفند و سگ توسط انسان طی هزاره هفتم هستیم و نیز طی این هزاره انسان قایقهایی ساخت تا به قصد سکونت به جزیره کورس^۵ برود.

بی‌شک، کشت غلات طی هزاره پنجم در شش ضلعی به واسطه ارتباط با مردم پیشرفته مدیترانه یا اشغالگران شرق اروپا محقق شد. در ناحیه کورتزاون^۶ واقع در وُکلوز^۷ بقایای روستایی کشف شد که در حدود ۴۶۵۰ سال ق.م.، سکنه آن به کوزه‌گری، کشاورزی و پرورش دام اشتغال داشتند. از هزاره چهارم به بعد، سکنه سواحل دریای مانش^۸، اقیانوس اطلس، و دریای مدیترانه، منهیرها^۹ و

۱. هوموس (Humus): خاک برگ - م.

2. Les graminées

۲. در این عصر بر اثر تغییرات محیطی، دریاهای پدید آمد. گسترش و پیشرفت ابزارهای ظریف سنگی واکنشی به نیاز به یافتن منابع خوراکی تازه بود. ابزارهای پیشرفته دوره پارینه‌سنگی شکار را آسان و ماهیگیری را ممکن پذیر ساخت. [تصاویر ۷ و ۸] - م.

۴. در این عصر، به دلیل گسترش کشاورزی و نیاز به خرمن و فرآیند کاشت، ساخت و تراش ابزارهای سنگی که به کار تیز کردن، بریدن و تیشهزدن می‌آمد، گسترش یافت. [تصویر ۹] - م.

5. La Corse

6. Courthezon

7. Le Vaucluse

8. La Manche

۹. سنگی عمود ایستاده بر روی زمین که به تنها یا در یک ردیف قرار می‌گرفت و به ندرت دایره‌ای را تشکیل می‌داد. از جمله تفاسیر بنای این سنگ می‌توان به پرستش خدایان و نیاکان اشاره کرد. [تصویر ۱۰] - م.

ذلمنها^۱ را بنا کرده بودند. در اواسط هزاره سوم، سکنه ناحیه سِون^۲ به ذوب مس مبادرت کردند و سپس موفق شدند به ترتیب به زرگری و در حدود سال ۱۸۰۰ ق.م. به برنزسازی پردازند. به منظور به دست آوردن سایر فلزات و بهویژه فلز قلع، بین ساکنان شش ضلعی، اسپانیا، انگلیس و اروپای مرکزی رابطه برقرار شد. در خلال هزاره دوم، انسان فرا گرفت که چگونه از حیوانات برای بارکشی استفاده کند. توانست اسب را اهلی کند و نحوه بکارگیری ارابه و گاوآهن را یاد گرفت. بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ ق.م، اهالی دره رود دانوب^۳ یا آلمان جنوبی^۴ که مردگان خویش را می‌سوزاندند، در شرق شش ضلعی ساکن شدند. در این ناحیه اولین هجوم سِلت‌ها صورت گرفت و در قرن هشتم ق.م.، این تهاجمات شدت بیشتری گرفت. کار بر روی فلز آهن از سال ۷۵۰ ق.م. در دره‌های آلپ^۵ صورت می‌گرفت. به دنبال موج تهاجمات پی‌درپی، شش ضلعی به مجموعه‌ای ارضی مبدل شد که ساکنان چند قومی اش به زبانهای مختلفی صحبت می‌کردند. سِلت‌ها که همزمان دره رود دانوب و آلمان جنوبی را اشغال کرده بودند، تنها یکی از گروههای این مجموعه را تشکیل می‌دادند. آنها از شمشیرهای آهنی بلند و ارابه‌های جنگی استفاده می‌کردند و اغلب موفق می‌شدند اقوام دیگر را تحت سلطه خویش درآورند. اردوگاه‌هایی ساختند که با خندقها و باروها احاطه شده بود. این اردوگاه‌ها موسوم به آپیدا^۶ [تصویر ۱۲]، توسط طبقه جنگجویان اداره می‌شدند و در آنها پیشه‌وران مشغول کار بودند. آپیدوم دو ویکس^۷ (امروزه ساحل طلایی)، که در قرن ششم میلادی بسیار آباد بود، در جاده قلع^۸ قرار داشت. این جاده از انگلستان شروع

۱. سنگی افقی است که بر روی حداقل دو سنگ عمود که به عنوان پایه محسوب می‌شدند، قرار می‌گرفت. این سنگها غالباً به عنوان بنایی یادبود دسته جمعی مردگان تفسیر می‌شوند. این سنگها معمولاً از جنس مگالیت بوده و در زیر تلی از خاک مدفون شده‌اند. [تصویر ۱۱] - م.

2. Les Cévennes

3. Le Danube

4. L'Allemagne du Sud

5. Alpes

6. L'Oppida

7. L'Oppidum de Vix

۸. جاده‌ای تجاری در دوره ماقبل تاریخ و عهد باستان پسین بوده است - م. La route de l'étain.

شده، در امتداد دره رودهای سین^۱، سائون^۲ و رُن ادامه می‌یافتد. بازارگانان یونانی و اتروسک^۳ به ناحیه میدی^۴ پا گذاشتند. بندر مارسی^۵ را در سال ۶۰۰ ق.م. یونانی‌ها^۶ ساختند. جنگجویان شجاع و بی‌باک سِلت که از تجهیزات نظامی کافی برخوردار بودند، بین قرون پنجم و سوم ق.م. به سوی ایتالیا (تسخیر روم در سال ۳۸۵ ق.م.)، یونان (بین سالهای ۲۷۵ و ۲۸۰) و آسیای صغیر لشکرکشی کردند و غنایم فراوانی به دست آوردند. طی قرن سوم، سکنه ساحل دریای مدیترانه که قربانی تاراج سِلت‌ها شده بودند، با اشغالگرانی مواجه بودند از جمله: سِلت‌های شرقی یا گالات‌ها^۷ که به سرعت با فرهنگ و تمدن یونانی خو گرفتند، و سِلت‌های غربی که در شمال ایتالیا، شش ضلعی، بلژیک^۸، آلمان جنوبی ساکن شدند و رومیان آنان را گال‌ها^۹ نامیدند [تصویر ۱۳].

گالیا^{۱۰}، در آن سوی آلپ - از این پس، شش ضلعی را گالیا می‌نامیم - بین قبایل رقیب اِدئون‌ها^{۱۱} و آرورن‌ها^{۱۲} تقسیم شده بود. این قبایل فاقد هرگونه وحدت سیاسی بودند و این سرزمین در آخرین قرون استقلالش، تا حدودی از آبادانی و آسایش نسبی برخوردار بود. ساکنان گالیا کشاورزان خوبی بودند و از خیشها یی استفاده می‌کردند که برخی از آنها به تیغه آهنی مجهز بود. همچنین از نحوه درست کردن شهداب و آبجو اطلاع داشتند. آنان بشکه را اختراع نمودند و به استحصال نمک پرداختند. پیشه‌وران ماهر، ضامن اصلی آبادانی اپیداهای بسیاری بودند

1. La Seine

2. La Saône

۳. اتروسک نام قومی غیر هند - اروپایی بود که پیش از آمدن رومی‌تباران هند - اروپایی به ایتالیا در بخش‌هایی از ایتالیا ساکن بودند - م.

4. Le Midi

5. Marseille

6. Les Grecs

7. Galates

8. La Belgique

9. Gaulois

۱۰. La Gaule در گذشته به ناحیه‌ای گفته می‌شد که از یک سوبه کوه‌های پیرنه و از سوی دیگر به رود راین محدود می‌شد. این منطقه، امروزه شامل فرانسه، هلند، قسمتی از سوئیس و لوگزامبورگ می‌باشد - م.

11. Les Eduens

12. Les Arvernes

(آواریکوم^۱، ژرگووی^۲، بیبراکت^۳، آلزیا^۴، لوتس^۵). آنها صابون، شیشه، جواهرات، سفال و سلاحهایی که به استحکام شهرت داشتند، می‌ساختند.

شبکه‌ای ابتدایی از جاده‌ها، راهها، و پایابهایی که از جنگل‌های انبوه گالیا می‌گذشت، امکان مبادلات تجاری پویا را فراهم می‌کرد. بین ساکنان گالیا که الفبای یونانی را فراگرفته بودند، سکه‌هایی رواج داشت که از سکه یونانی نمونه برداری شده بود. با توجه به رشد جمعیت، می‌توان تعداد ساکنان گالیا را در زمان فتح و اشغال آن در حدود ۸ میلیون نفر برآورد کرد. ساکنان آن نوعی شلوار کوتاه بر تن می‌کردند که یره^۶ نام داشت، به جواهرات علاقه داشتند و کلاه بر سر می‌گذاشتند. نوک این کلاه با مرجان تزئین شده بود یا پرنده‌ای در بالای آن قرار داشت. گال‌ها جامعه‌ای ناآرام و طبقاتی (اشراف، افراد آزاد^۷ و بردگان) را تشکیل داده بودند. این جامعه از نوعی سازماندهی سیاسی نسبتاً پیشرفته برخوردار بود (وجود یک شورا در هر قبیله و یک قاضی^۸ منتخب برای یک سال). ساکنان گالیا گیاهی به نام گی^۹ را که در زمستان سبز می‌ماند، نماد جاودانگی روح می‌دانستند و آن را مورد تکریم قرار می‌دادند. مردم به دروییدها^{۱۰} که در عین حال طبیب، ستاره‌شناس و واسط میان خدایان و انسانها

1. Avaricum

2. Gergovie

3. Bibracte

4. Alésia

5. Lutèce

6. La Braie

۷. آزاد در مقابل بردگان.

۸. این قاضی در آن دوره «Vergorbet» نامیده می‌شد. وی به جامعه سیلت‌ها تعلق داشت و صاحب منصب قضایی عالی در شهرهای سرزمین گالیا به ویژه در میان ادنون‌ها بود. این شخص در خصوص مرگ و زندگی ساکنان گالیا تصمیم می‌گرفت، به ارتضی دستور دفاع از این سرزمین را می‌داد و از شهر محل خدمت خود منع الخروج بود.

۹. در زبان فارسی این گیاه دارواش نامیده می‌شود.

۱۰. این شخص دانا و توانای کل، به طبقه جنگجویان سیلت تعلق داشت. در عین حال فیلسوف، صاحب خرد، مورخ، مشاور حقوقی، و مشاور نظامی بود. در وهله نخست، درویید واسط میان خدایان و انسانها به شمار می‌رفت و برگزاری مراسم مذهبی از جمله قربانی کردن را به عهده داشت. دروییسم نه تنها مذهب سیلت‌ها محسوب می‌شد، بلکه پایه و اساس تمامیت تمدن آنها را نیز تشکیل می‌داد. [تصویر ۱۴]

۲۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ سالی

بودند، احترام زیادی می‌گذاشتند. بدین‌سان، در داخل آپیدا نظیر آپیدای گورنی - سور-آرونده^۱ (امروزه اوئز^۲) پرستشگاه‌هایی وجود داشت که در آنها حیوانات و حتی گاهی زندانیان یا جنایتکاران برای خدایان قربانی می‌شدند.

از پایان قرن سوم ق.م. به بعد، سلت‌ها از تهاجم به سوی مدیترانه دست کشیدند و به سرعت وقایع جدیدی به وقوع پیوست: گالیا مورد طمع رومی‌ها و ژرمن‌ها^۳ قرار گرفت و رومی‌ها در سال ۱۲۵ ق.م. در ناحیه میدی، استانی به نام پروانسیا^۴ (که واژه پروانس^۵ از آن مشتق شده است) به وجود آوردند. ژرمن‌ها همانند سامبرها^۶ و توئن‌ها^۷ بین سال‌های ۱۲۰ و ۱۰۲ ق.م. قسمت‌هایی از گالیا را اشغال کردند و سپس سوئوهاي آریوویست^۸ در حدود سال ۷۰ ق.م. در آلزاس^۹ ساکن شدند. در سال ۵۸ ق.م.، ژولیوس سزار^{۱۰} [تصویر ۱۵] که از طمع بی‌حد و حصر سوئوها بر قبایل گالیا، یا همان متحдан روم نگران شده بود، در امور این سرزمین مداخله نمود. سزار در رأس دسته‌های نسبتاً کم شمار (در حدود ۵۰ هزار نفر)؛ اما کاملاً منضبط، هلوت‌ها^{۱۱}، سوئوها^{۱۲}، بلژها^{۱۳} و در سال ۵۷ ق.م. قبایل

1. Gournay- sur- Aronde

2. Oise

۲. «Les peuples germaniques» جمعیت هند - اروپایی‌تبار که در مناطق دریای بالتیک ساکن شدند و به دلیل تغییرات آب و هوایی مناطق اروپای شمالی به سوی اروپای مرکزی مهاجرت کردند. این مهاجرت یکی از علل نقل مکان سلت‌ها به فرانسه است - م.

4. Provincia

۵. «Provence» این واژه در زبان فرانسوی به معنی استان است - م.
۶. «Les Cimbres» از اقوام سلتی یا آلمانی بودند که همراه با توئن‌ها، امپراتوری روم را در اوآخر قرن دوم ق.م. تهدید کردند - م.

7. Les Teutons

۸. «Les Suèves d'Arioviste Alsace» گروهی از مردمان ژرمن‌تبار بودند که در لشکرکشی آریوویست (در حدود سال ۵۸ ق.م.) از سزار شکست خوردند - م.

9. Alsace

10. Jules César

۱۱. «Les Helvètes» ساکنان سلتی سوئیس کنونی در دوران باستان بودند. در سده نخست ق.م. از جنوب آلمان به سوئیس کوچ کردند و تحت فشار ژرمن‌ها تصمیم گرفتند تابه گالیا مهاجرت کنند - م.

12. Les Suèves

۱۲. «Les Belges» مردمانی بودند که در شمال شرقی گالیا، در ساحل غربی رود راین در سده یکم ق.م. می‌زیستند. نام کشور بلژیک از نام آنها برگرفته شده است - م.

آرموریکن^۱ را شکست داد. شورش عظیمی توسط گال‌ها در سال ۵۲ ق.م. به وقوع پیوست. اشراف زاده‌ای به نام ورسان ژتوریکس^۲ [تصویر ۱۶] که اهل آرورن^۳ بود، فرماندهی این شورش را به عهده گرفت و با استفاده از تاکتیک زمین سوخته^۴، موجبات شکست سزار در ناحیه ژرگووی را فراهم آورد. بر اثر سوء تدبیر سواران گالیا، حمله به لژیون‌های روم^۵ که عقب‌نشینی را شروع کرده بودند، با شکست مواجه شد. این امر ورسان ژتوریکس را مجبور به عقب‌نشینی تا ناحیه آلزیا^۶ (امروزه آلز-سن-رن^۷) کرد. سردار رومی بلا فاصله اپیدوم را محاصره کرد و در اطراف آن شبکه پیچیده‌ای از استحکامات را به وجود آورد. سپاهی که از گالیا به کمک ورسان ژتوریکس آمده بود، از پا در آمد. محاصره شدگان از فرط گرسنگی تسليم شدند. ورسان ژتوریکس به عنوان اسیر جنگی در پاییز ۵۲ ق.م.، به روم برده شد تا قبل از آنکه گردنش زده شود، جلوه‌ای باشد برای پیروزی سزار. در سال ۵۱ ق.م.، آخرین شورشیان گالیا را به او کسلودونوم^۸ واقع در کرسی^۹ انتقال دادند و در آنجا دستهایشان را قطع کردند.

۱. از جمله قبایل گال که در ناحیه آرمونیک زندگی می‌کردند - م.

2. Vercingétorix

3. Arverne

۴. این تاکتیک در شرایط نبرد نظامی به منظور تخریب و سوزاندن زیرساختها، بناءها، محیط اطراف، و به طور کلی امکانات به کار برده می‌شد تا موارد مذکور را برای دشمن غیرقابل استفاده سازند - م.

۵. این واحد اصلی ارتش روم، در حدود ۵ هزار نفر را در بر می‌گرفت که به ده گروهان واحدی نظامی در روم باستان، معادل یک دهم لژیون) تقسیم می‌شدند. هر گروهان متشکل از سه واحد نظامی بود که هر یک، از دو گروه حدوداً هشتاد نفره تشکیل می‌شده است. [تصویر ۱۷] - م.

6. Alésia

7. Alise- Sainte- Reine

8. Uxellodunum

9. Le Quercy

فصل اول

گالیای رومی

گالیا در پی برخورد با تمدن روم تحول عمیقی یافت. کشور به چند قسم تقسیم شد؛ اما در مقابل، تا مدت‌های مدیدی آرامش و آبادانی به دست آورد. از قرن سوم به بعد و به‌ویژه در قرون چهارم و پنجم وضعیت داخلی بر اثر هجومها و یورش‌های مکرر به وخامت گرایید و از آن زمان به بعد، این سرزمین تحت تأثیر ژرمن‌ها قرار گرفت.

صلح باروم

سيطره و انضمام سیاسی

اگوست^۱ اولین امپراتور روم [تصویر ۱۸] (از سال ۲۷ ق.م. تا سال ۱۴ م.) به کمک داماد خود، آگریپا^۲، اداره سرزمینهای اشغالی را سازماندهی کرد. در جنوب، بر وسعت ایالت قدیمی رومی که در سال ۱۲۵ ق.م. تأسیس شده بود، افزوده شد. این ایالت که بعدها ناربونز^۳ نام گرفت، توسط یک کنسول ایالتی^۴ اداره می‌شد؛ اما در شمال، گالیا (سرزمین

1. Auguste

2. Agrippa

3. La Narbonnaise

4. Le proconsul» کنسول ایالتی توسط سنای روم به منظور اداره یک ایالت فاقد لژیون انتخاب می‌شد. در گالیا، این انتخاب تنها در ایالت ناربونز صورت می‌گرفت. -م.

۳۴ تاریخ فرانسه، از اغاز تاریخ سانس

گال‌های مو بلند^۱) به سه ایالت تقسیم و اداره هر یک از آنها به نماینده سینای روم^۲ سپرده شد. این سه ایالت به ترتیب عبارتند از: آکیتن^۳ (در جنوب غربی)، سیلیک یا لیونز^۴ (بین رودهای لوار و سین)، و بلژیک (در شمال رود سین و تا رود راین^۵) [تصویر ۱۹]. ایالات در پیرامون دایره‌ای با مرکزیت لیون از یکدیگر مجزا می‌شدند. لیون^۶ که در سال ۴۳ ق.م. تأسیس شده بود، بعدها به پایتخت گالیا تبدیل شد. از سال ۱۲ ق.م.، نماینده‌گانی از تمام دولت شهر گالیا^۷ - دولت شهر در معنای قدیمی خود، یعنی دربرگیرنده یک یا چند شهر و زمینهای وسیع روستایی اطراف آن به طور مرتب سالانه یکبار در قالب شورایی موسوم به شورای فدرال در شهر لیون گرد هم می‌آمدند. نماینده‌گانی از ۶۰ دولت شهر گالیا در کنار تپه فورویر^۸ مراسمی به منظور ستایش روم و امپراتور برگزار می‌کردند و در خصوص اداره ایالات به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. گال‌ها نظیر سایر اقوام مغلوب ملزم به پرداخت خراج به روم بودند. رومی‌ها اراضی ایالات اشغالی را به مثابه اموال عمومی قلمداد می‌کردند، اما پذیرفته بودند که در ازای پرداخت مالیات، آنها را برای کار در اختیار مغلوبین قرار دهند. اگوست برای سهولت در وصول این مالیاتها، دستور تأسیس «دفتر ثبت اراضی»^۹ را صادر کرد که هر

۱. «La Gaule chevelue» این عبارت برای اولین بار توسط ژولیوس سزار در کتابش به نام «تفسیری بر جنگ گال‌ها» برای نامیدن گالیایی که در آن دوره وابسته به روم نبوده است و پیش از آنکه وی این سرزمین را فتح کند، به کار برده شده است. پیش از رومی شدن گالیا، اغلب، مردان گالیا موهای بلند و سیلیهای کلفتی داشتند. تحت تأثیر فرهنگ لاتین تغییراتی در ظاهر آنها به وجود آمد که از آن جمله می‌توان به کوتاه کردن مو و سیل اشاره کرد - م.

۲. «Le légat» این عنوان که از واژه لاتین *Legatus* به معنای نماینده اقتباس شده است، به نماینده‌گان رسمی روم باستان اطلاق می‌شد. این نماینده‌گان از سوی سینای روم به مدت کوتاه یا مددی انتخاب می‌شدند - م.

3. L'Aquitaine

4. Lyonnaise

5. Le Rhin

6. Lyon

7. Les cités gauloises

8. Fourvière

۹. «Le cadastre» شکل‌گیری مستعمرات روم در گالیا تغییراتی را در چشم انداز اراضی ایجاد کرد. خاک این سرزمین، به واحدهای قطعات مربعی شکلی به عرض ۷۰۴ تا ۷۱۰ متر تقسیم شد. این واحدها به عنوان واحدهای پایه‌ای برای توزیع سهم زمین به زارعین وابسته به زمین بهشمار می‌آمد. دفتر ثبت اراضی مستولیت این امور را به عهده داشت - م.

۱۵ سال یک بار مجدداً مورد بازبینی قرار می‌گرفت. همچنین مالیات‌های دیگری بر فروش کالا، ارث، آزادی بردگان، و حمل و نقل وضع شده بود.

روم با درایت کامل به هر دولت شهری از گالیا اجازه داده بود تا از قوانین قدیمی خود استفاده کند و قدرت سیاسی محلی اشراف گالیا را به قوت خود باقی گذاشته بود. اشغالگران کم‌شمار رومی به کمک و حمایت بزرگان گالیا که در نهادهای جدید دولت شهرها مستقر شده بودند، تکیه می‌کردند. بسیاری از اشراف این سرزمین که هم‌پیمان روم بودند، نام خود را به نامهای رومی تغییر می‌دادند، زبان لاتین را فرا می‌گرفتند، به عنوان قاضی شهر انتخاب می‌شدند و عنوان شهروندی روم را به دست می‌آورdenد. عنوان شهروند به دارنده آن اجازه می‌داد که تحت حاکمیت قوانین روم زندگی کند و به عنوان کارگزار اداری یا نظامی در خدمت امپراتوری روم باشد. امپراتور کلود^۱ که در سال ۴۸ م. در شهر لیون به دنیا آمد و به گالیا علاقه داشت، تصمیم گرفت تا راه را برای ورود نمایندگان طبقه اشراف گالیا به سینای روم^۲ هموار کند. مغلوبین دیروز به تدریج وارد حیات سیاسی امپراتوری شدند. بسیاری از گالها در سطوح مختلف اداری و نظامی به خدمت مشغول شدند. امپراتور آنتونین^۳ در قرن دوم اصالتاً متعلق به خانواده‌ای از ناحیه نیم^۴ بود. عنوان شهروندی به طور روزافزونی به گالها اعطا می‌شد و در سال ۲۱۲، طبق فرمان کاراکالا^۵، تمامی افراد آزاد امپراتوری روم از این عنوان برخوردار شدند. گرچه در مجموع، قاطبه مردم حضور رومی‌ها را در گالیا پذیرفته بودند، با وجود این، برخی شواهد از نارضایتی و مقاومت گالها در برابر اشغالگران رومی حکایت می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد که دروییدها به دشمنی با اشغالگران می‌پرداختند. در زمان امپراتوری تیبر^۶ [تصویر ۲۰] از سال ۱۴ تا سال ۳۷ م. آنها قربانی شکنجه‌های طاقت‌فرسا شدند. در سال ۲۱ م. ادئون‌ها و

1. Claude

2. «Le sénat de Rome» شورایی متشکل از ۶۰۰ نفر بود که از میان قضات قدیمی روم انتخاب می‌شدند. کانون سینای روم، خانواده‌های اعیان را گرد هم می‌آورد و تداعی کننده بالاترین طبقه اجتماعی روم بود - م.

3. Antonin

4. Nîmes

5. Edit de Caracalla

6. Tibère

۳۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ سالس

ترویرها^۱ دست به شورش زدند. به نظر می‌رسد که قیام ترویرها و لنگون‌ها^۲ تحت فرامین وندکس^۳ و سیویلیس^۴ جدی‌تر بوده است؛ اما نمایندگان دولت شهرهای گالیا با این شورش مخالفت ورزیده و وفاداری خویش را به روم ثابت کردند.

رومی‌شدن گالیا

گالیا که از این پس وارد عرصه اقتصادی گسترده و تمدنی بسیار درخشان شده بود، تغییر چهره داد. در سراسر این سرزمین، ساخت و سازهای وسیعی صورت گرفت و بدین ترتیب گالیا کاملاً رومی شد. از دوره اگوست، قصبه‌های کوچکی مانند اگوستوریتم^۵ (ایموز^۶)، اگوستوماگوس^۷ (سنلیس^۸)، اگوستوبونا^۹ (تروی^{۱۰}) به مراکز دولت شهرها بدل شد. بناهای شهرهای گالیای رومی که براساس نقشه هندسی و با سنگ و آجر ساخته شده بود، اغلب نمایی باشکوه داشت. در ناربون (ارانژ^{۱۱}، آرل^{۱۲}، نیم، گلنوم^{۱۳}، وین^{۱۴}) برج و باروهای عریض، دروازه‌های عظیم، معابد باشکوه و طاقهایی وجود داشت که با نقوش برجسته تزیین شده بود. تمام شهرها، میادین عمومی^{۱۵} داشت که با ایوانهای ستون‌بندی شده احاطه شده بود و در اطرافشان

۱. «مردمان بسیار قدر تمدنی از نژاد سلت بودند که به گروه بلژ تعلق داشتند و در شرق گالیا ساکن شدند - م.

۲. «آنها به جوامع سلت تعلق داشتند و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مردمان گالیا به شمار می‌رفتند - م.

- 3. Vindex
- 4. Civilis
- 5. Augustoritum
- 6. Limoges
- 7. Augustomagus
- 8. Senlis
- 9. Augustobona
- 10. Troyes
- 11. Orange
- 12. Arles
- 13. Glanum
- 14. Vienne

۱۵. «این محل میدانی مثلثی شکل بود که مرکز حیات سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، واداری یک شهر به شمار می‌آمد و در نزدیکی یک چهارراه یا در تلاقی دو محور اصلی شهر قرار داشت - م.

دکانها، معابد، محل اجتماع صاحب منصبان^۱ و عمارت بازیلیک^۲ قرار داشت. عمارت بازیلیک به عنوان دادگاه، سالن اجتماع و محل معاملات استفاده می شد. تعداد تئاترهای نظیر تئاتر اوتون^۳ با گنجایش ۳۳ هزار تماشاچی که در آنها نمایش‌های پانтомیم مضمون و حتی غیر اخلاقی اجرا می شد، پرشمار بود. آمفی تئاترها نظیر آرل با گنجایش ۲۶ هزار تماشاچی [تصویر ۲۱]، اجرای نمایش‌های خشونت‌آمیزی نظیر جدال با حیوانات، پیکار گلادیاتورها^۴، مسابقات ارابه‌های جنگی، و حتی مراسم اعدام محکومان را میسر می ساخت. این شهرها از خیابان‌های سنگفرش شده و مجاری فاضلاب برخوردار بود. کانال‌هایی از سرب و گل پخته، انتقال آب خنک و گوارا را به حوضچه‌ها و گرمابه‌های^۵ این شهرها تسهیل می کرد. رومی‌ها از فنون و اصول هندسی برای هدایت آب چشممه‌ها در مسافت‌های طولانی (مجرای آب ناحیه نیم به طول ۵۰ کیلومتر) و نیز برای برطرف کردن موائع طبیعی استفاده می کردند. آنها به ساخت مجاری آب در ناحیه گارد^۶، تأسیس کانال‌های سیفونی شکل در وزون^۷ و حفر تونل در تپه‌ای در بوزانسون^۸ مبادرت کردند. رومی‌ها از دوره اگوست به ساخت شبکه گسترده‌ای از راه‌های ارتباطی^۹ اقدام نمودند که از لیون به شهرهای

۱. «La curie» در این سالهای، اعضای سنای دولت شهرهای گالایا گرد هم می آمدند - م.

۲. «La basilique» عمارت سه گوش سرپوشیده ای که دارای چندین شبستان بود و با ایوانهای ستون بندی شده احاطه شده بود - م.

3. Autun

۴. «Les gladiateurs» گلادیاتورها دسته‌ای از جنگجویان حرفه‌ای در روم باستان بودند که با یکدیگر و با حیوانات درنده جنگیده و دست و پنجه نرم می کردند تا موجبات تفریح تماشاگران را فراهم آورند. این پیکارها که گاه به مرگ ایشان می انجامید در میدان گاه‌های بسیاری از شهرهای امپراتوری روم، اجرا می شد. [تصاویر ۲۲ و ۲۳] - م.

۵. «Le théâtre» این مکان به رختکن، سالنهای سرد، معتمد و گرم مجهز بود و نیز سالنهای تعریق و ورزش، ایوانها و کتابخانه را دربر می گرفت - م.

6. Le Gard

7. Vaison

8. Besançon

۹. راه‌های رومی: این راه‌های مستقیم و به عرض حدوداً شش متر، اغلب با خندق‌هایی احاطه و بر روی راه‌های قدیمی ساخته شده بود. سازندگانشان چندین لایه مستحکم از سنگ و شن را بر روی بستری از سنگهای بزرگ می چیدند. نزدیک شهرها، این راه‌ها توسعه یافته و سنگفرش شده بود. در عرض این راهها، حاشیه‌هایی برای نشان دادن فواصل و مسیرها وجود داشت. منزلها و کاروانسراهایی امکان تعویض اسب و استراحت را فراهم می کرد. [تصویر ۲۴] - ن.

اصلی ختم می شد. بنادری که برای مقاصد نظامی (بندر فرژوس^۱) یا تجاری (بندر بولونی^۲) احداث شد، بسیار فعال بود. از اواخر قرن اول، رومی شدن ایالت ناربونز به شدت رو به پیشرفت بود و در قرن دوم، این روند در سایر ایالات به اوج خود رسید.

نوشته های نقوش بر جسته، سکه ها، و دفتر ثبت اراضی به زبان لاتین بود. اسمامی رومی به تدریج در روستاهای جانشین اسمامی گالی شد. بسیاری از گالها نام امپراتور وقت را بر خود نهادند و سپس نام خانوادگی خود را به نامهای رومی تغییر دادند. استفاده از زبان لاتین به ویژه در طبقه اشراف گال که هم پیمان روم بودند، گسترش یافت. بسیاری از پسران خانواده های ثروتمند به مدارس (به مثابه دانشگاه های امروزی) اوتون، مارسی، لیون، وین^۳، آرل، تولوز، لیموز، ریم^۴ و غیره می رفتد و در آنجا به فرآگیری زبان یونانی، لاتین، شعر و فن بلاغت می پرداختند. بدین ترتیب، طبقه نخبگان روشنفکر گال شکل گرفت که نسبت به گذشته سلتی سرزمین خود بی تفاوت بودند، اما به نظرات و عقاید روم و یونان اشراف داشتند. تروگ - پمپه^۵ مورخ، فاورینوس آرل^۶ خطیب، ترنتیوس وارو^۷ شاعر به خوبی مظاهر این تغییر فرهنگ بودند. او زون^۸ که شاعر و ملاک بزرگ بُردو^۹ بود، از شخصیت های مشهور قرن چهارم محسوب می شود. با این وجود، زبان گالی در محیط روستایی به مدت مدیدی رواج داشت. گرچه رومی ها به دلایل سیاسی، دروییدها را مورد آزار و شکنجه قرار می دادند؛ اما خدایان گال را تکریم می کردند. با گسترش زبان لاتین، اقتباس شگرفی از این زبان صورت گرفت و گالها غالباً اسمامی ای را که از اساطیر یونانی - لاتین برگرفته بودند، به خدایان سلت نسبت می دادند. طی قرن دوم، اولین جوامع مسیحی

1. Fréjus
2. Boulogne
3. Vienne
4. Reims
5. Trogue- Pompée
6. Favorinus d'Arles
7. Terentius Varo
8. Ausone
9. Bordeaux

صل اول / گالای رومی ۳۹

به وجود آمد. دین جدید از خارج از سرزمین گال وارد شد و ابتدا از طریق تجارت با بخش شرقی امپراتوری روم، در محیط شهری (شهرهای لیون و وین) گسترش یافت. اولین مسیحیان گالیا اسمی یونانی یا شرقی داشتند. مسیحیان از قربانی کردن برای امپراتور امتناع می‌کردند و جهت برگزاری مراسم مذهبی خود که در نظر معاصرانشان بسیار عجیب می‌نمود، جداگانه گرد هم می‌آمدند. مسیحیان که تجسمی از جادوگران و توطنه‌گران بودند، موجب نگرانی سایرین می‌شدند. اقلیت مسیحیان لیون به رهبری ^۱أسقف پوئن^۲ و بلاندین^۳ در سال ۱۷۷ مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند و در آمفی‌تلاتر، طعمه حیوانات وحشی شدند.

فعالیتهای پیش‌روندۀ

بسیاری از اراضی پس از اشغال جزء املاک روم قرار می‌گرفت. این پدیده به ویژه در ناربونز که تعداد زیادی از مستعمرات روم در آنجا قرار داشت، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. سربازان و مأمورانی که به مدت ۲۰ یا ۲۵ سال وفادارانه به روم خدمت کرده بودند، مالک بخشی از سرزمینهای حاصلخیزتر پیش از تقسیم‌شان شدند. باقی زمینها از طریق پرداخت مالیات بر اراضی به گال‌ها واگذار می‌شد و لازمه این امر تأسیس دفتر ثبت املاک بود. تقسیم زمین در قطعات مربعی شکل ۵۰، ۵۱ هکتاری^۴ در ناربونز در مقایسه با آکیتن، لیونه و بلژیک بسیار پیشرفته‌تر بود. از این گذشته، در این سه ایالت مستعمرات روم کم شمار بود و تغییرات مالکیت زمین اهمیت چندانی نداشت. الحق جامعه گال‌ها به یک محیط اقتصادی پرجمعیت (۷۰ میلیون نفر ساکن امپراتوری روم؟) که از راههای ارتباطی مناسب برخوردار بود، موجبات پیشرفت اقتصاد بازار را فراهم کرد. پیشه‌ورانی که ملاکان بزرگی بودند، غالباً محصولات خود را به نقاط دوردست صادر می‌کردند. در روستاهای خانه‌های بیلاقی مجلل متعددی ساخته شد. این خانه‌ها که مالکانشان رومیان ثروتمند یا اشراف گال بودند، به عنوان اقامتگاههای روستایی محسوب می‌شد که

۱. ساکنان مسیحی کلان شهرهای گالیا و رابه عنوان نماینده خود انتخاب می‌کردند - م. L'évêque.

2. Pothin

3. Blandine

4. En centuries

گاهی وسعت بسیار (۲۰۰ قطعه زمین در مونت مورین^۱ واقع در جنوب غربی، ۱۱۷ قطعه زمین در سنت - اوپریش^۲ واقع در موزل^۳) و گاهی وسعت کمتری داشت. خانه‌های بیلاقی که به تمام وسائل رفاهی آن روزگار (نظیر سیستم حرارت مرکزی، گرمابه، و حتی سردابه) مجهز بود، به اریابانشان که به امکانات زندگی شهری عادت کرده بودند، اجازه می‌داد تا برای استراحت به روستا آمده و به شکار بپردازند. خانه‌های بیلاقی به ویژه مرکز بهره‌برداری کامل از محصولات کشاورزی بود و ساختمانهای جانبی بسیاری آنها را احاطه کرده بود. برخی از این اراضی (فوندی^۴) بسیار وسیع بود (از هفت تا هشت هزار هکتار در شیراگان^۵، ۱۵۰۰ هکتار در مونت مورین) و برخی دیگر از اندازه متوسطی برخوردار بود (۲۰۰ هکتار در سنت - اوپریش، چندین هکتار در لورن^۶). مالک به کمک یک مباشر و تعدادی برده از این اراضی واقع در مناطق حاصلخیز بهره‌برداری می‌کرد. این قطعه زمینها به کشاورزانی واگذار می‌شد که بهای آنها را به صورت اقساط، نقدی، یا با سایر اجناس (محصولات) پرداخت و در آبادی‌های کوچکی زندگی می‌کردند. همچنین طبقه مهمی از خردۀ ملاکان وجود داشت. اشغال گالیا توسط رومی‌ها به توسعه قابل توجه تاکستانها در بورگونی^۷، کرانه‌های رود موزل و بوردو^۸ کمک شایانی کرد. گالیا که سرزمین حاصلخیزی بود به امپراتوری گندم - از ماشین درو در دشتهای شمال استفاده می‌شد -، شراب و گوشت خوک صادر می‌کرد. در آبادی‌ها و شهرها، فعالیتهای قابل توجه پیشه‌وری صورت می‌گرفت. بازار گنانان ثروتمند اغلب از شرق به منظور انعقاد قراردادهای اقتصادی راهی شهرها می‌شدند. برخی از محصولات گالیا نظیر صابون، بُشكه‌ها، شِنل‌های کلاه‌دار، ابزار و سلاحهای آهنی، جواهرات، شیشه (آبی، یا بی‌رنگ) و سفال از شهرت فراوانی برخوردار بود. سفالهایی که در

1. Montmaurin

2. Saint- Ulrich

3. Moselle

4. Fundi

5. Chiragan

6. Lorraine

7. Bourgogne

8. Le Bordelais

کارگاههای مهم گروهه زانک^۱ (امروزه آویرون^۲) ساخته شده بود، در خاکسترهاي ہومپنی^۳ کشف شده است.

صر تهاجمات

ہر ان فرن سوم

کالیا از جانب شرق مورد خطر واقع شد. به استثنای راین هیچ مانع طبیعی دیگری، کالیا را از ژرمنی که در آنجا قبایل سربازان - کشاورزان زندگی می کردند، جدا نمی کرد. این مردم آشوبگر و جسور که ظاهری عجیب (لباسهای چرمی، موهای بلند روغن زده با روغن گندیده وغیره) داشتند، از تجهیزات و سلاحهای فوق العاده ای نظیر اسبهای زره پوش، نیزه، شمشیر بلند به دقت آب داده شده برخوردار بودند. از امپراتوری تیپری به بعد، رومی ها از تصرف ساحل سمت راست رود راین دست کشیدند. اقوامی که از اسکاندیناوی^۴ آمده بودند، در اوآخر قرن اول در ژرمنی مستقر شدند. بدین ترتیب، اقوام واندال^۵، گوت^۶ و بورگوند^۷ شکل گرفتند.

پس از یک قرن، سوئوها در اتحادی موسوم به «اتحاد تمام مردان»^۸ (آلمانی^۹ که لفت المان^{۱۰} و بعدها آلمان^{۱۱} از آن اقتباس شده است) گرد هم آمدند. در خلال قرن سوم، اقوام کوچک ژرمنی (سیکامبرها^{۱۲}، شاماوها^{۱۳}، بروکترها^{۱۴}، شاتها^{۱۵} وغیره) که در ساحل سمت راست رود راین زندگی می کردند، اتحاد دیگری موسوم به

1. La Graufesenque

2. Aveyron

3. Pompéi

4. Scandinaovic

5. Les Vandales

6. Les Goths

7. Les Burgondes

8. La ligue de tous les hommes

9. Alemani

10. Alaman

11. Allemand

12. Les Sicambres

13. Les Chamaves

14. Les Bructères

15. Les Chattes

فرانک‌ها یا «مردمان آزاد» (این لغت از واژه ژرمنی فرانک^۱ به معنی آزاد یا واژه ژرمنی فِرِکر^۲ به معنی جسور و شجاع برگرفته شده است) تشکیل دادند.

با شدت یافتن فشار ژرمن‌ها در نواحی مرزی، امپراتور وسپاسین^۳ (۶۹-۷۹) و سپس پسرانش تیتوس^۴ و دومیسین^۵، به ایجاد یک خط مرزی مستحکم به نام لیم^۶ مبادرت کردند. این خط مرزی که از بن^۷ در ساحل رود راین تا راتیسبون^۸ در ساحل رود دانوب امتداد داشت، جاده‌ای را تشکیل می‌داد که حاشیه آن را پرچین چوبی و خندق احاطه کرده بود. این استحکامات با برجها و قلعه‌های کوچک تقویت می‌شد. در پشت مرز، اردوگاههای نظامی استقرار یافته بود. هشت لیزیون رومی مسئولیت حفاظت از آنها را به عهده داشت. بدین ترتیب، حدود ۱۰۰ هزار سرباز به همراه نیروهای کمکی (بربرهای در خدمت روم) از مرز طولانی شمال شرقی دفاع می‌کردند. در قرن دوم، خطوط مرزی تقویت شد؛ اما خطر ژرمن‌ها پیوسته شدت می‌یافت. روم که با مشکلات حادی در امر سربازگیری مواجه شده بود، به ناچار تعداد زیادی از مزدوران ژرمنی را به خدمت فراخواند. از شدت مقررات حاکم بر ارتش روم کاسته شد. در سال ۱۶۶ و سپس در فاصله سالهای ۱۷۲ و ۱۷۴، در زمان امپراتوری مارک اورل^۹، ژرمن‌ها از خطوط مرزی گذشتند و به بلژیک، منطقه استراسبورگ^{۱۰} و کرانه رود دانوب هجوم بردنند. آشوبها که همراه با درگیری بر سر جانشینی امپراتور بود، اغلب منجر به آن می‌شد که ژنرالها به نفع یکی از طرفین درگیر وارد جنگهای داخلی شوند. این ژنرالها فرماندهی نیروهای واقع در خطوط مرزی را به عهده داشتند. بدین ترتیب، مرزها در مقاطع مختلف زمانی بدون محافظت باقی می‌ماند و برابرها از این موقعیت بهره می‌برند.

1. Frank

2. Ferekkr

3. Vespasien

4. Titus

5. Domitien

6. Limes

7. Bonn

8. Ratisbonne

9. Marc Aurèle

10. Strasbourg

پس از قتل امپراتور کمود^۱ در سال ۱۹۲، دو ژنرال رومی بر سر جانشینی امپراتور با یکدیگر درگیر شدند. در ۱۹ فوریه ۱۹۷، سپتیم سِور^۲ فرمانده لژیون‌های راین و دانوب، در پای دیوارهای شهر لیون، رقیب خود آلبینوس^۳ را از پا درآورد. قوای فاتح، به غارت و چپاول شهر لیون پرداختند. امپراتور جدید، خطوط مرزی را تقویت کرد؛ اما حکومت بر امپراتوری روم که گسترش یافته بود، بیش از پیش دشوار شد. سنای روم منحل و قدرت در دستان یک شخص قرار گرفت و به سوی خودکامگی پیش رفت. در سال ۲۱۳، آلمان‌ها بار دیگر از خطوط مرزی عبور کردند؛ اما کاراکالا^۴ هجوم آنها را دفع کرد. قتل امپراتور سِور الکساندر^۵ در سال ۲۳۵ سبب بروز بحران سیاسی بی‌سابقه‌ای شد که در حدود ۵۰ سال طول کشید. در گالیا، هجوم بربرا، بی‌نظمی سربازان، و نیز کمیابی فزاينده سکه‌های طلا و نقره فعالیتهای اقتصادی را به شدت مختل کرد. بربراها از این موقعیت به خوبی بهره بردن، چرا که به نظر می‌رسید امپراتوری از جایگاه خود منحرف شده است. بربراها بین سالهای ۲۳۲ تا ۲۳۵ و سپس ۲۴۴ از خطوط مرزی گذشتند و خسارات زیادی را به وجود آوردن. نیروهای رومی، مرزها را رها کردند و به رقابت بر سر قدرت پرداختند و از این یا آن مدعی حمایت می‌کردند. آلمان‌ها و فرانک‌ها در سالهای ۲۵۳، ۲۵۶ و ۲۵۹ وارد گالیا شدند، در سراسر این سرزمین تاخت و تاز کردند و به اسپانیا^۶ رسیدند. پیوسته، قتل، غارت، و آتش سوزی صورت می‌گرفت. گالیادوران سخت و هولناکی را سپری می‌کرد. بسیاری از ساکنان و حشتمزده گالیا، پول و جواهرات را در زمین دفن می‌کردند. در روستاهای ویران شده، کشاورزان که تمام هستی خود را از دست داده بودند با سربازان فراری هم پیمان شدند و گروههای مسلحی را تشکیل دادند که کارشان تاراج و چپاول بود. در این دوره از گروه راهزنان^۷ سخن به میان می‌آید (گروه راهزنان از واژه سِلتی باگاد^۸ به معنای گروه مبارزان اقتباس

1. Commodus

2. Septime Sévère

3. Albinus

4. Caracalla

5. Sévère Alexandre

6. L'Espagne

7. Des bagaudes

8. Le Bagad

۲۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ سالس

شده است). در سال ۲۶۰، پوستوموس^۱ که مسئولیت دفاع از گالیا را به عهده داشت، توسط سربازانش به عنوان امپراتور برگزیده شد و تصمیم گرفت بر گالیا حکومت کند. بدین ترتیب، امپراتوری رومی گالیا شکل گرفت که ۱۴ سال طول کشید. فقر و بدبختی موجب شد که گالها اختیار سرنوشت‌شان را خود به دست گیرند. پوستوموس در فاصله سالهای ۲۶۰ و ۲۶۸، نظم را برقرار ساخت و جلوی تهاجمات را گرفت. جانشینان وی، ماریوس^۲، ویکتورینوس^۳ و تریکوس^۴ از بخت و اقبال بی‌نصیب بودند. امپراتوری اورلین^۵ (۲۷۰-۲۷۵) به حیات امپراتوری گالیا پایان داد؛ اما در سال ۲۷۵، هجوم‌ها از سر گرفته شد. بدین ترتیب، حدود ۶۰ شهر غارت شد. سالهای ۲۸۲ تا ۲۸۷ آخرین دوره بحرانی بود. در پایان قرن سوم و در زمان امپراتوری دیوکلیشن^۶ (۳۰۵-۲۸۴) موقعیت نظامی دوباره شکل گرفت؛ اما گالیا ویران و کم جمعیت شده بود.

تجدد قوای موقت گالیا

به مدت ۶۰ سال، گالیا در آرامش به سر می‌برد و از این فرصت برای ترمیم ویرانی‌ها استفاده کرد و خود را با موقعیت جدید منطبق ساخت. دیوکلیشن اعتقاد داشت که قدرت مرکزی را ترجیحاً باید تقسیم کرد تا به بهترین نحو ممکن دفاع از امپراتوری در مقابل برابرها تأمین و تضمین شود. بدین ترتیب، دو امپراتوری بوجود آمد که یکی در غرب و دیگری در شرق حکومت می‌کرد. شخصیت‌های مهمی از قبیل کنت‌ها^۷ و دوک‌ها^۸ که اغلب از ملازمان نزدیک فرمانروا بودند، مناصب عالی نظامی را به عهده گرفتند. امپراتور به نفع

1. Postumus

2. Marius

3. Victorinus

4. Tétricus

5. Aurélien

6. Dioclétien

۷. واژه کنت از واژه لاتین «Comes» که به معنای همراه و ملازم می‌باشد، اقتباس شده است که در ابتدای «Le comte» به عنوان ملازم حاکم محسوب می‌شد -م.

۸. واژه دوک از واژه لاتین «Dux» به معنای رهبر، اقتباس شده است که لقب نجای فرانسه بوده و بعد از لقب شاهزاده از تمام القاب بالاتر است -م.

فصل اول / گالیا روم ۲۵

مهلان^۱ و تِرو^۲ از صحنه خارج شد، چرا که در غرب، روم از مرز بیش از حد دور بود. نیروهای نظامی بار دیگر در نواحی مرزی مستقر شدند؛ اما رومی‌ها مجبور به پذیرش سکونت اقوام ژرمی در مناطقی از گالیا شدند که خالی از سکنه شده بود.

ارتش روم پیوسته به مزدورگیری از بربرها ادامه می‌داد. بهویژه، فرانک‌ها به دلیل هر خورداری از روحیه جنگجویی مورد توجه بودند. از پایان قرن سوم، ساکنان شهرهای گالیا مبادرت به ساخت دیوارهای بلند (از هشت تا ده متر) و عریض (از دو تا پنج متر) در اطراف شهرها کردند. این دیوارها که به دقت ساخته شده بود، مؤثر واقع شد؛ اما فقط بخشی از شهر (عموماً بین ده تا بیست هکتار) را محافظت می‌کرد. در داخل و مرکز شهرهای ویران و خالی از سکنه، اردوگاههای سنگربندی شده شکل گرفت. رکود فعالیتهای اقتصادی در شهرها کاملاً چشمگیر بود. شهرها که تا حدی ویران و خالی از سکنه شده بود، شکوه و عظمت گذشته خویش را دیگر به دست نیاورد. جامعه به سوی جمود و بی‌تحرکی پیش می‌رفت. طبقات شغلی و حرفه‌ای به وجود آمد. پسران سربازان به نوبه خود می‌بايست در ارتش خدمت می‌کردند. از این پس ساکنان گالیا بیش از پیش به زمین وابسته شدند. تنها کشاورزی اندکی رشد و توسعه یافت. ملاکان بزرگ که از شهرها گریخته بودند، خانه‌های ییلاقی خود را مستحکم می‌کردند، در آنها مواد غذایی انبار می‌کردند و پذیرای کشاورزانی بودند که اطراف خانه‌ها زندگی می‌کردند و از تداوم خشونت راهزنان هراس داشتند. ملاکان بزرگ از موقعیت استفاده، و زمینهای رها شده را تصاحب می‌کردند.

تعداد زیادی از خرده ملاکان آزاد که از فشار مالیات‌های گزاف هراس داشتند، به دنبال فرار از مالیات و رهایی از دست دولت بودند. ایشان تحت حمایت شخصیت‌های بزرگی قرار گرفتند که عنوان سِناتور^۳ یا کِلاریسیم^۴ داشتند، و در اینکه مستعمره‌نشین شوند، هیچ شک و تردیدی به خود راه نمی‌دادند.

این سِناتورها همچون اریابان قدرتمند رفتار می‌کردند، ملزومات شبہ‌نظمیان را فراهم می‌ساختند، قضاوت می‌کردند و بدین ترتیب بخش اعظمی از حقوق دولت را

1. Milan

2. Trèves

3. Sénateur

4. Clarissime

به چنگ آوردن.

دین مسیحیت گسترش و اشاعه فراوانی یافت و از سال ۳۱۳، طبق فرمان کنستانتین^۱ به عنوان دین رسمی پذیرفته شد. در خلال قرن چهارم، اشاعه مسیحیت در شهرهای گالیای رومی بسیار موفقیت‌آمیز بود و به تدریج این آئین به روستاهان نیز نفوذ کرد. اعضای خانواده‌های بزرگ گالیا به آیین مسیحیت گرویدند و مسئولیت اسقفنشین را به عهده گرفتند. مارتین قدیس^۲ که یک سرباز قدیمی بود موناشیسم^۳ را وارد گالیا کرد (تأسیس صومعه لیگزه^۴ نزدیک پواتیه^۵ در سال ۳۶۱) و در سال ۳۷۱، اسقف شهر تور^۶ شد.

فروپاشی گالیا

هون‌ها^۷ و آلن‌ها^۸ که از سواحل دریای سیاه و جنوب روسیه آمده بودند، در پایان قرن چهارم شروع به مهاجرت گسترده‌ای به سوی غرب کردند. آنها اقوام ژرمی را از سرزمین خود بیرون کردند و ژرمیان‌ها نیز تاخت و تاز خود را در امپراتوری روم که به خوبی از آن دفاع نمی‌شد، از سر گرفتند. ارتش روم که بخش اعظم آن را سربازان ژرمی تشکیل می‌داد با بحران سربازگیری مواجه بود. در سال ۴۰۵، فقط ۱۷ هزار سرباز بین ژورا^۹ و اسیان^{۱۰} نگهبانی می‌دادند. با توجه به کمبود نیرو برای عقب راندن مهاجمان، رومی‌ها با آنان مذاکره کردند و سرزمینی برای استقرارشان و نیز عنوان «اقوام متعدد»^{۱۱} را در ازای همکاری با روم و در دفاع از امپراتوری به آنان اعطا کردند. در سال ۳۵۲، آلمان‌ها و در سال ۳۵۵، فرانک‌ها، گالیا را اشغال کردند.

1. Edit de Constantin

2. Saint Martin

3. Le monachisme

4. Ligug

5. Poitiers

6. Tours

7. «Les Huns» در حدود سال ۴۰۰ هون‌های چنگ افروز اهل آسیای مرکزی به اروپا هجوم آوردند و سبب مهاجرت بزرگ قبایل ژرمی به سوی غرب به داخل امپراتوری روم شدند.^{-م}

8. Les Alains

9. Le Jura

10. L'Occan

11. Le peuple fédéré

ژولین^۱ مانع پیشروی مهاجمان شد. و در سال ۳۶۰، در پاریس^۲ به عنوان امپراتور اعلام گردید. ناحیه‌ای به منظور اسکان فرانک‌ها در برابان^۳ اختصاص داده شد. در دسامبر ۴۰۶، اقوام واندال، آلن و سوئون از رود راین عبور کردند. این هجوم گسترده که سه سال طول کشید، با خود خسارات و خدمات شدیدی در سراسر گالیا به همراه آورد. در سال ۴۱۲، ویزیگوت‌ها^۴ کشور را به تصرف خود درآوردند. پس از فرانک‌ها، بورگوند‌ها نیز سرزمینی به منظور سکونت در سال ۴۱۳ تصاحب کردند. در سال ۴۱۸، ویزیگوت‌ها در آکیتن مستقر شدند. حاکمیت روم بر گالیا در حال تضعیف بود و در حقیقت سران برابرها بر تمامی مناطق گالیا سلطه داشتند. سالهای بین ۴۲۵ و ۴۵۳، یک رومی به نام آثیوس^۵ که مسئولیت دفاع از گالیا را به عهده داشت، موفق شد به کمک برخی از اقوام متعدد با امپراتوری روم، جلوی اشغالگران جدید را بگیرد و حتی مانع جاهطلبی‌های بی‌حد و حصر ویزیگوت‌ها و بورگوند‌ها شود. آنها مجبور شدند سرزمین خود را ترک کنند و در سال ۴۴۳، در ساواؤ^۶ سکنی گزیدند. در سال ۴۵۱، هون‌ها به سرکردگی آتیلا^۷، گالیا را اشغال کردند. اهالی پاریس، به توصیه ژنویو قدیسه^۸، خود را آماده دفاع کرده بودند؛ اما در نهایت از این هجومها در امان ماندند. آثیوس موفق شد ناحیه ارلئان^۹ را که اسقف اینیان قدیس^{۱۰} از آن دفاع می‌کرد، از چنگ مهاجمان درآورد و آنان را نزدیک تروی در کامپوس موریاکوس^{۱۱} شکست دهد. پیروزی سال ۴۵۱، صرفاً به کمک ژرمن‌های متعدد با روم امکان پذیر شد. قیومیت روم بر گالیا بیش از پیش جنبه صوری پیدا کرد. قتل آثیوس به فرمان امپراتور روم غربی

1. Julian

2. Paris

3. Brabant

۴. این قوم ژرمن در قرن چهارم و پنجم میلادی از آن سوی رودخانه راین به سمت جنوب گالیا آمدند و یک پادشاهی را در نواحی شهر تولوز تأسیس کردند که بعداً توسط «کلوویس» پادشاه فرانک‌ها، از این منطقه بیرون رانده شدند و به سمت اسپانیا عقب نشینی کردند - م.

5. Actius

6. Savoie

7. Attila

8. Sainte Geneviève

9. Orléans

10. Saint Aignan

11. Campus Mauriacus

۲۸ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ سال

در سال ۴۵۳، موجبات شورش تعداد زیادی از سران برابر را فراهم آورد که سرزمین تحت سلطه خویش را گسترش می‌دادند. این امر، فروپاشی حکومت گالیای رومی را به همراه آورد. بدین ترتیب، بورگوندیان، لیون و بورگونی را به اشغال خود درآوردند. در جنوب غربی، اوریک^۱ پادشاه ویزیگوت‌ها اعلام خود مختاری کرد. در پی هجومهای آنگل‌ها^۲ و ساکسون‌ها^۳ در بریتانیای کبیر در اواسط قرن چهارم، برتون‌ها^۴ مجبور شدند خانه و کاشانه خود را رها کنند و در ناحیه آرموریک^۵ جایی که تأثیر و نفوذ تمدن سلت آغاز شد، سکنی گزیدند. یکپارچگی رهبری در گالیا از بین رفت. آخرین سرزمینی که روم بر آن تسلط داشت، به ناحیه بین لوار و سُم^۶ محدود می‌شد. سیاگریوس^۷ فرمانده این ناحیه، در سال ۴۸۶، در سواسنون^۸، توسط فرانک‌ها و به رهبری کلوویس شکست خورد. بدین ترتیب، آخرین حضور نظامی روم در گالیا از میان رفت.

-
- 1. Euric
 - 2. Les Angles
 - 3. Les Saxons
 - 4. Les Bretons
 - 5. Armorique
 - 6. Somme
 - 7. Syagrius
 - 8. Soissons

بخش دوم

فرانسه در قرون وسطی

فصل دوم

سلطنت فرانک‌ها

از برخورد جامعه گالیای رومی که اغلب مسیحی بودند با اشغالگران ژرمنی تبار (اقوام فرانک) جامعه جدیدی شکل گرفت. نام کشور تغییر کرد و دین مسیحیت در روستاهای اشاعه یافت. فعالیتهای اقتصادی و زندگی شهری در هم آمیخت و روابط انسانی تقویت شد. بدین ترتیب، به تدریج از عهد باستان وارد قرون وسطی^۱ می‌شویم.

دودمان مروونژی^۲ (۷۵۱-۴۸۱)

فرانک‌ها حاکمان سرزمین گالیا

در پایان قرن پنجم، به استثنای اراضی محصور بین رودهای لوار و سُم که توسط سیاگریوس اداره می‌شد، بخش اعظمی از اراضی گالیا تحت نفوذ اشغالگران ژرمنی تبار قرار گرفت: ویزیگوت‌ها در جنوب، آلمان‌ها در آلزاس، بورگوندی‌ها در شرق و فرانک‌ها در شمال مجموعه‌ای از حکومتهای پادشاهی کوچک را تشکیل

۱. از نظر تاریخ نگاران قرون وسطی این دوره عصر واپس مانده‌ای بود که در آن مردم نادان و خرافاتی بودند. عصری بود که در آن فعالیتهای هنری، ادبی و آموزشی متوقف شد و پیشرفت در تمام زمینه‌ها باز ایستاد. درست است که نادانی و خرافه‌پرستی در طول قرون وسطی وجود داشت اما در یونان و در روم باستان نیز وجود داشت و امروزه نیز وجود دارد و در مورد دامنه این کاستی‌ها و دیگر مسائل جامعه قرون وسطایی نباید مبالغه کرد. این دوره به عصر فثودالیسم و عصر شوالیه‌گری نیز معروف است -م.
۲. «جد کلوویس، مِرووه نام داشت و به همین دلیل دودمان وی مروونژی نامیده شد -م.

۵۲ تاریخ فرانسه، از امپراتوری سالس

دادند. شیلپریک^۱ [تصویر ۲۵] که نسب او به مرووه^۲ [تصویر ۲۶] می‌رسید، در نزدیکی تورنه^۳، پادشاهی فرانک‌ها را تأسیس کرد. پسر پانزده ساله وی که کلوویس^۴ (به معنی راه پیروزی) نام داشت، در سال ۴۸۱ جانشین پدر شد. وی که رهبری بی‌نظیر، مکار و اغلب بی‌رحم بود، موفق شد طی چند سال، تسلط و حاکمیت خویش را در بخش اعظم سرزمین گالیا گسترش دهد. کلوویس در سال ۴۸۶، سیاگریوس را در نبرد سوآسون^۵ درهم کوبید و بدین ترتیب فرانک‌ها به رود لوار رسیدند. لشکرکشی جدید علیه آلمان‌ها (نبرد تولبیاک^۶ در سال ۴۹۶) موجب گسترش پادشاهی فرانک‌ها به سمت شرق شد. کلوویس تحت تأثیر همسر دوم خود، کلوتیلد^۷، پذیرفت که توسط رمی قدیس^۸، اسقف ناحیه ریم در سال ۴۹۸ یا ۴۹۹ غسل تعمید داده شود و به دین مسیحیت درآید [تصویر ۲۷]. وی همچنین پدر مسیحیت یعنی مارتین قدیس را در گالیا تقدیس نمود. متعاقب این امر، قاطبه جنگجویان فرانک به دین مسیحیت گرویدند و این اعمال، حسن ظن اسقف‌های گالیای رومی و جوامع مسیحی آکیتن را که توسط ویزیگوت‌ها مورد آزار و شکنجه قرار گرفته بودند، برای کلوویس حاکم به همراه آورد.^۹ کلوویس در نبرد ووئیه^{۱۰} در سال ۵۰۷، آلاریک دوم^{۱۱}، پادشاه ویزیگوت‌ها را

1. Chilpéric

2. Mérovée

3. Tournai

4. «Clovis» قدرتمندترین رئیس قبایل فرانکی کلوویس بود. وی رومی‌هاراستایش می‌کرد. او مانند رومیان واحد سواره‌نظام را به وجود آورد و وزره سبک رومی را تقاضا کرد. وی در سال ۴۹۶ به مسیحیت گروید و این امر به شکل گیری آینده سیاسی اروپا کمک کرد. کلوویس با کمک سواره‌نظام خود تقریباً بر سایر رؤسای قبایل فرانکی غلب و آنها را تبعاعشان را مجبور کرد مسیحی شوند. وی لقب لاتینی رکس یا پادشاه را اختیار کرد و خود را پادشاه فرانک‌ها نامید. امروزه نیز به شاگرد مدرسه‌ای‌های فرانسه می‌آموزند که کلوویس نخستین پادشاه فرانسه بود - م.

5. La bataille de Soissons

6. La bataille de Tolbiac

7. Clotilde

8. Saint Remi

9. علت پذیرش آئین مسیحیت از سوی کلوویس را می‌بایست در به وجود آوردن انگیزه وحدت میان قوم فرانک و نیز دشمنی با ویزیگوت‌های طرفدار آئین آریانیسم دانست. از سوی دیگر گرایش به مسیحیت پیوند میان کلوویس و پاپ را مستحکم ساخت - م.

10. La bataille de Vouillé

11. «Alaric II» وی جانشین پدرش، اوریک «Euric» شد. تقریباً بر تمام اسپانیا به استثنای بخش شمال شرقی حکومت می‌کرد. همچنین بر آکیتن و بخش وسیعی از پروانس تسلط داشت - م.

شکست سنگینی داد و تمام آکیتن را از آن خود ساخت. اما، با این وجود، به سواحل دریای مدیترانه نرسید. سایر مجموعه پادشاهی فرانک‌ها تحت کنترل کلوویس قرار گرفت و پادشاهی وی در سال ۵۱۱ به پایان رسید. پسران وی (تییری^۱، کلودومیر^۲، شیلدبر^۳ و کلوتر^۴) به فتح سایر قلمروها ادامه دادند و بر سلطنت‌هایی نظیر بورگوند (۵۲۳-۵۳۴)، تورنر^۵ (۵۳۱) و پروانس (۵۳۶) چیره شدند. بدین ترتیب پادشاهی فرانک‌ها^۶ شکل گرفت.

کلوویس که با استقبال گرم و هیجان پرشور سپاهیانش به قدرت رسید، سلطنتی نظامی با ساختاری ساده را بنیان گذاشت. مشاغل نظامی ارتش روم از بین رفت. مطابق خواست فرمانروای افراد آزاد^۷ - که همان فرانک‌ها یا ساکنان گالیای رومی بودند - سلاحهایی نظیر شمشیر بلند و تبر^۸ به دست گرفته، به جنگ می‌رفتند و غنایم را با یکدیگر تقسیم می‌کردند (واقعه ظرف سوآسون^۹).

۱. « Thierry » وی پسر ارشد کلوویس بود که پس از مرگ پدرش بخشی از قلمرو پادشاهی واقع در شمال شرقی گالیای رومی (اوسترازی) را به ارث برد - م.

۲. « Clodomir » وی یکی از پسران کلوویس بود که پس از مرگ پدرش، بخشی از قلمرو پادشاهی واقع در مرکز گالیای رومی را به دست آورد و اورلئان را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد - م.

۳. « Childebert » وی پسر دیگر کلوویس بود که پس از مرگ پدرش، قلمرو پادشاهی پاریس به او رسید. پس از مرگ برادرش، کلودومیر، شارتر و اولتان را به چنگ آورد. وی که بسیار مصمم و جاه طلب بود، بر پادشاهی بورگوند تسلط یافت و بدین ترتیب، زمینه تسلط بر پروانس برای وی مهیا شد - م.

۴. « Clotaire » پادشاه فرانک‌ها و یکی از چهار پسر کلوویس بود. او در سوآسون زاده شد و پس از مرگ پدرش در سال ۵۱۱، جانشین وی شد و زادگاه خود را به پایتختی برگزید. [تصویر ۲۸] - م.

5. La Thuringe

6. Le Regnum Francorum

۷. فرانک‌ها با وجود آنکه بسیاری از آداب و رسوم رومی را اقتباس کرده بودند، بسیاری از سنن ژرمنی را نیز حفظ کردند. مثلاً آنها عادت نداشتند بهویژه در زمان صلح از یک پادشاه مقنده فرمانبرداری کنند. در سنت ژرمنی پادشاه صرفاً قوی ترین رئیس قبیله بود که در زمان جنگ پاپیش می‌گذاشت تا مردمش را همراهی کند - م.

۸. « La francisque » فرانک‌ها اغلب پیاده نظام بودند و از تبر استفاده می‌کردند - م.

۹. « Le vase de Soissons » کلوویس برای آنکه مطابق میل استقفى رفتار کند که از وی ظرف مقدس - ظرف زیبای نقره‌ای که سربازان فرانک‌ها، تقاضا کرد که علاوه بر سهمش ظرف مشهور سوآسون رانیز به او بدهند. یکی از رسوم تقسیم غنائم فرانک‌ها، تقاضا کرد که علاوه بر سهمش ظرف مشهور سوآسون رانیز به او بدهند. یکی از سربازان به مخالفت با وی برخاست و ظرف را شکست. شاه در آن زمان واکنشی نشان نداد اما در سال بعد هنگام رژه سربازانش، در حالی که فریاد می‌زد « ظرف سوآسون را به یاد آور! »، سرباز معترض را با ضربه شمشیر کشت. [تصاویر ۲۹ و ۳۰] - م.

۵۴ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ ساس

افراد آزاد می‌بایست به صورت دوره‌ای در جلسات قضایی حاضر می‌شدند. فرانک‌ها اصل تمایز قوانین را به‌رسمیت شناخته بودند. قوانین گالیای رومی در میان گال‌های رومی و قوانین فرانک نسبت به جنگجویان فرانک اعمال می‌شد. مبنای محاکمه که در میان فرانک‌ها اصل ورژل^۱ (جرائم‌های سرسام‌آور در مقابل جرایم و خطاهای) بود، از سال ۵۱۱ (قانون سالیک^۲) به صورت مكتوب تدوین شد. با وجود این، محاکمه فرانک مانع استفاده از اعمال وحشیانه نمی‌شد، به عنوان مثال، طبق روش اوردالی^۳، یک متهم برای اثبات بی‌گناهی خویش می‌بایست از روی نه تیغه گاو‌اهن گداخته عبور می‌کرد.^۴ تعدادی از صاحب‌منصبان بر جسته نظیر ساقیان، رئیس خدمتگزاران دربار^۵، رئیس تشریفات و به‌ویژه وزیر دربار^۶، فرمانروای را در انجام امور حکومتی کمک

۱. Le Wehrgeld

۲. «Law Salique» قانون فرانک‌های سالین که در دوره کلوویس (حدود ۴۸۶-۴۹۶) تدوین شده، و تا دوره شارلمانی چندین بار مورد بازبینی قرار گرفته است. این قانون مواد زیر را در بر می‌گرفت:

* منع جانشینی جنس مونث در امر سلطنت

* خون‌بهای یک فرانک یا یک برابر تحت قانون سالیک، ۲۰۰ سو (واحد پول قدیم فرانسه)

* خون‌بهای یک فرد از دربار پادشاهی، ۶۰۰ سو.

* خون‌بهای غرق کردن قربانی در آب یاد رچا، ۱۸۰۰ سو.

* دیه ضریب شدید به گونه‌ای که در شکم یا پهلو فرو رود، ۳۰ سو و هزینه مراقبت از بیمار، ۵ سو.

* دیه قطع یک دست، یک پا، کور کردن یک چشم، ۱۰۰ سو - اگر دست همچنان کارایی داشته باشد، ۶۳ سو.

* دیه قطع دو مین انگشت که برای کشیدن زه کمان مورد استفاده قرار می‌گیرد، ۳۵ سو - قطع سه انگشت،

۵۰ سو - قطع دو انگشت، ۲۵ سو - قطع یک انگشت، ۳۰ سو - م.

۳. «L'ordalie» این روش نوعی مداخله الهی برای اثبات بی‌گناهی متهم تلقی می‌شد و از ماهیتی مذهبی برخوردار بود. [تصویر ۳۱] - م.

۴. معمولی ترین قوانین فرانک‌ها، پرداخت دیه یا خون‌بهای بود که میزان آن بر حسب شخصیت افراد و اهمیت قبایل تفاوت داشت. کسی که به دادرسی احظر می‌شد، می‌بایست با ادای سوگند خود را از اتهام تبرئه می‌کرد. بستگان متهم نیز با اوی سوگند می‌خورند. متن سوگند از حفظ خوانده می‌شد و هیچ اشتباہی قابل بخشش نبود. فرانک‌ها معتقد بودند که گناهکار نمی‌تواند به درستی سوگند را ادا کند و خدا گناهش را آشکار می‌سازد. اجرای آزمایش‌هایی به وسیله آهن گداخته و آب جوش، شیوه‌هایی برای اثبات جرم به شمار می‌آمد. متهم می‌بایست آهن گداخته را در مشت می‌گرفت و یا دست خود را در آب جوش فرو می‌برد - م.

۵. Les sénéchaux

۶. «Le maire du palais» وی به نام پادشاهان مروزنی حکومت می‌کرد. در اصل، رئیس خدمات داخلی دربار بود. اما بعدها، مستولیت سازماندهی حیات اقتصادی دربار و اداره دادگاه را به عهده گرفت، و نیز به محافظatan پادشاه فرمان می‌داد. در اوآخر قرن هفتم، این منصب در خانواده پیپنیدها موروثی شد و امکان جلوس آنان بر تخت پادشاهی را فراهم کرد - م.

می‌کردند. کنست در سطح محلی به منزله پادشاه بود و اراضی وسیع روستایی را اداره می‌کرد. رهبری شهرها به عهده اسقف‌ها بود.

برخلاف امپراتوری روم، حکومت پادشاهی مروونژی از درآمدهای مالیاتی مناسبی برخوردار نبود. دریافت مالیات‌های مستقیم که بیش از پیش نامنظم شده بود، در آغاز قرن هشتم به کلی از بین رفت. حکومت پادشاهی درآمدهای خود را از مالیات بر تبادل کالا (بر مبنای واحد بشکه) و بهویژه از مالیات بر محصولات اراضی وسیع تأمین می‌کرد. این امر مستلزم جابجایی زیاد و مطالبه خانه به خانه مالیات‌ها بود.

پادشاه مروونژی که خود را مالک تمام اراضی بایر می‌دانست، املاک و مستغلات وسیعی را به این روش تصاحب نمود؛ اما گاهی بخشی از این املاک را به پاس وفاداری به یکی از جنگجویان خویش اعطامی کرد.

شواهد حاکی است که جمعیت فرانک‌ها در زمان ورود به گالیا احتمالاً زیاد نبوده است. تعداد ویزیگوت‌های مستقر در جنوب را در حدود صد هزار نفر برآورد کرده‌اند؛ اما عامل ازدواج پیوند میان اشغالگران و گال‌های رومی را تسريع کرد. در این دوره، شاهد حضور نمایندگانی از خانواده‌های ثروتمند گالیای رومی هستیم که مناصب اداری را به عهده می‌گرفتند. گرچه زبان ژرمونی در بلژیک و در شمال فرانسه تا ناحیه پیکاردی^۱ گسترش یافت؛ اما زبان لاتین همچنان مقاومت می‌کرد و خیلی سریع در دیوان دربار^۲ حکومت جدید جای خود را باز کرد.

روزگار مشقت‌بار

از قرن سوم به بعد، پوشش جنگل در گالیا گسترش یافت و بسیاری از ساکنان خانه‌های ییلاقی زمینهای خود را رها کردند. جمعیت کاهش یافت و در مناطق مسکونی پراکندگی زیادی رخ داد. مردمان آن دوره که تعدادشان اندک بود و همچنین دچار سوء‌تغذیه شده بودند (در بسیاری از استخوانهای مکشوفه آثار بیماری راشیتیسم به دست آمده است)، از اینکه حتی فرزندان خود را به منظور

1. Picardie

2. «La chancellerie» مکانی است که در آن فرامین پادشاه مكتوب و ممهور می‌شد. -م.

۵۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ سال

محدود کردن جمعیت بکشند، هراسی نداشتند. روزگار بسیار سخت و دشواری بود. در حدود سال ۵۶۰، هجوم دسته‌های انبوه ملخ، مزارع نواحی اورن^۱ و لیموزن^۲ را از بین برد. قحطی بزرگ سال ۵۸۴، مردم را مجبور کرد تا با ریشه‌های سرخس و گلهای درخت فندق به پخت نان مبادرت کنند. مجموعه قابل ملاحظه‌ای از بیماری‌های واگیردار مانع رشد مجدد جمعیت شد. آبله در سال ۵۷۰، اسهال خونی در سالهای ۵۷۰ و ۵۸۲ و همچنین شیوع بومی بیماری جذام موجب مرگ بسیاری از ساکنان مناطق شد. طاعون ژوستینین^۳ که از سوی شرق سرایت کرده بود، بارها ساکنان جنوب و دره رُن^۴ را مبتلا ساخت (بیماری‌های واگیردار سالهای ۵۴۳، ۵۷۱، ۵۸۰-۵۹۱، ۵۸۸-۵۹۹، ۶۰۰، ۶۵۴، ۶۹۴ وغیره). سختی زمانه و نامنی فرآگیر، حفظ نظام فثودالی در روستاهای توجیه می‌کند. بسیاری از کشاورزان آزاد که مالک زمین بودند، آزادی خود را واگذار کرده و تحت قیومیت و سرسپردگی^۵ یک مالک بزرگ که حمایت از آنان را تضمین می‌کرد، درمی‌آمدند. بدین ترتیب، املاک بزرگ روز به روز بسط و توسعه پیدا می‌کرد. اشغالگران ژرمنی نیز به سهم خود با نظام سرسپردگی کم و بیش مشابهی آشنا بودند. یک جنگجوی کار آزموده و نیرومند فرانک، داوطلبانه از گروهی از سربازان جوان که خود را وقف فرماندهشان کرده بودند، حمایت می‌کرد. در سراسر سرزمین روابط انسانی، پیوندهای خدمت و وفاداری تقویت شد.

گرچه بخش اعظم قدرت شهرها از دست رفته بود، با این وجود بخشی از تجارت عمده که در دست بازرگانان «سوری» (مسيحيان شرق) و یا یهودی بود، تا اندازه‌ای پابرجا ماند. راههای آبی یا راههای رومی که محل عبور کاروان چهارپایان

1. L'Auvergne

2. Le Limousin

۳. La Peste justiniennne» شروع این بیماری واگیردار از مصر بوده، سپس به بیزانس سرایت کرد و بارها ساکنان ایتالیا را مبتلا ساخت. این بیماری، موجب مرگ و میر و در نتیجه کاهش تعداد سکنه سواحل مدیترانه، نواحی رُن و سانون شد. [تصویر ۳۲]-م.

4. Le Rhône

۵. La commendatio» معادل واژه فرانسوی «L'hommage féodal» بوده و دال بر مرامسمی است که طی آن رعیت سرسپردگی خود را در حضور چندین شاهد نسبت به اربابش نشان می‌داد -م.

لصل دوم / سلطنت فرانک‌ها ۵۷

(الاغ و شتر) بود، این امکان را برای بازرگانان گالیا^۱ فراهم می‌ساخت تا محصولات خود را به کشورهایی نظیر ایتالیا، امپراتوری روم شرقی^۲ و حتی مصر صادر کنند. کالاهایی مانند گندم، موم، سفال، سنگ قبرهای مرمر رشته کوه‌های پیرنه^۳، سلاحهای فرانک و بهویژه بردگان ملحدهای که در بازار وردن^۴ به فروش می‌رسیدند، در زمرة این صادرات قرار می‌گرفت. متعاقباً، ابریشم، ادویه‌جات و اشیای قیمتی و زیستی کالاهایی بود که به گالیا وارد می‌شد. با این وجود، تصرف مدیترانه به دست مسلمانان، دسترسی بازرگانان به مناطق دور دست را دشوار ساخت. شواهد حاکی از آن است که پس از سال ۷۶۰، دیوان دربار حکومت مروونژی، استفاده از پوست را جایگزین پاپیروس وارداتی نمود. البته، استفاده از اسناد مکتوب، حتی ناخوانا و با نوشتار درهم نیز بهندرت رخ می‌داد. در خصوص تولید آثار ادبی به استثنای داستانهای گرگوار تور^۵ نویسنده قرن ششم نیز این امر صادق است. صرفاً، صنعت فلز کاری (آهن آب داده برای ساخت سلاح، طلاجات) از کیفیت خوبی برخوردار بود. در روستاهای تعدادی حکیم‌ها و پیشگویان فراوان و کافرکیشی نظیر پرستش خورشید و آیینهای جادوگری همچنان پابرجا بود. بسیاری از مردم با خود طلسماً به همراه داشتند و یا مردگان خود را در حالی دفن می‌کردند که سکه‌ای در دهان آنان می‌گذاشتند تا حق «عبور» به آن

۱. بازرگانان گالیا اهل سیر و سفر بودند: به گفته تاریخدان ویل دورانت: «آنان بهندرت مثل سودا^۶ پیشگانی بودند که ما امروزه می‌شناسیم که در شهر خودشان آرام و راحت پشت میزی می‌نشینند. آنان معمولاً با اجناس خود حرکت می‌کردند، برای خرید ارزان تر غالباً به نقاط دور دست سفر می‌کردند... و برای فروش گران تر به جایی که آن اجناس کمیاب بود می‌رفتند... بازرگانان افراد جسور و ماجراجو کاوشگر شهسواران کاروان مسلح به دشنه و سلاح و آماده رویارویی با راهزنان، دزدان دریایی و هزار رنج و محنت بودند.» (از کتاب قرون وسطی پسین، جیمز آ. کوریک، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ص ۲۵)

۲. Empire byzantin^۷ بینانگذار امپراتوری بیزانس (امپراتوری هزار ساله روم شرقی) کنستانتنین یکم است. روم اشاره به سرزمینهایی در اروپا و آسیای صغیر دارد که مدتی در دست امپراتوری روم و امپراتوری روم شرقی بود - م.

3. Les Pyrénées

4. Verdun

۵. «Grégoire de Tours» وی اسقف تور و مورخ فرانک‌ها بود. آثارش در قالب چندین دست نوشته قرون وسطی باقی مانده است. در یکی از آثار وی به نام «تاریخ فرانک‌ها» برای اولین بار حکایت ظرف سواسون نوشته شده است. از وی به نام پدر تاریخ ملی فرانک‌ها و برجسته‌ترین مورخ دوره مروونژی یاد می‌شود. [تصویر ۳۳]-۴

دنیا را بپردازند. با اشاعه دین مسیحیت در روستاهای محلی زیادی ساخته شد. این پدیده، در مناطق مختلف از سرعت متغیری برخوردار بود. در بریتانی^۱، آخرین کلیساها م محلی در قرن نهم ساخته شد. کلیساها واقع در روستاهای اغلب از یک محل ویژه غسل تعمید در خارج کلیسا برخوردار بود که در وسط قصبه و یا در زمینهای یک مالک بزرگ ساخته می‌شد. برخی از اعمال ساحرانه رنگ و بوی مسیحی به خود گرفت. اشیای متبرک قدیسان مورد پرستش و تقدیس واقع می‌شد و وسیله معالجه بسیاری از بیماری‌ها تلقی می‌گردید. از قرن ششم به بعد، مقبره مارتین قدیس در شهر تور، مقصد بسیاری از زائران بود. راهبی ایرلندی موسوم به کلنبان قدیس^۲ [تصویر ۳۴] که مبلغ برجسته‌ای بود، در حدود سال ۵۹۰، بر خاک قاره^۳ پا گذاشت و در وُسر^۴ صومعه لوکسوی^۵ را تأسیس کرد که به سرعت به مرکز بزرگ مذهبی بدل شد. صومعه‌های دیگری نظیر رومیرمون^۶، ژومیژ^۷، فونتن^۸، و غیره در پی آن تأسیس شد. طی قرن هفتم، بسیاری از جوامع راهبان در گالیا اصول بُنوا قدیس^۹ را پذیرفتند و وجودشان را وقف نیایش، توبه، وعظ و خطابه کردند. ساکنان شهرها، کلیساها و جدیدی می‌ساختند؛ اما ابعادشان هنوز بزرگ نبود و طولشان به ۲۰ تا ۳۰ متر می‌رسید. اسقف‌ها که متعلق به خانواده‌های ثروتمند گالیای رومی بودند، به شخصیت‌هایی قدرتمند مبدل شدند. آنان تقریباً مستقل از روم اقدام می‌نمودند و در موقع آشوب و ناآرامی ساماندهی دفاع از شهر را به عهده داشتند. هر اسقف‌نشین از املاک و مستغلات قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. اسقف برای اراضی خود، از پادشاهان مروونژی مصونیت‌هایی نظیر معافیت مالیاتی و استقلال قضایی به دست می‌آورد و این امر مقاومت

1. Bretagne

2. Saint Columban

۳. واژه قاره در مورد اروپای بُری یعنی به جز انگلستان، ایرلند و اسکاتلند به کار می‌رود -م.

4. Les Vosges

5. Luxeuil

6. Remiremont

7. Jumièges

8. Fontaines

۹. بُنوا نورسی (Benoît de Nursie) یا بُنوا قدیس پایه گذار مکتب بندیکتی است. به دلیل اصول تأثیرگذارش بر رهبانیت غربی و حتی بر تمدن اروپای قرون وسطی از وی به عنوان پدر راهبان غرب یاد می‌شود.

[تصویر ۳۵] -م.

د، برابر مطالبات نکت را برای وئی ممکن می‌ساخت. چنین قدرتی حاکمان را بر آن داشت که در انتخاب اسقف‌ها اعمال نفوذ کنند و بعدها خود به‌طور مستقیم آنان را «نصوب نمایند.

آفول دودمان مروونژی

مجموعه سرزمینهای وسیعی که کلوویس یکپارچه کرده بود، از سال ۵۱۱ به چهار حکومت پادشاهی کوچک تقسیم شد. این حکومتها به سرعت با یکدیگر به رقابت پرداختند و در روی یکدیگر قرار گرفتند. طی دو قرن و نیم حیات دودمان مروونژی، سرزمینهای مختلف فرانک تنها به مدت ۷۲ سال تحت یک حاکمیت گردیدند. در حقیقت، در نزد پادشاهان مروونژی وحدت دولت هیچ مفهومی نداشت و به عدم حقوق خصوصی را با حقوق عمومی تلفیق می‌کردند. حکومت پادشاهی فرانک‌ها به مثابه ملک خانوادگی دودمان مروونژی به نظر می‌رسید و در بین پسران پادشاه مرسوم بود که ملک پدری را میان خود تقسیم کنند. عواملی نظیر تجزیه زیاد میراث شاهی، سازمان اداری بسیار ضعیف و فقدان عایدات مالیاتی مطلوب، هرگونه ثبات و استحکامی را از حکومت سلطنتی فرانک‌ها سلب کرده بود. با توجه به فقدان نقدینگی، پادشاهان معتقد بودند که می‌توانند با تقسیم اراضی میان جنگاوران بزرگ از اشراف، وفاداری آنان را به خود جلب کنند. در این شرایط، میراث شاهی به سرعت رو به کاهش گذاشت و در قرن هشتم، برخی از خانواده‌ها نظیر خانواده پیپینید^۱ در مقایسه با حاکمان، ثروتمندتر بودند. عوامل انسانی نیز نقش داشت. بسیاری از پادشاهان در سنین اندک بر تخت سلطنت جلوس می‌کردند و به سرعت تحت نفوذ و سلطه وزرای دربار قرار می‌گرفتند. این اشراف زادگان برجسته (وزرای دربار) با هدف نظارت هرچه بهتر بر قدرت حاکم، موجبات عیاشی اربابان جوان خود را فراهم می‌کردند. آنها به «پادشاهان بی‌عار»^۲ معروف بودند [تصویر ۳۶]. رقابت و انتقام‌گیری میان گروههای اشرافی به خشونتهای نظیر نقص عضو (چشمها مغلوبان را از حدقه درمی‌آوردند) یا اعدامهای وحشتناک متنهای می‌شد (شاه کلوتر دستور داد پسرش را زنده بسوزانند). در قرن ششم، رقابتی که

1. Les Pippinides

2. Les rois faincants

شهبانو فردیگوند^۱ را در مقابل شهبانو برونو^۲ قرار داد، متعج به قتل‌های بسیاری شد. شهبانو برونو در سال ۶۱۳^۳، به اسارت کلوتر دوم^۴، پسر فردیگوند، درآمد. وی رابه اسبی و حشی بستند و آن قدر روی زمین کشیدند تا بدنش تکه تکه شد. بروز مجدد خطرهای خارجی از آن سوی مرزها (حملات ساکسون‌ها و فریسون‌ها^۵، اشغال کارکاسون^۶ و تهاجمات مسلمانان به اوتون در سال ۷۲۵) پایه‌های دودمان مروونژی را سست کرد. در کشوری بزرگ و فاقد وحدت سیاسی که در آن پادشاهان اقتدار چندانی نداشتند، سرزمینهای وسیع به سرعت از یوغ هرگونه سلطه‌ای بیرون آمده و به شاهزاده‌نشین‌های مستقل تغییر شکل داد (بریتانی، پیپی باسک^۷، آکیتن و غیره). در پایان قرن هفتم، سرزمینهای دودمان مروونژی به منطقه‌ای میان رودهای لوار و راین محدود شده بود.

طی تجزیه زیاد میراث شاهی، شکل‌گیری دو حکومت پادشاهی کوچک، از ثبات و دوام بیشتری برخوردار بود: پادشاهی نوستری^۸ (در غرب، بین رودهای لوار و سن) و پادشاهی اوسترازی^۹ (در شمال و در شرق از دریای شمال^{۱۰} تا رودهای موز^{۱۱} و راین). در جنوب شرقی، پادشاهی کوچک بورگونی که به عنوان سومین پادشاهی محسوب می‌شد، بسیار ضعیف مانده بود [تصویر ۳۸]. داگوبرت^{۱۲}، پادشاه فرانک‌ها

۱. «Fredégonde» وی معشوقه شیلپریک اول بود. شیلپریک اول تحت تأثیر و نفوذ وی به قتل همسرش، گالسویت (Galswinthe) مباردت نمود - م.

۲. «Brunehaut» وی دختر پادشاه ویزیگوت‌ها و همسر زیگبرت اول (Sigebert I) بود - م.

۳. «Clotaire II» وی که ملقب به کلوتر کبیر و جوان بود، از سال ۶۱۳ تا ۶۲۹ به مدت ۴۵ سال بر فرانک‌ها پادشاهی کرد. دوره پادشاهی وی در مقایسه با سایر پادشاهان مروونژی طولانی‌تر است [تصویر ۳۷] - م.

۴. «Frisons» این قوم شاخه‌ای از اقوام ژرمی بود که در قرن دوم شکل گرفت و توانست با همسایگان نزدیک خود یعنی آنگل‌ها و ساکسون‌ها متحد شود - م.

5. Carcassonne

6. Pays basque

7. La Neustrie

8. L'Austrasic

9. La mer du Nord

10. La Meuse

۱۱. «Dagobert» وی پسر ارشد کلوتر دوم، پادشاه اوسترازی (بین سالهای ۶۲۳ و ۶۲۹)، فرانک‌ها (از سال ۶۲۹ تا ۶۳۹)، نوستری و بورگونی (بین سالهای ۶۲۹ و ۶۳۴) بود. وی پاریس را به عنوان پایتخت خود برگردید. [تصویر ۳۹] - م.

۶۲۹)، موفق شد این سه قلمرو را با یکدیگر متحد کند. وی به کمک الوا^۱، اسقف ناحیه سواسن و با مقابله با هجوم باسک‌ها^۲ و برتون‌ها فکر تقویت حکومت خود را در سر می‌پروراند. ساخت اولین صومعه، موسوم به سن - دُنی^۳ در نزدیکی پاریس به دستور وی صورت گرفت. از سال ۶۳۹، حکومت پادشاهی فرانک درباره تقسیم شد. نبرد میان پادشاهی‌های نوستری و اوسترازی شدت گرفت. پادشاهان به مثابه عروسکهای خیمه شب بازی بودند و از خود هیچ نقشی نداشتند. وزیر دربار و در پشت پرده طبقه اشراف، دو حکومت پادشاهی رقیب که در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند، عروسک گردانان اصلی بودند. ابروئن^۴، وزیر دربار پادشاهی نوستری موفق شد بر پادشاهی بورگونی تسلط یابد. پادشاهی نوستری تا قبل از قتل ابروئن در سال ۶۸۳، بر دودمان مروونژی حکومت می‌کرد. از این پرهه به بعد، پادشاهی اوسترازی که خانواده پیپینید^۵ بر عملکرد وزیر دربار آن ناظارت می‌کرد، اقدام به مقابله به مثل نمود. در سال ۶۸۷، پِن اِرستان^۶، وزیر دربار پادشاهی اوسترازی در ترتری^۷ نزدیک لانون^۸ سپاهیان پادشاهی نوستری را شکست داد. از این پس، بین سه پادشاهی اوسترازی، نوستری و بورگونی یک بار دیگر وحدت برقرار شد. در سال ۷۱۴، پس از مرگ پِن اِرستان، شارل^۹، پسر نامشروع وی وزیر دربار شد. در سال ۷۱۷، در نبرد وینشی^{۱۰} وی بی‌رحمانه شورش پادشاهی نوستری را سرکوب کرد (بدین دلیل

1. Éloi

2. Les Basques

3. Saint-Denis

۴. Ebroïn» این وزیر دربار کلوت سوم (Clotaire III) که بسیار خشن، سنگدل، و مستبد بود، در صدد تحمیل قدرت خود بر پادشاهی‌های بورگونی و اوسترازی برآمد - م.

۵. از خانواده ثروتمند و بسیار متغیری بودند که با مکر و خشونت از ضعف دودمان مروونژی سوء استفاده نموده و قدرت را از چنگ آنان ببرون آوردهند - م.

۶. (Pépin d'Herstal) پِن اِرستان یا پِن جوان (۷۱۴-۶۴۵) از قبول عنوان پادشاهی اجتناب کرد و خود را دوی فرانک (Dux Francorum) نامید. وی به دلیل حمایت از نمایندگان مسیحی ژرمی مورد تأیید مقام پاپ قرار گرفت - م.

7. Tertry

8. Laon

9. Charles

10. La bataille de Vinchy

به وی لقب مارتيل^۱ به معنای چکش داده شد) [تصویر ۴۰]. وی با تقسیم اراضی صومعه‌ها در میان بسیاری از اشراف، وفاداری آنان را نسبت به خود جلب نمود و به تشکیل سواره نظام قدرتمندی مبادرت کرد. شارل مارتيل، قدرت از دست رفته فرانک‌ها را احیا نمود و در سال ۷۳۲، به آکیتن که توسط مسلمانان اسپانیا اشغال شده بود، کمک کرد و آنها را در نزدیکی پواتیه با فرماندهی سواره نظام قدرتمند خود شکست داد. نبرد پواتیه^۲، اعتبار فراوانی برای شارل مارتيل به همراه داشت.^۳ در سال ۷۳۵، پادشاه آکیتن تسلط فرانک‌ها بر حکومت خویش را پذیرفت. لشکرکشی‌های متعدد آنان به آکیتن و پروانس این تسلط را قوام بخشید. در سال ۷۳۷، به دنبال مرگ تییری سوم^۴، پادشاه مروونژی، شارل مارتيل به رغم اینکه جرئت اعلام پادشاهی خود را نداشت؛ اما از قدرت لازم برای جلوگیری از انتخاب جانشین وی برخوردار بود. شارل پیش از مرگش در سال ۷۴۱، زمینه تقسیم حکومت پادشاهی را میان دو پسرش کارلومن^۵ و پِن کوته قامت^۶ فراهم ساخت.

دودمان کارولنژی^۷ (۷۵۱-۹۸۷)

پِن کوته قامت و شارلغانی^۸

کارلومن در سال ۷۴۷، در صومعه‌ای گوشنه‌نشینی اختیار کرد [تصویر ۴۲] و پِن کوته

۱. Martel

2. La bataille de Poitiers

۳. به دلیل این پیروزی، ازوی به عنوان «ناجی مسیحیت اروپا» یاد می‌شود.^۹
 ۴. «Thierry III» وی در سال ۶۷۳ و سپس از سال ۶۷۵ تا سال ۶۹۰ فرمانروای نوستری و بورگونی، از سال ۶۸۱ تا سال ۶۹۰ پادشاه اوسترازی بود. او سویین پسر کلوویس دوم و شهبانو باتیلد (Bathilde) بود. [تصویر ۴۱]^{۱۰}
 ۵. «Carloman» در سال ۷۴۳ به همراه برادر خود پِن کوته قامت، نهاد کلیسا فرانک را به واسطه همکاری تنگاتنگ با پاپ احیا نمود و به اصلاح اخلاقیات، سلسله مراتب و آئین عبادی کلیسا پرداخت. همچنین، اختلاف بر سر اراضی کلیسا راحل و فصل کرد.^{۱۱}

۶. «Pépin le Bref» وی از سال ۷۴۱ تا سال ۷۵۱ وزیر دربار و از سال ۷۵۱ تا سال ۷۶۸ پادشاه فرانک‌ها بود. پِن کوته قامت یا پِن سوم نخستین پادشاه دودمان کارولنژی است. [تصویر ۴۳]^{۱۲}

۷. (Les Carolingiens) نهاد کلیسا در پایان قرن هشتم و اوایل قرن نهم و امداد پادشاهان دودمان کارولنژی است. آنها آئین مسیحیت را در مقابل گسترش اسلام نجات دادند و از مقام پاپ در مقابل لومباردها حمایت کردند. آنان پشتونه محکمی برای اشاعه اعمال مذهبی و اخلاقیات آئین مسیحیت بودند.^{۱۳}

۸. (Charlemagne) شارلمانی یکی از مشهورترین پادشاهان دودمان کارولنژی است. ازوی به عنوان موسس امپراتوری مقدس روم و پدر کشورهای فرانسه و آلمان یاد می‌شود [تصویر ۴۴]^{۱۴}.

لاد. به عنوان تنها وزیر دربار در صحنه باقی ماند. گرچه در سال ۷۴۳، به ضرورت، دوباره یک پادشاه مروونزی برای مقابله با شورشی عمومی بر تخت نشست؛ اما به طور اضع پین قدرت واقعی را در اختیار داشت. وی شورشگران را سرکوب کرد و موفق شد مسلمانان را از سیپتیمانی^۱ (امروزه لانگ دُک^۲) بیرون کند و بدین ترتیب، این ناحیه را تحت سلطنت فرانک‌ها درآورد. در سال ۷۵۱، پین از پاپ زاکاری^۳ پرسید، چه کسی باید عنوان پادشاهی را دارا باشد: کسی که از قدرت برخوردار است (وزیر دربار) یا کسی که از داد را در اختیار ندارد (پادشاه مروونزی)^۴? در موقعیتی دشوار، به دلیل تهدیدهایی که از طرف لو مباردها^۵ (حکومت پادشاهی پاوی^۶) صورت می‌گرفت، پاپ قضیه را به نفع پین کوتاه قامت فیصله داد. پین کوتاه قامت که به عنوان پادشاه فرانک‌ها برگزیده شده بود، اخیرین پادشاه مروونزی را در صومعه‌ای زندانی کرد. تاج پادشاهی توسط بونیفس قدیس^۷ بر سر او گذاشته شد. در سال ۷۵۴، پاپ در برگزاری مراسم تاجگذاری بدعتی نهاد. برای اولین بار، یک پادشاه فرانک توسط نهاد کلیسا رسماً به عنوان پادشاه اعلام شد. دیگر اطاعت از پین کوتاه قامت یک وظیفه دینی به شمار می‌آمد. در سالهای ۷۵۴ و ۷۵۶، پادشاه جدید برای سپاسگزاری از پاپ، در ایتالیا به مبارزه علیه لو مباردها پرداخت؛ سرزمهنهای مهمی را تصرف کرد و آنها را به پاپ واگذار نمود.^۸ پین کوتاه قامت به عنوان

1. Septimanic

2. Languedoc

۳. «Zacharie» یکی از پاپهای کلیسای کاتولیک روم بود که در یونان به دنیا آمد و از سال ۷۴۱ تا سال ۷۵۲ مقام پاپ را در اختیار داشت - م.

۴. (Les Lombards) در سال ۵۶۸، لو مباردها به ایتالیای شمالی هجوم برداشتند و حکومت پادشاهی پاوی را تشکیل دادند. در سال ۵۸۴، سران لو مبارد به منظور مقابله با تهدید همسایگانشان با یکدیگر متحد شدند. در اوایل نیمه دوم قرن هشتم، لو مباردها به روم حمله و شدند - م.

5. Pavie

۶. (Saint Boniface) حمایت وزرای دربار، خانواده پیپینید و پادشاهان کارولنژی سهم بسزایی در موقیت وی داشت. بونیفس در صدد اصلاح نهاد کلیسا برآمد و از وی به عنوان یکی از پیشگامان رنسانس کارولنژی یاد می‌شود. [تصویر ۴۵] - م.

۷. هنگامی که پین موفق شد لو مباردها را از روم براند نه تنها نفوذ فرانک‌ها را گسترش داد، بلکه یک متحد مهم نیز به دست آورد: کلیسا. او باریکه زمینی را که در ایتالیا به تصرف درآورده بود به پاپ اهدا کرد. قطعه کوچکی از این به اصطلاح اهدایی پین تا به امروز در دست کلیساست و واتیکان نامیده می‌شود؛ دولت مستقلی که کلیسای کاتولیک روم بر آن فرمان می‌راند - م.

بنیانگذار حکومت پاپی^۱ نیز محسوب می‌شود. پیش از مرگش در سال ۷۶۸، وی به تقسیم قلمرو پادشاهی خویش بین دو پسرش کارلومن و شارل (شارلمانی یعنی شارل کبیر)^۲ مبادرت کرد.

مرگ کارلومن در سال ۷۷۱ سبب شد تا شارلمانی به عنوان تنها پادشاه فرانک‌ها شناخته شود. وی از قامتی بلند (بیش از ۱۹۰ متر)^۳ و سبیلی پرپشت برخوردار بود؛ اما صدای بسیار زیری داشت. شارلمانی فعالیت بسیار زیادی داشت؛ بی‌وقفه و از هر طرف قلمرو پادشاهی اش را گسترش می‌داد و به لشکرکشی‌های نظامی متعدد دست می‌زد. این پادشاه باهوش، مستبد و حتی گاهی اوقات بی‌رحم، از سپاه نیرومندی که سواره‌نظام انبوه، عنصر اصلی آن را تشکیل می‌داد (۵۲ هزار نفر در موقع سادی که ۱۲ هزار نفر از ایشان را سواره‌نظام تشکیل می‌داد)، بهره‌مند بود. هر سال در ماه مه به دستور امپراتور، تعداد زیادی از مردان آزاد و کاملاً مجهز، به سپاه ملحق می‌شدند و این سپاه بلافاصله عازم میدان نبرد می‌شد. آرابه‌هایی با پوشش چرمی، سربازان را همراهی می‌کرد. خدمت نظام برای خرد کشاورزان آزاد که به «میدان نبرد ماه مه»^۴ احضار می‌شدند، وظیفه‌ای طاقت‌فرسا محسوب می‌شد. تجهیزات یک سرباز سواره‌نظام معادل بهای ۲۰ گاو ماده بود و کنت هر سرباز سواره‌نظام غایب را به پرداخت ۶۰ سو^۵ جریمه می‌کرد. بسیاری از مردان آزاد ترجیح می‌دادند آزادی خود را از دست دهنده و تحت حمایت یک ارباب بزرگ قرار گیرند. در عوض، لشکرکشی‌های نظامی متعدد برای پادشاه فرانک‌ها این امکان را فراهم می‌آورد تا اشراف را زیر نظر بگیرد. قبل از عزیمت به جنگ، شارلمانی به امر قضاوت می‌پرداخت و اشراف را در تهیه و تدوین قوانین سهیم می‌کرد. بی‌درنگ، این قوانین موسوم به فرامین سلطنتی^۶،

1. L'État pontifical

2. Charles le Grand

۳. شارلمانی با موهای بلند و طلایی اش به لحاظ جسمانی، سیاسی و فلسفی در میان مردان آن روزگار یک غول به شمار می‌رفت. در زمانی که قد متوسط مردان اروپایی حدود ۱۵۵ سانتی متر بود قد شارلمانی ۱۹۳ سانتی متر و یک سرو گردن بلندتر از اکثر معاصرانش بود -م.

4. Le champ de mai

۵. واحد قدیم پول فرانسه معادل یک بیستم فرانک است -م.

۶. «Les capitulaires» فرامین سلطنتی به چندین ماده یا بند «capitula» تقسیم می‌شد. این واژه خصوصاً در دوره کارولنژی مورد استفاده قرار می‌گرفت -م.

فصل دوم / سلطنت فرانک‌ها ۶۰

لعل به فعل، مکتوب و ثبت می‌شد. همچنین، لشکرکشی‌های نظامی که مدت آن دم بود (از ماه مه تا ماه اکتبر) امکان دستیابی به غنایم جنگی و تصرف سرزمینهای جدید را فراهم می‌کرد. شارلمانی بلافضلله آنها را بین اشراف تقسیم می‌کرد. قلمرو پادشاهی فرانک‌ها به سرعت گسترش یافت. شارلمانی قلمرو پادشاهی لوباردها را در پاوی تصرف کرد (۷۷۴-۷۷۳^۱، باویر^۲ را به قلمرو خود الحاق نمود (۷۸۸) و اوارها^۳ را که در دشت مجارستان مستقر بودند، در سال ۷۹۶ شکست داد. لشکرکشی فرانک‌ها گاهی اوقات با مقاومتهای شدیدی روبرو می‌شد. برتوون‌ها همواره نافرمانی می‌کردند. شارلمانی همچنین موفق نشد بر اسپانیای مسلمان تسلط یابد. در سال ۷۷۸،^۴ نی در ساراگوس^۵ شکست خورد و عقبه سپاهش که فرماندهی آن به عهده رولان^۶، مارکی^۷ منطقه بریتانی بود، توسط باسک‌ها در گردنه رونسو^۸ کشته شدند. با وجود این، در سال ۸۰۱، فرانک‌ها موفق به تصرف بارسلون^۹ شدند. در شمال، از سال ۷۷۲ به بعد، شارلمانی دست به عملیاتهای متعددی علیه ساکسون‌ها زد؛ زیرا حملات آنها قلمرو پادشاهی وی را تهدید می‌کرد. شورش خشونت بار ساکسون‌ها در سال ۷۷۸، فرانک‌ها را با مشکل مواجه ساخت. نزدیک به ۳۰ سال نبرد بی‌وقفه و سرکوب شدید (پس از یک شورش، ۴۵۰۰ نفر از رؤسای ساکسون‌ها گردن زده شدند^{۱۰}) لازم بود تا سرانجام بر ساکس^{۱۱} استیلا یابند. قلمرو پادشاهی فرانک‌ها که مرکز آن را

۱. شارلمانی پس از غلبه بر پایتخت لوباردها، پاوی، دارای عنوان «پادشاه فرانک‌ها و لوباردها» شد -م.

2. La Bavière

3. Les Avars

4. Saragosse

۵. «Roland» وی به شخصیتی اسطوره‌ای در ادبیات قرون وسطی مبدل شد و سروده حماسی رولان در قرن یازدهم به شرح دلواری‌های وی در نبرد علیه سارازن‌ها می‌پردازد. [تصویر ۴۶] -م.

۶. مارکی (Marquis) لقبی اشرافی پایین‌تر از دوک و بالاتر از کنت است. در این دوره، این عنوان به کسی اطلاق می‌شد که فرماندهی نظامی در نواحی مرزی را به عهده داشت -م.

7. Roncevaux

8. Barcelone

۹. اغلب قبایل مغلوب ساکسونی هنوز خدایان سنتی را می‌پرستیدند. شارلمانی آنها را در برابر این انتخاب قرار داد: مسیحیت یا مرگ. در یک شب عید میلاد مسیح دستور داد ۴۵۰۰ شورشی ساکسون را که حاضر به غسل تعمید نبودند، گردن بزنند -م.

10. La Saxe

اوسترازی کهن تشکیل می‌داد، گسترش و وسعت یافت. مساحت آن در حدود یک میلیون و دویست کیلومترمربع بود و جمعیتی بالغ بر ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفر را در خود جای داده بود. در ۲۵ دسامبر سال ۸۰۰، تاج امپراتوری مسیحیت غربی^۱ توسط پاپ لئون سوم^۲ در روم بر سر شارلمانی نهاده شد [تصاویر ۴۷ و ۴۸]. این عنوان ابهت بسیاری برای پادشاه فرانک‌ها به ارمغان آورد و او را نه تنها به یک رهبر بزرگ سیاسی بلکه به رهبری مذهبی تبدیل کرد.^۳ امپراتوری بیزانس از این واقعه بسیار ناراحت شد؛ اما خلیفه مسلمانان، هارون‌الرشید^۴، تحت تأثیر شکوه شارلمانی سفرای خویش را همراه با هدایای بسیاری نظیر ساعت آبی، فیل و شطرنج، نزد وی فرستاد.

۱. در قرن نهم، امپراتوری بیزانس (مسیحیت شرقی)، اسلام و امپراتوری مسیحیت لاتین (مسیحیت غربی) سه قطب اصلی دنیا قرون وسطی را تشکیل می‌داد. برخلاف امپراتوری بیزانس و اسلام که از شکوه و ابهت بسیاری برخوردار بودند، امپراتوری مسیحیت لاتین به صورت جامعه‌ای توسعه نیافر و عقب مانده جلوه می‌کرد - م.

۲. (Leo III) پاپ لئون سوم (۷۹۵-۸۱۶) یکی از پاپهای کلیسای کاتولیک روم بود. وی با ارسال نامه‌ای شارلمانی را از انتخاب خود به عنوان پاپ مطلع ساخت. در پاسخ به این نامه، شارلمانی خود را مدافعانه کلیسا معرفی کرده و بخشی از جواهراتی را که از آوارها گرفته بود، برای وی فرستاد. شارلمانی در نامه خود در سال ۷۹۶ اظهار داشته بود که وظیفه پاپ این است که برای موقوفیت شارلمانی دعا کند. «وظیفه تو مقدس ترین پدر این است که همچون موسی دستهایت را به سوی خدا بلند کنی تا به سپاهیان ما یاری رساند، باشد که با وساطت تو مردم مسیحی با هدایت و یاری خداوند همیشه و در همه جا بر دشمنان نام مقدسش پیروز شوند و باشد که نام سرور ماعیسی مسیح در سرتاسر جهان بلندآوازه گردد.» (از کتاب عصر فتوvalیسم، تیمونی لوی بیل، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ص ۲۲) - م.

۳. پس از مراسم تاجگذاری، به عنایین شارلمانی عنوان «اگوست (بلند اختر) و امپراتور» نیز افزوده شد. از این پس، پیوند میان نهاد کلیسا و دولت تا حدی مستحکم شد که مردم امپراتوری، مردم خدا محسوب می‌شدند و امپراتور نسبت به آنها مسئول بود. امپراتوری شارلمانی تقریباً به اندازه امپراتوری روم باستان وسعت و از ایتالیا در جنوب تا آنچه اکنون آلمان شمالی است در شمال امتداد داشت و تمام فرانسه امروزی اکثر آلمان، اتریش، چکسلواکی و مجارستان کنونی را در بر می‌گرفت - م.

۴. «هارون الرشید» (Haroun al-Rachid) ۷۶۳-۸۰۹ پنجمین و نامورترین خلیفه دودمان عباسی بود. نام وی در کتاب «هزار و یک شب» نیز آورده شده است. در زمان او، بغداد به اوج شکوه و زیبایی خود رسید. وی پرشکوه‌ترین کاخ را در بغداد ساخت. بردگان و درباریان بسیاری از این کاخ پاسداری می‌کردند. وی همزمان با شارلمانی می‌زیست و با اروپای آن دوره رابطه بازارگانی گسترده‌ای داشت. هارون‌الرشید، خلیفه بغداد که بالموی‌ها در جنگ بود، برای شارلمانی هدایای نظیر یک فیل سفیدرنگ به نام ابوالعباس، ارسال نمود. [تصویر ۴۹] - م.

بازسازی دولت

شارلمانی تلاش می‌کرد تا این امپراتوری را - که گالیای کهن تنها بخشی از آن را تخلیل می‌داد - از یک نظام اداری و یک دولت برخوردار سازد. گرچه امپراتوری به خیر از اخذ مالیات‌هایی که بر حمل و نقل کالاهای وضع شده بود، هنوز درآمد مالیاتی قابل توجه دیگری نداشت؛ اما در عوض، امپراتور از ثروت ارضی بسیار زیادی برخوردار بود که می‌توانست از آن برای جلب نظر اشراف استفاده کند. بدین ترتیب، شارلمانی نزدیک به ۶۰۰ قلمرو وسیع^۱ و در حدود ۲۰۰ صومعه را در قبضه قدرت خود داشت. در سال ۷۹۴، اِکس-لا-شابل^۲ پایتخت ثابت قلمرو پادشاهی شد. منصب وزیر دربار از بین رفت؛ اما امپراتور همواره از جانب تعدادی از صاحب منصبان عالی رتبه نظیر قاضی القضاط^۳، خزانه‌دار^۴، میرآخور^۵، افسران سواره نظام^۶ وغیره یاری می‌شد. کارکنان مذهبی کلیساًی کوچک قصر به دستور دیوان‌سالار^۷ نگارش فرامین امپراتوری و ارسال مکاتبات را به عهده داشتند. در سراسر قلمرو امپراتوری، نزدیک به ۷۰۰ کنت منتخب از میان اعضای خانواده‌های بزرگ، فرامین امپراتوری را اجرا می‌کردند، مردان آزاد را به خدمت نظام^۸ فرا می‌خواندند، ریاست دادگاه را به عهده می‌گرفتند و همچنین جریمه‌های نقدی را دریافت می‌نمودند. هر کنت به عنوان دستمزد خدمات خود، قطعه زمینی را مدام‌العمر دریافت می‌کرد. وی همچنین گروه کوچکی از کارکنان اداری (در حدود ۱۲ نفر) را در اختیار داشت و یک ویکنت^۹ نیز

۱. «Les fiscs royaux» در امپراتوری روم، این واژه به خزانه امپراتوری اطلاق می‌شد. در قلمرو پادشاهی برابرها به متعلقات پادشاه دلالت داشت و سرانجام در دوره کارولنژی به معنای قلمرو وسیع به کار می‌رفت - م.

2. Aix-la-Chapelle

3. Le sénéchal

۴. «Le chambrier» وی به امور مربوط به «اتاق یا به عبارت دیگر خزانه» پادشاه رسیدگی می‌کرد و به بررسی درآمدها و هزینه‌ها می‌پرداخت - م.

۵. «Le connétable» رسیدگی به اسطبل‌ها و تیمار اسبها به عهده وی بود - م.

۶. «Les maréchaux» مارشال عنوانی افتخاری در ارتش فرانسه است - م.

۷. «Le chancelier» وی در دوره کارولنژی مسئولیت نظارت بر نگارش و ارسال فرامین پادشاه و نیز معهور کردن آثار ایله عهده داشت. همچنین اداره گروهی از برجسته ترین کاتبان به عهده وی بود - م.

۸. «Le service d'ost» از واژه لاتین «Hostis» به معنای دشمن برگرفته شده است و به لشکرکشی نظامی یا خدمت نظامی اطلاق می‌شود - م.

۹. «Le vicomte» لقبی اشرافی پایین‌تر از کنت است - م.

احیاناً به وی کمک می‌کرد. در نواحی مرزی پر مخاطره نظیر بریتانی و کاتالونی^۱، کنت‌ها دارای قدرت نظامی ویژه‌ای بودند و مارکی نامیده می‌شدند. در مجموع، کارکنان اداری امپراتوری بی‌تردید بین ۸ تا ۹ هزار نفر تخمین زده می‌شدند. در شهرها، کماکان شخصیت پرنفوذ و مقتدر، **أسقف** بود که توسط امپراتور منصوب می‌شد.^۲ شارلمانی که فردی بی‌اعتماد و بدگمان بود، به طور مرتب هیئت بازرگی^۳ (غلب یک کنت و یک **أسقف**) [تصویر ۵۰] را به ایالات می‌فرستاد. آنها مأموریت نظارت و بازرگی را به عهده داشتند. و بالاخره اینکه امپراتور از تمام مردان آزاد بالای ۱۲ سال، پیمان سرسپردگی می‌گرفت. این پیمانها که در سالهای ۷۸۹، ۷۹۳ و ۸۰۲ منعقد شد، رشته وفاداری به امپراتور را به صورت شبکه بزرگی در سراسر قلمرو امپراتوری می‌گستراند. همچنین، ارتباطات بین خود افراد نیز رو به گسترش بود. پس از دهقانان آزاد خردپا، اکنون نوبت جنگجویان بود که برای خود فردی را به عنوان ارباب جستجو کنند. از پایان قرن هشتم، بین رودهای لوار و راین، فرهنگ لغات و آیین‌های ورود به نظام فئودالی شکل گرفت. یک «واسال»^۴ با گذاشت دستهایش در دستان یک «ارباب»^۵ مراتب «وفداداری و احترام»^۶ خود را به وی اعلام می‌کرد. واسال متعهد می‌شد که به هنگام جنگ به ارباب خود یاری رساند، او را راهنمایی کند و در عوض ارباب نیز واسال را تحت حمایت خویش قرار می‌داد و به عنوان

1. Catalogue

۲. **أسقف**‌ها به همراه کنت‌ها مسئولیت نظارت بر نظم عمومی، اجرای عدالت و جمع‌آوری درآمدهای محلی را به عهده داشتند. امپراتور از کلیسا انتظارات زیادی داشت. دعاها مژثر برای رستگاری امپراتور و نجات امپراتوری، شرکت در لشکرکشی‌های نظامی، کمک به امپراتور در مسائل سیاسی، فکری و اخلاقی از جمله آنها بود. در این دوره، **أسقف**‌ها وقت خود را بین مسئولیت‌های معنوی و دنیوی تقسیم می‌کردند.^{-۷}

3. Les Missi dominici

۴. «*Le vassal*» فرد آزادی که از طریق رابطه فئودالی تحت قیومیت یک حاکم قدرتمند و با نفوذ قرار می‌گرفت.^{-۸}

۵. «*Le seigneur*» وی که می‌توانست اشراف زاده یا عضوی از جامعه مذهبی و حتی گاهی یک فرد عادی باشد، دارای حق برقراری نظم و اجرای عدالت میان واسال‌های قلمرو خویش بود. ارباب نه تنها قوانین را به اجرا در می‌آورد، بلکه صاحب زمینی که دهقانان در آن کشت می‌کردند، آهنگری‌هایی که از آنها ابزار می‌خریدند، آسیابهایی که در آنها غلاتشان را آرد می‌کردند و آجوسازی‌هایی که در آنها آبجو درست می‌کردند، نیز بود و واسال باید در قبال استفاده از آنها به ارباب سهم یا خراجی پرداخت می‌کرد.^{-۹}

۶. «*L'hommage*» به واسطه این حرکت نمادین، فرد آزاد به عنوان واسال یک ارباب شناخته می‌شد.^{-۱۰}

«پیشکش»^۱ قطعه زمینی را که بعدها «تیول»^۲ نام گرفت، به صورت مادام‌العمر به وی می‌بخشید. [تصویر ۵۱.]

گرچه امپراتوری کارولنژی نسبتاً منظم و سازمان یافته به نظر می‌رسید؛ اما ضعیف و ناپایدار بود. امپراتوری از تمرکز کافی برخوردار نبود و شارلمانی به برخی از مناطق نظیر آکیتن استقلال زیادی داده بود. در آکیتن، پروانس، ایتالیا و المان هیأتهای بازرگانی دخالت نمی‌کردند و بسیاری از کنترل‌ها که به شخصیت‌های با نفوذ و قدرتمندی مبدل شده بودند، در اجرای دستورات امپراتور سستی و کاهلی می‌کردند.

تمدن کارولنژی

دوره‌ای که بین سالهای ۷۵۰ و ۸۵۰ واقع شده است، رشد دوباره جمعیت، از سرگیری محدود فعالیتهای اقتصادی و مخصوصاً به وضوح بیداری یکباره فعالیتهای فرهنگی را شاهد بود.

طاعون از بین رفت و جمعیت در حال افزایش بود. برخی اسناد مکتوب مثل فرمان سلطنتی ویلیس^۳ و سند صومعه ایرمینون^۴ امکان شناخت بهتر زندگی روستایی را فراهم می‌آورد. صاحبان اراضی، املاک وسیع خود را (۲۸۵۰ هکتار در آناب^۵

۱. «Le bénéfice» در گذشته، پادشاه به عنوان پاداش، قطعه زمینی را به صورت موقت یا مادام‌العمر می‌بخشید. در دوره کارولنژی، به عنوان پاداش در قبال تعهد نظامی و اسلحه، قطعه زمینی به وی پیشکش می‌شد - م.

۲. «Le fief» تیول اغلب یک قلعه زمین یا یک قلعه بود، اما گاهی به عنوان پاداش خدمات، به واسطه حق ویژه یا درآمد حاصل از زمین اعطای شد. تیول‌ها لزوماً با ملک و دارایی ارتباطی نداشتند و تیول یک واسطه ممکن بود مجوز جمع آوری مالیات‌ها، ضرب سکه، یا تعیین وصول جریمه‌ها باشد. غالباً اربابها به واسطه علاوه بر تیول مصونیت نیز می‌بخشیدند که به واسطه اجازه می‌داد قوانین خود را وضع کنند و دادگاه‌های خود را راه بیندازند. تیول و مصونیت معمولاً در ازای این داده می‌شد که واسطه تعداد معینی سرباز در اختیار سپاه اریابش قرار دهد. در ابتدای دوره فتووالیسم تیول‌ها موروثی نبودند اما در قرون وسطی پسین معمولاً چنین بودند - م.

3. Le capitulaire de Villis

۴. «Le polyptique de l'abbé Irminon» در دوره کارولنژی، قلمروهای وسیع دارای اسناد دقیق و روشنی بود - م.

5. Annates

۷۰ تاریخ فرانسه، از امپراطوری تا رنسانس

نقسیم می‌کردند به «زمینهای اربابی»^۱ که حول یک خانه ییلاقی واقع می‌شد و مجموعه‌ای از املاک کوچک (بین ۵ تا ۱۲ هکتار) یا «زمینهای دهقانی»^۲ که آنها را به روستائیان آزاد، زارعین وابسته به زمین و بردگان مستقر در اراضی، واگذار می‌کردند. زارعین وابسته به زمین و بردگان به صاحبان اراضی مالیات پرداخت می‌کردند و با کار طاقت‌فرسا بر روی زمین ارزش زمینهای اربابی را تضمین می‌کردند. این نظام موجب بهبود وضع زندگی بردگانی شد که ضمناً تعدادشان روز به روز کاهش می‌یافتد؛ اما بر عکس، شرایط زندگی بسیاری از روستائیان آزاد خردناک است که تحت تسلط یک مالک بزرگ بودند، به و خامت گرایید. به تدریج، جامعه بردگان و افراد آزاد به هم پیوست و بدین ترتیب طبقه دهقانان شکل گرفت که بر روی زمین کار می‌کردند.

در این زمان در ایل - دو - فرانس^۳ گاوآهن سنگینی به وجود آمد که خاک بر گردان آن می‌توانست زمین را با عمق بیشتری شخم زند. در سندی که قدمت آن به سال ۸۰۰ بر می‌گردد، به یوغی اشاره شده است که کشاندن حیوانات بیشتری را امکان‌پذیر می‌ساخت. استفاده از نیز برای اولین بار در سال ۸۵۵ مطرح شده است. با این وجود، می‌بایست از هرگونه تعمیم استفاده از این ابزار اجتناب کرد. به عبارت دیگر، این نوآوری‌ها به آهستگی رواج یافت. خیش هنوز بسیار مورد استفاده بود و زمینهایی که به خوبی کشت نشده بود، می‌بایست مدت زمان طولانی به آیش گذاشته می‌شد. بررسی فهرست ابزار موجود در قلمرو وسیع آن‌اپ، از کمیابی شدید ابزار آهنتی خبر می‌دهد، چرا که در آن فقط از دو بیلچه، دو داس و دو داس دسته بلند نام برده شده است [تصویر ۵۳]. براساس تفاسیری که بر روی اسناد آن عصر صورت پذیرفت، می‌توان میزان محصولات کشاورزی را خوب و مطلوب برآورد کرد (میشل روش^۴ مورخ به بازدهی پنج تا هفت دانه در

۱. «La réserve» در قرون وسطی، بخشی از یک قلمرو وسیع بود که به بهره برداری مستقیم ارباب و عواملش اختصاص می‌یافتد. [تصویر ۵۲]-م.

۲. «Les manses» خانواده روستائیانی که بر روی زمینهای اربابی کار می‌کردند، در این املاک کوچک زندگی می‌کردند. [تصویر ۵۲]-م.

3. Ille-de-France

۴. Michel Rouche» مورخ فرانسوی متولد ۱۹۳۴، استاد ممتاز دانشگاه و کارشناس تاریخ گالیا از دوره امپراتوری روم و قرون وسطی -م.

ا، اني يك دانه کاشته شاهه امداد دارد) و يا بر عکس آن را کم و ناکافی تلقی نمود (همچنان که گابریل فورنیه^۱ مورخ آن را بین ۱/۶ تا ۱/۸ دانه در ازای يك دانه کاشته شده دانسته است).

فعال‌ترین منطقه امپراتوری در شمال و در سرزمینی بین رودهای راین و موسل^۲ واقع شده بود. کِتتوویک^۳ در ساحل مانش و دورستد^۴ در ساحل پایین رود راین از بنادر فعال به شمار می‌آمد. بین ایتالیا (ونیز)^۵ و این منطقه از طریق راههای، شته کوههای آلپ روابط تجاری به قوت خود باقی مانده بود. به رغم توقف ضرب سکه‌های طلا در قرن هفتم، بازارهای محلی متعددی به وجود آمد. جامعه تجار یهودی (ورزن، ماکون^۶، تروی، آرل وغیره) به ویژه در زمینه تجارت بردگان ملحد فروخته شده به مسلمانان اسپانیا همواره فعال بود. اغلب دیوارهای ساخته شده در قرون سوم و چهارم در اطراف شهرها، که شهر را در تنگنا قرار می‌داد، تخریب شد. آثار بسیاری نظری دیوارهای جدید، صومعه‌ها و کلیساها جدید در لیون، متس^۷، آراس^۸، رمی، منس^۹، وین وغیره احداث شد.

شارلمانی زبان لاتین و حساب می‌دانست، دوست داشت که برایش کتاب بخوانند - کتاب مورد علاقه‌اش شهر خدا^{۱۰} اثر آگوستینوس قدیس^{۱۱} بود - اما نوشتن را بسیار دیر آموخت^{۱۲}. شارلمانی مشوق تجدید حیات ادبی و هنری محسوب

۱. استاد دانشگاه و مورخ فرانسوی تاریخ قرون وسطی - Gabriel Fournier.

2. La Moselle

3. Quentovic

4. Duurstede

5. Venise

6. Mâcon

7. Metz

8. Arras

9. Le Mans

10. La Cité de Dicu

11. Saint Augustin

۱۲. طبق گفته مورخان، برای شارلمانی، نوشتن، یک شبیه حکومت بود. وی در زیر بالش تخت خود، لوحه‌ها و ورقهای پوستی می‌گذاشت و از اوقات فراغت خود با تمرین نوشتن حروف بهره می‌برد. اما از آنجا که بسیار دیر به این کار اقدام کرد، توفیق چندانی نیافت - م.

می‌شود. وی دانشمندان مشهوری نظیر پیر پیز^۱ و بهویژه آکونن^۲ انگلیسی را به قصر خود فراخواند. در قصر امپراتوری اکس-لا-شاپل^۳ مکتبی به منظور تعلیم و تربیت کشیشان جوان و اشرافزادگان ایجاد شد. در سایر نقاط امپراتوری، صومعه‌ها و کلیساهای جامع مجموعه‌های آموزشی مشابهی تشکیل گردید که در آنها براساس یک برنامه مدون آموزشی، کشیشان آگاهتر و تعلیم یافته‌تری تربیت می‌شدند. زبان لاتین که از ناخالصی مُبرا شده بود، باز آموزی می‌شد و بدین ترتیب به زبان دانشمندان مبدل شد؛ اما برای عامه مردم قابل درک و فهم نبود. در صومعه‌ها، فعالیتهاي قابل ملاحظه مربوط به نسخه برداری، امکان حفظ بخش قابل توجهی از تفکر عهد باستان را فراهم می‌کرد. از سال ۷۷۰ به بعد، یک شیوه جدید و بسیار واضح نگارش موسوم به حروف کوچک کارولین^۴ پدید آمد. دستنوشته‌ها اغلب به مینیاتورهای^۵ بسیار ظریف و گرانبها مزین شده بود. بدین ترتیب، اکس-لا-شاپل، تور، رمی، متیس و

۱. «Pierre de Pise» کارشناس گرامر و زبان لاتین قرن هشتم است که شارلمانی پس از سفر خود به روم با خود به اکس-لا-شاپل آورد.^۶

۲. «Alcuin» پژوهشگر، کشیش و شاعر انگلیسی در پاسخ به دعوت شارلمانی به دربار کارولنژی رفت و از سال ۷۸۰ تا سال ۷۹۰، مشاور و آموزگار دربار بود. وی رساله‌های دینی بسیاری نگاشت، همچنین، تعدادی شعر و آثار گرامر زبان لاتین از خود به جای گذارد. در میان شاگردان وی، بسیاری از خردمندان بر جسته دوره کارولنژی دیده می‌شد. درحالی که شارلمانی ملحدانی را که به آئین مسیحیت نمی‌گرویدند، می‌کشت، وی در مقابل این کار او چنین استدلال می‌کرد که «تو می‌توانی آنان را مسیحی کنی، اما نمی‌توانی مسیحیت را به آنان با زور بیاورانی». بدین ترتیب، شارلمانی در سال ۷۹۷، از کشتن کسانی که به مسیحیت تن نمی‌دادند، پرهیز کرد. [تصویر ۵۴]-م.

۳. این قصر، مرکزی فرهنگی به منظور خلق آثار هنری و ادبی و شکل‌گیری تفکرات جدید به شمار می‌آمد. [تصویر ۵۵]-م.

۴. «La minuscule caroline» مسئله کتابت به منظور حفظ متون مقدس و نیز فرآین امپراتور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به دلیل نوشتار نامناسب، متون دوره مروونژی بسیار ناخوانا بود. از سال ۷۸۰، نسخه برداری از دست نوشته‌ها در صومعه‌های فرانسه شمالی با حروف کارولین که بسیار زیبا و خوانا بود، صورت گرفت. بدین ترتیب، همه متون قدیمی اعم از مقدس و کفرآمیز از خطر نابودی نجات یافت. این حروف در واقع شکل ابتدایی حروف چاپ بود. [تصویر ۵۶]-م.

۵. تذهیب یا تزئین دست نوشته‌ها هنر ویژه قرون وسطی است. این تذهیب‌ها بر روی حروف و یا پیرامون صفحات و تصاویر صورت می‌گرفت. معنای ابتدایی مینیاتور، حرف مزین به رنگ قرمز بوده است. هنر تذهیب در دوره گوتیک شکوفا شد و در قرن پانزدهم به اوج خود رسید. این هنر با ابداع صنعت چاپ و پیشرفت نقاشی تابلوها تا حدود زیادی از بین رفت. [تصویر ۵۷]-م.

فصل دوم / سلطنت فرانک‌ها ۷۳

سن دُنی به مهم‌ترین مراکز روش‌تفکری و مذهبی مبدل شد. این کوشش برای بازآموزی فرهنگ کلاسیک در قرن نهم، ظهور آثار اصلی نظری داستانهای تاریخی اژینار^۱ و نیتار^۲، نوشه‌های آنکمار رمی^۳ و یا اندیشه‌های ژان اسکات^۴ را میسر می‌ساخت. شارلمانی که معمار بزرگی بود، بازگشایی کارگاههای روباز زیادی را تسهیل کرد. کلیساي قصر که در سال ۷۹۶، در اکس-لا-شابل توسط او در متنس^۵ معمار بنا شده بود و نیز کلیساهاي ژرمینی - د-پره^۶، سن-گال^۷، فولدا^۸ و سن-ریکیه^۹ گواهی بر این پیشرفت است. سروд چند صدایی در مراسم مذهبی این دوره به وجود آمد.

شارلمانی که خود را رهبر دنیوی مسیحیت می‌دانست، حمایت خویش را از کلیسا اعلام نمود. وی مشوق احداث صومعه‌های بِنِدیکتی^{۱۰} بود و به منظور دعوت ساکسون‌ها به آیین مسیحیت به اعزام مبلغان دینی مبادرت می‌نمود. امپراتور کشاورزان را مجبور می‌کرد تا بخشی از محصول خویش را (در اصل یک دهم یا عشیره^{۱۱}) به کشیش کلیساي محل بدھند. کلیسا در صدد بود تا از برخی رسوم اجتماعی نظری ربودن اجباری زنان و همچنین چند همسری که سنتیتی با آیین مسیحیت نداشت، جلوگیری کند. شارلمانی که دارای چهار همسر پی درپی و نیز شش همسر غیرقانونی

۱. «ادیب و نویسنده قرن نهم، به واسطه نوشنزنندگینامه شارلمانی از شهرت برخوردار است. وی در تجدید حیات ادبی دوره کارولتی نقش بسزایی داشت - م.

۲. «نوه شارلمانی، مورخ فرانک‌ها و یکی از مشاوران شارل طاس بود که در جنگ علیه لوتر شرکت کرد. متن سوگند نامه‌های استراسبورگ در کتاب وی آمده است - م.

۳. «أسقف اعظم ناحیه رمی (۸۰۶-۸۸۲) بود که در دوره پادشاهان کارولتی به دفاع از حقوق کلیسا پرداخت و سهم بسزایی را در حیات سیاسی و مذهبی آن دوره ایفا نمود - م.

۴. «دین‌شناس، فیلسوف نوافل‌اطوئی و شاعر ایرلندي قرن نهم بود. بر اساس فلسفه وی، هیچ‌کس قادر به شناخت مستقیم خدا نبوده و باید خداراً توسط کتب مقدس شناخت - م.

۵. «معمار ارمنی الاصل دوره پادشاهی شارلمانی بود - م.

6. Germigny-des-prés

7. Saint-Gall

8. Fulda

9. Saint-Riquier

۱۰. بِنِدیکتی (Bénédictin) به راهبان رومی پر و بندیکتوس قدیس گفته می‌شود - م.

۱۱. «به منظور رسیدگی به امور کلیسا، یک دهم محصول یاد رآمد به اماکن مذهبی اختصاص می‌یافت. در واقع، این رسم توسط کلیساي ابتدایی از آئین یهودیت برگرفته شده بود و در دوره کارولتی بسیار متداول شد - م.

بود، نمونه و الگوی خوبی به شمار نمی‌آمد؛ همانند دخترانش که آنها نیز مجرد ماندند در حالی که همه دارای فرزند بودند.

تجزیه امپراتوری و پیدایش فرانسه

شارلمانی در سال ۸۱۴ درگذشت [تصویر ۵۸]. تنها جانشین وی لویی پارسا^۱ (۸۱۴–۸۴۰) مردی فرهیخته و دانا بود؛ اما بهشدت از کشیشان اطرافش تأثیر می‌پذیرفت. وی به سرعت از ادامه لشکرکشی‌های پدرش صرف نظر کرد. بدین ترتیب، از این پس تسلط وی بر اشراف بی‌بهره از غنایم جنگی کاهش یافت. لویی پارسا با پذیرش معافیت زمینهای کلیسا از پرداخت مالیات، سهم بسزایی در تضعیف قدرت امپراتوری داشت. گرچه وی در سال ۸۱۷ اصل برتری پسر ارشد، لوتر^۲ را در مورد ارث اعلام کرده بود؛ اما زمینه جانشینی پسر کوچک خود شارل طاس^۳ را که ثمره ازدواج دیگری بود، فراهم ساخت. قلمرو دودمان کارولتی پاره پاره شد. در سال ۸۳۰ لوتر، فرزند ارشد، و فرزندان همسر اول لویی پارسا علیه وی شورش کردند. بسیاری از اشراف به حمایت از شورش پرداختند و این امر منجر به عزل امپراتور در سال ۸۳۳ و متعاقب آن بازداشت وی شد. از سال ۸۳۴ لویی پارسا دوباره قدرت را به دست آورد؛ اما آبھت امپراتوری از میان رفته بود، در حالی که خطر

۱. «Louis le Pieux» از پسران شارلمانی که به پارسایی شهره بود. پس از مرگ شارلمانی، لویی پارسا که به اخلاق مسیحی اهمیت می‌داد، معشوقه سابق پدرش و عشاق خواهرش را از دربار بیرون راند. وقتی خواهرانش اعتراض کردند، آنها را روانه یک دیر کرد. موازین سختگیرانه‌اش برای وی لقب لویی پارسا را به ارمغان آورد. یکی از اهداف سیاست مذهبی وی، تقویت یکپارچگی امپراتوری بود. وی پس از پادشاهی دست به تهذیب نفس زد؛ همچنین در سال ۸۲۲ در نشستی به همراه پاپ پاسکال یکم و جمعی از بزرگان فرانک‌ها، با اقرار به گناهان خود، در برابر پاپ اعتراف نمود و معاصی گذشته خویش را در انجمان حاضر برشمرد و گروهی از خویشانش را که به زندان انداده بود یا در کلیسا و صومعه نگه داشته بود، رها کرد.

[تصویر ۵۹] - م.

۲. «Lothaire» وی یکی از پسران لویی پارسا بود. پس از مرگ پدر، برادرانش لویی ژرمی و شارل علیه وی با هم متحد شدند. با این وجود، از سال ۸۴۰ تا سال ۸۵۵ به عنوان امپراتور بر فرانسی میانی حکومت کرد.

[تصویر ۶۰] - م.

۳. «Charles le Chauve» جوان‌ترین پسر لویی پارسا که از سال ۸۴۰ پادشاه فرانسی غربی و از سال ۸۷۵ تا زمان مرگش امپراتور مقدس روم بود. [تصویر ۶۱] - م.

فصل دوم / سلطنت فرانک‌ها ۷۵

خارجی دوباره قلمرو امپراتوری را تهدید می‌کرد. اولین هجوم نورمانها^۱ در سال ۸۱۹ به وقوع پیوست. به دنبال مرگ لویی پارسا در سال ۸۴۰، لوتر با تمسک به حق ارشدیت خویش، کل میراث امپراتوری را مطالبه کرد. دو برادر دیگر، لویی ژرمونی^۲ و شارل طاس که هنوز زنده بودند، حاضر نشدند به نفع لوتر از ارث خود صرف نظر کنند. بدین ترتیب، جنگ داخلی آغاز شد. در فوریه سال ۸۴۲، لویی ژرمونی و شارل طاس در استراسبورگ با هم پیمان اتحاد بستند. سوگندنامه‌های استراسبورگ^۳ اولین اسناد موجود به زبانهای فرانسه و آلمانی است.

در سال ۸۴۳، لوتر شکست خورد و پذیرفت که با دو برادر دیگر ش در مورد تقسیم امپراتوری به سه بخش مذاکره کند. در اوت ۸۴۳، تنظیم پیمان وردن^۴ که مدت‌ها مورد مذاکره کارشناسانی بود که به دقت از تشکیلات متعدد مالیاتی امپراتوری صورت برداری می‌کردند؛ به پیدایش سه قلمرو پادشاهی انجامید. لوتر عنوان امپراتوری را حفظ کرد و سرزمینی طویل، کشیده و ناهمگون متشکل از ایتالیا، پروانس، بورگونی، منطقه اکس-لا-شاپل و مصب رودهای راین و موز را به دست آورد. دو برادر دیگر ش دارای مناطق یکدست‌تری شدند: لویی ژرمونی فرانسی شرقی^۵ (ژرمونی، باویر و شمال رشته کوه‌های آلب) را از آن خود ساخت و شارل طاس فرانسی غربی^۶ (مناطق غربی رودهای موز و رن که در برگیرنده بخش اصلی گالیای کهن بود) را به دست

۱. نورمان‌ها پیش از آنکه در ایتالیا، انگلستان و امپراتوری مقدس ساکن شوند، سواحل غرب را غارت و ویران کردند. [تصویر ۶۲-م.]

۲. «پس از پیمان وردن و تازمان مرگ، این پسر لویی پارسا بر فرانسی شرقی حکومت کرد. [تصویر ۶۳-م.]

۳. هریک سوگند خود را به زبان دیگری بیان کرد تا برای لشکریان قابل فهم باشد. بدین ترتیب، شارل به زبان آلمانی و لویی ژرمونی به زبان فرانسوی سوگند خورد. متن سوگندنامه لویی ژرمونی بدین شرح است: «به‌خاطر خدا، مردم مسیحی و رستگاری مشترکمان، از امروز به بعد، تا وقتی که خدابه من دانایی و قدرت عطا کند، به برادرم شارل در همه امور کمک خواهم کرد چنان‌که انصاف ایجاب می‌کند که هر کسی به برادر خود یاری رساند، به شرط آنکه وی نیز همین کار را در حق من دریغ نکند و (تعهد می‌کنم) که هرگز بالوتر توافقی نکنم که عمدآ به برادرم شارل زیان برسانند». شارل نیز مشابه این سوگند را ادا کرد. سپس، جنگجویان هر ارتش به زبان خودشان سوگند یاد کردند. -م.

4. *Le traité de Verdun*

5. *La Francie orientale*

6. *La Francie occidentale*

اور دا تصویر [۶۴]. این تقسیم‌بندی که در سال ۸۴۳ صورت گرفت، عمیقاً تاریخ اروپا را متحول کرد. گرچه قلمرو پادشاهی لوتر به سرعت به یک سری ایالات مستقل تقسیم شد؛ اما دو قلمرو پادشاهی دیگر که از انسجام بیشتری برخوردار بود، قرون متتمادی پایدار ماند. فرانسی شرقی به سرعت نام ژرمونی سابق خود را باز یافت و این امر به پیدایش کشور آلمان انجامید و فرانسی غربی به قلمرو پادشاهی فرانسه مبدل شد؛ اما دو کشور از این پس سرنوشتی متفاوت خواهند داشت.

افول دودمان کارولنژی در فرانسه (۹۸۷-۸۴۳)

پادشاه فرانسه، شارل طاس (۸۷۷-۸۴۳)، تمام تلاش خود را وقف جنگ علیه برادرش لویی ژرمونی کرد تا به سایر نقاط قلمرو پادشاهی لوتر که در سال ۸۵۵ در گذشته بود، دست یابد. شارل طاس موفق شد تا در سال ۸۷۵ به عنوان امپراتور غربی تاجگذاری کند؛ اما این عنوان تا حد زیادی شکوه خود را از دست داده بود. در حقیقت، قدرت سلطنت در فرانسه به طور قابل ملاحظه‌ای تضعیف شده بود. جنگهای داخلی و تهاجمات نورمانها سبب از بین رفتن پیوندهای وفاداری که اتحاد افراد آزاد با حاکم را فراهم می‌کرد، شده بود. در ایالات محلی، مردم عادت کرده بودند که از نزدیک‌ترین ارباب اطاعت کنند. قدرت در حال تقسیم شدن به مجموعه‌های کوچک بود. پادشاه می‌بایست تعداد قابل توجهی از قلمروهای وسیع خود را بین حاکمان نافرمان تقسیم کند. شارل طاس بر سرزمینی حکومت می‌کرد که بسیار کوچک‌تر از قلمرو پدربزرگش بود؛ اما چهار برابر بیشتر از شارلمانی، اراضی خود را تقسیم می‌کرد! بدین ترتیب، حکومت پادشاهی میراث خویش را از دست داد و به سرعت همه راههای اعمال فشار از بین رفت. در سال ۸۷۷، شارل طاس حتی اصل به ارث رسیدن منصب کنت را پذیرفت. آکیتن‌ها و برتون‌ها دست به شورش زدند. اربابان بزرگ - نظیر روبر نیرومند^۱ که در سال ۸۶۶ فوت کرد - توانستند ایالات قدرتمندی را که ضمناً تهدیدی برای حکومت پادشاهی محسوب می‌شد، برای خود تشکیل دهند.

۱. Robert le Fort، یکی از اشراف بر جسته فرانک‌ها بود که در سال ۸۵۸ در شورشی علیه شارل طاس شرکت کرد - م.

فصل دوم / سلطنت فرانک‌ها ۷۷

حکومت پادشاهی که نمی‌توانست از مردم در مقابل حملات نورمان‌ها و یا مسلمانان محافظت کند، اعتبار خود را از دست داد. در واقع، از ابتدای قرن نهم، نورمان‌ها که از دانمارک^۱ و سوئد^۲ آمده بودند، به حرکت در مسیر رودها با قایقهای مسطح خویش، به قصد غارت شهرها و صومعه‌ها عادت کرده بودند. نانت^۳ در سال ۸۴۳ بردو در سالهای ۸۴۴ و ۸۴۷ و همچنین روئان^۴ و پاریس غارت شدند. در حدود سال ۸۵۰ نورمان‌ها در مصب رودهای سن و لوار استقرار دائمی پیدا کردند. در مقابل این اشغالگران که از راههای آبی استفاده می‌کردند و بسیار سریع جابجا می‌شدند؛ سواره‌نظام انبوه فرانک‌ها مدت مديدة ناکارآمد بود. نورمان‌ها به حق شهرونشینان و راهبان دیرها را ترسانده بودند. بسیاری از آنان نجات را در فرار می‌دیدند. راهبان جزیره نوارموتیه^۵ در فاصله سالهای ۸۲۰ و ۸۷۵ برای محافظت از اشیای متبرک فیلیپر قدیس^۶، سفرهای طولانی بسیاری (مصب رود لوار، اوورنی^۷ و تورنو^۸) را به جان می‌خریدند. از سال ۸۸۰ به بعد، با تحریک اربابان محلی چندین حمله علیه مهاجمان سازماندهی شد. گاهی اوقات، ترجیح می‌دادند با اشغالگران شمالی مذاکره کنند و با پرداخت مبالغی بازگشت آنها را بخرنند. در سال ۸۹۶ گروهی از نورمان‌ها به فرماندهی رولون^۹ در اراضی پایین دست رود سن مستقر شدند. در سال ۹۱۱، پادشاه فرانسه، شارل ساده^{۱۰}، حق مالکیت رولون بر تمامی این منطقه را پذیرفت و رولون که به آئین مسیحیت گرویده بود، خود را واسال پادشاه فرانسه خواند و متعهد شد تا از رود سن در مقابل هجوم سایر نورمان‌ها دفاع کند. بدین ترتیب،

1. Danemark

2. Suède

3. Nantes

4. Rouen

5. L'île de Noirmoutier

6. «Saint Philibert» راهب فرانس قرن هفتم - م.

7. Auvergne

8. Tournus

9. «Rollon» وی رئیس وایکینگ‌ها بود. در سال ۹۱۱، شارل ساده سرزمینی را در نزدیکی روئان به شرط توقف غارتها و چپاولهایش به وی داد. حدود صد سال بعد، این سرزمین به دوکنشین نورماندی مبدل شد - م.

10. «Charles le Simple» وی پسر لویی کند زبان، پادشاه فرانسه و از دودمان کارولنژی بود. [تصویر ۶۵] - م.

ایالت نورماندی پدید آمد. پس از سال ۹۳۰، خطر نورمان‌ها کاهش یافت؛ اما فرانسه از تهدیدات دیگر در امان نماند. ناحیه میدی در معرض تهاجمات سارازن‌ها^۱ (مسلمانان اسپانیا یا آفریقای شمالی) قرار داشت. سارازن‌ها در گارد - فرن^۲ اردوگاه مستحکمی بنا کردند که برای مدت‌ها (دوره‌ای که بین سالهای ۸۸۸ و ۹۷۳ واقع شده است) هراس انگیز بود. جنوب شرقی و شرق مورد تهدید تاخت و تاز مجارها^۳ قرار داشت. آنان در سال ۹۲۴ به ناحیه نیم رسیدند و در سال ۹۳۷ بورگونی و شامپانی^۴ را ویران کردند. مجارها که بسیار خشن بودند، بیشتر به دختران جوان توجه می‌کردند، آنها را برخنه از موها یشان به اربابه‌های خود می‌بستند و روی زمین می‌کشیدند. در سال ۹۵۵، پادشاه ژرمون، اوتون اول^۵، این اشغالگران شرقی را نابود کرد.

در فرانسه، حکومت پادشاهی کارولنژی قدرت خود را از دست داده بود و تنها نامی از آن باقی مانده بود. قدرت به هسته‌های کوچک نسبتاً مستقل تقسیم شده بود. یک ارباب با حرکت و جابجایی مداوم از نقطه‌ای به نقطه دیگر در قلمرو خویش، بی‌وقفه قدرتش را به رخ می‌کشید و بدین ترتیب، می‌توانست یک کنتنشین و حتی مجموعه اراضی گسترده‌تری را تحت سلطه خویش نگه دارد؛ اما عملاً، ارباب نمی‌توانست فراتر از شش یا هفت کنتنشین و بیش از دو یا سه روز اسب سواری، حضور خود را نشان دهد. به همین دلیل، حاکمیت وی بلافاصله به نفع خرد مالکان محلی که از قید واسالی آزاد می‌شدند، تضعیف می‌شد. این خرد مالکان در قلعه‌های ابتدایی متشكل از یک برج چوبی که با حصار و خندق احاطه شده بود، پناه می‌گرفتند. در چنین شرایطی، هیچ پادشاهی موفق نمی‌شد بر تمام سرزمین فرانسه استیلا یابد. جانشینان

۱. «Les Sarrasins» نامی بود که اروپاییان در سده‌های میانه برای مسلمانان به ویژه اعراب شمال آفریقا و بعدها برای اشاره به همه مسلمانها به کار می‌بردند و دژهای زیادی در شهرهای کرانه دریای مدیترانه برای حفاظت در برابر این مردم ساخته بودند - م.

2. La Garde-Freinet

3. Les Hongrois

4. La Champagne

۵. (Otton I) اوتون اول ملقب به اوتون کبیر، طی حکومت طولانی خود به دلیل نحوه اداره سیاسی و پیروزیهای نظامی اش، به پادشاهی ژرمونی وجهه و اعتبار بسیار بخشید. وی بیانگذار واقعی امپراتوری مقدس رومی - ژرمونی به شمار می‌آید، گرچه این نامگذاری در قرن پانزدهم صورت گرفت. [تصویر ۶۶] - م.

۷۹ فصل دوم / سلطنت فرانک‌ها

شارل طاس، لویی دوم (لویی کند زبان)^۱ و شارل ساده پادشاهان ضعیفی بودند و ابداً بر کشور حکومت نمی‌کردند، چرا که دیگر زمینی برای بخشیدن نداشتند. کار به جایی رسید که فرزندان روبر نیرومند مانند او^۲، کنت پاریس، توسط اربابان بزرگ به منظور جلوس بر تخت پادشاهی فرانسه انتخاب شدند. در سال ۹۳۶، گرچه عنوان پادشاهی به یکی از افراد دودمان کارولنژی می‌رسید-لویی [ملقب به] پادشاه آنسوی دریا^۳-اما شخصی از خاندان روبر نیرومند^۴ موسوم به هوگ کبیر^۵ حاکم حقیقی قلمرو پادشاهی بود. وی دارای عنوان دوک فرانک‌ها بود و بر مجموعه سرزمینهای با اهمیت و گسترده‌ای فرمان می‌راند. وی، در ارلثانه^۶، دره رود لوار^۷ و جلگه پاریس، بر بسیاری از کنتنشینها و صومعه‌های ثروتمند تسلط داشت. هوگ کبیر همچنین صومعه‌های سن-ژرمن-د-پره^۸ و بهویژه سن-مارتن-دو-تور^۹ که با شکوه‌ترین مقر مذهبی سلطنت بود را تحت سلطه خود در آورد. به هنگام مرگش در سال ۹۵۶، قدرت و نفوذ فرزندان روبر نیرومند ضعیف و کم‌رنگ شده بود. تعدادی از ویکنوت‌ها از این فرصت برای رها شدن از قید واسالی بهره بردند. در سال ۹۶۰، پسرش هوگ کاپه^{۱۰}-نام وی اشاره به این امر بود که خاندان روبر نیرومند^{۱۱} رَدای مارتن قدیس موسوم به کاپا^{۱۲} یا به عبارت دیگر شیء متبرک فرانسه را به عنوان امانت در اختیار داشتند - موفق

۱. «Louis II le Bègue» بزرگ‌ترین پسر شارل طاس که از سال ۸۶۶ با درگذشت برادر جوان‌تر خود به فرمانروایی آکین رسید و از سال ۸۷۷ پس از فوت پدرش پادشاه فرانسه شد. [تصویر ۶۷]-م.

2. Eudes

۳. «Louis d'Outremer» لویی چهارم ملقب به پادشاه آنسوی دریا، از سال ۹۳۶ تا سال ۹۵۴ بر فرانسه حکومت کرد. [تصویر ۶۸]-م.

4. Robertien

۵. «پدر هوگ کاپه بود و گاهی به دلیل پوست سفیدش «هوگ سفید» نامیده می‌شد.-م.

6. L'Orléanais

7. Le Val de la Loire

8. Saint-Germain-des-Prés

9. Saint-Martin-de-Tours

۱۰. «Hugues Capet» از سال ۹۸۷ تا سال ۹۹۶، پادشاه فرانسه بود. واژه کاپه به معنای شینلپوش است. [تصویر ۶۹]-م.

11. Les Robertiens

12. Cappa

۸۰ نارنخ فرانسه، از اغاز مارنسانس

شد عنوان دوک فرانک‌ها را دوباره به دست آورد. به هنگام مرگ پادشاه کارولنژی لویی پنجم^۱ در مه ۹۸۷، اربابان بزرگ و اسقف‌ها هوگ کاپه را به عنوان شاه فرانک‌های غربی انتخاب کردند و تاج سلطنت را در ۳ ژوئیه ۹۸۷ بر سر وی نهادند.

۱. Louis V در تاریخ، وی را به لقب لویی تبل نیز می‌شناشند. وی هفتمین فرزند از پشت شارلمانی و واپسین پادشاه دودمان کارولنژی بود. [تصویر ۱۷۰-م.]

فصل سوم

دوران بیداری (قرون یازدهم و دوازدهم)

از اواسط قرن دهم، برخی نشانه‌ها حاکی از طرح احیای زندگی آشفته قلمرو پادشاهی فرانسی غربی است. موج تهاجمات فروکش کرد، حکومت فئودالی^۱ بین رودهای لوار و راین تقویت شد، قلعه‌های بسیاری ساخته شد. این قلعه‌ها اغلب از چوب و از اواخر قرن دهم به بعد در لانژه^۲ از سنگ ساخته می‌شد –، آمايش اراضی به خوبی صورت گرفت و شهرهای جدید^۳ که محل تجمع بازارگانان بود، به وجود آمد. صومعه کلونی^۴ که از اقتدار و نفوذ بسیاری برخوردار بود و نماد نوعی تجدید قوای معنوی قلمداد می‌شد، در سال ۹۱۰ تأسیس شد. این نشانه‌های بیداری در دهه‌های اول قرن یازدهم بروز کرد و از سال ۱۰۷۰ تا سال ۱۰۸۰ به طرز چشمگیری گسترش یافت.

۱) حکومت فئودالی معرف جامعه‌ای است که پایه‌های آن بر روابط فئودالی استوار است و سلسله مراتب در میان انسانها و تقسیم اراضی مشخصه اصلی آن به شمار می‌آید. برتری طبقه اشراف جنگجو، تقسیم قدرت دولتی و حقوق مالکیت از دیگر ویژگیهای این حکومت است –م.

2. Langeais

3. Les bourgs

۴) صومعه کلونی واقع در بورگونی در حدود سال ۹۱۰ توسط دوک آکیتن و کنت اوورنی، گیوم اول، تأسیس شد. این صومعه از کتابخانه‌ای بسیار غنی برخوردار بود و به عنوان مهم‌ترین مرکز روشناکری و فرهنگی قرون وسطی (از قرن دهم تا قرن دوازدهم)، نماد احیای زندگی راهبان غرب به شمار می‌آمد. امروزه، تنها قسمتی از این بنای جای مانده است –م.

قدرتمندان: پادشاه، شاهزادگان، قلعه داران و کلیسا کشور تکه شده با حکومتهای بسیار

با نزدیک شدن به پایان هزاره اول، هرگونه حاکمیت مرکزی از بین رفت. پادشاه فرانک‌ها (عنوان رسمی وی تا پایان قرن دوازدهم) که در حقیقت، حاکم سرزمینی با مساحت محدود بود، صرفاً قدرتی ظاهری را بر کشوری وسیع و دارای جنگل‌های بسیار و راههای نامناسب و نامن‌اعمال می‌کرد. کشور به حدود دوازده ایالت تقسیم شده بود (دوکنشین‌های نورماندی، آکیتن، بورگونی، کنت‌نشین‌های فلاندر^۱، شامپانی، بریتانی، آنژو^۲، بلوآ^۳، تولوز^۴ وغیره) که هر یک از حاکمانشان به نوبه خود فقط بر بخشی از آن تسلط داشت. یک ارباب به همراهی گروه محدودی از جنگجویان کارکشته و جوان، طی یک یا حتی گاهی دو و سه روز اسب سواری می‌توانست دیگران را به اطاعت از خود وادار کند، در غیر این صورت، مجبور بود قدرت خویش را به یک واسال با عنوان ارباب کوچک تفویض کند تا قاعده‌تا به نام وی اقدام نماید؛ اما در حقیقت، این ارباب کوچک مستقل‌ا عمل می‌کرد. بدین ترتیب، کشور به یک رشته هسته‌های کوچک تقسیم شد که در درون هر یک از آنها قلعه‌نشینان از جانب دولت بر کشاورزان اعمال قدرت می‌کردند، به قضاوت می‌پرداختند، از آنان مالیات بسیار می‌گرفتند، اموالشان را مصادره می‌کردند، آنان را مجبور به انجام کارهای طاقت فرسا می‌کردند وغیره.

اساس و بنیان حکومت فثودالی بر روابط میان افراد استوار بود و این امر به طور طبیعی منجر به تشکیل ساختاری هرمی شکل می‌شد. اشراف زاده یا جنگجوی کارکشته با انجام مراسم تحلیف، وفاداری خویش را نسبت به ارباب بزرگ یا حاکم اعلام می‌کرد و به عنوان واسال وی شناخته می‌شد.^۵ در مقابل، ارباب قطعه زمینی را به عنوان

1. Flandre

2. Anjou

3. Blois

4. Toulouse

5. نمونه یک سوگند سرسردگی در نیمه نخست قرن هفتم «تو مایل بوده‌ای که به من اجازه دهی خود را به تو بسپارم یا تحت حمایت تو درآورم. من این کار را با این شرایط انجام داده‌ام؛ تو باید به من کمک و مرا

←

فصل سوم / دوران پیداری ۸۳

پاداش در اختیار وی قرار می‌داد (تیول یا در گذشته پیشکش) که در آن می‌توانست به نوبه خود از جانب ارباب اعمال قدرت کند. در مراسم تحلیف، واسال در مقابل ارباب زانو می‌زد و دستان خود را در دستان وی می‌گذاشت و در همین حالت ارباب وی را از زمین بلند می‌کرد. دو مرد برای اعلام همبستگی خود، بر لبان یکدیگر بوسه‌ای می‌زنند، واسال بر اشیای مقدس بازمانده از قدیسین قسم می‌خورد و سپس ارباب به وی چیزی مانند مشتی خاک، شاخه درخت وغیره می‌داد که به عنوان نماد اعطای تیول به شمار می‌آمد. همان‌طور که یک پدر از فرزندان خود دفاع می‌کند، ارباب متعهد به دفاع از واسال خویش بود، وی را بر سر میز غذای خود می‌پذیرفت و در صورت لزوم، فرزندانش را بزرگ می‌کرد. در عوض، واسال وظایفی در قبال ارباب خود به عهده داشت. احترام، مشاوره (شرکت در جلسات دادگاه)، کمک نظامی (گشت‌های محافظت از قلعه، شرکت در گشت‌های سواره نظام به همراه دسته جنگجویان تحت امر خود) از جمله وظایفی بودند که واسال متعهد به انجام آنها بود و در صورت لزوم، به منظور آزادی ارباب خود، هنگامی که در قید اسارت گرفتار می‌شد، برای پرداخت فدیه^۱ از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. واسال همچنین مجبور بود به منظور تهیه جهیزیه دختر ارباب و یا فراهم کردن تجهیزات نظامی برای پسر جنگجوی وی کمک مالی اعطای کند.^۲ اما در واقع، نظم ساختار حکومت فئودالی با یک نظام طبقاتی صوری، به نفع واسال‌ها به هم ریخت. در قرن یازدهم، حق‌الارث بر تیول به رسمیت شناخته شد. دستمزد و پاداش خدمتگزاری واسال به عنوان دارایی خانوادگی وی محسوب می‌شد. واسال می‌توانست قسمتی از تیول خود را بفروشد یا آن را برای شخص دیگری به ارث گذارد. واسال‌ها به تدریج از انجام کامل تعهدات فوق الذکر سر باز می‌زنند. کمک نظامی از چهل روز در سال تجاوز نمی‌کرد و اینکه واسال بتواند چند



به لحاظ خوراک و پوشاش تأمین کنی تا آنجا که من قادر باشم به تو خدمت کنم و سزاوار محبت تو باشم. مادامی که زنده باشم موظفم که به تو خدمت و از تو تبعیت کنم ... برای بقیه عمرم حق نخواهم داشت از سروری و حمایت تو خود را کنار بکشم بلکه در تمام روزهای زندگی ام باید در اختیار و تحت حمایت تو باقی بمانم.» (از کتاب عصر فئودالیسم، تیموتی لوی بیل، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ص ۱۹)

1. La rançon

2. ازدواج بزرگ‌ترین دختر ارباب یا شوالیه شدن بزرگ‌ترین پسر او مستلزم چنین کمکهای مالی‌ای بود - م.

ارباب داشته باشد، مورد پذیرش قرار گرفته بود. واسال از رقابت میان اربابانش سود می‌برد و مطابق نظر خویش اقدام می‌نمود. در اواسط قرن یازدهم، شرایط به حدی پیچیده شده بود که باید مراسم ویژه‌ای به منظور ادائی احترام و اعلان سرسپردگی به یک ارباب اصلی برگزار می‌شد که به آن مراسم تحلیف واسال^۱ می‌گفتند.^۲

کشور همانند خانه‌های شطرنج به قلعه‌های متعدد تقسیم می‌شد که بر روی یک بلندی طبیعی یا مصنوعی (تپه‌ای گلی) ساخته شده بود. در قرن یازدهم، این تقسیم‌بندی شطرنجی کاملاً مشخص نبود، اغلب یک قلعه را برای ۲۰ تا ۳۰ جامعه روستایی و در حدود ۱۰ قلعه را برای یک کنت نشین در نظر می‌گرفتند. این قلعه‌ها که متشکل از خندق، حصار، محوطه وسیع با کلبه‌های کوچک، استبل، انبارها و گاهی اوقات یک کلیسا کوچک بود و در مرکزشان برجی قرار داشت (برج اصلی)^۳، به هنگام خطر، مکانهای امنی برای پناه بردن کشاورزان به آنها محسوب می‌شد. برج اصلی متشکل از سالنهای وسیعی بود که اثاث مختصراً نظیر تعدادی صندوق، میز، حصیر، یک تخت با پرده وغیره را در خود جای داده بود و در آن صاحب قلعه همراه با خانواده و جنگجویان جوان خویش زندگی می‌کرد. این قلعه‌ها اغلب از موادی مثل چوب ساخته می‌شد که در همه جا فراوان بود و به سهولت تکه‌تکه می‌شد. در قرن یازدهم و به‌ویژه در قرن دوازدهم، جنگهای محلی و آتش‌سوزی‌های متعدد منجر به ساخت قلعه‌های سنگی شد. این قلعه‌ها دارای برجهای چهارگوش (قلعه‌های لانژه و نوژان - لو-روترو^۴) و بعدها مدور

1. L'Hommage lige

۲. برخی واسال‌ها به بیش از یک ارباب سوگند وفاداری یاد می‌کردند، چون می‌خواستند از بیش از یک تیول درآمد داشته باشند. این سوگند‌های چند جانبی به سردر گمی زیادی منجر می‌شد به‌ویژه هنگامی که چندین ارباب به کمک یک واسال نیاز پیدا می‌کردند. برای روش شدن اینکه کدام سوگند وفاداری مقدم است یک ارباب، ارباب اصلی واسال می‌شد. معمولاً ارباب اصلی شخصی بود که واسال نخست به او سوگند وفاداری یاد کرده بود. [تصویر ۷۱]-م.

۳. «Ledonjon» بلندترین برج یا برج اصلی قلعه بود که برای دیده بانی و تیر اندازی مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین، در صورتی که دشمن قلعه و استحکامات را تصرف می‌کرد، این برج به عنوان آخرین پناهگاه و مأمن محسوب می‌شد. به طور کلی، ارباب به همراه خانواده خود در این برج اقامت داشت و خزانه، تسلیحات و اسناد در آنجانگهداری می‌شد. [تصویر ۷۲]-م.

4. Nogent-le-Rotrou

فصل سوم / دوران پیداری ۸۵

(قلعه فرِتوال^۱ ساخته شده در حدود سال ۱۰۵۰) بود که امکان دفاع بهتر از قلعه را فراهم می‌کرد. حصارهای چوبی به باروهای سنگی مبدل شد. در قرن دوازدهم، برخی قلعه‌ها (قلعه شاتو- گایار^۲ [تصویر ۷۳] واقع در ساحل رود سین و ساخته شده در سال ۱۱۹۶) دارای دژهایی با پیچیدگی‌های بسیار بودند. در ناحیه میدی، به دلیل شکوفایی اندک حکومت فثودالی و پایبندی اشراف به عادت زندگی شهری، تعداد قلعه‌ها کمتر بود.

گروهی از جوانان جنگجوی مجرد در قلعه زندگی می‌کردند، به صاحب قلعه برای دفاع از تیول خود یاری می‌رساندند و در لشکرکشی‌ها نیز شرکت می‌کردند. آموزش‌های نظامی سخت و طولانی‌مدت از این مردان خشن و بی‌رحم که اغلب بی‌سواد بودند، جنگجویان کارکشته‌ای ساخته بود. آنها کلاه‌خود بر سر می‌گذاشتند، لباسهای رزم چرمی می‌پوشیدند که با پلاکها یا حلقه‌های کوچک آهنی پوشیده شده بود (زره)^۳. این جنگجویان در بکارگیری نیزه و شمشیر بلند تبحر داشتند و به کمک زینهای مدور و رکابهای استخوانی به سرعت بر شمشیرزنی سواره تسلط پیدا کردند. در دوره‌ای که آهن و اسبهای خوب نسبتاً کمیاب بود، چنین تجهیزاتی مخارج زیادی را تحمل می‌کرد (در سال ۱۲۰۰، قیمت یک اسب جنگی معادل ۵ لیور^۴ بود). پس از مراسم شوالیه‌گری^۵، جنگجویان جوان به شوالیه^۶ مبدل می‌شدند. آنها اغلب تحت امر یک شوالیه ارشد- نظیر گیوم مارشال^۷ در

1. Fréteval

2. Château-Gaillard

3. Le haubert

4. «La Livre» واحد قدیمی پول فرانسه - م.

5. «La cérémonie de l'adoubement» مراسمی که طی آن شوالیه از تجهیزات نظامی نظیر شمشیر برخوردار می‌شد. این مراسم که در ابتدا لائیک بود، به تدریج جنبه مذهبی بسیار باز و چشمگیری به خود گرفت. [تصویر ۷۴] - م.

6. «Le chevalier» در اصل، شوالیه مبارزی سوار بر اسب و دارای تجهیزات نظامی ویژه بود. در اغلب موارد، شوالیه‌ها در خدمت ارباب مبارزه می‌کردند و در حقیقت واسال وی به شمار می‌آمدند. از قرن دوازدهم به بعد، آنان طبقه اجتماعی تشکیل دادند که به تدریج با طبقه اشراف در هم آمیخت. تحت تأثیر نهاد کلیسا و نیز ادبیات کورتواز، این جنگجویان برای خود ارمانتی اخلاقی - اجتماعی کسب کردند و پس از انجام مراسم شوالیه‌گری به عنوان شوالیه دست یافتند. [تصویر ۷۵] - م.

7. Guillaume le Maréchal» شوالیه انگلیسی مشهور قرن دوازدهم که ملقب به «بهترین شوالیه دنیا» بود - م.

قرن دوازدهم - در مسابقات رزمی مفرح و در عین حال خشنی شرکت می کردند. در این مسابقات رزمی، شوالیه از مغلوبین باج می گرفت.^۱ این شوالیه، بعدها گاهی قطعه زمین کوچکی به دست آورده و سپس ازدواج می کرد. اشرافیت فرانک که از قدمت فراوانی برخوردار بود، به سرعت آئین شوالیه گری را پذیرفت و طی قرن دوازدهم، گرایش به ادغام اشراف و شوالیه ها بروز پیدا کرد. تقسیم کشور به قلعه های متعدد و وجود گروههای جوانان جنگجو و پر تحرک، علت تعدد جنگهای محلی است. هر ارباب بزرگ با از بین بردن همسایه خویش، سعی داشت قدرت خود را افزایش دهد. صاحب قلعه همراه با سوارانش به زیان کشاورزان همسایه به غارت و تسخیر سرزمینهای مجاور مبادرت می کرد. فردی که مورد حمله واقع شده بود، به مقابله به مثل می پرداخت. با نزدیک شدن به سال هزار میلادی، عدم امنیت در همه جا دیده می شد. سرقت، تجاوز، قتل و عام، انتقام، آتش سوزی و ویرانی در سراسر سرزمین گسترش پیدا کرد.

عقب راندن خشونت توسط کلیسا

از اوآخر قرن دهم، (شورای^۲ اسقف های شارو^۳ در پواتو^۴ در سال ۹۸۹) جامعه مسیحی که اغلب با صومعه کلونی در ارتباط بود، به تبلیغ جنبش صلح الهی^۵ پرداخت. کلیسا در چنین منطقه پرآشوبی صفوں عزاداری عیسوی ترتیب داد و مجمعی را برای برقراری صلح به وجود آورد. در آن مجمع، از شوالیه ها دعوت به عمل آمد تا با ارادی سوگند به مقدسات، متعهد شوند که استفاده از خشونت را محدود کنند، به اموال مردان خدا تجاوز نکنند و به آنها احترام بگذارند، به کشاورزان بی دفاع، تاکستانها و آسیابها حمله نکنند. از سال ۱۰۲۰، جنبش صلح الهی در شمال

۱. جنگ با نیزه بر پشت اسب و دیگر مسابقات رزمی برای این سربازان حرفة ای راهی برای کسب افتخار و املاک در غیر از زمان جنگ بود. [تصویر ۷۶] - م.

2. Le concile

3. Charroux

4. Poitou

۵. «La paix de Dieu» این جنبش مصونیت برخی اماکن از تعریض را تحت عنوان «حق پناهگاه و مأمن» اعلام کرده و اهمیت و جایگاه ویژه ای را برای حفاظت از کلیساها و برخی گروههای انسانی نظیر بانوان، کودکان، زائران، کشیشان، بازرگانان و غیره قائل بود - م.

فصل سوم / دوران پیداری ۸۷

رود لوار گسترش پیدا کرد. کلیسا حتی از آن فراتر رفت و جنبش دیگری موسوم به متارکه الهی^۱ (قوانین آن در شورای اسقف‌های آرل^۲ از سال ۱۰۳۷ تا سال ۱۰۴۱ تدوین شد) را تحمیل کرد که بر طبق آن جنگیدن از عصر چهارشنبه تا صبح دوشنبه ممنوع شد. مجبور کردن شوالیه‌ها به رعایت این قوانین بسیار دشوار بود؛ اما آنان نسبت به برخی از تهدیدات نظیر تکفیر^۳ و محرومیت از مراسم تدفین مسیحی بی‌تفاوت نبودند. در حدود سال ۱۰۲۵، اسقف لاثون، آdalbiron^۴، به تشریح نظریه تقسیم جامعه به سه طبقه پرداخت. طبق این نظریه، جامعه فئودالی با دقت فراوان به سه گروه تقسیم شده بود. آنان که عبادت می‌کردند، در رأس این جامعه جای گرفتند و به دنبالشان دو گروه دیگر قرار داشتند: آنان که جنگ می‌کردند و آنان که مشغول به کار بودند.

به تدریج، کلیسا موفق به تغییر بخشی از مسابقات رزمی شوالیه‌گری شد. از اواسط قرن یازدهم، مراسم شوالیه‌گری به شکل یک آئین مسیحی درآمد. کلیسا

۱. «ابن جنبش جنگ راطی چند روز در هفته و چند دوره در سال ممنوع می‌کرد و جنگجویان را به واسطه ادای سوگند، متعهد به رعایت قوانین این صلح می‌نمود. کسانی که عهد شکنی می‌کردند، توسط کلیسا به تکفیر مجازات می‌شدند. شرایطی که می‌بایست در زمان صلح، از غروب چهارشنبه تا طلوع دوشنبه رعایت شود:

۱- شوالیه هیچ مرد و زنی را خمی نکند، با به قتل نرساند. ۲- به قلعه، آبادی یا ملکی حمله نکند. ۳- اگر کسی از این فرامین سرپیچی کند، به مدت سی سال تبعید خواهد شد. خساراتی را که وارد کرده، جبران خواهد کرد و از سلک مسیحیت خارج خواهد شد. ۴- اگر نقض کننده صلح پیش از آنکه مجازات شود، بیمار شود یا بمیرد، هیچ مسیحی به ملاقاتش نخواهد رفت و پیکرش را از جایی که افتاده حرکت نخواهد داد. ۵- اگر کسی طی این روزها چیزی بدزدد، تکفیر خواهد شد مگر آنکه جلب رضایت کند. ۶- همه بازگانان امنیت خواهند داشت. ۷- کشیشان در روزهای عبد و روزهای یکشنبه برای همه کسانی که صلح را حفظ کنند، دعا و همه کسانی را که آن را بر هم زنند، لعن می‌کنند. ۸- اگر کسی به نقض صلح منهم شده باشد و این اتهام را انکار کند، او را به عشایربانی خواهند برد و با آهن گداخته بی‌گناهی اش را ثابت یاراد می‌کنند. (از کتاب عصر فئودالیسم، تیموتی لوی بیل، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ص ۵۳).

2. Le concile d'Arles

۳. «کلیسا با ادای عبارات انسانی - عباراتی که بیان آنها به مثابه وضع حکمی ملغی ناپذیر است - می‌توانست یک مسیحی را از اجتماع مومنان و وفاداران به آئین مسیحیت طرد کند. تکفیر صغیر یا فرعی وی را از حق شرک در مراسم مقدس محروم می‌کرد. تکفیر کبیر یا اصلی از تدفین وی در زمینهای مقدس و متبرک ممانعت می‌کرد؛ همچنین مانع از آن می‌شد که سایر مسیحیان با وی ارتباط برقرار کنند - م.

4. Adalbérone

شواليه‌های آشوب‌گر و هرج و مرج طلب را ترغیب می‌کرد تا از نیرو و انرژی خود در راستای خدمت به آئین مسیحیت استفاده نمایند و در جنگ با اسپانیای مسلمان شرکت کنند (این امر سبب شد تا فدیه‌های بسیاری از طلا را نیز با خود به همراه آورند). در سال ۱۰۹۵، در شورای اُسقف‌های کلرمون^۱، پاپ اوربن دوم^۲ اشراف غرب را برای آزادسازی مقبره حضرت مسیح^(ع) در بیت المقدس به جنگهای صلیبی^۳ فراخواند. این فراخوانی که با موقعه‌های آتشین راهبان مشهوری نظیر پیغمبر راهب^۴ گسترش و اشاعه بیشتری پیدا کرده بود، با موفقیت بسیار زیادی رو برو شد. بیش از ۶۰ هزار نفر پیاده نظام (کشاورزان فقیری که خیلی زود توسط ترکها^۵ به قتل رسیدند) و چهار تا پنج هزار شوالیه (این ارقام در آن دوره بسیار قابل توجه بودند) در اولین جنگ صلیبی شرکت کردند که بسیاری از آنها فرانسوی بودند. بیت المقدس در ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹ مورد حمله قرار گرفت. در سال ۱۱۴۶، با موقعه‌های برنارد قدیس^۶ در وزله^۷ دومین جنگ صلیبی به راه افتاد؛ اما این جنگ در سال ۱۱۴۸، در دمشق^۸، به شکست صلیبیون متنه شد [تصویر ۷۸]. به تدریج، این کوششها نتیجه داد و حدائق خشونت در کشور فرانسه به عقب رانده شد.

1. Clermont

۲. Urbain II «یکی از پاپهای کلیسای کاتولیک روم بود که در مارس ۱۰۸۸ به مقام پاپ رسید و در سال ۱۰۹۵ فرمان اولین جنگ صلیبی را صادر کرد. [تصویر ۷۷] - م.

۳. «مسیحیان برای رهایی بیت المقدس که زیر سلطه مسلمانان بود، در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی جنگهای صلیبی را به راه انداختند. در سال ۱۰۹۵، اولین جنگ صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان آغاز شد. عده زیادی از جنگجویان صلیبی طی سفر از اروپا تا خاورمیانه جان خود را از دادند. آنها که زنده ماندند، در سال ۱۰۹۹، بیت المقدس را تسخیر کردند. بین سالهای ۱۰۹۹ تا ۱۲۵۰، شش جنگ صلیبی دیگر رخ داد، اما در هیچ یک از آنها صلیبیون موفقیتی به دست نیاورند. بنابراین، غیر از جنگ اول، در باقی جنگها مسیحیان از مسلمانان شکست خورده‌اند. - م.

4. Pierre l'Ermite

۵. Les Turcs «در سال ۱۰۷۸، ترکهای سلجوقی با غلبه بر عباسیان، بیت المقدس را اشغال کردند و مانع از ورود زائران مسیحی به این شهر شدند. - م.

6. Saint Bernard

7. Vézelay

8. Damas

شاهان دودمان کاپسین^۱ (۹۸۷-۱۱۸۰)

هوگ کاپه (۹۸۷-۹۹۶)، روبر پارسا^۲ (۹۹۶-۱۰۳۱)، هانری اول^۳ (۱۰۳۱-۱۰۶۰) و فیلیپ اول^۴ (۱۰۶۰-۱۱۰۸)، اولین پادشاهان دودمان کاپسین، به دلیل فقدان اسناد مکتوب در آن دوره، کاملاً شناخته شده نبوده و از شهرت برخوردار نیستند. این پادشاهان، به رغم اینکه به ظاهر بر قلمرو وسیعی حکومت می‌کردند که از کنتنشین فلاندر تا کنتنشین بارسلون و نیز از اقیانوس اطلس تا ساحل سمت راست رودهای سانون^۵ و رُن امتداد داشت؛ اما در حقیقت قدرت اندکی داشتند و حتی دارای پایتخت ثابتی نبودند. از شهر آرلنان بیشتر از سایر نواحی به عنوان اقامتگاه استفاده می‌شد. قدرت حاکمان^۶ برخی از ایالات بیشتر از پادشاه فرانک‌ها بود. نظیر دوکنشین نورماندی که در گذشته نیز به خوبی اداره می‌شد و تحت تسلط دوک گیوم^۷ قرار داشت و یا کنتنشین فلاندر که سرزمین بسیار حاصلخیزی بود و کنت آن که همزمان به امپراتور روم و به پادشاه فرانسه ابراز سرسپردگی کرده بود،

۱. «دودمان کاپسین از سال ۹۸۷ تا سال ۱۳۲۸ بر فرانسه حکومت کردند. از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۸۳۰، سه شاخه دیگر از این دودمان بر فرانسه فرمان راندند. دودمان کاپسین تداعی کننده تاریخ فرانسه تا انقلاب فرانسه است. در این دوره، دنیای عقب مانده قرون وسطی به دنیای فاتح و پیروز در برابر اسلام و امپراتوری بیزانس مبدل شد. پادشاهان دودمان کاپسین، شتل مارتین قدیس را تقدیس می‌کردند و همراه خود به لشکرکشی‌های نظامی می‌بردند و به همین دلیل کاپسین (به معنای دارنده شتل) نامیده شدند.»

۲. Robert le Pieux روبر دوم ملقب به پارسا (۱۰۳۱-۹۷۰ حدود)، پسر هوگ کاپه، از سال ۹۹۶ تا سال مرگش پادشاه فرانسه بود. وی با اینکه با پاپ اختلاف داشت، کاتولیک دینداری بود و از این رو ملقب به «پارسا» شد. او کاخ خود را به کنجی آرام برای نیایش مبدل ساخته بود. همچنین، وی گرایش به موسیقی داشت و شعر نیز می‌سرود. وی مردی خداشناس و دارای ذوق موسیقی بود، به طوری که تنظیم و ترکیب پاره‌ای از سرودهای مذهبی را به وی نسبت می‌دهند. دو پسر وی بر سر قدرت با پدر به جنگ برخاستند. [تصویر ۷۹]

۳. (Henri I) هانری اول (۱۰۶۰-۱۱۰۸)، پسر روبر پارسا، از ۱۰۳۱ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. [تصویر ۸۰]

۴. (Philippe I) فلیپ اول (۱۱۰۸-۱۱۰۲) ملقب به زیبارو، فرزند هانری اول، از سال ۱۰۶۰ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی در هفت سالگی به پادشاهی رسید و در آغاز، مادرش بر حکومت نظارت داشت. نام وی از واژه یونانی «Philippos» به معنای دوستدار اسبها برگرفته شده است. اولین جنگ صلیبی در روزگار وی به وقوع پیوست اما به دلیل سیزه با پاپ، وی در انجام آن همدست نبود. [تصویر ۸۱]

۵. La Saône

۶. این حاکمان در واقع رعایایی بودند که به تدریج قدرت خود را افزایش داده و در سرزمین تحت تسلط خویش دارای عنوان ارباب شدند. -م.

7. Guillaume

به عنوان واسال، از حمایت مضاعفی بهره می‌برد. این امر در مورد سایر ایالات نظیر کنت‌نشین‌های بلوآ، شارت،^۱ آنژو و شامپانی نیز صادق است و همچنین دوکنشین وسیع آکیتن که دوک آن شاه ناحیه میدی – البته با قدرت محدود – محسوب می‌شد. اولین پادشاهان دودمان کاپسین برای برقراری نظم در سراسر قلمرو خود و تحت سلطه در آوردن تعدادی اسقف‌نشین، دیر و یک قلمرو پادشاهی محدود، با زحمت و درد سر روی بودند. این قلمرو واقع در ناحیه‌ای آباد بین کومپینی^۲ و ارلثان، هفت هزار کیلومترمربع وسعت داشت؛ اما متشكل از زمینهای بسیار حاصلخیز بود. مالیات عمومی اخذ نمی‌شد. پادشاهان درآمد خود را تنها به واسطه بهره‌برداری وسیع از اراضی، (که تازه همه زمینهای این اراضی متعلق به آنها نبود) جنگل‌ها و معادن سرزمین پادشاهی به دست می‌آوردن؛ یعنی از طریق بهره‌برداری‌های ملکی از انواع دیگر مالیات‌ها تأمین می‌کردند. گرچه تا سال ۱۱۷۹، پادشاه رسماً انتخاب می‌شد، اما عملأً حکومت پادشاهی به صورت موروثی درآمده بود. اولین پادشاهان دودمان کاپسین در زمان حیات، پسر ارشد خود را به جانشینی انتخاب می‌کردند و تاج پادشاهی بر سر وی می‌نهادند؛ بدین ترتیب، موفق به تقویت ریشه‌های دودمان خود شدند؛ اما برخورداری از یک وارث مذکور آن چنان در اولویت قرار گرفته بود که گاهی اوقات پادشاهان ناگزیر به جدایی از همسرانی بودند که فرزند پسر به دنیا نمی‌آوردن (برای مثال روپر پارسا در سالهای ۹۹۲ و ۱۰۰۳ و لویی هفتم^۳ در سال ۱۱۵۲، همسران خود را بدون رضایت آنها طلاق دادند). مرگ مقدرترین امپراتور ژرمی، اوتون سوم^۴، و گسترش قلمرو نورمان‌ها، نه به طرف مرکز فرانسه، بلکه

1. Chartres

2. Compiègne

۳. (Louis VII) لویی هفتم ملقب به جوان (۱۱۲۱–۱۱۸۰)، پسر لویی ششم، از سال ۱۱۳۷ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. ساخت کلیسای نوتردام پاریس در زمان پادشاهی وی آغاز شد. با مرگ برادر ارشد، فیلیپ، وی به جای پدر بر تخت نشست. او که در آغاز پادشاهی خود کامه بود، با شرکت در دو میان جنگ صلیبی، به مردی پارسا بدل شد. [تصویر ۸۲] م.

۴. (Otton III) اوتون سوم (۹۸۰–۱۰۰۲) امپراتور ژرمی از سال ۹۹۶ تا زمان مرگش بود. وی آرزو داشت تمام مسیحیان غرب را در یک امپراتوری وسیع گرد هم آورد و خود را «برده حواریون» و نماینده مستقیم پیر قدیس می‌دانست. [تصویر ۸۳] م.

به سوی ایتالیای جنوبی و سپس به سوی انگلستان (گیوم فاتح^۱ پادشاه انگلستان در سال ۱۰۶۶) از جمله عواملی بودند که به قدرت این پادشاهی ضعیف آندکی کمک کردند. با این وجود، در سال ۱۰۲۳، روبر پارسا نتوانست مانع تسخیر شامپانی و بربی^۲ توسط کنت اود شارت^۳ شود. در سال ۱۰۵۴، هانری اول [ملقب به] پادشاه آن سوی دریا^۴ از دوک نورماندی (که بعدها گیوم فاتح نامیده شد) شکست خورد. در سال ۱۰۷۱، فیلیپ اول در کوه کاسل^۵ مغلوب کنت فلاندر شد. محافظه کاری پادشاهان در اداره قلمرو خودشان، آنها را از هرگونه ولخرجی بر حذر می‌داشت. سرزمین پادشاهی که تنها منبع درآمد حکومت به شمار می‌آمد، در قرن یازدهم، آندکی گسترش یافت. روبر پارسا بر ناحیه درو^۶ تسلط پیدا کرد و هانری اول کنت نشین سان^۷ را به قلمرو خویش ضمیمه نمود. فیلیپ اول در سال ۱۰۷۷، مناطق گاتینه^۸ و وکسن^۹ را تصرف کرد و ویکن^{۱۰} کنت نشین بورژ^{۱۱} را خریداری نمود.

در قرن دوازدهم، قدرت پادشاهی با وجود لویی ششم [موسوم] به لویی فربه^{۱۲} (۱۱۳۷-۱۱۰۸) و لویی هفتم (۱۱۸۰-۱۱۳۷) آندکی تقویت شد. لویی ششم موفق شد عده‌ای از قلعه‌داران مستقل و غارتگر نظیر مالکان مناطق

1. گیوم فاتح (Guillaume le Conquérant). 2. بوده و از سال ۱۰۳۵ به عنوان دوک نورماندی و از سال ۱۰۶۶ تا زمان مرگش به عنوان پادشاه انگلستان شناخته می‌شد. وی در سال ۱۰۶۶، به انگلستان حمله کرد و آخرین پادشاه آنگلو ساکسون را شکست داد. [تصویر ۸۴]-م.

2. Brie

3. Eudes de Chartres

4. Mortemer

5. Cassel

6. Dreux

7. Sens

8. Le Gâtinais

9. Le Vexin

10. Bourges

11. لویی ششم، فرزند فیلیپ اول، از سال ۱۱۰۸ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. به ابتکار عمل وی، از قرن دوازدهم تا قرن پانزدهم، پادشاهان فرانسه پیش از عزیمت به میدان نبرد به سن - دُنی رفته و پرچم سرخ رنگ این صومعه را با خود می‌بردند. مرگش به دلیل امراط در پرخوری و فربه بیش از حد بوده است. وی را در سن - دُنی به خاک سپر دند. [تصویر ۸۵]-م

پوئیزه^۱ و کوسی^۲ را از قلمرو سلطنت خود بیرون کند. امنیت به جاده پاریس - ارلنان بازگشت. در سال ۱۱۲۴، در حالی که یک لشکرکشی به فرماندهی امپراتور ژرمی، هنری پنجم^۳، قلمرو پادشاهی را تهدید می‌کرد، لویی ششم تعداد زیادی از بارون‌های^۴ فرانسه شمالی را گرد خود جمع کرد. این امر نشانگر این بود که از این پس پادشاهان اطمینان خاطر و قدرت بیشتری یافتند تا در خارج از قلمرو سلطنت، به منظور تحمل اراده و نظرات خود مداخله و ورود کنند (در ناحیه اوورنی در سال ۱۱۲۶).

لویی هفتم در سال ۱۱۳۷، سعی داشت به واسطه ازدواج با آلینور^۵، تنها وارث قلمرو رسیع دوکنشین آکیتن، نفوذ دودمان کاپسین را به سمت جنوب غربی گسترش دهد؛ اما در انجام این کار توفیقی نیافت و امیدش به نامیدی مبدل شد.

لویی هفتم مبارزه‌ای را علیه یکی از واسال‌های قدرتمند خود موسوم به کنت تیبو شامپانی^۶ (۱۱۴۲-۱۱۴۴) آغاز نمود.

لویی هفتم که بخش اعظمی از اشراف فرانسه از وی حمایت می‌کردند، همراه با امپراتور کُنراد سوم^۷ از سال ۱۱۴۷ تا سال ۱۱۴۹ در دو میان جنگ صلیبی که تا سوریه ادامه یافت، شرکت کرد.

سوژر^۸، راهب صومعه سن - دُنی (وفات در سال ۱۱۵۱) و مشاور لویی ششم [موسوم به] لویی فربه و همچنین لویی هفتم، ساختار اداری قلمرو را که تا آن زمان بسیار ابتدایی بود، تقویت کرد. وی همچنین در جریان دو میان جنگ صلیبی نیابت

1. Puiset

2. Coucy

3. Henri V

4. (Baron لقبی اشرافی است - م.)

5. «Aliénor» همسر دو پادشاه (پادشاه فرانسه، لویی هفتم و پادشاه انگلستان، هنری دوم پلانتاژن) وزنی بسیار فعال بود که در عصر خود تأثیر بسیاری گذاشت - م.

6. Thibaut de Champagne

7. «Conrad III» این امپراتور ژرمی در سال ۱۱۴۷، همراه با لویی هفتم راهی سرزمین مقدس شد، دمشق را محاصره کرد اما بدون آنکه به نتیجه برسد، در سال ۱۱۴۹ به آلمان بازگشت. [تصویر ۱۸۶] - م.

8. «Suger» وی توانست اعتماد لویی هفتم را به خود جلب کرده و هنگام عزیمت وی به دو میان جنگ صلیبی، از سال ۱۱۴۷ تا سال ۱۱۴۹ نیابت سلطنت را به عهده بگیرد. پس از بازگشت، پادشاه وی را «پدر میهن» خطاب کرد - م.

سلطنت را تضمین نمود و آن را تحکیم بخشید.

حکومت از خزانه و بایگانی استناد برخوردار شد. از این پس، مراسم و آیینهای مربوط به سلطنت، نظم و نسقی پیدا کرد. پادشاه در ریم تاجگذاری می‌کرد، به بدن وی روغن مقدس می‌مالیدند و بدین ترتیب از وی شخصیتی تقریباً آسمانی می‌ساختند که قادر به انجام معجزه بود.^۱ از اواسط قرن یازدهم، پادشاه را به عنوان شفاده‌نده مرض خنازیر (نوعی بیماری سل) می‌شناختند. لویی هفتم را در صومعه سن - دُنی به خاک سپر دند.

در کنار صاحب منصبان سنتی نظیر دیوان سالار، افسر سواره نظام، قاضی القضاط، خزانه‌دار، شرابدار و غیره، مباشران حکومتی^۲ نیز وارد صحنه شدند (احتمالاً در اواخر قرن یازدهم). این افراد سرپرستی و اداره زمینهای حاصلخیز یک قلمرو پادشاهی در حال گسترش را به عهده داشتند؛ اما به اجرای عدالت و برقراری نظم نیز مبادرت می‌کردند. در سال ۱۱۲۵، ۲۵ مباشر حکومتی وجود داشت و تعداد آنها در سال ۱۲۰۲، بالغ بر ۵۶ نفر بود. در قرن دوازدهم، به اغلب این مباشران مزرعه‌ای اجاره داده می‌شد. آنان پیشاپیش به طور تخمینی درآمد زمین را به پادشاه می‌پرداختند؛ اما سود بسیار زیاد حاصل از مزرعه، این هزینه را جبران می‌کرد. در سال ۱۱۷۹، احتمالاً زمین بیش از ۲۰ هزار لیور برای پادشاه عواید داشته است. تعدد استناد نگاشته شده توسط دیوان دربار حاکی از آن است که حکومت کاپسین در امور سرزمین پادشاهی دخالت فزاینده‌ای می‌کرد. در این دوره، پادشاه شروع به قانونگذاری کرد و در این امر از نظرات شورا بهره می‌برد.

دربار پادشاهی که در گذشته متشکل از شوالیه‌های سلطنتی بود، در زمان حکومت لویی هفتم، اربابان بزرگ را به خدمت گرفت.

۱. هرگاه پیشانی کسی به دست یکی از اسقف‌ها و روحانیون بزرگ با روغن مقدس تبرک می‌شد (مراسم تدهین)، وی واجد جنبه ملکوتی شده و برگزیده خداوند به شمار می‌رفت و مردم نمی‌توانستند او را از تاج سلطنت محروم سازند، جانشینان هوگ کاپه نیز همین کار را انجام می‌دادند تا آنکه در قرن سیزدهم، به هنگام سلطنت فیلیپ اگوست، این امر متوقف شد.^۳

۲. «Les prévôts» در فردون وسطی، این افراد مأمورانی بودند که اداره قلمرو اربابان را به عهده داشتند. اداره‌کنندگان قلمرو پادشاهی در عین حال صاحب مناصب مالیاتی، قضایی و نظامی بودند.^۴

خطر دودمان پلانتاژنه^۱

گسترش قدرت پادشاهی محدود بود. شاه با ارتقی که در قرن دوازدهم تعداد شوالیه‌های آن بی‌تردید از ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد، نمی‌توانست همیشه دیگران را وادار به اطاعت کند. بدین‌ترتیب، لویی ششم در سال ۱۱۲۷، موفق نشد فرد منتخب خود را در رأس کنتنشین فلاندر قرار دهد. کنتنشین بارسلون از قلمرو پادشاهی جدا شد. ایالات قدرتمند و ثروتمندی نظیر کنتنشین‌های فلاندر، آنژو و نورماندی در همان دوره به منظور اداره و سازماندهی سرزمین خود تلاش مشابه و یا حتی بیشتری می‌کردند. خطر اتحاد آنگلو-نورمان افزایش یافت. از سال ۱۰۶۶، اتحاد پادشاهی انگلستان و دوکنشین نورماندی و تشکیل یک حکومت مقتدر باعث بروز مشکل حساسی شد تا جایی که پادشاه آنگلو-نورمان بسیار قدرتمدتر از پادشاه کاپسین به نظر می‌رسید و این امر در شرایطی صورت گرفت که دوک نورماندی و اسال پادشاه فرانک‌ها به شمار می‌آمد.^۲

لویی ششم در دو نوبت (از سال ۱۱۰۹ تا سال ۱۱۱۳ و از سال ۱۱۲۳ تا سال ۱۱۳۵) باهانه‌ای اول بوکلرک^۳، پادشاه قدرتمند آنگلو-نورمان درگیری پیدا کرد. پادشاه کاپسین با امکانات اندک خویش توانست مقاومت کند.

۱. (Plantagenêt) پلانتاژنه نام یکی از دودمانهای انگلستان است که ژفری پنجم (۱۱۵۱ - ۱۱۲۸) اولین پادشاه آن به شمار می‌آید. در افسانه‌ها آمده است که ژفری پنجم ملقب به زیبارو در حین اسب‌سواری موجود افسانه‌ای یک شاخی را با سر زنی زیبا در مزرعه گیاهان طاووسی می‌بیند. به همین دلیل، این گیاه را نماد حکومت پادشاهی خود قرار می‌دهد و دودمان وی ملقب به پلانتاژنه به معنای گیاه طاووسی می‌شود - م.

۲. در قرون وسطی پسین رابطه اربابان و واسال‌ها پیچیده شده بود، مثلاً اربابان می‌توانستند خود واسال‌های نجایی دیگر باشند. در عوض واسال‌هانیز می‌توانستند ارباب باشند. اکثر نجایه ارباب بودند و هم واسال. گاهی واسال‌ها قدرتمدتر از اربابانشان بودند. در واقع امر غیر ممکنی نبود که واسال‌های پادشاه قدرتمدتر از او باشند. مثلاً دوک‌های نورماندی که پادشاه انگلستان نیز بودند به واسطه دارایی هایشان در انگلستان و فرانسه عملأقوی تراز اربابان خود یعنی پادشاهان فرانسه بودند - م.

۳. (Henri I Beauclerc) هانری اول (۱۱۳۵ - ۱۰۶۹)، چهارمین فرزند گیوم فاتح، پادشاه انگلستان بین سالهای ۱۱۰۰ تا ۱۱۳۵ و دوک نورماندی از سال ۱۱۰۶ تا سال ۱۱۳۵ بود. امپراتوری نورمان در دوران پادشاهی وی به اوج قدرت خود رسید. [تصویر ۸۷] - م.

فصل سوم / دوران پیداری ۹۵

با مرگ هانری اول بوکلرک در سال ۱۱۳۵، یک دوره هرج و مرج در انگلستان آغاز شد. تهدید آنگلو-نورمان به ظاهر از بین رفته بود؛ اما متأسفانه، عدم تفاهم دائمی میان پادشاه و ملکه فرانسه، لویی هفتم و الینور^۱، دوباره سبب تشدید مشکلات شد. در سال ۱۱۵۲، لویی هفتم الینور را طلاق داد و پس از این مسئله، الینور بلا فاصله با کنت آنزو و دوک نورماندی، هانری پلانتاژنه^۲، ازدواج کرد. پلانتاژنه در سال ۱۱۵۴، به پادشاهی انگلستان دست یافت. بدین ترتیب، در غرب اروپا، سرزمین وسیع جدیدی که با اقتدار اداره می‌شد، پدیدار گشت.

هانری دوم پلانتاژنه، امپراتوری سواحل اقیانوس اطلس را که شامل قلمرو وسیع و طویلی بود، تحت سلطه خود در آورد (یک ماه و نیم زمان لازم بود تا بتوان از شمال به جنوب امپراتوری سفر کرد). این قلمرو امپراتوری متشكل از انگلیس، نورماندی، بریتانی (که از سال ۱۱۵۸ به آن ضمیمه شده بود)، آنزو، من^۳ و اراضی متعلق به الینور بود.

بدین ترتیب وی بر بیش از نیمی از قلمرو پادشاهی فرانسه حکومت می‌کرد و

۱. یک طلاق مهم در قرن دوازدهم:

الینور (۱۱۲۲-۱۲۰۴) که بسیار با فرهنگ، مشکل پستد و در عین حال هوش باز و سبک سر بود، در پانزده سالگی با پادشاهی پارسا و سختگیر ازدواج کرد. ملکه می‌خواست دوکنشین آکتن را خارج از قلمرو پادشاهی نگه دارد. بر سر این مسئله، زوج پادشاهی با هم تفاهم نداشتند. در ضمن، الینور برای لویی هفتم فقط دو فرزند دختر به دنیا آورده بود. در زمان دومین جنگ صلیبی، سبکسری ملکه در سرزمین مقدس، پادشاه را مضحك جلوه داد. در بازگشت الینور به فرانسه، کنت آنزو، هانری پلانتاژنه جوان که از طرف مادرش دوکنشین نورماندی را به ارث برده بود، به تملق و ستایش الینور پرداخت. در ۱۸ مارس ۱۱۵۲، لویی هفتم به این بهانه که ملکه خواهر ناتنی وی محسوب می‌شد، توسط شورای اسقفان، وی را طلاق داد. دو ماه بعد، الینور با هانری پلانتاژنه ازدواج کرد و برای وی یک دختر و چهار پسر به دنیا آورد. ریچارد شیردل و ژان بی ملک از جمله پسران وی هستند.^۴

۲. (Henri Plantagenêt) هانری دوم پلانتاژنه (۱۱۳۳-۱۱۸۹) از سال ۱۱۵۴ تا سال ۱۱۸۹ پادشاه انگلستان بود. وی از طرف پدرش ژفری پلانتاژنه و همسرش الینور، ممالک وسیعی نظر نورماندی، آنزو، پواتیه، اوورنی و بریتانی را در فرانسه به دست آورد. با کشیشان انگلستان که قدرت بسیاری داشتند و برای خود امتیازاتی قائل بودند، اختلاف پیدا کرد و این مبارزات منجر به قتل توماس بیکت، کشیش بزرگ کلیسای کاتربری شد و در نتیجه آن، نارضایتی عمومی اوج گرفت. پادشاه فرانسه از این موقعیت استفاده کرد و پسرانش را بر ضد وی تحریک نمود. ایشان نیز دست به شورش زدند، هانری دوم برای سرکوب آنان لشکر کشید و جنگ بین پدر و پسران در گرفت. جنگی که تا مرگ وی در سال ۱۱۸۹ ادامه داشت. [تصویر ۸۸-م].

3. Maine

به این دلیل، به عنوان واسال لویی هفتم در مراسم تحلیف واسال، مراتب و فادری خود را نسبت به وی ابراز نمود.

با این وجود، این امپراتوری دارای وحدت و انسجام لازم نبود؛ اما در همان زمان، قدرت هراس انگلیزی را به پلانتاژه بخشیده بود. وانگهی، هانری دوم به دلیل اقامت بیشتر در قاره نسبت به انگلستان، به تصرف سایر سرزمینهای قاره تمایل داشت.

لویی هفتم که غافلگیر شده بود، چاره‌ای نداشت جز آنکه بدون فوت وقت، حقوق خود را به عنوان حاکم به اثبات برساند.

جنگ با وجود قدرت هانری پلانتاژه دیری نپایید. در سال ۱۱۵۹، لویی هفتم به کنت تولوز که در وضعیت دشواری قرار داشت، یاری رساند. پادشاه انگلستان عقب‌نشینی کرد؛ اما در سال ۱۱۶۲، ناحیه وکسن را از پادشاه کاپسین باز پس گرفت. لویی هفتم شعله‌های نزاع و درگیری را بر افروخت و این امر به سرعت سبب از هم پاشیدگی دربار و دودمان پلانتاژه شد. وی به توماس بک^۱، اسقف اعظم^۲ کلیساي کانتربری^۳ و مخالفت هانری دوم، پناه داد و در سال ۱۱۷۹، با پسر ارشد پلانتاژه که علیه پدرش اقدام به شورش کرده بود، پیمان اتحاد بست. با مرگ پادشاه فرانک‌ها در سال ۱۱۸۰، اساس و پایه قدرت دودمان کاپسین همچنان محفوظ ماند.

فعالیتهای پیش روندۀ

آمایش اراضی

با نزدیک شدن به پایان هزاره اول میلادی، تمایزات حقوقی دوره کارولنژی بین روستائیان آزاد و برده‌گان تا حد زیادی از بین رفت. گرچه هنوز برده‌گانی وجود داشتند که با زندگی در قلعه، از اراضی اربابی بهره‌برداری کنند؛ اما تعدادشان بسیار اندک بود. تعداد زیادی از آنها بر روی قطعه زمینی به خدمت گرفته می‌شدند و به تدریج، سرنوشت آنها به سرنوشت کشاورزان آزادی که مدت‌ها تحت حمایت یک ارباب قرار داشتند، گره خورده بود. در این دوره، یک طبقه اجتماعی جدید

1. Thomas Becket

2. L'archevêque

3. Canterbury

فصل سوم / دوران بیداری ۹۷

موسوم به طبقه سرف‌ها^۱ یا روستائیان وابسته به زمین شکل گرفت. این کشاورزان همراه با زمین خرید و فروش شده و توسط اربابان تنبیه می‌شدند. آنها را به رعایت تعهداتی نظیر بیگاری بر روی زمینهای اربابی، پرداخت مالیات بردگی، منع ازدواج در خارج از قلمرو ارباب مجبور می‌کردند. در ضمن، ارباب می‌توانست تمام یا بخشی از حق الارث آنها را به چنگ آورد. بنابراین، در حد فاصل بندگی و آزادی مطلق، طیفی از اختلافات جزئی وجود داشت که سرفداری را به شغل اجتماعی بسیار پیچیده‌ای مبدل ساخته بود. همچنین، برخی از روستائیان خردہ پا توانستند آزادی خود را حفظ کنند و به صورت موروشی تحت قیومیت ارباب درنیایند. آنان طبقه دهقانان آزاد^۲ را تشکیل دادند.

در پایان قرن دهم، جنگل‌های تنگ شده برای مدت کوتاهی زیرکشت محصولات کشاورزی قرار گرفت. علفزارها و بوته‌زارها گستره وسیعی را پوشانده بود. مردم، با مهارت بسیار، از این صحراها بهره می‌بردند. تعداد حیوانات وحشی زیاد بود و شکار رواج و منفعت داشت. جنگل چوب مورد نیاز مردم را فراهم می‌کرد، امکان تهیه زغال و احداث کارگاههای آهنگری متعدد را فراهم می‌نمود. بوته‌زارها به عنوان چراغ‌های حیوانات اهلی به‌ویژه خوکها که میوه‌های بلوط را دوست داشتند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. انسان آن روزگار به جمع آوری میوه‌های وحشی و عسل می‌پرداخت و نیز از شیره درختان به منظور مالیدن بر روی پوست خود استفاده می‌کرد.

تعداد زیادی از مردم با تبرها و اره‌های آهنی خود برای قطع درختان به سوی جنگل‌های انبوه هجوم می‌بردند. طی سه قرن (از اواسط قرن دهم تا اواسط قرن

۱. (Les serfs) سرف‌های خدمتگزار وابسته به زمین بخشی از دارایی ارباب بودند و پایین‌ترین طبقه اجتماعی در نظام فنودالی را تشکیل می‌دادند. خدمت آنان صرفاً کشاورزی نبود و جنگلبانی، کار در معدن، گذراندن مردم و بار از دو سوی رودخانه و صنعت را نیز دربر می‌گرفت. سرف‌ها آزادی اندکی داشتند. بدون اجازه ارباب نمی‌توانستند شغل خود را تغییر دهند یا با کسی از یک ملک اربابی دیگر ازدواج کنند. اگر دختر یک سرف می‌خواست با کسی بیرون از ملک اربابی ازدواج کند آن سرف نه تنها می‌بایست رضایت اربابش را کسب کند، بلکه مجبور به پرداخت تاوان نیز بود. سرف‌ها با آنکه آزادی نداشتند، برده نبودند. نمی‌شد سرف‌هارا خرید و فروش کرد و جایگاه آنها مانند جایگاه نجیب زادگان موروشی بود و فرزندانشان موقعیت آنان و حق کار در زمینهایشان را به ارث می‌بردند. از آن مهمنتر، سرف‌ها برخلاف برده‌ها از حقوقی برخوردار بودند. مادامی که وظایفشان را انجام می‌دادند نمی‌شد آنها از زمینشان محروم کرد. [تصویر ۸۴-م.]

2. Les vilains

سیزدهم) وسعت زمینهای زیر کشت را به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش دادند.^۱ اواخر قرن دهم، آمایش اراضی یا خار و خاشاک‌زدایی از بوته‌زارها در نواحی اورنی و ماؤنه^۲ صورت می‌گرفت. پس از هزاره اول میلادی، اولین سدبندی‌ها در زمینهای پست ناحیه فلاندر انجام شد. از اواسط قرن یازدهم، آمایش اراضی در نواحی پواتو، آکیتن و نورماندی تحقق یافت. قرن دوازدهم شاهد اوج عملیات آمایش اراضی در نواحی لورن، آنزو، مِن، بریتانی وغیره است [تصویر ۹۰]. در معادن استخراج زغال سنگ، فسیل گرده‌هایی به دست آمده است که بررسی‌های انجام شده بر روی آن به خوبی حاکی از کاهش درختان راش و پیشرفت کیشت غلات در حدود سال ۱۱۰۰ می‌باشد. اولین گامها به منظور خار و خاشاک‌زدایی از بوته‌زارها به صورت انفرادی برداشته شد. یک سرف یا یک دهقان آزاد زمین خود را به واسطه از بین بردن درختچه‌های تمشک، بوته‌زارها و درختانی که آنها را احاطه کرده بود، گسترش می‌داد. در قرن دوازدهم، آمایش اراضی برای کشاورزی توسط اربابان یا صومعه‌ها ترتیب داده می‌شد و بدین طریق، درآمد آنها افزایش می‌یافتد. این امر، ناامنی موجود در صحراء‌هارانیز از بین می‌برد. اربابان با وعده کار کمتر و آزادی، کشاورزان را تشویق می‌کردند تا در کوههای پوشیده از جنگل، دهکده‌های جدیدی بسازند. بدین ترتیب، تعداد شهرهای جدید، قُرى، قصبات و دهات افزایش یافت. اربابان در بازگشت از سوارکاری‌های طولانی، دهکده‌هایی را با نامهای برگرفته از سایر سرزمینها نظیر فلورانس^۳، گروناد^۴، ژریکو^۵

۱. رشد ناگهانی جمعیت:

برآورد جمعیت قلمرو پادشاهی فرانسه، بین سال هزار میلادی و اوایل قرن سیزدهم، حاکی از آن است که به طور کلی جمعیت دویسه برابر شده است. رژیم غذایی این دوره (متشكل از فرنی، نان سیاه، باقالی، عدس، مقداری گوشت بیات، کمی په خوک، ماهی و مقدار زیادی شراب دارای الكل کم) به دلیل کربوهیدرات‌بیش از اندازه، نامتعادل بود. گرچه طاعون از بین رفت اما بیماری جذام شیوع پیدا کرد. در سال ۱۱۰۶، در اسقفنشین پاریس اولین مریض خانه گشایش یافت. تعداد مریض خانه‌ها در سال ۱۲۰۰ بیست عدد برآورد شده است. رشد ناگهانی جمعیت بیشتر ناشی از توقف تهاجمات شدید، گسترش امنیت و کاهش نسبی قحطی‌های بزرگ (قطعی در سالهای ۱۰۰۵، ۱۰۰۶ تا ۱۰۳۱، ۱۰۳۳ تا ۱۰۵۰، ۱۰۹۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۵ تا ۱۱۲۴، ۱۱۴۰، ۱۱۴۴، ۱۱۴۷ تا ۱۱۹۵، ۱۱۷۲، ۱۱۶۰) بود - ن.

2. Mâconnais

3. Fleurance

4. Grenade

5. Jéricho

و غیره ایجاد می‌کردند. واگذاری سند معافیت^۱ (که براساس مدل سند لوری - آن - گاتینه^۲ که بین سالهای ۱۱۰۸ و ۱۱۳۷ تدوین شده بود، به نگارش درآمد) به این «روستاییان تازه وارد»^۳، آنان را به جدیت و تلاش بیشتر وا می‌داشت. دیگر، تعداد راهبان تبر به دست بسیار کم به نظر می‌رسید. بسیاری از سرف‌ها که جذب این معافیت شده بودند، به منظور سکونت در این شهرهای جدید از قلمرو ارباب فرار می‌کردند. در قرن دوازدهم، سرف‌داری^۴ در حال نابودی بود. در نورماندی و در ماکونه به ندرت اثری از آن یافت می‌شد؛ اما در نواحی بری^۵ و نیورنه^۶ این شغل همچنان وجود داشت. همچنین این اربابان بودند که با ابتکار خود عملیاتهای خطیری را به منظور خشک کردن باتلاقها و یا محافظت از مناطق کم ارتفاع در مقابل خطر پیشروی دریا یا طغیان رودها (سدبندی در زمینهای پست ناحیه فلاندر، خشکاندن باتلاق شوره‌زارهای آقیانوس اطلس، پر کردن تالابها در لانگ دک) سازماندهی می‌کردند. در سال ۱۱۶۰، هانری دوم پلانتاژنه دستور ساخت اولین سدها (موانع غیرطبیعی) را در منطقه سومور^۷ صادر کرد. این سدها از دره در مقابل طغیان رود لوار محافظت می‌نمود.

توسعه زراعی

گسترش و پیشرفت برخی روشها و ابزار فنی در این دوره، موجبات تسریع در جریان توسعه را فراهم آورد. ساخت آسیاب آبی در همه جا رواج یافت. در اواسط

۱. *La chartre de franchise* این امتیاز مبنی بر معافیت وسائل از ادای برخی از حقوق ارباب بوده و به یک جمعیت شهری یا روستایی اعطای می‌شد. به موجب آن برخی از مطالبات حقوقی ارباب حذف و یا محدود می‌شد. سند معافیت، سندی مكتوب بود که در آن ارباب معافیتهای اعطای شده را بر می‌شمرد - م.

2. Lorris-en-Gâtinais

3. Les hôtes

۴. (Le servage) سرف‌داری در پایان امپراتوری روم شکل گرفت و در فرانسه در قرن پانزدهم از میان رفت. گرچه اثر آن تا دو قرن بعد هنوز بر جای بود. همچنین پس از رنسانس، سرف‌داری در بیشتر اروپای غربی از میان رفته بود، حال آنکه در اروپای مرکزی و همچنین در اروپای شرقی تقویت شده بود. بسیاری از سرف‌ها به مردان آزاد تبدیل شدند. این فرآیند آهسته بود اما تا زمان رنسانس سرف‌داری در بیشتر اروپای غربی از میان رفت. نیاز اربابان زمیندار به پول باعث شد که آنها زمین را به همه کشاورزان خود به صورت کاملاً تقدی اجاره دهند. بهمود روشاهی کشاورزی نیز سرف‌هار آزاد کرد - م.

5. Berry

6. Nivernais

7. Saumur

قرن دوازدهم، اولین آسیابهای بادی پدید آمد. به مدد گسترش استفاده از یوگ پیشانی برای گاوها که در آن زمان تعدادشان بسیار زیاد بود، حمل بار توسط چهار پایان تکامل بیشتری یافت. بکارگیری اسبهایی که افسار داشتند، به تدریج در روستاهای متداول شد. این حیوان چاپک به دلیل عضلاتی که با کار بر روی زمینهای سخت سازگاری بهتری داشت، از گاو گران‌تر بود. تعدد کارگاههای آهنگری در روستاهای امکان ساخت نعل را برای سُم این حیوانات فراهم می‌کرد و بدین ترتیب، از نوک سم آنها با نعل زنی محافظت می‌شد. خیش ابزاری بود که تناسب ساختاری داشت و بدون آنکه خاک را کاملاً برگرداند، بر روی آن شیاری سطحی ایجاد می‌کرد. این ابزار که برای زمینهای سُست ناحیه میدی بسیار مناسب بود، همچنان رایج‌ترین وسیله شخم زدن در آن دوره محسوب می‌شد. در قرن دوازدهم، استفاده از گاوآهن در شمال رود لوار گسترش یافت. گاوآهن که استفاده از آن دشوارتر از خیش بود و توسط دو نفر به همراه شش تا هشت گاو یادو تا چهار اسب به کار گرفته می‌شد، ابزاری غیرمتناوب بود. تیغه قسمت جلویی این ابزار در زمین شکاف ایجاد می‌کرد و تیغه قسمت انتهایی آن که به یک خاک برگردان فلزی مججهز بود، امکان برگرداندن خاک را به طور کامل و عمیق فراهم می‌آورد [تصویر ۹۱]. گاوآهن با اراضی حاصلخیز شمال سازگاری بهتری داشت و به خاک امکان تهویه و تنفس مجدد را می‌داد. بذری که در عمق بیشتری قرار می‌گرفت، در مقابل آفت و یخ‌زدگی بهتر مقاومت می‌کرد. کشاورزان به دلیل کمبود نسبی کود در اواسط قرن دوازدهم، خرد کردن کلوخها موجب هموار شدن زمین می‌شد. شخم می‌زدند. در قرن یازدهم، خرد کردن کلوخها موجب هموار شدن زمین می‌شد. به‌منظور جلوگیری از فرسایش سریع خاک، سیستم آیش دو ساله و حتی سه ساله به وجود آمد. با تمام این اوصاف، بکارگیری دست در هنگام کار بر روی زمین پیوسته از اهمیت برخوردار بود: استفاده از بیل، کَج بیل باگبانی و داس برای درو همچنان رواج داشت [تصویر ۹۲].

کاری تا این حد دقیق بر روی زمین و شرایط آب و هوایی مناسب افزایش بازده محصول را تسهیل می‌کرد. به‌طور متوسط، اگر در حدود سال هزار میلادی، بازده محصول معادل دو و نیم بذر در ازای یک بذر کاشته شده بود، این رقم در اوایل قرن دوازدهم، به چهار تا شش بذر در ازای یک بذر کاشته شده رسید. کتان، شاهدانه،

فصل سوم / دوران پیداری ۱۰۱

پاستل که به منظور رنگرزی پارچه‌ها به رنگ آبی به کار می‌رفت، سایر محصولات زیر کشت بودند. در شمال، کشت انگور کاملاً متداول بود، اما نگهداری شراب بیش از یک سال امکان نداشت. در آن دوره، کشت غلاتی نظری جو، چاودار و بهویژه گندم زمستانه و بهاره افزایش چشمگیری یافت. کشاورزان با فروش مازاد این محصولات در بازار متعلق به اربابان یا در شهر درآمد خوبی به دست می‌آوردند. گسترش و پیشرفت کشاورزی سبب توسعه و شکوفایی تعداد زیادی از روستاهای کلبه‌های چوبی که در پایان هزاره اول میلادی فقط سوراخ کوچکی برای خروج دود داشت، جای خود را به خانه‌هایی با سقفهای کاهگلی یا سفالی (متشكل از شن ریز، گل و لای و خاک آره) داد که بر روی آنها دودکش تعییه شده بود. اسباب و اثاث خانه به شکل ابتدایی خود باقی ماند و بر اکثریت کشاورزانی که دارای قطعه زمین زراعی کوچک و به تبع آن درآمد ناچیزی بودند، روزگار به سختی می‌گذشت.

بیداری شهر و بازرگانی

به رغم نامنی حاکم بر آن دوره، قصبه‌هایی در اطراف شهرهایی که عموماً ویران شده بودند، (در آئُر^۱ از سال ۹۲۴ و در آرل در سال ۹۷۲) به وجود آمد. در این قصبه‌ها، از قرن دهم به بعد، پیشه‌وران، بازرگانان و وام‌دهندگان یهودی گرد هم می‌آمدند. این امر در قرن بعد قوت بیشتری یافت. با کاهش اعمال خشونت‌آمیز، عده زیادی از بازرگانان از طریق راههای ویران شده و باقی‌مانده از دوره گالیای رومی و راههای جدید با مسلمانان اسپانیا و شرق و همچنین با امپراتوری بیزانس رابطه برقرار می‌کردند. از این سرزمینها، کالاهای مورد علاقه اربابان نظری ادویه‌جات و پارچه‌های گرانبها را وارد می‌کردند. ساخت اولین آسیابها برای مالیدن نمد (در اوخر قرن یازدهم) و همچنین برای آهنگری (در سال ۱۰۸۵ در منس و در سال ۱۱۱۶ در ایسودن^۲) نشان‌دهنده افزایش محصولات پیشه‌وری است. شهرها که اداره آنها به عهده آسقف‌ها بود، فعالیت خود را از سر گرفتند. پیشه‌وران در محلات و خیابانها گرد هم می‌آمدند. این شهرها، اغلب طعمه حريق می‌شد. خیابانها سنگفرش نشده

1. Angers

2. Issoudun

بود و در حقیقت گندابهایی بود که به گله خوکها اختصاص داشت. پسر ارشد لویی ششم در حادثه‌ای که توسط یک گله خوک به وقوع پیوست، جان باخت. با این وجود، مواردی نظیر حجم زیاد ساخت و سازها، زیبایی برخی از بنایها، حصارهای سنگی و فعالیتهای پیشه‌وری و تجاری مردم این دوره را به تحسین وامی داشت و موجبات هجوم روستائیان به سوی شهرها فراهم می‌آورد.

ساکنان شهرها را «بورژوا»^۱ می‌نامیدند. از قرن یازدهم به بعد، پیشه‌وران و بازرگانان در اجتماعاتی که به منظور کمک به یکدیگر و در اختیار گرفتن تولیدات و ساخت و سازها شکل گرفته بود، دور هم جمع می‌شدند. بورژواها، به سرعت، در صدد استیفای حق نظارت بر اداره شهرها برآمدند و از طریق عقد پیمان مشترکی، با یکدیگر متحد شدند. حتی از «کمون‌ها»^۲ نیز سخن به میان آمد. پادشاهان دودمان کاپسین در مورد کمون‌های خارج از محدوده قلمرو خود، نظر نسبتاً مساعدی داشتند. کنت‌های فلاندر و شامپانی به این کمون‌ها اجازه فعالیت می‌دادند؛ اما مذاکرات ابتدایی با اسقف‌ها اغلب با مشکل بر می‌خورد. در سال ۱۰۷۰ در ناحیه منس و در سال ۱۱۱۲، در ناحیه لاثون (قتل اسقف گُدری)^۳، سورشاهی خونینی به وقوع پیوست. در اوایل قرن دوازدهم، جنبش کمون‌ها به نقطه اوج خود رسید. اعطای معافیتها صورت گرفت و بدین ترتیب، بورژواها توانستند حقوق خود در مورد انتخاب صاحبمنصبان غیرنظامی نظیر معاونان کمون^۴ در شمال و

۱. «Bourgeois» در قرون وسطی به معنای شهرونشین به کاربرده می‌شد - م.

۲. «Les Communes» جمعی از ساکنان یک شهر به منظور دفاع از منافع جمعی سوگند یاد می‌کردند. اگر ارباب این اجتماع را به رسمیت می‌شناخت، نهاد دائمی کمون تشکیل می‌شد که اداره شهر را به عهده می‌گرفت. به تدریج، این شهرها از یوغ اربابها در آمده و تحت تسلط بورژواها قرار گرفت و بدین ترتیب از شهر کمون با به بیان ساده‌تر از کمون سخن به میان آمد - م.

۳. «Gaudry» وی در سال ۱۱۰۶، به عنوان اسقف لاثون برگزیده شد. این فرد خشن، حریص و طماع، نماینده قدرت پادشاهی در قلمرو لاثون بود و به افزایش مالیاتها و مطالبه امتیازات ویژه مباردت کرد. به رغم موافقت پادشاه، وی با تشکیل نهاد کمون در این ناحیه توسط بورژواها مخالفت ورزید. حتی آنان برای جلب رضایت وی، وعده مبالغه‌زیادی نیز دادند. خشم مردم منجر به شورش عمومی شد. اسقف‌نشین وی را به آتش کشیدند اما اسقف جان سالم به دربرد و با پوشیدن لباسهای خادمان، خود را در بشکه‌ای پنهان کرد. با این وجود، یکی از سرفه‌های را یافت و سرش را به دونیم کرد - م.

۴. «Les échevins» این معاونان که توسط شورای کمون انتخاب می‌شدند، دارای مناصب گوناگونی بودند و تعدادشان متناسب با جمعیت کمون بین دو تا ده نفر تغییر می‌کرد - م.

فصل سوم / دوران پیداری ۱۰۳

کُنسول‌ها^۱ در ناحیه میدی، همچنین نظارت بر فعالیتهای اقتصادی، حتی گاهی برقراری عدالت و مشارکت با ارباب در دفاع از شهر، را کسب کنند؛ اما به سرعت این اقلیت ثروتمند (نظیر مالکان ساختمانها، پیشه‌وران ثروتمند و حتی اربابان نظام فتووالی) که در شهرهای ناحیه میدی زندگی می‌کردند بودند که از این حقوق برخوردار شدند. به استثنای شهرهای فلاماند^۲، کمون‌ها از مطالبه حقوق خود در مقابل فشارهای پادشاه یا شاهزادگان صرف نظر می‌کردند. بدین ترتیب، معافیتها یی که توسط پادشاه فرانسه به شهر پاریس اختصاص یافته بود، بسیار محدود شد.

در قرن دوازدهم، فعالیتهای پیشه‌وری و بازرگانی از رشد ویژه‌ای برخوردار شد. قصبه‌ها به شهرها پیوست. مبادله تهائتری (کالا به کالا) و دریافت کالا به عنوان مالیات به تدریج کاهش یافت، چرا که استفاده از سکه در معاملات اشاعه پیدا کرده بود. سکه‌های بسیار کوچک (دُنیه)^۳ رواج داشت، اما تعدد کارگاههای ضرب سکه موجب می‌شد که ارزش پول در یک جا نسبت به جای دیگر تغییر کند. مردم مجبور بودند پیوسته به «صرافان»^۴ مراجعه کنند. حمل و نقل کالا و متعاقب آن دریافت عوارض راه (حق العبور) گسترش یافت. شوالیه‌هایی که از طریق راهزنشی و چپاول بازرگانان امراض معاش می‌کردند، مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار گرفتند. به عنوان مثال، کنت فلاندر دستور داد که یکی از آنها را زنده در دیگ بزرگی از آب جوش بسوزانند! پلهای چوبی و سنگی بسیاری ساخته شد. چهارپایان اهلی یا ارابه‌هایی که سرعتشان بیشتر از ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر در روز نبود، در جاده‌ها حرکت می‌کردند. کالاهای سنگین

۱. (Les consuls) صاحب منصبی که سالی یک بار انتخاب می‌شد و به همراهی شخص دیگری ریاست عالیه مملکت را به عهده داشت - م.

2. Les villes flamandes

۳. «Les deniers» واحد پول روم قدیم و واحد قدیم پول فرانسه است. ۲۴۰ دُنیه معادل ۲۰ سو یا یک لیور است - م.

۴. «Les changeurs» صرافی در قرون وسطی معامله‌ای مبتنی بر داد و ستد و مبادله سکه‌های پول بود. به دلیل تنوع این سکه‌ها و تغییر ارزش آنها در مکانهای مختلف، این حرفه بسیار رواج داشت و ضروری به نظر می‌رسید. اغلب یهودیان عهده‌دار آن می‌شدند. بعدها، وقتی نهاد کلیسا دریافت نزول و بهره را منع کرد، حرفه صرافی فرصتی را برای این معاملات مخفیانه فراهم کرد. از قرن چهاردهم به بعد، با ابتکار عمل ایتالیایی‌ها، نامه صرافی گسترش یافت. دستور مکتوبی که ارزش سکه را در مکان دیگر مشخص می‌کرد. [تصویر ۹۳] - م.

نظیر نمک و شراب از طریق راههای آبی حمل می‌شد. این راهها بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت و بدین ترتیب اسکله‌هایی ساخته شد. در دریا، کشتیرانی از سر کرفته شد و ساخت بنادر دونکرک^۱، کاله^۲، نیوپرت^۳ در این دوره صورت پذیرفت. در زیر چادرها و در کنار دروازه‌های شهرهایی نظیر بوکر^۴، مونپلیه^۵، سن-ژیل^۶، سن-دنی (بازار لاندی)^۷، ریم وغیره، بازارهای خرید و فروش کالا توجه بازرگانان را به خود جلب می‌کرد.^۸ مهم‌ترین بازارها در شهرهای ایالت شامپانی [تصویر ۹۵] (لانی^۹، بار-سور-او^{۱۰}، پروون^{۱۱} و تروی) واقع در نیمه راه دو قطب اقتصادی پیش‌رفته آن دوره یعنی ایتالیا و فلاندر قرار داشت. کنت‌های شامپانی امنیت را برای بازرگانانی که به منظور حمل و نقل کالا سفر می‌کردند، تأمین می‌نمودند. این بازارها به مدت طولانی و به صورت متناوب ادامه داشت و موجب شد که ایالت شامپانی به مرکز مذاکرات اقتصادی در تمام طول سال مبدل شود. هیأتی از قضات ماهر صحت قراردادهای بازرگانان را تضمین می‌کرد. در ابتدا، اغلب کالاهایی نظیر گندم، شراب، پارچه‌های فلاماند، ادویه‌جات شرقی، پارچه‌های ایتالیایی، چهارپایان وغیره معامله می‌شد؛ اما از اواخر قرن دوازدهم به بعد، بازرگانان به عملیات بانکی نیز اقدام نمودند. از سال ۱۱۷۰ به بعد، بازرگانان ایتالیایی به طور منظم در بازارهای شامپانی حضور داشتند.

1. Dunkerque

2. Calais

3. Nicuport

4. Beaucaire

5. Montpellier

6. Saint-Gilles

7. Foire du Lendit

۸. این کلمه به معنی بازار از واژه لاتین «feria» به معنای جشن بر گرفته شده است چراکه در اصل بازرگانان به مناسبت جشن‌های مذهبی گرد هم جمع می‌شدند. بازارهای محلی امکان اجتماع دوره‌ای و منظم بازرگانانی که از نقاط دوردست می‌آمدند، را فراهم می‌کرد و تحت حمایت مقامات دولتی بود. به تدریج، برخی از این بازارها نظیر بازار شامپانی در قرن سیزدهم، بازار لیون و یا بازار زینو در اواخر قرون وسطی به قطب‌های اصلی و مهم تجارت بین‌الملل مبدل شدند. در این بازارها، هنرپیشه‌ها و آکروباتها نمایش‌های مختلفی را اجرا می‌کردند و چندین هزار نفر حضور می‌یافتدند و ضمن معامله به تفریح و سرگرمی نیز می‌پرداختند. [تصویر ۹۴]-م.

9. Lagny

10. Bar -sur-Aube

11. Provins

آرمانها و باورها

برخی افراد در فاصله بین هزار میلادی سالگرد شب تولد و روز عروج مسیح^(ع)^۱ به تفسیر بخششایی از آخرالزمان یوحنای^۲ پرداختند. این تفسیر حکایتگر ترس از تسلط قوای شیطانی بر زمین پیش از بازگشت شکوهمندانه مسیح^(ع) بود. دقیقاً در سال ۱۰۳۳، پدیده خورشید گرفتگی و قحطی شدید بدون آنکه وضعیت فاجعه‌امیزی را به دنبال داشته باشد، موجبات اضطراب را در سراسر کشور به وجود آورد.^۳

مردم مستغرق در پیام مسیحیت بودند. پیامی که به واسطه فرومایگی کشیشان غالب به خوبی درک نشده بود. جهان در تصور یک نبرد همیشگی بین شیطان^۴ (شر)^۵ و خدا^۶ (خیر)^۷ خلاصه می‌شد. مردم به بقای روح و به تأثیر و سودمندی بخشش‌های خالصانه پیش از مرگ اعتقاد داشتند (بدین ترتیب، بسیاری از اربابان املاک و دارایی خود را بذل و بخشش می‌کردند). بسیاری از مردم مرز بین طبیعت و ماوراء الطبیعه را به خوبی تشخیص نمی‌دادند. بنابراین، آنان در باطن مؤمن نبودند، بلکه ظاهر به دینداری می‌کردند. به نظر مردم آن دوره، عدم استفاده از موهاب مادی،

۱. «Christ» در سنت یهود «مسیح» پادشاهی است که توسط یک پیامبر بنی اسرائیل مسح شده است. شیوه این انتخاب به این صورت بود که پیامبر بدستور خداوند مقداری روغن (معمولاروغن گیاهی) را به سرفه برگزیده می‌مالید و برای وی دعایی کرد. این عمل «مسح کردن» نامیده می‌شد. پیامبران یهود هنگام فتح بابل از مسیحی سخن گفته‌اند که خواهد آمد تا سرزمین اسرائیل را رهایی بخشد. همچنین یهودیان عیسی را مسیح دروغین می‌دانند. واژه مسیح امروز به دو معنا به کار می‌رود: یکی نجات‌دهنده به معنای عام کلمه و دیگری نجات‌دهنده به معنای خاص، یعنی کسی که در آینده خواهد آمد - م.

۲. (Apocalypse de Saint Jean) آخرالزمان یوحنای (ژان قدیس) که با عنوانهای دیگری نظری وحی به یوحنای مکافشه یوحنای، کتاب وحی وغیره نیز خوانده می‌شود، آخرین کتاب از کتب «عهد جدید» مسیحیان می‌باشد. آخرالزمان تنها کتاب عهد جدید است که در آن تعداد بسیاری از پنداره‌ها، نمادها و تمثیل‌ها به عنوان ایجادهایی با واقعیت آینده به کار رفته است - م.

۳. در آثار نویسنده‌گان قرون هفدهم و هجدهم فرانسه، به منظور افشاری تاریک‌اندیشی قرون وسطی، از سال هزار میلادی که با دوران طلایی اسلام مصادف است، بسیار سخن به میان آمده است. به دلیل نقش پرنگ و حائز اهمیت مذهب در زندگی مردم قرون وسطی، آنان در فجایع انسانی نظری لشکرکشی‌ها، جنگ‌ها، قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر و یا در فجایع طبیعی نظری زلزله، سیل و حتی در پدیده‌های آسمانی نظری خورشید گرفتگی، شهاب‌ها و ستاره‌های دنباله‌دار، نشانه‌های آخرالزمان را جستجو می‌کردند - م.

4. Satan

5. Le Mal

6. Dicu

7. Le Bien

به جای اوردن روزه، پیمودن راه طولانی و خطرناک به منظور زیارت روم، سن - ژاک - دو - کومپوستل^۱ و حتی بیت المقدس (اورشلیم)، تضمینی برای بخشش گناهان به شمار می آمد. راهبانی که در جنگل‌ها عزلت‌نشینی می کردند - نظیر روبر آربریسل^۲ در آنزو در اواخر قرن یازدهم - مورد احترام همگان بودند. اولین جنگ صلیبی به حدی شور و هیجان مذهبی مردم را برانگیخت که حتی پاپ اوربن دوم هرگز آن را پیش‌بینی نکرده بود. اعتقادات و آئینهای مربوط به جادو و خرافات همچنان رواج داشت. مردم آن دوره از ماه، طلس‌کنندگان و گرگ - انسان^۳ می ترسیدند؛ در روستا، آهنگر را به واسطه ارتباطش با آتش دارای قدرتهای فوق طبیعی می دانستند. در بسیاری موارد، جادو و مذهب به هم می آمیخت. به اشیای باقی مانده از قدیسان قدرتهای اعجاب‌انگیز نسبت داده می شد؛ مردم آنها را در صندوقهای مجلل قرار داده و تقدیس می نمودند، حتی گاهی به امید شفا یافتن، آنها را لمس می کردند. همچنین، اگر کسی پس از ادای سوگند به آنها عهدشکنی می کرد، از انتقامشان می هراسید.

در حدود سال هزار میلادی، کشیشان که کاملاً فرمانبر و مطیع مالکان زمین بودند، آگاهی و استطاعت ناچیزی داشتند؛ در روستاهای راهبان جاهم و تنگدست بودند (زیرا ارباب حق دریافت عشریه یا مالیات بر کلیسا را برای خود محفوظ می دانست)؛ در شهرها، تعداد زیادی از اسقف‌های نالایق همانند اربابان بزرگ رفتار می کردند. خرید و فروش غیرقانونی اشیای مقدس و متبرک رواج داشت. کشیشان و اسقف‌ها چندین همسر آزاد داشتند و کلیسای محلی یا اسقف‌نشین را به فرزندان خود واگذار می کردند. صومعه کلونی که پیوسته استقلال خویش را حفظ می کرد، امید بسیاری را در دلها زنده نگه می داشت. اما، به دنبال ثروت زیادی که از هدایای مؤمنان عایدش شده بود، از آرمان خود که پیروی از آیین مسیحیت یا به عبارت دیگر فقر و ساده‌زیستی بود، فاصله گرفت. در حدود سال ۱۰۲۰، آثاری از کفر و الحاد در نواحی

۱. «ژاک قدیس یکی از حواریون مسیح(ع) است که مقبره‌اش در کلیسای سن - ژاک - دو - کومپوستل واقع در اسپانیا یافت می شود. زیارت آن پس از بیت المقدس و روم، به عنوان یکی از مهم‌ترین زیارت‌های دنیای مسیحیت به شمار می آید. [تصویر ۹۶] - م.

2. Robert d'Arbrissel

۳. انسانهایی که شباه به گرگ تبدیل شده و در دهکده‌ها سرگردان بودند - م.

فصل سوم / دوران پیداری ۱۰۷

شالون - سور - مارن^۱، ارلثان، آراس و آکیتن پدیدار شد. آنان که خود را پیروان مذهب مانی^۲ می دانستند (برگرفته از نام آئین الحادی مانی^۳ که در قرن سوم در مشرق زمین شکل گرفت)، معتقد بودند که نهاد کلیسا به هیچ کاری نمی آید. آنان آرزوی دستیابی به خلوص و برابری را داشتند، خواهان اعتقادات دینی بودند که در درون مومن رخنه کرده باشد و با بیان اینکه دنیا مملو از زشتی ها و آلودگی هاست، با ازدواج و بقای نسل انسان مخالفت می کردند. عاقبت به جرم کفر و الحاد در آتش سوزانده شدند. در اواخر قرن یازدهم، نهاد کلیسا به واسطه عملکرد پاپ گرگوار هفتم^۴ (۱۰۸۵-۱۰۷۳) از منزلت و جایگاه بهتری برخوردار شد. اربابان از حق دریافت عشریه برای خود صرف نظر کردند. اشراف زاده ای فعال، تربیت یافته و عارف مسلک موسوم به برنارد قدیس (۱۱۵۳-۱۱۹۰) صومعه سیتو^۵ را که در سال ۱۰۹۸ ساخته شده بود، در میان سایر صومعه ها مشهور ساخت و در سال ۱۱۱۵، با ایجاد مؤسسه جدیدی در ناحیه کلروو^۶، زمینه ورود مجدد ریاضت طلبی، تنگ دستی، دعا و نیایش را در زندگی راهبان برگزار کننده مراسم مذهبی فراهم کرد و نیز انجام کارهای دستی را در میان خادمان دیرها و صومعه ها مرسوم نمود. این جنبش مذهبی منسوب به صومعه سیتو به سرعت با توفیق فوق العاده ای روبرو شد و به نوبه خود شاهد اعطای هدايا از سوی مومنان بود. بناهای بسیار ساده ای ساخته شد. نزدیک به ۳۰۰ مؤسسه در سراسر اروپا به این جنبش نسبتاً فراگیر گرایش پیدا کرد. با شروع جنگهای صلیبی در اوایل قرن دوازدهم،

1. Châlons sur Marne

۲. (Les manichéens) مانی، در سال ۲۱۶، در نزدیکی تیسفون به دنیا آمد و آئین مانی را در شرق بنیان نهاد. وی از سوی برادران شاپور اول حمایت شد و شاپور به او اجازه تبلیغ دینش را داد. اما مورد خشم موبدان زرتشتی دربار ساسانی قرار گرفت و در نهایت در زمان بهرام دوم کشته شد. او واعظ مذهبی و بنیانگذار آیینی شد که زمانی طولانی در سرزمینهایی از چین تا اروپا پیروان فراوانی داشت - م.

۳. (Le manichéisme) آئین مانی (مانوی) ترکیبی از آئینهای مسیحیت و زرتشت است. در این آئین، از مسیحیت ایده مسیح و از زرتشت اعتقاد دو گانه به نیکی و بدی برگرفته شده است - م.

۴. (Grégoire VII) پاپ گرگوار هفتم از سال ۱۰۷۳ تا سال ۱۰۸۵، یکی از پاپهای کلیسای کاتولیک روم بود. وی بانی اصلی نهضت اصلاح کلیسا موسوم به گرگوار در روم بود. بر طبق آن، نهاد کلیسا با الزام تجرد برای کشیشان، در صدد اصلاح اخلاقیات برآمد. این نهضت اصلاح با مقاومت زیادی از سوی قدرتهای لانیک آلمان و انگلستان مواجه شد، اما پادشاهان کاپسین از آن استقبال کردند. [تصویر ۹۷] - م.

5. Cîteaux

6. Clairvaux

فرقه‌های مذهبی جدیدی شکل گرفت که نبرد در سرزمین مقدس^۱ را جایگزین توبه و استغفار از گناهان می‌نمود. راهبان مبارزی که در معابد و مریض‌خانه‌ها مشغول به کار بودند، از شهرت زیادی برخوردار شدند. آنان همچنین به جمع‌آوری هدايا می‌پرداختند. زمینهایی که عایدی‌شان به منظور کمک به صلیبیون روانه مشرق زمین می‌شد، از جمله این هدايا بود. به سرعت، راهبان معابد به مدیران توانا و ماهری مبدل شدند.

با این وجود، کفر و الحاد همچنان پایینده و برقرار بود. پیر والدو^۲، بازرگان اهل لیون، پس از آنکه تمام اموال و دارایی خویش را بین فقرا تقسیم نمود، خود را مبلغ مذهب کاتولیک خالص و ناب تلقی می‌کرد. جنبش وُدوآ^۳ که در حدود سال ۱۱۷۶ شکل گرفته بود، تا قرن شانزدهم در ناحیه میدی مقاومت کرد.

جنبش کاتار^۴ (در زبان یونانی به معنی خالص و پاک) که از جهات بسیاری به جنبش مانی شباهت داشت، در قرن دوازدهم در منطقه‌ای حد فاصل بِزیه^۵، آلبی^۶، کائور^۷، آژن^۸ و میرپوا^۹ رواج و گسترش یافت. پیروان این فرقه مخالف کلیسا بودند

۱. سرزمین مقدس نامی است که از سوی مسیحیان به محل تولد مسیح (ع) نسبت داده شده است - م.
۲. (Pierre Valdo) پیر والدو (۱۱۴۰ – ۱۲۱۸)، بازرگانی بی‌سواد از اهالی لیون بود که با الهام از کتاب مقدس، فقر پیش کرد و به موعظه مردم پرداخت. وی بنیانگذار جنبش وُدوآ بود. پس از مدتی، آموزه‌های پیروان وی با تعالیم نهاد کلیسا اختلاف پیدا کرد و عده زیادی از آنان تکفیر شده و یا در دستگاه تفتیش عقاید محکوم شدند. [تصویر ۹۸] - م.

۳. نام فرقه‌ای مخالف کلیسای کاتولیک که در اوخر قرن دوازدهم به رهبری پیر والدو به وجود آمد و اعضای آن به «درویشان لیون» مشهور بودند - م.

۴. جنبش کاتار (Le mouvement Cathare):

پیروان جنبش کاتار بر این باور بودند که دنیا توسط دو خدا که در روی هم قرار می‌گیرند، اداره می‌شود: یکی خدای خیر است و دیگری خدایی که بدن انسان را خلق کرد به عبارت دیگر خدای شر. آنان نهاد کلیسا را به دلیل حمایت از زندگی مرphe، ازدواج و خانواده محکوم می‌کردند. پیروان این فرقه، مراسم مذهبی ویژه‌ای داشته و کسانی که طی حیات خود آن را انجام می‌دادند - انسانهای کامل - مجبور به پذیرش زندگی بسیار سختی بودند. اکثریت پیروان کاتار به انجام این مراسم مذهبی پیش از مرگ بستنده می‌کردند - ن.

۵. Béziers

6. Albi

7. Cahors

8. Agen

9. Mirepoix

فصل سوم / دوران بیداری ۱۰۹

و در سال ۱۱۶۷، در شورایی گرد هم آمدند و از سال ۱۱۹۴ به بعد، از حمایتهای کنت تولوز، ریموند ششم^۱، برخوردار شدند.^۲

بیداری فرهنگ

در قرن یازدهم، به چندین مدرسه واقع در صومعه‌هایی نظیر صومعه بک^۳ مؤسسات شهری جدیدی اضافه شد (در شهرهای آنژه، تور، آرلشان، شارت و غیره). پرداختن به تحصیل از سر گرفته شد و به تبع آن تعداد آثار مکتوب به تدریج افزایش یافت. در قرن بعد، علم حقوق دوباره مورد توجه قرار گرفت و اولین دفتردارهای عمومی پا به عرصه جامعه نهادند. برخی کشیشان به واسطه ارتباط با دنیای اسلام، با آثار اقلیدس^۴ و به ویژه فلسفه ارسطو^۵ آشنایی پیدا کردند. پیير آبلار^۶ (۱۱۴۲-۱۰۷۹)

1. Raymond VI

۲. در نهایت، این جنبش با موعظه‌های شور انگیز دومینیک قدیس و آغاز جنگ صلیبی موسوم به «آلبیزوآ» در جنوب فرانسه سرکوب شد - م.

3. Abbaye du Bcc

۴. (Euclide) اقلیدس (حدود ۳۲۵ ق.م. تا حدود ۲۶۵ ق.م.) ریاضیدان یونانی بود که در قرن سوم پیش از میلاد در شهر اسکندریه می‌زیست. او نویسنده کتاب «عناصر» است که به مدت دو هزار سال شالوده تمام آموخته هندسه در غرب بود - م.

۵. (Aristote) ارسطو (حدود ۳۸۴ ق.م. تا حدود ۳۲۲ ق.م.) از فیلسوفان یونان باستان، شاگرد افلاطون و آموزگار اسکندر مقدونی بود. آثار وی در زمینه‌های گوناگون نظیر فیزیک، متافیزیک، زیست‌شناسی، شعر، منطق، علم بیان، سیاست، اخلاق وغیره بوده است. ارسطو به همراه سقراط و افلاطون از تأثیرگذارترین فیلسوفان یونان به شمار می‌آید. وی فلسفه را شناخت «وجود بما هو وجود» تعریف می‌کرد - م.

۶. «Pierre Abélard» فیلسوف فرانسوی قرن یازدهم میلادی است. زندگی این فیلسوف و عالم الهیات فرون وسطی، نظریه‌های ارزشمندی را درباره نوع زندگی و تفکرات قشر فرهیخته آن زمان در اختیار ما قرار می‌دهد. وی که از خانواده اشرافی خردپایی بود، شغل نظامی را به برادرانش واگذاشت و خود به مطالعه پرداخت. گرچه سلاح سپاهیان را بر زمین گذاشت، اما شهسوار میدان جدل شد. همواره فکرهای تازه‌ای بر می‌انگیخت و هر جا که می‌رفت بحث‌های جالبی به راه می‌انداخت. او سرشناس‌ترین استاد پاریس، گیوم شامپورا به خشم آورد و شاگردانش را به سوی خود کشانید. گیوم وی را مجبور کرد از پاریس برود اما دیگر برای خفه کردن نابغه جوان دیر شده بود. همه شاگردانش به دنبال او رفتند. صعود آبلار از پله‌های افتخار همین طور ادامه پیدا کرد تا اینکه رابطه وی با هلو نیز در سال ۱۱۱۸ بدان پایان داد. جزئیات این رابطه را خود آبلار در مصیبت‌نامه‌اش که در واقع شرح زندگانی اوست، توضیح داده است. پیير آبلار تأثیرگذاری بر زندگی فکری و اوضاع آموزشی عصر خود نهاد. کار درخشنان آبلار تألیف کتابی به نام داستان بدینختی‌های من است که شامل نامه‌ها و زندگینامه اوست - م.

نظام فلسفی جدیدی مشهور به اسکولاستیک یا مدرّسی^۱ را تدوین نمود. در کنار آثار دانشمندانی که به زبان لاتین [آثار خود را] نوشته بودند، ادبیاتی غیر مذهبی ابتدا به صورت شفاهی و سپس به صورت مکتوب به زبان اویل^۲ در شمال و به زبان اُک^۳ در جنوب به وجود آمد. نگارش سروده حماسی الکسی قدیس^۴ به سال ۱۰۴۰ بر می‌گردد. سروده حماسی رولان^۵ در حدود سال ۱۱۷۰ به رشته تحریر درآمد. کرتین تروی^۶

۱. «Scolastique» این کلمه از واژه لاتین «schola» به معنای مکتب یا مدرسه برگرفته شده است. منظور مدارس وابسته به کلیسا بود که در آنجا دانشمندان در مورد مسائل مورد نظر کلیسا به مطالعه و تحقیق می‌پرداختند. اما در حقیقت از شیوه تدریس و نظام فکری -فلسفی حکایت می‌کند که در دانشگاههای قرون وسطی به کار گرفته می‌شد. [تصویر ۹۹] -م.

۲. «La langue d'oil» گروه زبانی از زبانهای گالیای رومی است که در شمال فرانسه، جنوب بلژیک و جزیره‌های دریایی مانش گویش می‌شد -م.

۳. «La langue d'oc» از زبانهای گالیای رومی بود که در جنوب فرانسه و بخشهایی از ایتالیا و اسپانیا گویش می‌شده است. این زبان در خلق فرهنگی و ادبی قرون وسطی سهم بسزایی داشته است -م.

۴. «La Chanson de Saint Alexis» این سروده حماسی به شرح زندگی الکسی قدیس، فرزند سناتور روم می‌پردازد. وی به اجبار پدر، تصمیم به ازدواج می‌گیرد اما همان روز به سوریه فرار کرده و زندگی خود را وقف مذهب می‌کند. پس از آن که همه دارایی خود را به فقرابخشید، به مدت هفده سال، فقر و پارسایی پیشه می‌کند. سپس به روم بازگشته و بآنکه وی را به جا آورند، در زیر پلکان خانه پدری تازمان مرگ به زندگی خود ادامه می‌دهد. پس از مرگش، شرح زندگی وی را بر روی پوست نوشته‌ای می‌یابند و پدر در کنار پیکربنی جان وی ناله و شیون می‌کند -م.

۵. «La Chanson de Roland» این سروده یکی از کهن‌ترین آثار ادبی فرانسه است. از این اثر نسخ خطی پرشماری به جای مانده است که نشانگر محبوبیت آن در ادبیات عامیانه توده مردم است. این اثر منظوم، داستان خیانت و پهلوانی، در نبردی نه چندان مهم (در سال ۷۷۸) میان عقبه لشکر شارلمانی به فرماندهی رولان و باسک‌ها را روایت می‌کند. رولان و لشکریان به دام دشمن می‌افتدند. یکی از بستگان نزدیکش موسوم به اولیویه از رولان می‌خواهد تا برای درخواست کمک در بوق علاج بدمد. اما وی تقاضای کمک را در شان پهلوانی خود نمی‌بیند و از این کار خودداری می‌کند. همه لشکریان کشته می‌شوند و تنها رولان و دو تن از اطرافیانش زنده می‌مانند. در این هنگام است که رولان در بوق عاج می‌دمد و شارلمانی باشندن آوای بوق به باری وی می‌شتابد. اما دیگر دیر شده و شارلمانی با پیکرهای کشته شده رولان و سپاهیانش رویرو می‌شود. بوق عاج در زیر پیکربنی جان رولان افتاده و صورتش به سوی اسپانیا قرار گرفته است. [تصویر ۱۰۰] -م.

۶. «Chrétien de Troyes» شاعر فرانسوی قرن دوازدهم و یکی از اولین پیشگامان رمان شوالیه‌گری است. با الهام گرفتن از ادبیات کورتواز، فهرمانهای داستانهای اسطوره‌ای او با انتخابی دشوار میان عشق و وظایف اخلاقی یک شوالیه، روبرو می‌شوند. شوالیه‌های داستانهای وی در جستجوی جامی اسطوره‌ای هستند که از قرن سیزدهم به بعد، تحت عنوان جام مقدس - جامی که خون مسیح(ع) در آن ریخته شد - شناخته می‌شد -م.

فصل سوم / دوران بیداری ۱۱۱

در آثاری نظیر لانسلوت^۱ و پرسوا^۲ به توصیف حماسه‌های شوالیه‌گری پرداخت. آثاری همچون تریستان و ایزوت^۳ و رُمان رونار^۴ در اواخر قرن دوازدهم تألیف یا نگاشته شد. در جنوب شعرا بی^۵ نظیر ژوفره روول^۶ (در حدود سال ۱۱۴۰) و یا برنارد وانتادور^۷ (۱۱۹۵-۱۱۵۰) شعر کورتواز^۸ را که برخوردار از قافیه، لطافت و ظرافت بوده و به ستایش از عشق و زن می‌پرداخت، ابداع نمودند.

از سال هزار میلادی به بعد، ساخت کلیساها از سر گرفته شد (ساخت کلیساها کوچک واقع در رشته کوه‌های پیرنه^۹ نظیر سن - فیلیپر - دو - تورنوس^{۱۰} در سال ۱۰۰۶، سن - مارتَن - دو - کانیگو^{۱۱} در سال ۱۰۰۹، سن - ژرمن - د - پره در سال ۱۰۱۴ وغیره). معماران در صدد برآمدند تا طاقهای سنگی را جایگزین چوب‌بستهایی کنند که به راحتی طعمه آتش می‌شد.^{۱۲} گرچه این طاقهای سنگی این‌تر بود؛ اما

۱. «Lancelot» این اثر نمونه بسیار خوبی از ادبیات کورتواز به شمار می‌آید - م.

۲. «Perceval» اولین داستانی است که در آن به جام مقدس اشاره شده است - م.

3. Tristan et Iscut

۴. «Le Roman de Renart» مجموعه‌ای از داستانهای قرون وسطی فرانسه در قرن دوازدهم و سیزدهم است که قهرمانهای آن حیواناتی هستند که نظیر انسانها رفتار می‌کنند. در واقع، دنیای این حیوانات تداعی کننده جامعه قرون وسطی است. روایی موسوم به «رونار» - بعدها این اسم خاص به اسم عام روباه «Renard» در زبان فرانسه مبدل شد - و گرگی موسوم به ایزنگرین «Isengrin» شخصیتی‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند. [تصویر ۱۰۱] - م.

۵. «Les troubadours» این شعرای دوره گرد به «یابندگان» معروف بودند و به جمع‌آوری و سروden اشعار به زبان اُک می‌پرداختند. در اصل، دوره این شعراء، از سال ۱۱۰۰ آغاز شده و تا اواسط قرن سیزدهم ادامه یافت. [تصویر ۱۰۲] - م.

۶. «Jaufré Rudel» شاعری از جنوب فرانسه (ناحیه آکیتن) که به زبان اُک شعر می‌سرود. موضوع اغلب اشعار وی، عشق غیر ممکن و دست نیافتنی است. وی در دو میں جنگ صلیبی شرکت کرد و طی آن جان سپرد - م.

۷. «Bernard de Ventadour» سروده‌هایش مملو از احساسات شخصی است و از وی به عنوان یکی از بهترین موسیقیدانان زمانه‌اش و یکی از بزرگترین شاعران زبان اُک باد می‌شود - م.

8. La poésie courtoise

9. Les Pyrénées

10. Saint-Philibert-de-Tournus

11. Saint-Martin-du-Canigou

۱۲. سازندگان این کلیساها که بنای برخی از آنها یک قرن طول کشید، می‌باشد با سنگ و چوب کار می‌کردند. فولاد در قرون وسطی پسین کمیاب بود و آهن نرم‌تر از آن بود که سقفهای گنبدی شکل معروف به تاق قوسی دیوارهای بلند و مناره‌ها را نگه دارد. آنها برای طاقهای قوسی از سنگ استفاده می‌کردند چون می‌خواستند تا آنجا که ممکن است خطر آتش سوزی را کاهش دهند. دیوارهای ضخیم این بنایها که با طاقهای قوسی به هم وصل می‌شد تکیه گاه سقف بود. تنها چند پنجره باریک می‌توانست در این دیوارها شکاف اندارد چون در غیر این صورت دیوارها از استحکام کافی برای نگه داشتن سقف برخوردار نمی‌شد. این بنایی محکم تاریک بود. برای تأمین روشنایی یا از نور خورشید یا از مشعلهای قیراندو استفاده می‌کردند - م.

وزن سنگین‌شان مقاومت دیوارها را کاهش می‌داد. سنگها به منظور ساخت طاقهای کرد، نیم دایره (در ناحیه تورنووس^۱) و یا دو قلو (تقاطع دو طاق نیم دایره در زاویه سمت راست در ناحیه وزلی) به دقت تراشیده می‌شد. سنگ آهک در دره رود لوار و در پواتو و سنگ خارا و گدازه در اوورنی مورد استفاده قرار می‌گرفت. دیوارها ضخیم‌تر و با تعییه پایه‌های خارجی و ستونهای داخلی مستحکم‌تر شد. تعداد ورودی بناها کاهش یافت و بدین ترتیب، ساختمانهای کوتاهی به شکل صلیب و در ابعاد متوسط ساخته شد که شبستان مرکزی آنها تاریک بود. یک منار ویژه ناقوس در نقطه تلاقی شبستان با سالن کلیسا بنا شد. نقاشی‌های بزرگ^۲ بر روی دیوارهای داخلی کشیده می‌شد (نظیر نقاشی‌های دیواری کلیسای سن - ساون - سور - گارتامپ)^۳. سرستونها با مجسمه‌هایی زینت یافته بود که مضمون آنها بر گرفته از تصورات ذهنی سازندگان بود.^۴ این تصورات در قالب نقوش پرشاخ و برگ، اسلامی‌های پیچیده و صور هیولاًی یا آسمانی نماد وسوسه‌های شیطانی و یا صفات پسندیده انسانی جلوه می‌کرد. همچنین در نواحی مواساک^۵، وزله و آرل مجسمه‌های زیبایی ساخته شد که نمایانگر بدن انسان بود (مجسمه‌های نویسندگان انجلیل^۶ و نیز مجسمه حضرت مریم^۷ و حضرت مسیح(ع)). کتبه^۸ الهام‌بخش هنرمندان در

1. Tournus

۲. «به طور کلی، در قرون وسطی، منظور از نقاشی‌های بزرگ دیواری، نقاشی‌های رنگی است که دیوارهای داخلی کلیساها را می‌پوشاند. این نقاشی‌ها به ویژه، دیوارهای کلیساها ساخته شده به سبک رُمانسک را مزین می‌نمود چراکه به دلیل تعداد کم ورودی‌ها، دیوارهای این کلیساها وسیع‌تر و گسترده‌تر بود. دیوار نگاره‌ها یا دیوارهای متفوّض در واقع کتابی تصویری بود که در تعلیم مذهبی به مسیحیان بی‌سواند نقش بسزایی داشت. در معنای فنی آن، نقاشی دیواری شیوه‌ای از نقاشی مبتنی بر استفاده از رنگهای رقیق شده در آب آهک بر روی سطحی است که به تازگی روغنی شده باشد [تصویر ۱۰۳].»

3. Saint-Savin-sur-Gartempe

۴. هنر این دوره عمدتاً سرشنست دینی و نشان کار جمعی را بر خود داشت. هنرمند غالباً ناشناخته بود. هنرمندان به دلیل ستایش خدا یا شادمانی ناشی از خلاقیت کار می‌کردند تا شهرت فردی - م.

5. Moissac

۶. منظور متی، مرقس، لوقا و یوحناست - م.

7. La Vierge

۸. تیمپان یا کتبه در معماری رُمانسک و گوتیک، سطح نیم‌دایره یا جناغی شکل بالای ورودی کلیسا، اغلب مزین به نقوش بر جسته. [تصویر ۱۰۴].

فصل سوم / دوران بیداری ۱۱۳

ساخت تزئینات ظریف و پیچیده بود. زیباترین شاهکارهای هنر رُمانسک^۱ نظیر کلیساي نوتر-دام - لا - گراند^۲ واقع در پواتیه، کلیساي سن - سرن^۳ واقع در تولوز، کلیساي جامع^۴ پویی - آن - ولای^۵، کلیساي سن - نکتر^۶ واقع در اوورنی، صومعه وزلی، کلیساي کلونی (که امروزه اثری از آن باقی نمانده است)، صومعه مواساک، کلیساي سن - تروفیم^۷ در ناحیه آرل و غیره بین سالهای ۱۰۵۰ و ۱۱۵۰ به ویژه در جنوب و در مرکز کشور به وجود آمد.

پس از سال ۱۱۰۰، یک فن جدید معماری، بیشتر در شمال به ویژه در نواحی نورماندی، ایل - دو - فرانس و آنزو پدید آمد. این «هنر جدید» یا به عبارت دیگر «هنر گوتیک»^۸ هنری بود که پدیدآورندگان آن برخلاف هنر رُمانسک که بیشتر جنبه بین‌المللی داشت، فرانسوی‌ها بودند و مشخصه آن استفاده از طاق شکسته^۹ بود. استفاده از قوس جناغی یا چهارخم^{۱۰} (حاصل از تقاطع دو طاق شکسته به‌طور مورب) امکان ساخت بنایی بلندتر، سبک‌تر و البته نورگیرتر را فراهم

۱. (L'art roman) نام رُمانسک ساخته‌ای قرن نوزدهمی است به معنی رومی وار. این هنر در حدود سال ۱۰۳۰ پدید آمد و تا اواسط قرن دوازدهم ادامه یافت. اولین جریان هنری قرون وسطی به شمار می‌آید که همزمان چندین کشور نظیر ایتالیا، فرانسه، آلمان و اسپانیا را تحت تأثیر قرار داد. سادگی صور و اشکال، طاقهای نیم دایره از ویژگی‌های برجسته این هنر است. مجسمه‌های ساخته شده به این سبک بر روی سرستونها و نمای کلیساها در واقع روایت تصویری کتاب آسمانی مسیحیان است و بخش‌هایی از تورات و انجیل را در مقابل چشمان اکثربتی به سواد مسیحیان قرار می‌دهد. [تصویر ۱۰۵]-۱۰۶.

2. Notre-Dame-la-Grande

3. Saint-Sernin

4. (La cathédrale) کلیساي جامع یا کلیساي مادر بنای اصلی هنر قرون وسطی به شمار می‌آید و حتی نماد ابن دوره تلقی می‌شود؛ چنانکه گاهی از «دوره کلیساهاي جامع» یاد کردند. - م.

5. Puy-en-Velay

6. Saint-Nectaire

7. Saint-Trophime

۸. (L'art gothique) این سبک هنری که تا قرن شانزدهم سراسر اروپا را فراگرفت، امکان ساخت بنایی بلندتر و نورگیرتر را فراهم می‌کرد. «گوتیک» در واقع واژه‌ای تحقیر آمیز همانند «بربر» است که مردمان دوره رنسانس به هنر قرون وسطی و به‌طور خاص به هنری که در ایل - دو - فرانس و در پی هنر رُمانسک در قرن دوازدهم شکل گرفت، اطلاق می‌کردند. [تصویر ۱۰۶]-۱۰۷.

9. L'arc brisé

10. La croisée d'ogives

۱۱۴ نارنج مرانیه، ار اناز سارنسانس

می‌کرد.^۱ همچنین استفاده از شیشه‌های منقوش در هنر معماری رواج یافت. بین سالهای ۱۱۳۲ و ۱۱۴۴، سوژر دستور داد تا صومعه سن - دُنی را مطابق با این فن جدید بسازند. به دنبال آن کلیساها جامع سان (۱۱۶۸-۱۱۳۵)، بورژ، آنژه، لانگر^۲، سانلیس^۳ (شروع ساخت در حدود سال ۱۱۵۰) و نوتر-دام پاریس^۴ (۱۱۶۳-۱۲۴۵) نیز ساخته شد.^۵

۱. در قرون وسطی پسین بنا با تعداد پنجره‌های بیشتر امکان ورود نور بیشتر به ساختمان را فراهم می‌کرد و بهدلیل فضای داخلی و خارجی بزرگ‌تر گویی سر به آسمان می‌سایید. طاق نوک تیز و پشت بند معلق از انواع جدید تکیه گاهها بود. این تکیه گاهها وزن طاقهای قوسی رانه به دیوارها بلکه به ستونها منتقل می‌کرد. بین ستونها می‌شد دیوارهای نازک و بلند ساخت و در آن دیوارها جای کافی برای پنجره‌های بزرگ وجود داشت. [تصویر ۱۰۷] - م.

2. Langres

3. Senlis

4. Notre-Dame de Paris

5. معماری به عنوان شکل هنری غالب در قرون وسطی با کلیساها جامع به اوج خود رسید - م.

فصل چهارم

شکوفایی سلطنت کاپسین‌ها (۱۳۲۸-۱۱۸۰)

پادشاهان بلافصل دودمان کاپسین در فاصله سالهای ۱۱۸۰ و ۱۳۲۸ قلمرو خود را گسترش دادند، پایه‌های حکومت خویش را مستحکم ساختند و بر نفوذ و قدرت خویش در پر جمعیت‌ترین کشور مغرب زمین افزودند؛ کشوری که آبادانی، درخشش سیاسی و هنری آن از این دوره به بعد قابل ملاحظه و با اهمیت است. با گذشت زمان، این جهش و ترقی به آستانه خود رسید، پیشرفت کشاورزی و توسعه صنعت پیشه‌وری با رکود مواجه شد و در یک سوم پایانی قرن سیزدهم، اولین نشانه‌های رکود و سستی به منصه ظهور رسید.

استمرار روند رشد

فعالیتهای پایدار تا پایان قرن سیزدهم

مرحله توسعه اقتصادی که از اوخر قرن یازدهم شروع شده بود، تا حدود سال ۱۲۸۰ ادامه یافت. چنین شرایط مساعدی سبب تسهیل اقدامات پادشاهان دودمان کاپسین شد. عوامل بسیاری دست به دست هم داد تا به این فعالیتها تداوم بخشد و این اقدامات را تقویت کند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پیشرفت محسوس صلح در داخل کشور، آب و هوای مناسب که افزایش محصولات کشاورزی را ممکن می‌ساخت، از بین رفتن بیماری همه‌گیر طاعون و

نادر بودن قحطی‌های کسترده که در گذشته بحران افزایش میزان مرگ و میر را به دنبال داشتند.

از این دوره به بعد، رشد جمعیت تداوم یافت و فرانسه به پر جمعیت‌ترین قلمرو مسیحیت مبدل شد. تنها عاملی که همچنان زندگی مردم را تهدید می‌کرد، بیماری جُدام بود. افزایش بهره‌برداری از معادن نقره از قرن دوازدهم به بعد و واردات منظم سنگهای معدنی از سِنگال^۱ (حدود ۳۰ تن در سال) به اروپای مدیترانه‌ای در قرن سیزدهم، به توسعه صنعت ضرب سکه کمک نمود. ونیزی‌ها^۲ و فلورانسی‌ها^۳ ابتکار به جریان انداختن سکه‌های طلا و نقره جدید را به دست گرفتند. این سکه‌ها انجام معاملات کلان را ممکن کرد و الهام‌بخش اصلاحات پولی لویی قدیس^۴ بود. از دیاد سکه، قیمت‌ها و به دنبال آن دستمزدها را طی این دوره افزایش داد. علاقه شدید اشراف و بزرگان به اجناس تجملی (جواهرات، لباسهای بلند و فاخر با رنگهای شاد، پوست و لباسهای زیر از جنس کتان) باعث توسعه صنعت پیشه‌وری شد.

پیشرفت کشاورزی ادامه پیدا کرد، هرچند که میزان آمایش اراضی به تدریج کاهش یافت و مسئله حفظ حیات جنگل‌ها در گوشه و کنار مطرح شد. در جنوب غربی کشور، روستاهای جدید یا به عبارت دیگر «روستاهای بیلاقی» به وجود آمد. استفاده از کود حاصل از گل و لای و آهک رواج یافت. در اواسط قرن سیزدهم، سیستم آیش سه ساله همراه با قوانین مشترک اجرای آن (آیش الزامی هر سه سال یک بار بر روی هر قطعه زمین) در ناحیه جلگه پاریس^۵ متداول شد. کشت محصولات جدید نظیر گندم سیاه در جنوب غربی، گیاه رازَک در شرق، گیاهان مخصوص رنگرزی و درخت زردآللو که از سرزمین مقدس آورده شده بود، صورت گرفت.

1. Le Sénégal

2. Les Vénitiens

3. Les Florentins

(Saint Louis).^۶ لویی نهم معروف به لویی قدیس بیش از ۳۰ سال بر فرانسه حکومت کرد (۱۲۷۰-۱۲۲۶). این پادشاه مقندر و در عین حال پرهیزگار، به واسطه زهد و تقواو رابطه نزدیک خود با کلیسا‌ای روم پس از مرگش قدیس شناخته شد. وی در جنگ صلیبی شرکت کرد و در یکی از همین جنگها در تونس بر اثر بیماری طاعون درگذشت. [تصویر ۱۲۸] - م.

5. Le Bassin parisien

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۱۷

شرابهای نواحی بون^۱، اُکسر^۲، آنژه و بُردو پر طرفدار و کمیاب بود. در خصوص غلات باید گفت که از هر دانه کاشته شده در زمینهای معمولی اغلب چهار تا شش دانه برداشت می‌شد؛ اما این تعداد به هفت دانه در پیکاردي در سال ۱۲۲۵ و حتی یازده دانه در آرتوا^۳ در سال ۱۳۲۵ رسید. در حدود سال ۱۹۰۰، در مقایسه با قرن سیزدهم، وضعیت برداشت محصول توسط کشاورزان فرانسوی به این خوبی نبود. از این دوره به بعد، استفاده از سکه کاملاً رواج یافت. اربابان که در گذشته سهم خود را با دریافت اجناس کسب می‌کردند، از این پس، با رضایت کامل به پرداختهای منظم پول نقد از جانب واسال‌ها رغبت نشان دادند. آنان سرفهای خود را در ازای دریافت پول آزاد می‌کردند و قسمتی از زمینهای خود را اجاره می‌دادند. عواملی نظیر مخارج هنگفت جنگهای صلیبی، اعطای هدایا به کشیشان و خرید کالاهای تجملی سبب فقیر شدن بسیاری از خرده مالکان شد. نسل بسیاری از خانواده‌های اشرافی منقرض گشت. برای مثال، در پیکاردي حدود صد خانواده اشرافی در سال ۱۱۵۰ زندگی می‌کردند؛ اما این تعداد، در سال ۱۲۵۰، به ۴۲ خانواده کاهش یافت. به علاوه، اختلاف طبقات اجتماعی در بین کشاورزان نیز شدت گرفت. در کنار قاطبه کشاورزان (دوسوم، حتی چهار پنجم آنان در حدود سال ۱۳۰۰) که زندگی محقر و حتی فلاکت‌باری داشتند و به دنبال رشد جمعیت، در قطعه زمینهای کوچکی زندگی می‌کردند؛ شاهد ظهور طبقه جدیدی از کشاورزان ثروتمند هستیم. این کشاورزان زارع از اسب برخوردار بوده و اغلب زمینهای وسیع اربابی را اجاره می‌کردند.

کشاورزان به طور مستمر به کلیساي محلی می‌رفتند و به این امر که سالی یکبار در روز عید پاک^۴ به گناهان خویش اقرار کنند^۵، عادت کرده بودند. بدین ترتیب، جشنهای روستایی بسیاری برگزار شد و دسته‌های مذهبی متعددی شکل گرفت. سورشهای

1. Beaune

2. Auxerre

3. Artois

۴. (Pâques). عید پاک، بزرگ‌ترین عید مسیحیان و مصادف با یکشنبه‌ای در ماه مه یا اوریل است. مسیحیان بر این باورند که در این روز، حضرت مسیح(ع) پس از اینکه به صلیب کشیده شد، عروج کرد و به آسمان رفت. عید پاک در فصل بهار با رستاخیز و قیام حضرت مسیح(ع) پیوند خورده است - م.

۵. تصمیم به اقرار گناه، توسط شورای اسقف‌های لاتران در سال ۱۲۱۵ اتخاذ شد - م.

بزرگ آن دوره نظیر جنگ صلیبی کودکان^۱ در سال ۱۲۱۲ و جنبش چوپانان^۲ در سال ۱۲۱۵، توسط مدعیان وحی و مکاشفه، هدایت می شد و اغلب به منظور نیل به اهداف مذهبی نظیر آزادسازی مقبره حضرت مسیح(ع) انجام می گرفت. ابداع چرخ نخریسی سبب توسعه و رونق نساجی شد. در برخی از شهرها نظیر گاند^۳، بروژ^۴، ایپر^۵، دویه^۶، آراس، روئان، رمی، بووه^۷ و غیره، نساجی و نخریسی نوعی صنعت را تشکیل می داد که توسط تجار ثروتمندی سازماندهی می شد که بر عده زیادی از خرد و پیشه و ران تسلط داشتند. در شهرها، کار بر روی چوب، مس، آهن، فلزات گرانبها و اشیای تجملی گسترش یافت. کارگاههای نسخه برداری و مینیاتور در پاریس مستقر شد. گسترش و پیشرفت وسائل حمل و نقل به طور محسوسی افزایش مبادلات را تسهیل کرد. بازارهای بسیار فعال شامپانی در انجام عملیات پولی تبحر و تکامل یافت. اولین حواله‌های موعددار (امروزه برات) وارد بازار شد. در راهها، کاروانسراها و صومعه‌ها امکان استراحت و تجدید قوای بازرگانان را فراهم می کرد. اربابهایی که قسمت جلوی آنها متحرک بود و توسط اسپهای به هم بسته کشیده می شد، حمل بار تا وزن چهار تن را ممکن می ساخت. ساخت پل سن بنزه^۸ بر روی رود رن در آوینیون در سال ۱۱۸۵ خاتمه یافت. در پایان قرن دوازدهم، آب بندهایی در ناحیه فلاندر ساخته شد.

۱. *La croisade des enfants*) در جنگ صلیبی کودکان، مردم عادی و کشاورزان فقیر آلمان و فرانسه حضور داشتند که به کودکان خدا یا مردانی که همانند کودکان در فقر زندگی می کنند، ملقب شده بودند. [تصویر ۱۰۸-۱۱۰-م.]

۲. *Le mouvement des pastoureaux*) در این جنگ صلیبی مردمی، فقرا و چوپانان حضور داشتند. طی هفتین جنگ صلیبی، لویی قدیس به اسارت درآمد و سیاه وی قربانی بیماری طاعون شد. هنگامی که خبر بین ناکامی به غرب رسید، شورشایی را به دنبال داشت. چگونه می توان باور کرد که این پادشاه بسیار پرهیزگار مورد کم لطفی خدا قرار گرفته باشد؟ و عاظ مردمی در صدد پاسخ به این سؤال برآمدند. یکی از آنان مدعا شد که نامه‌ای از جانب مریم مقدس دریافت کرده است منی بر اینکه صاحبان قدرت، ثروتمندان و متکبران هرگز قادر به بازپس گیری بیت المقدس نخواهند بود و تنها فقرا، متواضعان و چوپانان در این امر توصیق می یابند. این ادعا جنبش چوپانان جوان را برانگیخت. این حسن به لحاظ اجتماعی و مذهبی برای صاحبان قادرت خطرناک بود و توسط قدرتهای حکومتی سرکوب شد. -م.

3. Gant

4. Bruges

5. Ypres

6. Douai

7. Beauvais

8. Saint Benézet

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۱۹

در دریا، تجارت شراب، نمک^۱ و پشم موجب رونق بندرهای بروژ، روئان، راشل^۲ و بردو شد. بندر اگمورت^۳ در سال ۱۲۴۷ احداث شد. کشتی های بسیار محکم، مجهر به سکان و با ظرفیت معادل ۳۰۰ بشکه روانه دریاهای غرب شد.

شکوفایی شهرها^۴

رشد جمعیت باعث شد تا بسیاری از روستاییان به سوی شهرها مهاجرت کنند.^۵ در سال ۱۳۲۰، بزرگترین شهر مغرب زمین پاریس بود که جمعیتی در حدود ۲۰۰ هزار نفر را در خود جای داده بود، شهر گاند جمعیتی بیش از ۵۰ هزار نفر داشت و جمعیت شهرهای آوینیون، بردو، بروژ، لیون، روئان، سن - اومر^۶ و تولوز بین ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر بود. در اطراف شهرها به اجبار حصارهای بلندتری ساخته می شد. با این وجود، چشم انداز شهری هیچ تغییر و تحولی نیافت. شهر که همیشه در معرض خطر آتش سوزی بود - برای مثال شهر روئان در فاصله سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۲۲۵ شش بار در آتش سوخت! - دارای شبکه ای از کوچه های پر پیچ و خم، تنگ و کثیف بود. زمین کمیاب و گران بود و مردم مجبور به ساخت خانه های بلند دارای قسمتهای جلو زده بودند. میادین عمومی شهر وسعت زیادی نداشت. کمون ها که تحت اداره بازار گانان ثروتمند بودند، آزادی خود را به دست آوردند و از مهر رسمی، دفاتر ثبت صورت جلسات و ناقوس بزرگ برخوردار شدند. مالیات های مربوط به شهرداری افزایش یافت.^۷

۱. تجارت نمک کاری بسیار ضروری به شمار می آمد، زیرا از آن برای نگهداری گوشت و ماهی استفاده می شد - م.

2. La Rochelle

3. Aigues-Mortes

۴. عوامل رشد و گسترش شهرها عبارتند از: رشد و افزایش جمعیت، گشايش راهها و رشد تجارت، بازارهای مکاره و صرافی - م.

۵. طی دوره قرون وسطی پسین اکثر اروپاییان در کشتزارها زندگی و کار می کردند: در واقع، تنها در قرن بیستم بود که مردم دنیا غرب عمدتاً ساکن شهرها شدند - م.

6. Saint-Omer

۷. در قرون وسطی رشد شهرها به زوال فتوالیسم کمک کرد. ساکنان شهرها به جای عوارض فتووالی مالیات می پرداختند. بسیاری از شهرها با هم پیمان شدن با پادشاهان، خود را زنده رسانیدند. ربانیان فتووال آزاد ساختند. ساکنان شهرها ترتیبی دادند که فرمانی از جانب پادشاه صادر شود که به آنها حاکمی داد برخود حاکم شوند و نظام قضایی خود را بر پادارند. پادشاه از صدور این فرمانها بهره مند شد چرا که بدین وسیله قدرت واسطه ای خود را کاهاش می داد - م.

۱۲۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

شهرهای آباد شمال کشور مخارج ساخت بازارهای سرپوشیده، ساختمان شهرداری و برج ناقوس را در شهرهایی نظیر تورنه، کامبره^۱، آبیول^۲، بروژ، بولونی سور-مر^۳ و سن-ریکیه^۴ تأمین می‌کردند؛ اما این امری استثنایی بود، چرا که در سایر شهرها نظیر نانت و دیژون^۵ جلسات تبادل نظر و مشاوره معاونان کمون در یک صومعه برگزار می‌شد.

اختلاف طبقات اجتماعی در شهرها همانند روستاهای شدت یافت. بورژوآهای بسیار ثروتمند که در عین حال مالک ساختمان، وامدهنده، تاجر و پیمان کار بودند، طبقه ممتاز آیین را تشکیل می‌دادند. این طبقه بر زندگی شهری تسلط داشت و اغلب پیشه‌ورانی نظیر خانواده والریشین^۶ در روئان و خانواده جیان بوانبروک^۷ در آراس را سخت استثمار می‌کرد. این پیشه‌وران که در گروههای متناسب با پیشه خود گرد هم می‌آمدند، اصناف مختلفی را تشکیل دادند. آنان قوانینی را به منظور کاهش رقابت‌ها و ابداعات وضع کردند (این امر به نوبه خود رکود فنی را به دنبال داشت) و کارهای زیبا و هنری را بر تولیدات عمده ترجیح می‌دادند. کارآموز باید شاهکاری را به وجود می‌آورد و حق ورود به عرصه صنف مورد نظر را پرداخت می‌کرد تا بتواند به درجه استادی دست یابد، در غیر این صورت، در تمام عمر یک پادو باقی می‌ماند. برآورد شده که در سال ۱۲۶۸، تعداد ۱۰۱ صنف در پاریس وجود داشته است.

در اقساط پایین جامعه شهری، طبقه کارگران، خدمتگزاران و حاشیه‌نشینان قرار داشت. با این طبقه به شدت بدرفتاری می‌شد و تعداد افراد آن به سرعت رو به افزایش بود. در هر شهر، مکان مخصوصی به مجازات علني مجرمان با چوبه دار اختصاص داده شده بود و راهزنان اغلب به دار آویخته می‌شدند. البته روپیگری که بامدارا و گذشت صاحبان قدرت همراه بود، گسترش یافت و تعداد

1. Cambrai

2. Abbeville

3. Boulogne-sur-Mer

4. Saint-Riquier

5. Dijon

6. Val-Richin

7. Jehan Boinebroke

حمام های عمومی بسیار زیاد بود.

در سال ۱۲۱۵، شورای اسقف های لاتران چهارم^۱ با اتخاذ تدابیری زمینه را برای آزار و اذیت یهودیان فراهم کرد. یهودیان باید با خود علامت شرم اوری را (تکه پارچه ای زرد یا قرمز رنگ)^۲ به عنوان نشانه حمل می کردند تا به واسطه آن شناخته شوند. آنان مجبور بودند در محله های مخصوصی زندگی کنند و هیچ رابطه زناشویی با مسیحیان نداشته باشند. پادشاهان فرانسه از کنار این بدرفتاری ها با یهودیان به راحتی می گذشتند و حتی در برخی موارد به این آزار و اذیتها شدت می بخشیدند که این امر گاهی به قتل عام آنان می انجامید (برای مثال شورش علیه یهودیان در تروی در سال ۱۲۸۸ و در سراسر فرانسه در سال ۱۳۲۱).^۳

همچنین، در قرن سیزدهم، در شهرها دیرهای جدیدی برای راهبان درویش ساخته شد. پیروان فرقه های مذهبی دومینیکن^۴ در سال ۱۲۱۷ و فرانسیسکن^۵ در سال ۱۲۱۹ در پاریس مستقر شدند. این فرقه های مذهبی همزمان در اسپانیا توسط دومینیک

۱. «Le Concile de Latran IV» این شورا که با ابتکار عمل پاپ اینوسان سوم توسط کلیسا کاتولیک برگزار شد، نقطه اوج اصلاحات کلیسا در قرون وسطی بود. تصمیمات بسیاری در راستای مبارزه با الحاد، پیرون راندن یهودیان از قلمرو مسیحیت، اعلان جنگ صلیبی و اصلاح کلیسا اتخاذ شد که موجبات تقویت نفوذ امپراتوری روم در مسیحیت غربی را فراهم کرد. [تصویر ۱۰۹-م.]

۲. یهودیان را وادر می کردند که نشانه ای مخصوص را بر لباس خود نصب کنند که به نام وصله معروف بود -م.

۳. جنگهای صلیبی نتایج بسیار وخیمی را برای یهودیان به دنبال داشت، زیرا صلیبیون این فکر را شاعه می دادند که یهودیان مسیح (ع) را کشته اند و دوراه دارند یا ایمان پیاورنده باشند. آنان به مسلمانان اعلام جنگ داده بودند اما یهودیان را می کشند -م.

۴. «Les dominicains» رسالت مذهبی پیروان این فرقه موعظه بوده و دیرهایشان اغلب در شهرهای بزرگ دارای جمعیت بسیار زیاد قرار گرفته است. موعظه هایشان زمینه را برای گفتگو و بحث با پیروان فرقه های الحادی فراهم می کرد. در این فرقه، آموزش، تحصیل و تدریس تعالیم از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، چرا که راهبان درویش آنچه را که می آموختند، در قالب موعظه به زبان می آوردن. آنان اغلب با پوششی سفید رنگ در گروههای دو تایی از شهری به شهر دیگر می رفتند و همانند حواریون به موعظه می پرداختند. [تصویر ۱۱۰-م.]

۵. «Les franciscains» این مبلغین مذهبی با پیروی از حضرت مسیح (ع)، مطابق با تعالیم کتاب مقدس زندگی می کردند. رسالت مذهبی و سفر بخشی از زندگی آنان بود. در کنار دومینیکن ها، پیروان این فرقه نیز در آموزش فکری نهاد کلیسا نقش بسزایی داشتند -م.

قدیس^۱ و در ایتالیا توسط فرانسوآ آسیز قدیس^۲ به وجود آمده بود. این جنبش‌ها در دین مسیحیت تحول عمیقی ایجاد کرده و به واسطه بازگشت و توجه به آرمان فقر، آن را احیا نمود (به عقیده آنها، راهبان می‌بایست درویشی کنند و نمی‌توانستند به کسب و جمع آوری مال و ثروت بپردازنند).

این راهبان درویش از زندگی در عزلت امتناع ورزیده و تصمیم گرفتند تا با مردم زندگی کنند و بدین منظور صومعه‌های خود را در قلب شهرها ساختند. پیروان فرقه‌های مذهبی دومینیکن، فرانسیسکن و سپس فرقه‌های اگوستینیوس^۳ و کارم^۴ که خطبای حاذق و اغلب باسواندی بودند، خود را مدافعان دینی معرفی می‌کردند که به درون مومنان رخنه کرده و برای فقرا منزلت و احترام قائل است.

موفقیت‌های آنها به حدی سریع بود—در حدود سال ۱۲۷۰، بیش از ۴۰۰ صومعه

۱. (Saint Dominique) دومینیک قدیس در اسپانیا به دنیا آمد. وی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های مقدس مسیحی به‌شمار می‌آید. بنیانگذار فرقه دومینیکن بیشتر زندگی خود را صرف مبارزه با بدعت گذاران و اشرافت کلیسا کرد. بدین منظور تصمیم گرفت که راه فقر را در پیش بگیرد و با پای بر همه راه می‌پیمود و مردم را به بازگشت به آئین مسیحیت واقعی دعوت می‌کرد. در موعظه‌های خود، به مذمت تجمل و ستایش فقر می‌پرداخت. شاگردان وی شروع به سفرهای تبلیغی کردند. آنها به سراسر اروپا رفتند تا با بدعت مبارزه کنند و مردم را به مسیحیت واقعی فراخوانند. حتی جمعی از این شاگردان به سرزمینهای شرق رفتند تا کفار و مسلمانان را دعوت به مسیحیت کنند. اعضای فرقه دومینیکن سردمداران دستگاه تفییش عقاید شدند.

[تصویر ۱۱۱] - م.

۲. (Saint François d'Assise) یکی از مشهورترین قدیسین دنیای مسیحیت می‌باشد. بنیانگذار فرقه فرانسیسکن که در اواسط قرون وسطی می‌زیست، تأثیر عمیقی بر الهیات و فلسفه غرب گذاشت. وی در خانواده مرفه ایتالیاپی به دنیا آمد و در جوانی به تجارت و جنگاوری روی آورد. در یکی از همین پیکارها به اسارت گرفته شد و پس از پرداخت غرامتی سنگین از سوی پدر به خانه بازگشت. بازگشت وی به خانه با بیماری اش مقارن شد. در همین دوران بود که فرانسواروزی در خیابان با فردی جذامی برخورد کرد. برخورد او با این فرد جذامی موجب شد که وی به کار در محل نگهداری جذامیان پردازد. این عمل چندان پرای خانواده مرفه وی خوشایند نبود و او مجبور به ترک خانه پدری شد. از این پس، فرانسوآ بسیار فقیرانه روزگار می‌گذراند و گاهی برای امرار معاش دست به گدایی می‌زد. موعظه‌های وی در ستایش فقر و شیوه زندگی اش موجب شد که خیلی زود شاگردانی به او پیویندند. [تصویر ۱۱۲] - م.

۳. «Les augustins» کشیشانی که مطابق با اصول اگوستینیوس قدیس روزگار می‌گذراندند. این کشیشان زندگی خود را صرف نگهداری از بیماران و خدمت در مریض‌ها می‌کردند. ایشان لباس مشکی می‌پوشیدند و کمربندی مسی می‌بستند - م.

۴. «Les carmes» کشیشان و راهبه‌هایی که مطابق با اصول کارمن زندگی می‌کردند. آنها سکوت اختیار می‌کردند و به اعمالی نظیر روزه و نیاش می‌پرداختند - م.

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۴۳

در فرانسه بنا شد - که بر لویی قدیس نیز تأثیر و نفوذ شدیدی گذاشت. شور و شوق مذهبی و حسن میهن پرستی در شهرها ساخت کلیساهاي جامع و شکوفایی هنر فرانسوی یا هنر گوتیک را تسهیل کرد. بدین ترتیب، ساخت کلیساهاي جامع شارت (۱۲۲۰-۱۱۹۵)، آمین^۱ (۱۲۷۰-۱۲۲۰)، رمی (۱۳۱۱-۱۲۱۱) و نیز بورژ (۱۲۷۰-۱۲۰۹) خاتمه یافت.

استفاده از طاق شکسته، قوس جناغی و نیز استحکام پشت بند های معلق^۲ امکان بلندتر شدن سقف گنبدی شکل کلیسا را فراهم کرد. این ارتفاع در شهرهای لیون ۲۴ متر، پاریس ۳۲ متر، شارت ۳۷ متر و آمین ۴۳ متر بود. اغلب در نمای کلیساي جامع که از ارتفاع بیشتر و نیز به دلیل تعییه پنجره های بزرگ، از نور بیشتری برخوردار بود (برای مثال پنجره های شیشهای کلیساي شارت به مساحت ۲۶۰۰ متر مربع!), یک پنجره گل سرخی^۳ قرار می گرفت. در تزئین کلیساها، شیشه های منقوش رنگارنگ به کار می رفت و در نهایت ظرافت، مجسمه هایی نظیر «خدای زیبا»^۴ [تصویر ۱۱۴] در کلیساي آمین (در حدود سال ۱۲۳۰)، «آن قدیسه»^۵ و «فرشته خندان»^۶ [تصویر ۱۱۵] در کلیساي رمی به شکل انسانهای خندان، جذاب و خوش سیما ساخته می شد.

بالاخره اینکه شهرها مکانهای مساعدی برای تجدید حیات فکری بودند.

از پایان قرن دوازدهم به بعد، در شهر گاند، مدارس کوچکی برای آموزش فرزندان بازرگانان گشايش یافت. در قرن سیزدهم، اولین دانشگاههای فرانسه پایه گذاری و از سوی پاپ و پادشاهان از امتیازات و حقوق ویژه ای برخوردار شد.

شهر مونپلیه مرکز علم پزشکی بود. شهرهای ارلثان و تولوز در حقوق رومی شهرت داشت.

دانشگاه پاریس که بین سالهای ۱۲۰۰ و ۱۲۳۱ بنا شده بود، به سرعت از شهرت

۱. Amiens

۱. «L'arc-boutant» ستونی که انتهای آن نیم طاق دارد و برای نگهداری دیوار را مستف به کار برد می شود - م. ۲. «La rosace» این شکل تزئینی متقارن متشکل از شیشه های منقوش رنگارنگ است. در ساخت آن، از کمانهای دایره ای شکل در حول یک مرکز استفاده می شود و به همین دلیل، این پنجره گرد بزرگ با مشبك کاری و شیشه های رنگی تداعی کننده گل سرخ است. [تصویر ۱۱۳] - م.

۳. Le Beau Dieu

۴. Sainte Anne

۵. L'ange au sourire

۱۲۴ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس

فوق العاده‌ای برخوردار شد. این دانشگاه اغلب فضایی پرتنش داشت چرا که اساتید و دانشجویان در سال ۱۲۲۱ و سپس از سال ۱۲۲۹ تا سال ۱۲۳۱ اعتصاب کردند. دانشگاه پاریس توجه مشهورترین اساتید آن دوره نظیر راجر بیکن^۱ انگلیسی، آبرت کبیر^۲ آلمانی، توماس آکوئیناس^۳ و بنواونتور^۴ ایتالیایی را به سوی خود جلب کرد. دانشجویان بسیاری (دانشجویان می‌توانستند از ۱۵ تا ۳۵ سال سن داشته باشند!) به اولین کالج‌های آن دوره سرازیر شدند (تأسیس دانشگاه سوربن^۵ در سال ۱۲۵۷) و بدین ترتیب، محله موسوم به کارتیه لاتین^۶ را به وجود آوردند. در حدود سال ۱۳۰۰، نزدیک به ده هزار استاد و دانشجو در پاریس وجود داشت.

این شور و عشق به تحصیل علم سبب درخشش هنر فرانسوی و زبان اویل در

۱. (Roger Bacon) راجر بیکن انگلیسی (۱۲۹۴-۱۲۱۴) از دانشمندان علوم طبیعی بود که در دانشگاه آکسفورد و پاریس که در آن زمان پایتحت دانش اروپا محسوب می‌شد، دانش آموخت و گردآوری‌های دانشمندان مسلمان و ترجمه کتب یونانی را بازخوانی کرد. نوآوری‌هایی در ساخت دودکش، قطب‌نمای کشتی، سکان کشتی، کاغذ، عدسی، عینک و غیره را به او نسبت داده‌اند. همچنین، وی توانست دستور زبان ساده‌ای را فراهم آورد که به یاری آن می‌توان زبانهای یونانی، لاتین، عربی و عربی را در زمان کوتاهی فراگرفت. [تصویر ۱۱۶] -م.

۲. (Albert le Grand) آبرت کبیر بزرگ‌ترین فیلسوف آلمان در قرن سیزدهم بود. وی برای تحصیل به ایتالیا رفت و با آثار ارسطو آشنا شد. در همین دوره مدعی مکائسه و دیدار با مریم مقدس شد و به فرقه دومینیکن پیوست. دانه از پیروان وی بود و در کمدمی الهی از او نام برده است. [تصویر ۱۱۷] -م.

۳. (Thomas d'Aquin) توماس آکوئیناس قدیس (۱۲۷۴-۱۲۲۵)، معروف به حکیم آسمانی، فیلسوفی می‌بود. وی اعتقادات می‌بینی را با فلسفه ارسطو تلفیق کرد. از جوانی دوست داشت که راهب شود و بالاخره به راهبان فرقه دومینیکن پیوست. در سال ۱۲۴۵، در دانشگاه پاریس زیر نظر آبرت کبیر به تحصیل پرداخت. وی علم و حکمت را در خدمت دین می‌دانست. برای همین پنجگانه او در اثبات وجود خدا شهرت خاصی در تاریخ فلسفه غرب دارد. [تصویر ۱۱۸] -م.

۴. «Bonaventure» یکی از پایه‌گذاران الهیات می‌بینی در دوره قرون وسطی است. در سال ۱۲۸۲، از سوی کلیسا مقام قدیس به او اعطای شد. وی به مطالعه هنر در دانشگاه سوربن پرداخت و به فرقه فرانسیسکن پیوست. -م.

۵. (La Sorbonne) دانشگاه سوربن، قدیمی‌ترین دانشگاه پاریس است. این دانشگاه نام خود را از دانشمند قرن سیزدهم موسوم به رابرт سوربن (Robert Sorbon)، مؤسس کالج سوربن گرفته است. در گذشته، همه دانشکده‌های این دانشگاه به صورت یک مجموعه در مرکز پاریس واقع شده بود، اما امروزه این دانشگاه به چند دانشگاه مختلف تقسیم شده است. [تصویر ۱۱۹] -م.

۶. (Le Quartier latin) محله لاتین در پیرامون دانشگاه سوربن قرار گرفته است. این محله از کلیسا‌ای سن ژرمن د پره تا کاخ لوگزامبورگ ادامه دارد. وجه تسمیه این محله از زبان لاتین برگرفته شده است زیرا در قرون وسطی، در مدارس و دانشگاه‌ها زبان آموزشی، زبان لاتین بوده است. امروزه نیز، این محله به دلیل وجود دانشگاه و نزدیکی به مدارس و کالج‌های معتبر و تاریخی، محل رفت و آمد استادان و دانشجویان بسیاری می‌باشد. -م.

سرزمین اُک^۱ و قسمت اعظم اروپا شد.^۲

در دربار انگلستان، زبان فرانسه صحبت می شد. در اواخر قرن سیزدهم، یکی از اهالی ونیز^۳ موسوم به مارکوپولو^۴ داستان سفر خود به کشور چین^۵ را به زبان فرانسه بهرشته تحریر در آورد. بر تعداد آثار غیر مذهبی افزوده شد؛ از اهم آنها می توان به رمان رونار که در اوخر قرن دوازدهم نگاشته شد و نیز افسانه هایی از زبان حیوانات در قرن سیزدهم، رمان گل سرخ^۶ (قسمت اول آن توسط گیوم لوریس^۷ در حدود سالهای ۱۲۳۰ تا ۱۲۴۰ و قسمت دوم آن توسط ژان مهونگ^۸ بین سالهای ۱۲۶۹ و ۱۲۷۸ نگاشته شد) و همچنین اشعار روتوبوف^۹ اشاره کرد. در این دوره، تئاتر فرانسه نیز شکل گرفت. ادام هال^{۱۰} در سال ۱۲۷۶، در شهر آراس نمایشنامه بازی شاخ و برگ^{۱۱} را به نمایش گذاشت.

ملک، کارگزاران و نهادهای شاه

شاهان نام آشنا

از این پس، اسناد و مدارک فراوان امکان شناخت بهتر و بیشتر از هشت تن از

1. La terre d'oc

۲. از جمله دستاوردهای قرون وسطی عبارتند از: تأسیس دانشگاهها، تجدید حیات الهیات، فلسفه و قانون، شکوفایی ادبیات و هنر، شکوه و جلال کاخهای سلطنتی و معماری کلیساهاي جامع قرون وسطی -م.

3. Le Vénitien

۴. «Marco Polo» این تاجر و جهانگرد ایتالیایی (۱۲۲۴ – ۱۲۵۴)، از اروپا به آسیا سفر کرد و به مدت هفده سال در چین اقامت داشت. وی به همراه پدر و عمویش از اولین اروپائیانی بودند که از طریق جاده ابریشم به چین سفر کردند. آنان در این سفر، از سرزمینهایی نظریه بیت المقدس و ایران دیدن کردند. شرح حال این سفرهادر سفرنامه مارکوپولو آمده است. [تصویر ۱۲۰] -م.

5. La Chine

۵. «Le Roman de la Rose» این اثر منظوم و تمثیلی روایت گر مسیر پر فراز و نشیب عشق است. بخش اول آن به لحاظ روان‌شناسی و بخش دوم آن به لحاظ فکری و فلسفی قابل تأمل می باشد. [تصویر ۱۲۱] -م.

7. Guillaume de Lorris

8. Jeham de Mchung

۶. «Rutebeuf» علاوه بر اشعار کوتواز، از این شاعر فرانسوی قرن سیزدهم اشعار هجوآمیزی علیه قدرتمندان آن دوره یافت می شود. وی از جمله شاعرانی است که از زندگی شخصی، بدختی ها و مشکلات خود در اشعارش سخن گفته است -م.

10. Adam de la Halle

11. Le Jeu de la feuillec

۱۲۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

پادشاهان دودمان کاپسین را فراهم می‌کند. این پادشاهان بلافصل به خاندان هوگ کاپه تعلق داشته و در دوره‌ای که بین سالهای ۱۱۸۰ و ۱۳۲۸ واقع شده است، یکی پس از دیگری بر تخت پادشاهی فرانسه جلوس کردند.

حداقل سه تن از این هشت پادشاه به اسمی فیلیپ آگوست^۱، لویی قدیس و فیلیپ زیبارو^۲ به واسطه مدت طولانی حکومت، شخصیت و گستردگی اقدامات خود، عصر خویش را عمیقاً تحت تأثیر قرار دادند. فیلیپ دوم یا فیلیپ آگوست که کوته جثه و سبزه رو بود و کمی کند ذهن و تنبل به نظر می‌رسید، به علت بیماری یک چشم خود را از دست داد. وی که مردی فعال و عصبی بود و حتی گاهی رفتاری وقیحانه داشت، به امپراتوری پلانتاژنه ضربه شدیدی وارد کرد. فیلیپ آگوست خیلی زود همسر خود را از دست داد و تنها یک پسر ضعیف موسوم به لویی هشتم^۳ [تصویر ۱۲۵] داشت. در سال ۱۱۹۳، وی با یک شاهزاده دانمارکی به نام اینگبرگ^۴ [تصویر ۱۲۶] ازدواج کرد، اما خیلی زود نسبت به او احساس تنفر و بیزاری پیدا کرد و از اسقف‌های فرانسوی اجازه یافت تا ازدواج خود با اینگبرگ را ملغی کند، سپس اینگبرگ را در صومعه‌ای زندانی کرد و دوباره تصمیم به ازدواج گرفت. حاصل این ازدواج دوم، پسری به نام فیلیپ هورپل^۵ بود؛ اما کمی بعد، با مخالفت

۱. فیلیپ آگوست یا فیلیپ دوم (Philippe II Auguste) از سال ۱۱۸۰ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی به همراه ریچارد شیردل، پادشاه انگلستان و فردیش سرخ ریش، پادشاه آلمان رهبر سومین جنگ صلیبی شد. به دستور وی، پاریس به عنوان پایتخت سنگفرش شد. ساخت کلیسا‌ی نتردام، اوح هنر معماری قرون وسطی، به پایان رسید (ساخت آن هفتاد و دو سال طول کشید) و دانشگاه پاریس تأسیس شد. برای اولین بار، در سال ۱۲۰۴، وی خود را در متنه با عنوان «پادشاه فرانسه» و «پادشاه فرانک‌ها» نامید. [تصویر ۱۲۲ و ۱۲۳] - م.

۲. فیلیپ چهارم ملقب به زیبارو (Philippe le Bel) از سال ۱۲۸۵ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی به یهودیان فشار آورد و با دارایی آنان ارتض خود را تقریت نمود. با انتخاب یک پاپ فرانسوی موسوم به کلمان پنجم، پادشاه فرانسه از حمایت کلیسا بهره‌مند شد. شهسواری موسوم به ژاک موله به جرم بدعت گذاری در دستگاه تدقیق عقاید محکوم و به دستور پاپ کلمان پنجم سوزانده شد. تاریخ نگاران گفته‌اند که وی در میان گذاره‌های آتش، پاپ و فیلیپ زیبارو را غریب کرده و آنها را تا یک سال دیگر به پیشگاه خداوند فراخوانده بود. گویا یک سال پس از آن نیز فیلیپ و پاپ کلمان پنجم هر دو مردند. [تصویر ۱۲۴] - م.

3. Louis VIII

4. Ingeburge

5. Philippe Hurepel

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۲۷

پاپ اینوسان سوم^۱ مواجه شد که پادشاهی وی را تنها در صورت ازدواج مجدد با اینگبرگ و بازگرداندن وی به دربار مشروع می‌دانست. لویی هشتم فقط از سال ۱۲۲۳ تا سال ۱۲۲۶ حکومت کرد. دوره حکومت لویی نهم^۲ یا لویی قدیس از سال ۱۲۲۶ تا سال ۱۲۷۰ طول کشید. افکار و اعمال وی بر تمام قرن تأثیر گذاشت. این پادشاه لاغراندام با موهای طلایی و قد بلند، در دوران جوانی خود، شوالیه‌ای با نشاط و خوش خلق بود. وی در خدمت به مادر سختگیرش، بلانش کاستی^۳ که از سال ۱۲۲۶ تا سال ۱۲۵۲ در مقام نیابت سلطنت، اداره قلمرو پادشاهی را به عهده داشت، نهایت سعی خود را کرد؛ به همسرش شهبانو مارگریت پروانس^۴ علاقه فراوانی داشت و از وی صاحب یازده فرزند شد. وی به سرعت نمونه و نماد عدالت، صلح و پارسایی به شمار آمد. لویی قدیس با ایمانی راسخ و حتی عرفان‌مابانه به زهد، فروتنی و کارهای خیر روی آورد. وی لباسهای بی‌زرق و برق می‌پوشید، به مراقبت از جذامیان می‌پرداخت، بر سر میز غذای خود از فقراء پذیرایی می‌کرد، بیمارستانی پانزده - بیست تخت خوابه را برای نابینایان احداث کرد و از راهبان درویش حمایت نمود [تصویر ۱۳۱]. شهرت وی به درستکاری موجب شد تا در چندین مورد از جمله در سال ۱۲۵۶، در فلاندر و بورگونی و در سال ۱۲۶۴، در انگلستان به عنوان میانجی در مسائل بین‌المللی به داوری پردازد. طی حیات خود، همواره نسبت به سایر حاکمان برتری داشت. اعمال ریاضت‌طلبانه و روزه‌های متمندی، جسم پادشاه را ضعیف

۱. (Innocent III) پاپ اینوسان سوم یکی از پاپ‌های کلیساي کاتولیک روم بود که در ایطالیا به دنیا آمد و از سال ۱۱۹۸ تا سال ۱۲۱۶، دارای این مقام بود. وی که مهم‌ترین پاپ قرون وسطی به شمار می‌آید، اولین کسی بود که برای تأمین مخارج جنگهای صلیبی، مالیات وضع کرد. [تصویر ۱۲۷] - م.

2. Louis IX

۳. (Blanche de Castille) شهبانو بلانش کاستی (۱۲۵۴ - ۱۱۸۸) بالویی هشتم، پسر فیلیپ اگوست، ازدواج کرد. وی دوازده فرزند به دنیا آورد که تنها پنج نفر از آنها زنده ماندند. پس از مرگ لویی هشتم، مسئولیت نیابت سلطنت را به عهده گرفت. وی در غیاب پسرش، لویی قدیس که رهسپار جنگ صلیبی شده بود، بر کشور حکومت کرد. در اوآخر عمرش، دستور ساخت یتیم خانه‌ای را برای نگهداری فرزندان شوالیه‌هایی که در جنگ صلیبی کشته شده بودند، صادر کرد. [تصویر ۱۲۹] - م.

۴. (Marguerite de Provence) وی که بسیار شجاع بود، در سال ۱۲۴۸، به همراه همسرش لویی قدیس به منظور پیشبرد جنگ صلیبی به مصر عزیمت کرد و سه فرزند خود را در آنجا به دنیا آورد. خواهرش الینور شهبانوی انگلستان بود و بدین ترتیب، کشور از حمایت انگلستان برخوردار شد. وی در هفتاد و پنج سالگی درگذشت. [تصویر ۱۳۰] - م.

کرد و سلامتی وی را به خطر انداخت. قامتش خمیده، رفتارش قاطع و شخصیت اش مستبد شد. برخی از تصمیمات وی در خصوص آزار یهودیان، بریدن زبان کفرگویان و مخالفت با روپیان و قماربازان بسیار افراطی و شدید بود. تقدیس^۱ پادشاه در سال ۱۲۹۷، برای دودمان کاپسین اعتبار و نفوذ فراوانی را به ارمغان آورد. گرچه فیلیپ سوم [مشهور به] بی‌باک^۲ (دوره سلطنت از سال ۱۲۷۰ تا سال ۱۲۸۵) همانند پدرش پرهیزگار بود؛ اما از نظر هوش سیاسی برجستگی زیادی نداشت.

شخصیت فیلیپ چهارم [ملقب به] زیبارو (دوره سلطنت از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۱۴) بسیار سؤال‌برانگیز بود و هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. وی قاتمی بلند، خطوط چهره زیبا و زندگی شخصی ساده و بی‌تكلفی داشت، دوستدار شکار بود و بسیار کم سخن می‌گفت. تا حدی که مراجعین، وی را به مجسمه‌ای زنده تشبیه می‌کردند.

برخی به وی خرد می‌گرفتند که ضعیف‌النفس است، نسبت به مشاوران حقوقی^۳ خود اعتماد کورکورانه‌ای دارد، به‌اندازه کافی شرافت و وجودان ندارد - شهرت وی به جعل سکه از اینجا ناشی می‌شود - و به مسائل جنجال‌برانگیز نظیر محاکمات قضایی و رسایی‌ها بسیار علاقه دارد.

در سال ۱۳۱۴، فیلیپ زیبارو قاطعانه خیانت دو عروس خود به نامهای مارگریت بورگونی^۴

۱. «La canonisation» یکی از آئین‌های کلیسای کاتولیک است که پس از انجام آن، یک شخص در زمرة قدیسین قرار می‌گیرد. این آئین در قرن دوازدهم بسیار رواج داشت. ایمان، انجام اعمال نیکو و معجزات از جمله معیارها برای تقدیس یک فرد بود. این رسم امروزه نیز در کلیسای کاتولیک برقرار است، اما تابع مقررات سختی است. از جمله باید از مرگ شخص مورد نظر برای قدیس شدن سالهای زیادی گذشته باشد - م.

۲. (Philippe III le Hardi) فیلیپ سوم معروف به بی‌باک (۱۲۸۵ - ۱۲۴۵) از سال ۱۲۷۰ تا سال مرگش پادشاه فرانسه بود. وی در هشتمنی جنگ صلیبی همراه پدرش، لویی قدیس بود و پس از مرگ وی در تونس، در بیست و پنج سالگی به پادشاهی رسید. به دلیل توانایی هایش در رزم و سوارکاری ملقب به «بی‌باک» شد. دانته در کتاب معروف‌ش کمدی الهی از وی یاد می‌کند و وی را در بیرون دروازه‌های بزرگ با گروهی از رهبران آن دوره اروپا می‌بیند. [تصویر ۱۳۲] - م.

۳. «Les legistes» به مشاوران حقوقی پادشاه فرانسه در دوره کاپسین‌ها اطلاق می‌شد. این افراد به کمک حقوق و قوانین رومی سعی در اثبات سلطنت مطلقه پادشاه و الغای نظام فتووالی داشتند - م.

۴. «Marguerite de Bourgogne» همسر شاهزاده لویی (لویی دهم)، مادر ژن فرانس و مادر بزرگ شارل بدکردار بود، وی در زندان جان سپرد. [تصویر ۱۳۳] - ن.

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۲۹

و بلانش بورگونی^۱ را به طور علنی افشا کرد. هر دو عروس بازداشت و مجبور به پذیرش طلاق و اخراج از دربار شدند. همچنین، معشوقه هایشان به نامهای فیلیپ و گوتیه اونی^۲ مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند.

برخی دیگر بر هوش و ذکاء، درایت، مهارت و اقتدار پادشاه تأکید می کردند. پادشاهی که موجبات تجدید حیات دولت را فراهم کرد و برتری شاهانه خود را به اثبات رساند. پسران فیلیپ زیبارو به نامهای لویی دهم [ملقب به] سنتیه جو^۳ (۱۳۱۴-۱۳۱۶)، فیلیپ پنجم [مشهور به] بلند قامت^۴ (۱۳۲۲-۱۳۲۸) و شارل چهارم [معروف به] زیبارو^۵ (۱۳۲۸) که هیچ یک فرزند ذکور نداشتند، یکی پس از دیگری بر تخت پادشاهی جلوس کردند؛ اما به علت بیماری خیلی زود جان سپردند و مدت حکومت آنان کوتاه بود.

اصلاحاتی که در آئین، رسوم و عناوین سلطنتی صورت گرفت، به وضوح بیانگر تقویت قدرت پادشاهی در این دوره است.

از عهد سلطنت فیلیپ اگوست، سایر پادشاهان به این سنت که طی حیاتشان فرزند ارشد ذکور خود را به عنوان جانشین انتخاب کنند، خاتمه دادند. از سال ۱۱۹۰، عنوان پادشاه فرانسه در استناد رسمی جایگزین عنوان پادشاه فرانک‌ها شد و در سال ۱۲۰۵، عبارت «پادشاهی فرانسه» به طور کامل به رسمیت شناخته شد.

۱. همسر شاهزاده شارل (シャルル四世) Blanche de Bourgogne. زندانی شد و سپس طلاق گرفت. [تصویر ۱۲۴]-ن.

2. Gautier d'Aunay

۳. Louis X le Hutin) لویی دهم مشهور به سنتیه جواز سال ۱۳۱۴ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. با مرگ مادر در سال ۱۳۰۵، پادشاهی ناحیه ناور و با مرگ پدر در سال ۱۳۱۴، پادشاهی فرانسه به وی رسید. حاصل ازدواج او لش با مارگریت بورگونی، دختری به نام زن بود. لویی همسرش را به خیانت متهم نمود و وی را به زندان انداخت. سپس با شاهزاده مجار، کلمانس، ازدواج کرد. [تصویر ۱۲۵]-م.

۴. Philip V le Long) فیلیپ پنجم معروف به بلند قامت از سال ۱۳۱۶ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی پسر فیلیپ زیبارو و برادر لویی دهم بود. [تصویر ۱۲۶]-م.

۵. Charles IV le Bel) شارل چهارم ملقب به زیبارو از سال ۱۳۲۲ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی سومین پسر فیلیپ چهارم بود. طی شش سال پادشاهی خود، مالیاتهای سنگینی بر مردم وضع کرد و دارایی بسیاری از دشمنانش را تصاحب کرد. شارل در حالی مرد که از خود فرزند ذکوری بر جای نگذاشته بود. این رویداد پیوند جانشینان بلافضل دودمان کاپسین را گستالت کرد. [تصویر ۱۲۷]-م.

۱۳۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

در سال ۱۲۲۶، تقدیس و تاجگذاری لویی نهم [لویی قدیس] در سن دوازده سالگی با تغییراتی در این آئین همراه شد که حائز اهمیت بود. در گذشته، شادباش سنتی بارون‌ها و توده مردم پیش از مراسم مذهبی صورت می‌گرفت؛ اما در این تاجگذاری، این امر پس از مراسم انجام شد. بدین ترتیب، آخرین یادمان کهن انتخاب پادشاه از بین رفت. به استثنای شورش کنترها در سال ۱۲۲۶، که به سرعت سرکوب شد و توطئه ریودن پادشاه جوان در سال ۱۲۲۸، او لین دوره نیابت سلطنت توسط یک زن بیگانه موسوم به بلانش کاستی به خوبی سپری شد و این توفیق استحکام حکومت سلطنتی را به اثبات رساند.

اسجام سلطنت از طرق حقوقی و نظامی

طی تمام این دوره، قلمرو سلطنتی به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش یافت. منظور از قلمرو محدوده‌ای است که در آن پادشاه به طور مستقیم قدرت خویش را بر مردم اعمال می‌کرد، مأموران خود را به اقصی نقاط آن می‌فرستاد، از اراضی حاصلخیز کشاورزی، جنگل‌ها و معادن آن بهره‌برداری و مالیات محصولات آن را (بر مبنای واحد بشکه) دریافت می‌نمود؛ اما همه اراضی قلمرو به پادشاه تعلق نداشت؛ از این رو، پادشاهان دودمان کاپسین به تدریج در قلمرو خویش اراضی خرده مالکان مستقل را تصاحب کردند. آنان با مهارت بسیار توانستند از حقوق فثودالی بهره جویند، خود را به عنوان قیم بیوه زنان و اسال‌هایشان تحمیل کنند و حقوق ارضی^۱ خود را دریافت نمایند که بر مبنای آن هر واسالی که به عنوان جانشین انتخاب می‌شد، درآمد یک سال ناحیه تحت تسلط خویش را به حاکم می‌پرداخت. در فاصله سالهای ۱۱۸۰ تا ۱۱۹۱، فیلیپ آگوست، با استفاده از حقوق اربابی خود، موفق شد نواحی والوا^۲، ورماندوآ^۳، آمیه نوا^۴ و آرتوا را به قلمرو سلطنتی ضمیمه کند. از هر مسئله‌ای به عنوان دستاویز برای گسترش قلمرو پادشاهی استفاده می‌شد. در سال ۱۲۸۴، ازدواج فیلیپ زیبارو با

1. Le droit de relief

2. Valois

3. Vermandois

4. Amiènois

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین‌ها ۱۳۱

بانوی ثروتمندی که اراضی زیادی را به ارث برده بود، سبب شد تا وی ناحیه شامپانی را به دست آورد. در سال ۱۲۷۱، فقدان قانون مدون در خصوص ارث اولاد ذکور و آنات، الحق مجدد کنت نشین تولوز به قلمرو پادشاه را ممکن ساخت. در سال ۱۲۱۲، فیلیپ زیبارو موفق شد تا لیونه^۱ را از امپراتوری روم باز پس گیرد. هنگامی که پادشاه با یکی از واسال‌هایش در گیر می‌شد، اگر در برابر وی از قدرت کافی برخوردار بود، دستور مصادره^۲ دارایی و تیول واسال را صادر می‌کرد و برای سرکوب وی، به عملیات نظامی دست می‌زد. در قرن سیزدهم، لشکرکشی‌های متعددی علیه واسال‌های برجسته نظیر دودمان پلاتتاژن، کنت‌های فلاندر و تولوز صورت گرفت.

از هم پاشیدگی بخش اعظم امپراتوری پلاتتاژن در این دوره به وقوع پیوست. هانری دوم پلاتتاژن^۳ (فوت در سال ۱۱۸۹) در عین حال پادشاه انگلستان و یکی از مهم‌ترین واسال‌های پادشاه فرانسه بود و به وی احترام می‌گذاشت؛ با این وجود، علیه پلاتتاژن، فیلیپ آگوست از شورش پسران وی قاطعانه حمایت کرد. گرچه پادشاه کاپسین در سال ۱۱۹۰، همراه با حاکم جدید انگلستان، ریچارد شیردل^۴ (۱۱۸۹–۱۱۹۹)، رهسپار جنگ صلیبی شد؛ اما در سال ۱۱۹۱ به سرعت به فرانسه بازگشت و برخلاف آئین و سُن شوالیه‌گری، به تصرفات قاره‌ای واسال قدرتمند خود [منظور ریچارد است] که در سرزمین مقدس مانده بود، هجوم برد. ریچارد شیردل پس از بازگشت به قلمرو خود، با فیلیپ آگوست وارد جنگ شد،

۱. Le Lyonnais

۲. (La commise) مصادره تیول واسال توسط ارباب در دو صورت انجام می‌شد: هنگامی که واسال وفاداری خود را به ارباب در موعد مشخص (یک سال و یک روز) اعلام و یا تجدید نمی‌کرد و هنگامی که واسال عهد وفاداری خود را می‌شکست – م.

۳. (Henri II) هانری دوم (۱۱۸۹–۱۱۳۳) از سال ۱۱۵۴ تا سال مرگش پادشاه انگلستان بود. وی از طرف پدرش ژفری پلاتتاژن و همسرش الینور ممالک وسیعی نظیر نورماندی، آنزو، پواتیه، اوورنی، بریتانی و غیره را در فرانسه به دست آورد – م.

۴. (Richard Cœur de Lion) ریچارد اول ملقب به ریچارد شیردل (۱۱۹۹–۱۱۵۷)، از سال ۱۱۸۹ تا زمان مرگش پادشاه انگلستان بود. وی پسر هانری دوم و الینور بود و طی پادشاهی ده ساله‌اش، کمتر از شش ماه را در انگلستان سپری کرد. در سومین جنگ صلیبی شرکتی مؤثر داشت و یکی از سرداران صلیبیون در جنگ با صلاح الدین ایوبی بود. این پادشاه ولخرج و ماجراجو طی محاصره قلعه‌ای در فرانسه در اثر اصابت تیری زهر آلود کشته شد. افسانه را بین هود به روایت یکی از سفرهای ریچارد شیردل می‌پردازد و در زمانی رخ می‌دهد که حکومت در اختیار برادر وی، زان بی ملک بوده است. [تصاویر ۱۳۸ و ۱۳۹] – م.

شکست‌های سنگینی نظیر ناکامی فرتوال در ژوئیه سال ۱۱۹۴ و فرار ژیزور^۱ در سپتامبر سال ۱۱۹۸ را به وی تحمیل کرد و بر روی رود سِن قلعه عظیم شاتوگایار را ساخت. با مرگ ریچارد طی نبردی در ناحیه لیموزن (آوریل ۱۱۹۹)، فیلیپ آگوست نجات یافت. پادشاه جدید انگلستان، ژان بی‌ملک^۲، شخصیت، توانایی و ذکاوت پادشاه پیشین خود را نداشت. وی در سال ۱۲۰۰، به ربودن نامزد کنت مارش^۳ اقدام کرد. فیلیپ آگوست این عمل را بهانه قرار داد - در حالی که خودش نیز همزمان دو همسر داشت! - و دستور داد تا پادشاه انگلستان در دربار وی حضور یابد. در آوریل ۱۲۰۲، فیلیپ واسال خود، پادشاه انگلستان را خائن اعلام کرد و دستور داد تا املاک قاره‌ای وی را مصادره کنند. نیروهای فرانسه در ششم مارس ۱۲۰۴ قلعه شاتوگایار را به تصرف خود در آوردند و نواحی نورماندی و سپس آنزو، من و قسمتی از پواتو را تا هنگام عقد قرارداد ترک مخاصمه در اکتبر ۱۲۰۶ تسخیر کردند. با این وجود، در گیری میان انگلستان و فرانسه به پایان نرسید. در سال ۱۲۱۳، فیلیپ آگوست در فکر اعزام نیرو به انگلستان بود. ژان بی‌ملک که تنها گوین^۴ و نیز بخشی از اراضی جنوب غربی را برای خود حفظ کرده بود، از طریق اتحاد با امپراتور ژرمونی، اوتون چهارم^۵ و دو تن از واسال‌ها به نامهای رونو^۶، کنت بولونی و فراند^۷، کنت فلاندر که علیه پادشاه فرانسه سورش کرده بودند، در صدد انتقام برآمد. در فوریه سال ۱۲۱۴، پادشاه انگلستان به ناحیه راشل نیرو اعزام کرد؛ نیروهای وی به ناحیه آنزو نفوذ کردند و در ژوئن، قلعه

1. Gisors

(Jean sans Terre) ژان بی‌ملک فرزند هنری دوم و برادر ریچارد اول (۱۲۱۶-۱۱۶۶) از پادشاهان دودمان پلاتزارنه انگلستان بوده است. شهرت وی بیشتر به خاطر افسانه رابین هود و امضای سندی می‌باشد که به بارون‌های پادشاه حق مشورت در شورای کبیر انگلستان را می‌داد. پدرش تا هنگام مرگ برادران بزرگ‌تر، هیچ زمینی به وی نبخشید از این رو به ژان بی‌ملک ملقب شد. [تصویر ۱۴۰]-م.

3. La Marche

(La Guyenne) از این دوره به بعد، ناحیه آکتن به زبان فرانسه گوین نامیده می‌شد -م.
۵. (Otton IV) اوتون چهارم (۱۱۷۷-۱۲۱۸) از سال ۱۱۹۹ تا سال ۱۲۱۵ امپراتور ژرمون بود. وی توسط پاپ اینوسان سوم تکفیر شد. [تصویر ۱۴۱]-م.

6. Renaud

7. Ferrand

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۳۳

روش - آ - موآن^۱ را در آنجا به محاصره خود درآوردند. در شمال، امپراتور ژرمن و متعددان وی، کنتهای بولونی و فلاندر، در تدارک حمله بودند. فیلیپ آگوست، بهشت با آنها به مقابله برخاست. در دوم ژوئیه ۱۲۱۴، با نزدیک شدن شاهزاده لویی (لویی هشتم) به ناحیه آنزو، ژان بی ملک از محاصره قلعه دست کشید. در ۲۷ ژوئیه، در ناحیه بووین^۲، نزدیک شهر لیل^۳، پادشاه فرانسه رقبای خود را شکست داد. بین صد تا سیصد شوالیه به اسارت درآمدند و برای آزادی، فدیه‌های سنگینی پرداخت کردند.

پادشاه انگلستان، هانری سوم^۴، که تصور می‌کرد به ناحق از بخش عمدۀ میراث پلاتنازنه محروم شده است، از ابراز سرسپردگی به پادشاه فرانسه نسبت به اراضی گوین سر باز زد. وی در سال ۱۲۴۲، در صدد اقدام به حمله نظامی برآمد؛ اما در ناحیه تلبورگ^۵ واقع در سواحل شارانت^۶ مغلوب لویی قدیس شد. با انعقاد قرارداد پاریس^۷ در سال ۱۲۵۹، لویی قدیس پذیرفت که مشروعیت برخی از تصاحبات او به لحاظ قانونی مورد تردید است و سرزمینهای سن تونژ^۸، آژنه^۹ و قسمتی از نواحی لیموزن، کرسی و پریگور^{۱۰} را به هانری سوم باز پس داد. در عوض، هانری سوم پلاتنازنه، به پادشاه فرانسه ادائی احترام و سرسپردگی کرد. تداوم تجاوزات مأموران فیلیپ زیبار و به املاک ادوارد اول^{۱۱} موجب آغاز مجدد درگیری‌ها در سال ۱۲۹۳ شد.

1. La Roche-aux-Moines

2. Bouvines

3. Lille

(Henri III) هانری سوم (۱۲۰۷-۱۲۷۲) پسر ارشد ژان بی ملک، از سال ۱۲۱۶ تا زمان مرگش پادشاه انگلستان بود. پس از آنکه به سن بلوغ رسید، برحق پادشاهی وقدرت مطلقه خود اصرار ورزید. این پاشاری مستبدانه، زمینه‌ساز مخالفت بسیاری از نجیب‌زادگان با وی شد. [تصویر ۱۴۲]-م.

5. Taillebourg

6. La Charente

(Le traité de Paris) قرارداد پاریس در سال ۱۲۵۹ میان فرانسه و انگلستان منعقد شد و به خصوصیت دودمان کاپسین با دودمان پلاتنازنه که بیش از صد سال به طول انجامید، پایان داد -م.

8. La Saintonge

9. L'Agenais

10. Périgord

(Edouard I) ادوارد اول (۱۲۳۹-۱۳۰۷)، از سال ۱۲۷۲ تا زمان مرگش پادشاه انگلستان بود. شهرت وی مرهون حفظ اسکاتلند به عنوان بخشی از انگلستان است. [تصویر ۱۴۳]-م.

در ۲۱ مارس سال ۱۲۹۴، فیلیپ دستور مصادره تیول گوین را صادر کرد. لشکرکشی نظامی (۱۲۹۵-۱۲۹۶) به پادشاه فرانسه امکان داد تا بخش اصلی این دوکنشین را تصرف کند. پادشاه انگلستان تنها راه نجات خود را در اتحاد با کنت فلاندر، گی دامپیر^۱، می‌دید. رقیبی که فیلیپ زیبارو را به مبارزه طلبیده بود. در سال ۱۲۹۷، پیروزی فورن^۲ برای فرانسویان این امکان را فراهم آورد تا در ناحیه فلاندر کارگزاران وفادار به خود را منصوب کنند.

همچنین در قرن سیزدهم، نواحی لانگ ڈک و تولوزن^۳ نیز تحت سلطه و نفوذ دودمان کاپسین در آمد. راهبان فرقه سیستری^۴، همچنین واعظان دومینیک قدیس (۱۲۰۶) نتوانستند از پیشرفت جنبش کاتار یا آلبیژوآ در تیول وسیع کنت تولوز، ریموند ششم^۵، جلوگیری کنند. در ۱۲ ژانویه ۱۲۰۹، نماینده پاپ، پییر کاستلنو^۶، به قتل رسید. بنابراین، پاپ اینوسان سوم به منظور مبارزه با کفر، دستور جنگ صلیبی^۷ را علیه مرتدین صادر کرد. فیلیپ آگوست در این جنگ شرکت نکرد؛ اما بسیاری از اربابان مناطق شمالی و ایل - دو- فرانس تحت فرماندهی سیمون مونفور^۸ گرد هم آمدند. در ژوئیه ۱۲۰۹، تسخیر ناحیه بزیه به دست اویزی برای قتل عامهای خونین مبدل شد و پنج هزار کشته بر جای گذاشت.^۹ ناحیه لانگ ڈک به تصرف درآمد و

1. Guy de Dampierre

2. Furnes

3. Toulousain

4. Les Cisterciens

5. Raymond VI

6. «Pierre de Castelnau» وی نماینده پاپ اینوسان سوم برای سرکوب جنبش کاتار در جنوب فرانسه بود. قتل نماینده پاپ در قلمرو ریموند ششم زمینه‌ساز جنگ صلیبی علیه پیروان فرقه مذکور شد - م.

7. وجه تسمیه جنگ صلیبی این بود که هر کس عازم جنگ مور شد، می‌بایست بر شانه راست خود صلیب سرخی از پارچه می‌دوخت. جنگهای صلیبی که حدود ۲۰۰ سال میان پیروان دو کشیز بزرگ اسلام و مسیحیت در گرفت، باعث دگرگونی عظیمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم مغرب زمین شد. [تصویر ۱۴۴-۱۴۵-م].

8. «Simon de Montfort» وی یکی از عاملان اصلی جنگ صلیبی موسم به آلبیژوآ محسوب می‌شد. تصاحب اراضی جنوب قلمرو پادشاهی یکی از انگیزه‌های وی برای شرکت در این جنگ صلیبی و مقابله با ریموند ششم بود. [تصویر ۱۴۶-م].

9. در آغاز جنگ صلیبی «آلبیژوآ» نماینده پاپ اعلام کرد: «همه را به قتل برسانید، خداوند بندگان مومن خود را تشخیص می‌دهد!» در نتیجه این موعظه، قتل عامهای خونینی در ناحیه بزیه صورت گرفت. [تصویر ۱۴۶-م].

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۳۵

آلبی‌ها که از کمک شاه آراغون بهره برداشتند، در ۱۲ سپتامبر ۱۲۱۳، در نبرد موره^۱، شکست خوردند. شورای اسقف‌های لاتران چهارم^۲ عزل ریموند ششم را اعلام و تیول وی را به سیمون مونفور و اگذار کرد. طمع ورزی و وحشیگری بارون‌های مناطق شمالی به شورش اهالی تولوزان انجامید. در سال ۱۲۱۸، سیمون مونفور، در زیر دیوارهای پایتخت خویش کشته شد. پسر وی، آموری^۳ که توانایی کنترل اوضاع را نداشت، از پادشاه فرانسه یاری طلبید و در مقابل، تمام حقوق خود را به وی واگذار کرد. در ۱۲۲۶، لویی هشتم بر لانگ دُک چیره شد و به ایجاد دو حوزه عدليه^۴ (بوکِر و کارکاسون) که به قلمرو پادشاهی ضمیمه شده بود، مبادرت کرد. انعقاد قرارداد پاریس در آوریل ۱۲۲۹، به مصالحه میان بلانش کاستی و ریموند هفتم^۵ متنه شد. متعاقب آن، حکومت ناحیه لانگ دُک را حفظ کرد و کنت نشین تولوز را به ریموند هفتم سپرد. در عوض، کنت تولوز به پادشاه فرانسه اظهار سرسپردگی و احترام نمود و متعهد شد تا دختر خود، ژن را به عقد یکی از برادران وی درآورد. عواملی نظیر استقرار دادگاههای تفتیش عقاید در شهرهای کنت نشین تولوز در سال ۱۲۳۳، فضای خبرچینی حاکم بر قلمرو پادشاهی و تعصّب بسیاری از راهبان مأمور تفتیش عقاید (برای مثال نبش قبر پیروان فرقه کاتار و سوزاندن اجساد آنان!) موجب بروز اغتشاش و ناآرامی شد. گروههای کاتار به قلعه‌های مونسگور^۶ [تصویر ۱۴۷] و کریبوس^۷ پناه برداشتند. در سال ۱۲۴۲، قتل مأموران تفتیش عقاید در آوینیونه^۸ موجب ازسرگیری شورشها علیه مرتدین شد. محاصره طولانی مدت (از مه ۱۲۴۳ تا مارس ۱۲۴۴) و در پی آن، سقوط قلعه مونسگور به شکست جنبش کاتار انجامید. حدود دویست نفر از پیروان فرقه کاتار زنده در آتش سوزانده شدند. در سال ۱۲۴۹، مراسم ازدواج

1. La bataille de Muret

2. (Le concile de Latran IV). این شورابا ابتکار عمل پاپ اینوسان سوم، در سال ۱۲۱۵، در لاتران تشکیل شد - م.

3. Amaury

4. La sénéchaussée

5. (Raymond VII). ریموند هفتم (۱۱۹۷-۱۲۴۹) پسر ریموند ششم، کنت تولوز بود. ریموند ششم توانست

اراضی خود را از سیمون مونفور باز پس گیرد و پس از مرگ وی، کنت نشین تولوز به پسرش رسید - م.

6. Montségur

7. Quéribus

8. Avignonnet

۱۳۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

ژن تولوز^۱ با آلفونس پوآتیه^۲، حاکم آتی کنت نشین، برگزار شد. زبان اویل و هنر فرانسوی در سرزمین اُک نفوذ کرد و داروغه‌های پادشاه^۳ به آنجا وارد شدند. پس از مرگ ژن و آلفونس در سال ۱۲۷۱، کنت نشین به قلمرو سلطنتی ضمیمه شد.

در سال ۱۳۲۸ مصادف با مرگ شارل چهارم زیبارو، قلمرو پادشاهی ۳۱۴ هزار کیلومتر مربع وسعت داشت. از این پس، سه چهارم مملکت (مساحت کل: ۴۲۴ هزار کیلومتر) تحت تسلط و حاکمیت شخص پادشاه درآمد. در کنار چند کنت نشین مستقل نظیر بلوآ، نور^۴، فورز^۵، آرمانیاک^۶، فواکس^۷ و غیره، تیول وسیعی که هنوز باقی مانده بود، به چهار دوکنشین و کنت نشین تقسیم شد: بریتانی در سال ۱۲۹۷ دوکنشین شد و استقلال زیادی به دست آورد، بورگونی که نفوذ فرانسه در آنجا کاملاً قابل ملاحظه بود، فلاندر و گوین.

اردوکشی‌های سرزمینهای دور

پادشاهان از ثروت خویش به عنوان اهرم محکمی برای تصرف سایر سرزمینها استفاده می‌کردند. از اوآخر قرن دوازدهم، بین دو تا سه هزار سرباز در سپاه سلطنتی گرد هم آمدند. تعداد این سربازان طی قرن سیزدهم دائماً افزایش می‌یافت. طول مدت خدمت نظامی برای واسال‌های وفادار به پادشاه بسیار کوتاه بود.^۸ پادشاهان

۱. Jeanne de Toulouse) ژن تولوز (۱۲۰۰ – ۱۲۷۱) دختر ریموند هفتم بود. فقط نه سال داشت که به موجب قرارداد پاریس به عقد برادر پادشاه فرانسه آلفونس پوآتیه در آمد. هدف اصلی از این ازدواج الحق کنت نشین تولوز به قلمرو دودمان کاپسین بود. پس از بازگشت از هشتمنی جنگ صلیبی، آلفونس و ژن برادر بیماری جان باختند -م.

۲. Alphonse de Poitiers) آلفونس پوآتیه (۱۲۰۰ – ۱۲۷۱) برادر لویی قدیس بود که به واسطه ازدواج، کنت نشین تولوز را به چنگ آورد. وی فرزند ذکوری نداشت و به همین دلیل، پس از مرگ، اراضی اش به قلمرو پادشاهی ضمیمه شد -م.

۳. «Les baillis» صاحب منصبی که به نمایندگی از سوی پادشاه به امر قضاوت می‌پرداخت -م.

4. Nevers

5. Forez

6. Armagnac

7. Foix

۸. اگر ارباب فرمان می‌داد واسال می‌بایست مجهز به ساز و برگ و زره کامل به جنگ برود. با این حال برای اینکه جنگ برای واسال بیش از حد وقت گیر و پرهزینه نشود این خدمت نظامی معمولاً به چهل روز در سال محدود می‌شد. [تصویر ۱۴۸] -م.

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۳۷

درآمد خود را صرف جذب شوالیه‌ها به خدمت نظامی کرده، در ازای خدمت، به آنها پول پرداخت می‌کردند و یا گروههای مزدور پیاده نظام یا به ندرت سواره نظامی را که از امکانات ناچیزی نظیر مَنجِنیق، دشنه و نیزه بهره‌مند بودند، به خدمت می‌گرفتند. این راهزنان^۱، جنگجویان مزدور^۲ یا سربازان غارتگر^۳ بسیار کارآمد بودند (برای مثال جنگجویان غارتگری که به شخصی موسوم به کادوک^۴ خدمت می‌کردند، موفق به تسخیر قلعه شاتوگایار شدند). این افراد خیلی زود در خشونت و بی‌رحمی به شهرت رسیدند. شهرها در تهیه تدارکات به قشون سربازان کمک می‌کردند. قشونهای شهری در ناحیه بووین^۵ شکل گرفت. برای پرتاب سنگ، آنها از سلاحهای قدرتمند و ویرانگری نظیر مَنجِنیق استفاده می‌کردند و با آن قلعه مونسگور را ویران ساختند.

شاهان که اداره قلمرو خود را به خوبی در دست داشتند، از این پس، می‌توانستند سرزمین خویش را ترک کرده، به سرزمینهای دور اردوکشی کنند. لویی قدیس، در زمان هفتمین جنگ صلیبی، به مدت ۶ سال از فرانسه دور بود. به ترتیب از لویی هفتم تا فیلیپ سوم بی‌باک، همه پادشاهان دودمان کاپسین با صلیب عازم جنگ شدند، البته اغلب آنها در جنگهای صلیبی در جستجوی اهدافی فراتر از آرمانهای مذهبی بودند. در فاصله سالهای ۱۲۰۲ تا ۱۲۰۴، چهارمین جنگ صلیبی که در آن بسیاری از شوالیه‌های فرانسوی نظیر روبر کلاری^۶ و ویلهاردوین^۷ شرکت داشتند، نه تنها منجر به آزادی بیت المقدس نشد، بلکه به تسخیر و غارت یک شهر مقدس دیگر مسیحیان به نام قسطنطینیه^۸ انجامید. شایان ذکر است که در سال ۱۱۸۷ بیت المقدس

۱. (Les routiers) مزدورانی که به صورت گروهی در راهها غارتگری می‌کردند - م.

۲. (Les Brabançons) در اصل، این کلمه به مزدوران دوکنشین «برابان» اطلاق می‌شد اما بعدها به اسمی عام به معنای جنگجویان مزدور مبدل شد - م.

۳. (Les Cottereaux) سربازان مزدوری که کارشان غارتگری بود - م.

4. Cadoc

5. Bouvines

6. (Robert de Clari) «تاریخ نگار و شوالیه قرون وسطی در چهارمین جنگ صلیبی شرکت کرد. در اثر خود «فتح قسطنطینیه»، وی به روایت این جنگ و پیامدهایش می‌پردازد - م.

7. Villehardouin

8. Constantinople

به رهبری صلاح الدین ایوبی^۱ باز پس گرفته شده بود. بدین ترتیب، جنگهای صلیبی از آرمان‌گرایی مذهبی فاصله گرفت. فیلیپ آگوست فقط به چند روز اقامت در سرزمین مقدس بسته کرد. لویی هشتم از نهادهای مذهبی برای مقابله با فرقه کاتار کمک گرفت [تصویر ۱۵۰]. پس از استقرار شوالیه‌های آنژو و پروانس در سیسیل^۲ در سال ۱۲۶۶ و سپس بیرون کردن آنها از این ناحیه (شورش اهالی سیسیل به هنگام نیایش غروب^۳ در سال ۱۲۸۲)، فیلیپ سوم بی‌باک با ادعای تنبیه و مجازات شاه آراغون، محرک این شورش، به جنگ صلیبی آراغون^۴ (۱۲۸۴-۱۲۸۵) اقدام کرد که سرانجام این جنگ با شکست مواجه شد و به مرگ فیلیپ سوم انجامید.

فقط لویی قدیس به سرشت اولیه جنگهای صلیبی وفادار ماند و در دو جنگ صلیبی شرکت کرد؛ اما هر دو به شکست منتهی شد. در تابستان سال ۱۲۴۸، لویی نهم [لویی قدیس] در بندر اِگمورت سپاه سهمگینی متشكل از هفت تا هشت هزار اسب و ۲۵ هزار نفر را گرد آورد. ۲۵۰۰ نفر از این نیرو شوالیه بودند [تصویر ۱۵۲]. وی در ماه اوت عازم سرزمین مقدس شد. طی هفتمنی جنگ صلیبی، زمستان را در قبرس^۵ گذراند و سپس به سوی مصر^۶ حرکت کرد. در ژوئن ۱۲۴۹، ناحیه دامیت^۷ واقع در ساحل رود نیل^۸ را تصرف کرد؛ اما در دسامبر، به دلیل تردید و اتلاف وقت، در ناحیه منصوره^۹ مغلوب شد. وی دستور عقب‌نشینی را صادر کرد؛ اما به دست مسلمانان اسیر شد و اغلب سربازانش بر اثر بیماری‌های اسکوریوت و اسهال خونی جان باختند. او ناحیه دامیت را باز پس داد

۱. «یکی از سرداران مسلمان دودمان ایوبی در جنگهای صلیبی بود. این دودمان در مصر، سوریه و عراق فرمانروایی کرد. صلاح الدین ایوبی در جنگ با صلیبیون آنان را شکست داد و از بیت المقدس بیرون راند. این سردار مسلمانان مانع از آن شد که صلیبیون تمام سرزمینهای شرق اسلام را تصرف کنند و مانع از نفوذ مسیحیت توسط صلیبیون به جهان اسلام گردید. [تصویر ۱۴۹] - م.

2. Sicile

۳. شورش مردمی علیه شارل آنژو که در سه شبه عید پاک رخ داد. به دنبال این شورش وقتل عام فرانسویان، اهالی سیسیل از حمایت شاه آراغون برخوردار شدند. [تصویر ۱۵۱] - م.

4. La croisade d'Aragon

5. Chypre

6. L'Egypte

7. Damiette

8. Le Nil

9. Mansourah

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۳۹

و برای آزادی شوالیه هایش فدیه سنگینی معادل ۴۰۰ هزار اکو^۱ پرداخت. سپس سرزمین مقدس را فتح نمود (۱۲۵۰-۱۲۵۴)، قلعه های آنجا را مستحکم ساخت و به منازعات و کشمکش ها پایان داد. خصیصه هایی نظیر شجاعت، تقوا، شرافت و جوانمردی اعتبار و نفوذ بسیاری به او بخشید.^۲ این مطلب که وی حاضر نشد حتی یکی از شوالیه هایش را در آن موقعیت رها کند، گویای جوانمردی این است. پانزده سال بعد، وی تصمیم گرفت دوباره عازم سرزمین مقدس شود و بدین منظور مالیاتها را به شدت افزایش داد. این امر موجب تفرقه و بروز نارضایتی یا حتی شور شهایی در نواحی پونتوآز^۳ و کائور^۴ شد. مخارج سنگین چنین لشکر کشی هایی باعث شد تا بسیاری از بارون ها از رفتن به جنگهای صلیبی منصرف شوند. در ژوئیه سال ۱۲۷۰، بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر بندر اگمورت را ترک کردند و راهی کشور تونس^۵ شدند. لویی قدیس به گرویدن امیر شهر تونس^۶ به دین مسیحیت امید داشت و با کمک مغول ها^۷، حکام مصر و سرزمین مقدس یعنی مملوک ها^۸ را به شدت تحت فشار قرار داد. وی در ۲۴ ژوئیه ۱۲۷۰، ناحیه کارتاز^۹ را تصرف کرد؛ اما امیر آنجا به مسیحیت نگروید و نیز بیماری اسهال خونی به سرعت موجب تضعیف و نابودی صفوف سربازان هشتمنی جنگ صلیبی شد. در ۲۵ اوت همان سال، لویی قدیس که به طاعون یا اسهال خونی مبتلا شده بود، با ادای کلمه «بیت المقدس» به عنوان آخرین عبارت، از دنیا رفت [تصویر ۱۵۴]. بدن وی را در شراب جوشاندند و به فرانسه منتقل کردند.

۱. «Ecu» یکی از واحد های پول فرانسه در قرون وسطی باعلامت سپر بروی سکه و معادل سه لیور -م.
۲. همچنین، مراقبت از بیماران موجب افزایش اعتبار لویی قدیس نزد مردم شد. وی حتی حاضر بود پای جذامیان را با آب بشوید. [تصویر ۱۵۳] -م.

3. Pontoise

4. Cahors

5. La Tunisie

6. Tunis

۷. مغلولها قوم جنگاوری از نژاد زرد بودند. در حال حاضر، بیشتر مغلولان در چین زندگی می کنند و پیرو آئین بودایی تبتی و عده کمی از آنها مسیحی و مسلمان هستند -م.

۸. (Les Mameluks) مملوک ها سربازان ترکی بودند که بیش از دو قرن در شام و مصر فرمانروایی کردند. پادشاهان مملوک توانستند به رویارویی با صلیبیون برخیزند و در برابر شورش مغلولان مقاومت کنند. آثار تمدن آنان هنوز در مصر و سوریه باقی است -م.

9. Carthage

کارگزاران شاه

در قرن سیزدهم، یک روند کلی حاکم شد: هر چه تعداد افرادی که در اطراف پادشاه بودند، پرشمارتر از گذشته بود، وابستگی آنان به دنیای اشرافی مالکان بزرگ کمتر گردید. در دوره سلطنت فیلیپ آگوست، برای منصب با نفوذ و معتبر صدارت عظمی^۱ که مدت‌ها به طور ارشی به اعضای خانواده‌ای ممتاز می‌رسید، شخص بر جسته‌ای وجود نداشت و بدین ترتیب یک راهب معمولی موسوم به برادر گرَن^۲ با عنوان حافظ مهر سلطنتی،^۳ عهده‌دار این مسئولیت شد. بسیاری از اشراف ناحیه جلگه پاریس مانند رئیس عدليه شامپانی، ژوان ویل،^۴ که قدرت و نفوذ کمتری داشتند و روحانیون به‌ویژه راهبان درویش مثل او دریگود^۵ و هوگ دین^۶ در دوره سلطنت لویی قدیس نقش مهمی را ایفا می‌کردند. جوانان طبقه بورژوا و در برخی موارد اشراف خرده پا به دانشگاه‌های تازه تأسیس می‌رفتند که در آنها نیز نظیر ارلنان و تولوز، حقوق رومی را فرا می‌گرفتند. در صورتی که در دانشگاه پاریس، فقط قانون شریعت^۷ یا حقوق کلیسا تدریس می‌شد. اولین مشاوران حقوقی^۸ که در دانشگاه ارلنان تحصیل کرده بودند، در سال ۱۲۴۸، وارد دربار شدند. طی قرن سیزدهم، دربار فتووالی سابق به بخش‌های

۱. در دودمان کاپسین، دیوان سالار (*le chancelier*) از نفوذ بیشتری برخوردار شد و به شخصیت مهم شورای پادشاه و رئیس نظام اداری حکومت مبدل شد. در این دوره، ازوی با عنوان صدراعظم یاد کردند - م.

2. Guérin

3. *Le garde du Sceau*

۴. «Joinville» تاریخ‌نگار دوره سلطنت لویی قدیس که به دستور همسر فیلیپ زیبارو، تاریخ لویی قدیس را به رشته تحریر درآورد. این کتاب از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول تعلیمات و فضایل اخلاقی لویی قدیس را روایت می‌کند و بخش دوم، داستان جنگ‌گاری و اعمال وی در جنگ صلیبی را نقل می‌کند - م.

۵. «Eudes Rigaud» پیرو فرقه فرانسیسکن، اسقف شهر روئان در فاصله سالهای ۱۲۴۸ و ۱۲۷۵ و مشاور لویی قدیس - م.

۶. «Hugues de Digne» پیرو فرقه فرانسیسکن و واعظ ناحیه پروانس - م.

۷. «Le droit canon» مجموعه قوانینی که از سوی کلیسا کاتولیک برای مؤمنان تشریع شده است. قانون شریعت مسائل مربوط به احکام و آئین عبادی را در برنمی‌گیرد - م.

۸. (*Les legists*) مشاوران حقوقی از قرن دوازدهم به بعد در دربار لویی قدیس حضور یافتند. آنان بر مفهوم قدیمی دولت مطابق با حقوق رومی تأکید می‌کردند. به کمک این مشاوران قضایی، از دوره فیلیپ زیبارو به بعد، سلطنت فتووالی (*Monarchie féodale*) به تدریج به سلطنت مطلقه (*Monarchie absolue*) گرایش پیدا کرد. آنان اولین بنیانگذاران حکومت مطلقه در فرانسه محسوب می‌شوند - م.

متعدد زیر تقسیم شد:

عمارت پادشاه^۱ که در برگیرنده افسران عالیرتبه و دیوان سalar بود و وظیفه رسیدگی به امور خدمتگزاران را به عهده داشت؛ شورای پادشاه^۲ که وی را در تصمیم‌گیریها یا می‌کرد، دیوان عدله^۳ که عهده‌دار امر قضاوت بود و سرانجام دیوان محاسبات^۴.

مشاوران حقوقی دربار که در مدارس حقوق رومی تحصیل کرده بودند، با تجلیل از اقتدار شاهانه و با دفاع از برتری و استقلال کامل سلطنت فرانسه، موجبات تجدید حیات دولت را فراهم کردند. از سال ۱۲۰۲ به بعد، پاپ اینوسان سوم پذیرفت که پادشاه فرانسه در امور دنیوی هیچ قدرت مافوقی ندارد؛ اما تلویحاً گفت که خود پاپ در امور روحانی و دینی برتری دارد. در نخستین تأییفات حقوقی براین برتری تأکید شده است. از جمله در اثری به نام عدالت و داوری^۵ (نگارش در حدود سال ۱۲۶۰) آمده است: «پادشاه نباید به کسی وابسته باشد (...) همگان تحت تسلط اویند.» در دوره سلطنت لویی قدیس، پاپ اینوسان چهارم^۶ کلیساي فرانسه را ملزم به پرداخت یک دهم عواید خود (عشریه) برای تأمین مخارج جنگهای صلیبی نمود و تأیید کرد که صرفاً پاپ می‌تواند پادشاه را تکفیر کند و این امر دیگر توسط شورای اسقف‌های فرانسه صورت نمی‌گیرد. در دوره سلطنت فیلیپ زیبارو، مشاوران حقوقی دربار نظیر پیر فلوت^۷،

1. L'Hôtel du roi

۲. «Le Conseil du roi-curia in consilio» در این شورا به امور مربوط به مملکت رسیدگی می‌شد و مشاوران به پادشاه در امور حکومتی باری می‌رسانندند -م.

۳. «La cour en Parlement-curia in parlamento» در اواسط قرن سیزدهم و در دوره سلطنت لویی قدیس شکل گرفت و اعضای آن به امر قضاوت و داوری می‌پرداختند -م.

۴. «La Chambre de scomptes-Curia in compotis» در اواخر قرن سیزدهم، این مجلس به درآمدهای قلمرو سلطنتی رسیدگی می‌کرد -م.

5. Le Livre de Justice et Plein

۵. «Innocent IV» یکی از پاپهای کلیساي کاتولیک روم از سال ۱۲۴۳ تا سال ۱۲۵۴. [تصویر ۱۵۵] -م.
۶. «Pierre Flote» یکی از مشهورترین مشاوران حقوقی قرون وسطی در دوره سلطنت فیلیپ زیبارو بود. در سال ۱۲۹۶، به شورای پادشاه راه یافت. تحت تأثیر سخنان وی و سایر مشاوران، فیلیپ زیبارو خروج طلا و نقره را از قلمرو سلطنتی منع کرد و بدین ترتیب، پاپ بونیفاس هشتم از بخش اعظم درآمد خود محروم شد. وی در نبرد کورتره کشته شد و جای خود را به گیوم نوگاره داد. [تصویر ۱۵۶] -م.

گیوم نوگاره^۱ یا گیوم پلزیان^۲ نظریه‌ای را بسط دادند مبنی بر اینکه قدرت پادشاه معادل قدرت امپراتور است و در سال ۱۳۰۲، این عبارت را از آن نتیجه گرفتند که «پادشاه امپراتور قلمرو خویش است». منازعه فیلیپ زیبا رو با پاپ بونیفاس هشتم^۳ و سپس پیروزی پادشاه در این منازعه در سال ۱۳۰۳^۴، مؤید آن بود که هیچ حاکمیتی حتی مقام روحانی نمی‌تواند تاج و تخت پادشاهی فرانسه را تحت سلطه خویش درآورد. البته نباید در بیان اهمیت سیاسی این مشاوران قضایی مبالغه کرد. در واقع، نباید فراموش کرد که اکثریت مطلق فارغ‌التحصیلان رشته حقوق ترجیح می‌دادند که در جرگه و کلا درآیند تا اینکه به پادشاه خدمت کنند. همچنین، در دربار پادشاه، نفوذ اشراف دونپایه و بلندپایه تأثیر مشاوران حقوقی را تعديل می‌کرد. در ضمن، حسادت این اشراف نسبت به مشاوران حقوقی، موجب سقوط آنان را در سال ۱۳۱۵ فراهم کرد. در پایان، به این نکته اشاره کنیم که فرد معتمد فیلیپ زیبارو، پیشکار^۵ انگراند مارینی^۶ که زبان لاتین نمی‌دانست و به تحصیل علم حقوق نپرداخته بود و نیز به خاندان کوچکی از شوالیه‌ها تعلق داشت، با معیارهای سنتی مشاوران حقوقی سنخیت چندانی نداشت.

تلاش برای سازماندهی

فیلیپ آگوست با الهام از نظام اداری مورد استفاده هانری دوم پلانتاژنه، به پیشرفت هیأت جدیدی از مأموران سلطنتی موسوم به داروغه‌ها یا رؤسای عدلیه در

۱. Guillaume Nogaret. «وی از اهالی لانگ دک، مشاور و حافظ مهر پادشاه فرانسه، فیلیپ زیبارو بود. در منازعه پادشاه با پاپ بونیفاس هشتم، این مشاور حقوقی نقش مهمی را ایفا نمود - م.

2. Guillaume de Plaisians

۳. Boniface VIII. «یکی از پابهای کلیسای کاتولیک روم از سال ۱۲۹۴ تا سال ۱۳۰۳ که سلطنت لویی نهم را تنفیذ کرد. [تصویر ۱۵۷] - م.

۴. منازعه فیلیپ زیبارو با پاپ بونیفاس هشتم در سال ۱۳۰۳ به سوءقصدی (l'attentat d'Anagni) انجامید که طی آن، نماینده پادشاه، طبق نقل مشهور، بر صورت پاپ سیلی زد - م.

5. Le chambellan

۶. Enguerrand de Marigny. «پیشکار دربار و مشاور پادشاه بود. پس از مرگ فیلیپ زیبارو، دشمنانش علیه سیاستهای وی به پا خاستند و در سال ۱۳۱۵، دشمن قسم خورده‌اش شارل والوا وی را محکوم کرد و بدین ترتیب، انگراند مارینی به دار آویخته شد. جسد اوی به مدت دو سال بر چوبه دار باقی ماند. [تصویر ۱۵۸] - م.

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین‌ها ۱۴۳

ناحیه میدی کمک کرد. اینان در کنار مباشران حکومتی سابق قرار گرفتند.^۱ پرداخت دستمزد و عزل و نصب این کارگزاران که از میان طبقه اشراف دونپایه انتخاب می‌شدند، توسط پادشاه صورت می‌گرفت. این کارگزاران دولتی که در ابتدا در جاده‌ها مشغول به کار بودند، بعدها در حوزه‌های بازرگانی مستقر شدند (در حدود سال ۹۱۲۴۰) و با کمک گروه کوچکی از مأموران عدلیه^۲، مسئولیتهای مختلف از جمله امر قضایت، برقراری نظم و امور مالی را به عهده گرفتند. آنها سه بار در سال اقدامات خود را به دربار پادشاه گزارش می‌دادند. اربابان و خردۀ مالکان به این داروغه‌ها که مأمور حفظ حاکمیت دودمان کاپسین در ایالات بودند، اغلب دید مثبتی نداشتند و به دلیل سختگیری افراطی شان، مردم بومی نیز از آنها می‌هراسیدند. به دلایل فوق، لویی قدیس بازرسانی را به ایالات اعزام می‌کرد، نحوه عمل کارگزاران دولتی را اصلاح می‌نمود (فرامین^۳ سالهای ۱۲۴۷، ۱۲۵۴، ۱۲۵۶)، صاحب منصبان ناصالح را مجازات می‌کرد، آنها را از دریافت هدایا منع می‌نمود و برای هر مقامی زمان خدمت مشخصی را تعیین می‌کرد؛ برای مثال مدت خدمت هر داروغه بین سه تا چهار سال بود.

از دوره سلطنت فیلیپ اگوست به بعد، حکومت مطلقه فرانسه از پایتخت ثابتی برخوردار شد. در شهر پاریس که به عنوان پایتخت برگزیده شده بود، امور اصلی دربار پادشاه صورت می‌گرفت. پادشاهان به زیباسازی این شهر مبادرت می‌کردند، پایتختی که بر جمعیت آن روز به روز افزوده می‌شد. برای اولین بار، فیلیپ اگوست

۱. تا پایان قرن دوازدهم، رسیدگی به امور قلمرو به عهده مباشران حکومتی (*les prévôts*) بود. آنان اراضی پادشاه را اداره و درآمد حاصل از آنها را دریافت می‌کردند و نیز از جانب پادشاه، به مسائل حقوقی و نظامی می‌پرداختند. داروغه‌ها (*baillis* *lcs*) مانند هیئت‌های بازرگانی دوره شارلمانی (*les missi dominici lcs*)، مسئولیت نظارت بر چگونگی کار مباشران حکومتی را به عهده داشتند. طی قرن سیزدهم، به تدریج، این کارگزاران در حوزه‌های ثابتی مستقر شدند. رؤسای عدلیه (*les sénéchaux*) نقشی مشابه را در ناحیه میدی ایفا می‌کردند. در اواخر قرن سیزدهم، تعداد حوزه‌های بازرگانی (*lcs bailliages*) و عدلیه (*lcs bailliages*) و عدلیه (*lcs bailliages*) به ۲۳ حوزه رسید. برای جلوگیری از هر گونه سوءاستفاده‌ای، لویی قدیس بازرسانی را (*lcs enquêteurs*) و خدمت (*réformateurs*) به منظور حفظ حقوق پادشاه صورت می‌گرفت که این کارگزاران را زیر نظر می‌گرفتند. این بازرگانی‌ها که به منظور حفظ حقوق پادشاه صورت می‌گرفت، بهترین منبع برای شناخت واقعیت‌های کشور فرانسه در قرن سیزدهم محسوب می‌شود - م.

۲. مأموران عدلیه که برای ابلاغ حکم، تعقیب جزایی، توقیف اموال، مصادره اراضی و دستگیری اشخاص مأموریت داشتند - م.

۳. *L'ordonnance* فرامین پادشاهان فرانسه - م.

۱۴۴ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس

دستور داد تا خیابانها را سنگفرش کنند، قلعه لوور^۱ را بنا نمایند [تصویر ۱۵۹] و در اطراف شهر حصارهای وسیع تری بسازند. لویی قدیس از ونیزی‌ها^۲ تاج خاری را که بر سر مسیح (ع) گذاشته بودند، خرید و در مرکز قصر شاهی واقع در ایل-دو-سیته^۳، دستور ساخت کلیسای سنت-شابل^۴ (۱۲۴۸-۱۲۴۳) را صادر کرد. این قصر که بارها اصلاح و تعمیر شده بود، در دوره پادشاهی فیلیپ زیبارو، از برجها و سالنهای وسیعی برخوردار شد (مساحت یکی از این سالنهای ۷۰ متر در ۲۹ متر بود) که به درباریان و کارکنان اداری امکان می‌داد به انجام وظیفه بپردازند. قدرت پادشاه برای اجرای عدالت مورد تأیید همگان قرار گرفت. مشاوران حقوقی دربار تصریح کردند که پادشاه از سایر مقامات قضایی نظیر شاهزاده‌ها، کن大海، اسقف‌ها و نیز قضاط شهری حق بیشتری برای قضاؤت دارد. روال اقامه دعوا در دربار پادشاه از شکل سازمان یافته‌ای برخوردار شد. لویی قدیس ابایی نداشت از اینکه خود زیر یک درخت بلوط در ناحیه وینسن^۵ به حل اختلاف و داوری درخصوص امور جزئی بپردازد. در دوره سلطنت وی، حکومت از نشان و نماد جدیدی برخوردار شد: چوب یا دست عدالت. خیلی زود، تعداد زیادی از پرونده‌های قضایی به پاریس ارسال شد و این امر موجب شد تا دربار پادشاه تشکیلات خود را در امر قضاؤت تخصصی کند (در حدود سال ۱۲۵۰). در کنار واسال‌های برجسته، نیروهای متخصص جدیدی شکل گرفت: «افرادی که حسابدار بودند» به تشکیل دیوان محاسبات مبادرت کردند و «افرادی که به امر قضاؤت می‌پرداختند» به تشکیل دیوان عدله کمک کردند. البته به تدریج، دیوان عدله از دربار پادشاه جدا شد. در هنگام اعلام و صدور رأی، واسال‌ها از نقش سیاهی لشکر برخوردار بودند. مشاوران حقوقی دربار که تعدادشان در حدود سال ۱۳۲۰ به ۱۵۵ نفر می‌رسید، در امر قضاؤت نقش اساسی را ایفا می‌کردند. از سال ۱۲۶۳ به بعد، احکام دیوان عدله به صورت مکتوب صادر می‌شد؛ اما احضار به دادگاه که از سال

1. Louvre

2. Les Vénitiens

3. (L'île de la Cité) در مرکز پاریس، ایل-دو-سیته مقر مناصب قدیمی بود؛ منصب سیاسی که به دلیل وظایف جدید سلطنت، در قصر بی وقهه گسترش می‌یافت و منصب مذهبی که در اطراف کلیسای جامع نوتردام ظاهر شد [تصویر ۱۶۰] - م.

4. La Sainte-Chapelle

5. Vincennes

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۴۵

۱۲۵۴ مرسوم بود، بخشی از رویه قضایی به شمار می آمد. مجموعه آداب و قوانین^۱ به نگارش در آمد. از جمله آنها می توان به آداب و قوانین بوقزی^۲، اثر مشاور حقوقی دربار موسوم به فیلیپ بومنوار^۳ اشاره کرد که در سال ۱۲۸۳ به رشته تحریر درآمد. در فرامین سالهای ۱۲۷۸ و ۱۳۱۶، برای اعضای دیوان عدلیه نقشهای تخصصی مصوب شد. بدین ترتیب که آنها عضو محکمه باز پرسی^۴ یا محکمه اقامه دعوا^۵ و یا محکمه دادخواست^۶ بودند. مشاوران حقوقی که مخالف آداب و رسوم فئودالی بودند و اعمالی که در زمان تهاجمات و درگیری ها متداول شده بود (نظیر عبور از آتش به منظور اثبات بی گناهی و یا قضاوت به واسطه نبرد) را نمی پذیرفتند، قانونهایی در راستای احترام به حقوق انسانی وضع می کردند. لویی قدیس که قبل از جنگهای خصوصی را ممنوع کرده بود، با مسابقات رزمی شوالیه ها به مخالفت پرداخت و در سال ۱۲۶۱، نبردهای تن به تن را نیز منسون کرد. از این پس، دیوان عدلیه پیش از صدور حکم، به تفحص و بازجویی اولیه می پرداخت و برای اثبات جرم، مدرک مکتوب و یا شاهد عینی لازم بود. گرچه به ظاهر دیوان عدلیه نسبت به گذشته منصفانه تر رأی می داد و نیز به دلیل وجود شبکه ای از قلعه هایی که توسط نیروهای پادشاه حفاظت می شد (نظیر قلعه عظیم آنژه)، صلح و آرامش در داخل کشور حکم فرما بود؛ اما این مسئله را نیز نباید فراموش کرد که حکومت مطلقه، خود مروج اعمال خشونت آمیز نظیر آزار و اذیت کفرگویان در سال ۱۲۶۷، شکنجه و تحقیر یهودیان و نیز اعمال افراطی دادگاههای تفتیش عقاید بود.

همچنین، شاهان در عصری که کارگاههای ضرب سکه فراوان بود، با تحمیل پول خود، برتری خویش را ثبت می کردند. لویی قدیس با ابلاغ فرمانهایی در سالهای ۱۲۶۲ و ۱۲۶۶، دستور داد که سکه شاهی در سراسر قلمرو سلطنتی رواج یابد و

۱. در گذشته، قوانینی که مدون نبود اما به واسطه رسوم و عادات آنها را محترم می شمردند - .

2. Beauvaisis

۳. Philippe de Beaumanoir» این مشاور حقوقی برجسته قرن سیزدهم با وجود آنکه تحصیلات دانشگاهی نداشت، اثری ارزشمند از خود به جای گذاشت - .

4. La Chambre des enquêtes

5. La Chambre des plaids

6. La Chambre des requêtes

۱۴۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

استفاده از سکه‌های محلی را محدود به همان مناطق کرد. پادشاه تمایل داشت که قلمرو وی از سکه معتبر و با دوام برخوردار شود. بنابراین، با طبقه بورژواً مشورت کرد و تصمیم گرفت تا دو نوع سکه معتبر ضرب شود، سکه بزرگ نقره‌ای که ۴/۲۲ گرم و سکه طلا که ۴ گرم وزن داشت. شایان ذکر است که این اقدام موفقیت چندانی به دنبال نداشت. در سال ۱۳۲۰، کارگزاران پادشاه که به‌طور مرتب، حسابهای مالی مباشران حکومتی و قضایی را بررسی می‌کردند – «افرادی که حسابدار بودند» – دیوان محاسبات را به‌طور رسمی تأسیس کردند. این دیوان در برج کاخ سیته^۱ استقرار یافت و ۳۰ نفر را به عضویت پذیرفت.

آخرین منزل رشد (۱۳۲۰-۱۲۸۰)

محدودیتها و افراطها

کوشش برای تشکیل یک سازمان اداری منسجم با محدودیتها بی همراه بود. در سال ۱۳۰۰، حکومت مطلقه^۲ که مد نظر برخی از نظریه پردازان بود، وجود خارجی نداشت. قدرت پادشاه با موانع متعددی مواجه بود و کاستی‌های جدی و عدیدهای داشت. از این گذشته، پادشاهان دودمان کاپسین برداشتی سطحی از مفهوم دولت داشتند. آنها حقوق خصوصی^۳ و حقوق عمومی^۴ را تلفیق می‌کردند، از قلمرو پادشاهی به عنوان ملک شخصی بهره می‌بردند و ایالاتی از این قلمرو را که به زحمت یکپارچه شده بود، پیشاپیش به عنوان ارث به فرزندان کوچک‌تر می‌بخشیدند (بدین ترتیب، فرزندان کوچک‌تر که از این ارث برخوردار می‌شدند، دیگر حق مطالبه تاج و تخت پادشاهی را نداشتند). و انجام چنین کاری را حق قانونی خود می‌دانستند. بدین ترتیب،

۱. ارگانهای مرکزی حکومت در کاخ سیته قرار داشت - م. (Le palais de la Cité).

۲. L'Etat absolu» نوعی رژیم سیاسی که در آن قدرت فقط در دست یک شخص قرار دارد - م.

۳. «آنچه مربوط به منافع افراد است. حقوق خصوصی یکی از دو شاخه اصلی علم حقوق است. حقوق خصوصی به روابط افراد جامعه با یکدیگر می‌پردازد. جدایی میان حقوق خصوصی و عمومی پیشینه بسیار طولانی دارد و حتی در میان رومیان نیز مرسوم بوده است - م.

۴. «آنچه مربوط به سازمانهای عمومی است. حقوق عمومی قواعد مربوط به دولت و مقررات مربوط به نهادهای دولتی را تنظیم می‌کند. روابط دولت و سازمانهای وابسته به آن و مأموران آنها با افراد جامعه در قلمرو این شاخه از حقوق می‌گنجند. حقوق عمومی به روابط میان افراد با دولت و نظام اداری می‌پردازد - م.

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۴۷

مسئله سهم الارث یا تیول مadam العمر^۱ مطرح می شود که فیلیپ هورپل^۲ در سال ۱۲۲۳، پسران خردسال لویی هشتم در سال ۱۲۲۶ و بعدها پسران لویی قدیس و فیلیپ زیبارو از آن بهره بردند. در سال ۱۳۲۸، این تیول ها وسعتی معادل ۲۷ هزار کیلومتر مربع داشت. همانند تیول های وسیع بریتانی، بورگونی، گوین و فلاندر (با وسعت ۸۳ هزار کیلومتر مربع)، اجرای قوانین پادشاه صرفاً با توافق شاهزاده مالک در این تیول ها امکان پذیر بود. در ضمن، کشمکش ها و اختلافات بسیاری با حکومت سلطنتی وجود داشت و به عنوان مثال ناحیه آرتوا که در سال ۱۲۲۶ به تیول مadam العمر مبدل شده بود، در سال ۱۶۰۹، به قلمرو پادشاهی ضمیمه شد.

اخذ مالیات منظم در سراسر قلمرو سلطنتی هنوز وجود نداشت. پادشاه با درآمد حاصل از قلمرو (اصطلاحاً از مایملک خود) زندگی می کرد؛ اما از مفاهیم بودجه و حسابرسی اطلاع چندانی نداشت و مخارج ضروری دولت برای پیشبرد ساخت قلعه ها، پرداخت حقوق مزدوران و صاحب منصبان حکومتی را بانیازهای شخصی خود نظیر تهیه لباسهای فاخر، برگزاری میهمانی های مجلل و اعطای هدایا در هم می آمیخت. بدین ترتیب، پادشاه به سرعت مقروض می شد؛ برای مثال لویی قدیس ۱۰۰ هزار لیور و فیلیپ سوم ۲۵ هزار لیور بدهکار بودند. اغلب، این صرافان ایتالیایی بودند که به پادشاه وام می دادند.^۳ در دوره پادشاهی فیلیپ زیبارو، دو تن از صرافان فلورانسی به نامهای موسچیاتو^۴ و آلبیزی فرانزیچی^۵ مشهور به موش^۶ و بیش^۷ به وی مبالغی را در قالب وام پرداخت

۱. «Les apanages» اراضی که از جانب پادشاه به فرزندان ذکور کوچکتر یا به برادران وی داده می شد تا واگذاری تاج و تخت پادشاهی به فرزند ارشد را جبران کند -م.

۲. Philippe Hurepel (Philippe Hurepel ۱۲۳۴-۱۲۰۱) پسر فیلیپ اگوست بود که در سال ۱۲۱۸، کنت نشین کلمون را از پدرش به صورت مadam العمر به ارث برد -م.

۳. صرافان نیاز به پول و اعتبار را فراهم کردند. اکثر آنان در شمال ایتالیا اقامت داشتند. آنها به پادشاهان همیشه نیازمند انگلستان و فرانسه مبالغ کلانی وام می دادند. بانکهای ایتالیایی بسیاری از ویژگی های بانکهای امروزی غرب را در خود پرورش دادند. آنها سپرده می پذیرفتند، وام می دادند و ترتیبی می دادند که وجهه در اروپا از ناحیه ای به ناحیه دیگر انتقال یابد. آنها این کار را بر روی کاغذ انجام می دادند. فلورانس در شمال ایتالیا مرکز صنعت بانکداری ایتالیا شد -م.

4. Musciatto

5. Albizi Franzesi

6. Mouche

7. Biche

می کردند. فرقه شوالیه‌های معبد^۱ نیز به اعطای وام رضایت می داد. پادشاهان به منظور تأمین مخارج لشکرکشی‌های نظامی و جنگهای صلیبی، خیلی زود به اتخاذ تدابیر غیرقانونی متولّ شدند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دریافت ۴۳ عشیریه بر عایدات کلیساي فرانسه بین سالهای ۱۱۸۸ و ۱۲۹۴، وضع مالیات‌های فوق العاده بر شهرنشینان، مالیات غیرمستقیم به میزان دو درصد بر کالا موسوم به «پول زور»^۲، بازداشت یهودیان در سال ۱۲۶۷ و سپس آزادی آنها در ازای پرداخت پول، وضع مالیات بر درآمد صرافان و بازرگانان ایتالیایی، شکنجه پیروان فرقه معبد و غیره.

فیلیپ زیبارو روند ضرب سکه را مطابق با منافع شخصی خود تغییر داد و به دفعات، از ارزش پول رایج کشور کاست. وی در سال ۱۳۰۳، بر هر خانه مالیاتی^۳ مقرر کرد که بعدها مالیات بر منازل^۴ نامیده شد. اقدامات مذکور در خصوص وضع و پرداخت منظم مالیات‌های جدید نتایج خوشایندی به دنبال نداشت. در واقع، افکار عمومی مخالف این اقدامات بود و عوام بر این باور بودند که پادشاه باید مخارج خود را محدود کند و با درآمد حاصل از قلمرو خود زندگی کند. سورشهای مردمی در پاریس در سال ۱۳۰۶ و در مون بریرسون^۵ در سال ۱۳۰۸ به وقوع پیوست. پادشاه مجبور به تشکیل انجمن‌های محلی شد تا بتواند موافقت شهرنشینان را برای تصویب افزایش مالیات‌ها کسب کند.

در اولین سالهای قرن چهاردهم، گسترش قلمرو سلطنتی در فلاندر با مقاومت غیرمنتظره ساکنان این ناحیه مواجه شد که به لحاظ اقتصادی مجدوب انگلستان بودند

۱. (L'ordre du Temple) شوالیه‌های معبد گروهی نظامی - مذهبی بودند. این گروه در حدود سال ۱۱۲۹ توسط کلیساي کاتولیک روم به وجود آمد. رنگ لباده فرقه شوالیه‌های معبد سفید بوده و صلیب قرمزی بر روی آن دوخته شده بود. هدف این گروه در ابتدا شرکت در جنگهای صلیبی بود، سپس آنها وظیفه خود را محافظت از زائران بیت المقدس دانستند، اما پس از قتل عام آنها در جنگی با مسلمانان، عده کمی از آنان بازروت فراوان ساکن اروپا شدند و با نوعی سیستم بانکداری ثروت زیادی اندوختند. قدرت این گروه آنقدر افزایش یافت که در بین سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷، پاپ کلمان پنجم و فیلیپ زیبارو آنها را به بهانه بدعت گذاری در دستگاه تفتیش عقاید محکمه کردند و همراه با رهبرشان ژاک موله به قتل رساندند. [تصویر ۱۶۱]-۴.

۲. «La maltôte» اعانه فوق العاده‌ای که گذشته از مالیات در سال ۱۲۹۲ و سالهای بعد برای پرداخت مخارج جنگ در فرانسه دریافت می‌شد -۵.

3. Le souage

4. La taille

5. Montbrison

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۴۹

زیرا پشم و پارچه مورد نیاز خود را از آن کشور تأمین می کردند و به لحاظ سیاسی تحت نفوذ امپراتوری قرار داشتند. از سال ۱۲۹۷ به بعد، قسمتی از ناحیه فلاندر به اشغال نیروهای پادشاهی فرانسه درآمد و کنت فلاندر در محل اقامتش تحت نظر قرار گرفت. در ۱۸ مه ۱۳۰۲، تجاوز مأموران پادشاه از حدود اختیاراتشان سبب بروز شورشهایی در ناحیه بروژ شد. بر شدت ناآرامی‌ها افزوده شد و شورش گسترش یافت. فیلیپ زیبارو سپاهی برای سرکوب شورشیان اعزام کرد؛ اما در ۸ ژوئیه ۱۳۰۲، سپاهیان وی در ناحیه کورتره^۱ از پیشه وران مزدور شکست خوردنده. اهالی فلاندر به مقاومت خود ادامه دادند؛ اما در اوت ۱۳۰۴، پیروزی محدود فیلیپ زیبارو در ناحیه مون – آنپول^۲ به برتری وی انجامید. با مذاکرات طولانی که توسط پیشکار دربار پادشاه موسوم به انگراند مارینی صورت گرفت، شهرهای لیل، دویه و بتون^۳ به قلمرو پادشاهی فرانسه ضمیمه شد. ریشه دو بحران دیگر که بنیان حکومت فیلیپ زیبارو را به لرزه درآورد و نیز منجر به بروز ناآرامی‌های شدید شد، خودکامگی و استبداد حکومت سلطنتی بود. مشاوران قضایی عمل‌گرایی نظیر فلوت یا نوگاره به شدت تحت تأثیر حقوق رومی بودند. آنان در مخالفت با برخی زیاده‌روی‌ها از جمله به کارگیری شکنجه برای گرفتن اقرار (در خصوص شوالیه‌های معبد)، استفاده از زور و یا تحریف فرمان پاپ برای نیل به مقاصد حکومتی کوتاه نمی‌آمدند. این مشاوران حقوقی به اهمیت افکار عمومی پی برده بودند و در نتیجه، در محوطه جلوی کلیساي نوتردام^۴ پاریس در سال ۱۳۰۲، در لوور در سال ۱۳۰۳ و در شهر تور در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۱۴، از نمایندگان مجتمع اشرف، کشیشان و بورزوآهابراى تشکیل مجلس دعوت به عمل آوردند. این مجتمع مجلس عمومی طبقاتی^۵

1. Courtrai

2. Mons-en-Pévèle

3. Béthune

۴. نوتردام در فرانسه یعنی «بانوی ما» و به کلیساها بی اطلاق می شد که در فرانسه وقف حضرت مریم شده است - م.

۵. مجلس عمومی طبقاتی یک نهاد سیاسی بود که در سال ۱۳۰۲ توسط فیلیپ زیبارو به وجود آمد. هدف از تشکیل آن مشروعیت بخشی به تصمیمات پادشاه فرانسه در زمان درگیری وی با پاپ کلیسای روم بود. بدین منظور، نمایندگان کشیشان، اشرف و بورزوها در شهرهای مختلف گرد هم می آمدند. جرقه اولیه انقلاب فرانسه با فراخواندن این مجلس توسط لویی شانزدهم زده شد. آبه سیس با انتشار جزوهای خواستار برابری طبقه سوم با سایر طبقات شد زیرا تا آن زمان طبقات بالاتر برخوردار از همه امتیازات و معاف از مالیات بودند [تصویر ۱۶۲] - م.

۱۵۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارنسانس

را تشکیل می‌دادند؛ اما تمام اعضای آنها منتخب مردم نبودند و هنوز در آنجا گفتگو و بحث در خصوص مسائل کشور صورت نمی‌گرفت. نمایندگان فقط به شنیدن سخنان مشاوران قضایی بسته می‌کردند. مشاورانی که با ارائه اسناد جعلی، بی‌آنکه با مشکلی مواجه شوند، موافقت و اعتماد مردم را به خود جلب می‌کردند.^۱

در اصلی‌ترین بحران دوره سلطنت فیلیپ زیارو، پاپ بونیفاس هشتم که خود را مدافع سرسخت برتری مقام روحانی (کلیسا) بر مقام دنیوی (پادشاه) می‌دانست، در مقابل پادشاهی قرار گرفت که عشیره را برابر کلیسای فرانسه، نه به منظور پیشبرد جنگ صلیبی، بلکه برای تأمین مخارج جنگ در گوین (۱۲۹۶-۱۲۹۴) وضع کرده بود. در این تعاقب، پادشاه پیروز شد؛ اما مجادله در سال ۱۳۰۱، از سر گرفته شد. در این تاریخ، شاه دستور بازداشت اسقف ناحیه پامیه^۲ را که تحت حمایت پاپ بود، صادر کرد. بونیفاس هشتم نیز طی فرمانی خاطر نشان ساخت که همه مخلوقات تحت قدرت پاپ هستند. نوگاره فرمان پاپ را تلخیص و تحریف کرد، پاپ را به دین فروشی متهم نمود و او را به شورای اسقف‌ها احضار کرد. نوگاره با دشمنان رومی پاپ که مترصد قتل وی بودند، پیمان اتحاد بست و در تابستان سال ۱۳۰۳، با فرماندهی سپاه کوچکی، ایتالیا را فتح کرد. پیش از آنکه پاپ تصمیم صدور حکم تکفیر و خلع پادشاه فرانسه از سلطنت را اتخاذ کند، در هفتم سپتامبر سال ۱۳۰۳، نوگاره به زور وارد قلعه آناینی^۳ شد. او احضاریه خود را به پاپ ابلاغ کرد و احتمالاً از کشته شدن وی توسط رومی‌ها نیز جلوگیری نمود. ساکنان قلعه آناینی پاپ را آزاد کردند؛ اما وی بر اثر تحمل آزار و اذیتها و تحقیرهای پادشاه یک ماه بعد جان باخت. بدین ترتیب، فیلیپ زیارو در رویارویی با پاپ به موفقیت دست یافت. پاپ جدید، کلیمان پنجم^۴، در سال ۱۳۰۵ انتخاب شد. وی که فرانسوی بود، در سال ۱۳۰۹، مقر پاپ را به شهر آوینیون در

۱. در تمام منازعات، فیلیپ چهارم در صدد برخوردی از حمایت افکار عمومی بود. هدف اصلی از دعوت نمایندگان کشیشان، اشراف و بورژواها، تصدیق سیاستها و تصمیم‌گیری‌های پادشاه و تأمین منابع جدید مالیاتی بود - م.

2. Pâmiers

3. Le chateau d'Anagni

4. «Clément V» پاپ کلیسای کاتولیک روم از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۱۴ که در فرانسه به دنیا آمد. [تصویر ۱۶۳] - م.

مجاورت مرزهای قلمرو پادشاهی فرانسه منتقل کرد.

دومین بحرانی که فیلیپ زیبارو با آن مواجه شد، رویارویی وی با فرقه شوالیه‌های معبد بود. اعضای بسیار ثروتمند این فرقه که در امور مالی و صرافی تبحر داشتند، از سال ۱۲۹۱ که مصادف با سقوط آخرین حکومت مسیحی در سرزمین مقدس بود، دیگر هیچ نقش نظامی ای ایفا نمی‌کردند. در سال ۱۲۹۵، پادشاه مسئولیت محافظت از جواهرات و اموال خزانه خود را از آنان سلب کرد. در اکتبر سال ۱۳۰۷، فیلیپ زیبارو با اثباتاتهاماتی نظیر الحاد، بت پرستی و لواط که علیه شوالیه‌های معبد وارد شده بود، فرمان دستگیری و مصادره اموال راهبان مبارز این فرقه را صادر کرد. آیا عمل پادشاه حاکی از قصد وی مبنی بر چنگ انداختن بر ثروت آنان بود؟ یا اینکه دغدغه اصلاح این فرقه از کج روی‌ها را داشت؟ تمام پیش‌فرضها ممکن به نظر می‌رسد. بعضی از اعضای فرقه بر اثر شکنجه اعترافاتی کردند؛ اما پاپ نسبت به این اعترافات شک و تردید داشت. در سال ۱۳۰۹، رهبر معظم فرقه شوالیه‌های معبد موسوم به ژاک موله^۱ اعترافات خود را انکار نمود. در سال ۱۳۱۰، پنجاه و چهار تن از مقامات عالی رتبه این فرقه زنده در آتش سوزانده شدند و دو سال بعد فیلیپ زیبارو اجازه سرکوب کامل این فرقه را از پا کسب کرد. وی قرضهای خود را به اعضای این فرقه که قسمت اعظم اموالشان به فرقه پرستاران^۲ داده شده بود، پرداخت نکرد. در سال ۱۳۱۴، ژاک موله در آتش سوزانده شد.

در پایان دوره سلطنت فیلیپ زیبارو که مصادف با افشاری رسوایی عروسان وی بود، شاهد افزایش محسوس مخالفتها با شاه هستیم. وی در پی کاهش متواتی ارزش پول و همچنین اخذ نامنظم مالیاتها، در سال ۱۳۱۴، سه مجمع را در مجلس جدیدی

(۱) ژاک موله بیست و سومین و آخرین رهبر شوالیه‌های معبد بود که به جرم بدعت گذاری، در دستگاه تفتیش عقاید به دستور پاپ کلمان پنجم سوزانده شد. وی از سال ۱۲۹۲ تا سال ۱۳۱۴ رهبر این فرقه را به عهده داشت. [تصویر ۱۶۴] - م.

(۲) فرقه پرستاران در قرن یازدهم به دنبال تأسیس مریض‌خانه‌ها در بیت المقدس به وجود آمد. مانند فرقه شوالیه‌های معبد، این گروه مذهبی - نظامی نقشی نظامی نیز ایفا می‌کرد و علاوه بر مراقبت از زائران بیمار، به مقابله با سارازن‌ها (یعنی اعراب و مسلمانان) برخاست. این فرقه در زمان تصرف بیت المقدس به وجود آمد تا به زائران کمک کرده و از آنان پرستاری کند. رنگ لباده میهمانداران مشکی بوده و صلیب سفیدی بر روی آن دوخته شده بود. [تصویر ۱۶۵] - م.

فراخواند تا بتواند افزایش مالیات به منظور تأمین مخارج جنگ فلاندر را به تصویب برساند. برای اولین بار گفتگویی میان پیشکار دربار پادشاه، مارینی و خطیب بورژوا، این باریت^۱ صورت گرفت که حاصل آن رفع نیازهای حکومت مطلقه و جلب رضایت و حمایت شهرهای مختلف بود. اشراف و اسقف‌ها نیز مجتمعی را تشکیل دادند و در آنها تمایل پادشاه به افزایش مالیات را محکوم کردند و نارضایتی و شکایت خود را از این امر اعلام داشتند.

آخرین کاپسین‌های بلافصل

از سال ۱۲۸۰ به بعد، نشانه‌هایی بروز کرد که حاکی از کند شدن توسعه اقتصادی در کشور بود. روند آمایش اراضی در سولونی^۲ از سال ۱۲۷۰ به بعد، در لیموزن و در بوردله^۳ در حدود سال ۱۲۹۰، در فورز و در دفینه^۴ در حدود سال ۱۳۲۰ متوقف شد. پادشاه و اربابان به لزوم حفظ حیات جنگل‌ها با گماشتن نگهبانان جنگلی پی برده بودند و در سال ۱۳۱۷، رشته مهارت حفظ آبهای و جنگل‌ها^۵ را ایجاد کردند. از این پس، مردم نمی‌توانستند از گسترش اراضی قابل کشت بهره ببرند و در نتیجه با مشکل محصول کم مواجه بودند. اربابان در صدد محدود ساختن بهره‌برداری از زمینهای محلی بودند. قیمت زمین به شدت افزایش یافت و رشد جمعیت سبب قطعه قطعه شدن زمینهای کشاورزی به دو تا سه هکتار شد، در حالی که برای رهایی از فقر، یک خانواده به چهار تا شش هکتار زمین نیاز داشت. بسیاری از اشراف دونپایه که دچار فقر و تنگدستی شده بودند، در املاک بسیار کوچک نظیر کلبه‌های محقر، تاکستانهای کوچک و یک یا دو قطعه زمین به سختی زندگی خود را می‌گذراندند. در سال ۱۲۸۰، تعدادی از شهرها دستخوش شورش و آشوب شد. فعالیتهای پیشه‌وری از توسعه و گسترش باز ماند. اشراف

1. Etienne Barbette

2. Sologne

3. Le Bordelais

4. Dauphiné

5. «La maîtrise des Eaux et Forêts» این رشته به منظور نظارت بر همه فعالیتهای مربوط به بهره‌برداری از جنگل‌ها، رودخانه‌ها، شکار و ماهیگیری به وجود آمد - م.

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۵۳

شرایط کاری بسیار سختی را به پیشه‌وران کارآموز تحمیل می‌کردند. فعالیت بسیاری از کارگاههای مربوط به ساخت کلیساهاي جامع برای سالهای متتمادی متوقف شد. گنبد بسیار بلند کلیساي جامع بووه که ۴۸ متر ارتفاع داشت، در سال ۱۲۸۴ فرو ریخت. راههای جدید زمینی و دریایی (برای مثال، راهی که نواحی ژن^۱ و بروژ را از سال ۱۲۷۰ به بعد به هم وصل می‌کرد) در حدود سال ۱۲۹۰، سبب از رونق افتادن بازارهای محلی شامپانی شد. در همین دوره، معادن نقره اروپا تمام شد و ناآرامی‌ها در کشور مالی^۲ از واردات منظم طلا از آفریقا جلوگیری کرد. ضرب سکه به ندرت انجام می‌گرفت و به دلیل کمیاب بودن پول نقد، مشکلات پولی مهم و عدیدهای به وجود آمد.

فرانسه همانند سایر کشورهای اروپایی به سرزمهینی «اشباع شده»^۳ مبدل شده بود و با در نظر گرفتن فنون آن دوره، می‌توان گفت که پیشرفت در این کشور به سرحد خود رسیده بود. توسعه غیرممکن شده بود. در سرشماری‌ای که به دستور پادشاه در سال ۱۳۲۸ صورت گرفت، جمعیت قلمرو فرانسه بین ۱۶ تا ۱۷ میلیون نفر تخمین زده می‌شد که در مساحتی حدود ۴۲۴ هزار کیلومتر مربع زندگی می‌کردند، (امروزه در این مساحت، جمعیتی معادل ۱۹ تا ۲۰ میلیون نفر زندگی می‌کنند). این رقم به طور تقریبی معادل جمعیت کشور در دوره سلطنت لویی چهاردهم^۴ بود! کشور فرانسه با ازدیاد جمعیت مواجه شده بود. نوسانات جوی در سالهای اولیه قرن چهاردهم، گذر از مرحله بلندمدت توسعه به دوره رکود و سپس بحران را تسريع کرد. در فصول تابستان و پائیز، بارشهاي سنگین سبب فساد بذر غلات می‌شد و شخم زدن در زمینهای باتلاقی را با مشکل مواجه می‌ساخت. زمستانهای بسیار سرد سبب انتشار ویروسها و شیوع بیماری سل می‌شد و بدین

1. Gênes

2. Le Mali

3. «Un monde plein»، این عبارت برای اولین بار توسط تاریخنگار معاصر فرانسه (۱۹۲۲-۲۰۰۹)، پیر شونو (Pierre Chaunu) به کار رفته است - م.

4. Louis XIV) لویی چهاردهم (۱۶۴۳-۱۷۱۵) از سال ۱۶۴۳ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی در پنج سالگی به پادشاهی رسید و هفتاد و دو سال بر فرانسه حکومت کرد. این دوره طولانی سلطنت در تمام اروپا بی‌نظیر است. وی را با القاب سلطان آفتاب و لویی کبیر می‌شناسند. [تصویر ۱۶۶] - م.

ترتیب، مردم با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کردند. در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ سرما به یکباره شدت گرفت و در این دو سال پرباران و سرد، قحطی شدید و به دنبال آن بحران افزایش میزان مرگ و میر دوباره بروز پیدا کرد. در سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱، بیماری واگیردار اسهال خونی افکار عمومی را متوجه یهودیان و جذامیان کرد و علیه آنان که در اذهان مردم آن دوره انسانهای ناپاک و متهم به آلوده ساختن چاههای آب بودند، شورشهای مردمی و قتل عامهای متعددی را برانگیخت. حتی پیش از شیوع طاعون بزرگ در سال ۱۳۴۸، به طور محسوسی شاهد افزایش نرخ مرگ و میر هستیم. افزایش فشار مالیاتها در ناحیه فلاندر باعث شد تا کشاورزان در سال ۱۳۲۳ شورش کنند. آنها که از جانب پیشه‌وران و کارگران نواحی بروژ و ایپر مورد حمایت قرار می‌گرفتند، به مدت پنج سال کنت فلاندر را با مشکل مواجه کردند.

لویی دهم [ملقب به] ستیزه‌جو که در ۳۰ نوامبر ۱۳۱۴ جانشین فیلیپ زیبارو شد، با واگذاری استناد استانی که نشان‌دهنده ضعف و متضمن محدود شدن قدرت پادشاه بود (محدود کردن اختیارات صاحب‌منصبان در قلمرو پادشاهی، به‌رسمیت شناختن نبردهای تن به تن و درگیری‌ها بر سر مسائل خصوصی گواه این مطلب است) خصوصیت مجتمع بارون‌ها و اسقف‌های مخالف خود را تعديل کرد. اربابان بزرگ که از ارتقای مقام مشاوران حقوقی دربار عصیانی بودند، در سال ۱۳۱۵، زمینه سقوط آنها را فراهم کردند. انگراند مارینی پس از یک محاکمه کوتاه اعدام شد. ناخوش احوالی لویی دهم [ملقب به] ستیزه‌جو (فوت در سال ۱۳۱۶ به دلیل ذات‌الریه) و برادرانش به نامهای فیلیپ پنجم (۱۳۲۲-۱۳۱۶) و شارل چهارم (۱۳۲۸-۱۳۲۲) و همچنین عدم برخورداری این سه شاهزاده از وراث ذکور، سبب بروز مشکل جدی در خصوص جانشینی شد. هیچ قانون مشخصی در این زمینه وجود نداشت. در برخی از تیول‌ها، مشکل جانشینی با انتخاب یک وارث مؤنث حل شده بود. بر اساس قانون سالیک که به فرانک‌ها نسبت داده شده است، جانشینی در انحصار فرزندان مذکور بود. این قانون در واقع ناشی از تعبیر دوپهلو و دیر هنگام (اواسط قرن چهاردهم) یک رسم بسیار کهن بود. فیلیپ زیبارو، پیش از مرگ، آرزو کرده بود که اداره کنت‌نشین پرأتیه توسط زنان صورت نگیرد. لویی دهم که در ژوئن ۱۳۱۶ فوت کرد، یک دختر به نام

فصل چهارم / شکوفایی سلطنت کاپسین ها ۱۰۵

ژن از ازدواج اولش به جای گذشت و همسر دومش نیز موسوم به کلمانس هانگری^۱ باردار بود. برادرش فیلیپ منصب نائب‌السلطنه را حق مسلم خود تلقی می‌کرد. شهبانو کلمانس پسری به نام ژان اول^۲ را به دنیا آورد که پس از چهار روز درگذشت؛ فیلیپ قاطعانه به اقدامی سرنوشت‌ساز مبادرت کرد: شاهزاده ژن^۳ را از تاج و تخت پادشاهی به دور نگه داشت، پس از کسب رضایت و تأیید مجلسی مشکل از اربابان بزرگ و شخصیت‌های برجسته تاجگذاری کرد و در ژانویه ۱۳۱۷، خود را پادشاه فرانسه نامید. فیلیپ پنجم در سال ۱۳۲۲ درگذشت و تنها دو دختر از وی به جای ماند. برادرش شارل، مانع از سلطنت هر دو دختر شد و خود بر تخت پادشاهی جلوس کرد. از این پس، ممانعت از جانشینی اولاد انان به ظاهر امری پذیرفته شده بود. این مسئله زمانی مشکل‌ساز شد که شارل چهارم زیبارو نیز به هنگام مرگ در فوریه ۱۳۲۸ فرزند ذکوری نداشت. این بار دیگر پادشاه برادری نداشت که جانشین وی شود. بنابراین، لازم بود مجلسی مشکل از کشیشان، اشراف و نمایندگان شهرها برای تعیین پادشاه تشکیل شود تا یک نفر را از بین ادوارد سوم^۴ و فیلیپ والوا [فیلیپ ششم]^۵ انتخاب کند. پادشاه انگلستان، ادوارد سوم، با اعلام نامزدی خود به عنوان نوه فیلیپ زیبارو

۱. کلمانس هانگری (Clémence de Hongrie). ۱۲۹۳–۱۳۲۸) ملقب به کلمانس یتیم - دو ساله بود که پدر (پادشاه مجار) و مادرش (دختر امپراتور رودلف اول) بر اثر بیماری جذام درگذشتند - در سال ۱۳۱۵ با پادشاه فرانسه لویی دهم ستزیه جوازدواج کرد - م.

۲. «Jean I er»، پسر لویی دهم و کلمانس هانگری که پس از مرگ پدر به دنیا آمد - م.

۳. «La princesse Jeanne»، وی مادر شارل بدکردار (Charles le Mauvais) بود - ن.

۴. ادوارد سوم پادشاه انگلستان از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۷۷ بود. او یکی از موفق‌ترین فرمانروایان انگلیسی در قرون وسطی به شمار می‌آید که پس از حکومت ناموفق پادرش ادوارد دوم، بار دیگر قدرت را به خاندان سلطنتی باز گرداند و پادشاهی انگلستان را به یکی از کارآمدترین قدرتهای نظامی اروپا مبدل ساخت. وی فرزند ارشد ادوارد دوم و ایزا贝尔 بود. از آنجا که ایزا贝尔، دختر پادشاه فرانسه، فیلیپ چهارم بود، ادوارد سوم خود را تنها وارث مذکور زنده و قانونی پدر بزرگ خود نامید و مدعی تاج و تخت فرانسه شد. اما فرانسویان بار دین ادعا، فیلیپ ششم را وارث حقیقی تاج و تخت فرانسه دانسته و از او به عنوان نخستین پادشاه دودمان والوا حمایت کردند. این اختلاف موجب درگیری بین دو خاندان سلطنتی والوای فرانسوی و پلانتاژنه انگلیسی شد و در نتیجه، جنگ صد سانه میان دو کشور درگرفت. [تصویر ۱۶۷] - م.

۵. (Philippe de Valois) فیلیپ ششم (۱۳۵۰–۱۲۹۳) اولین پادشاه دودمان والوا بود. جلوس وی بر تخت پادشاهی فرانسه موجبات درگیری با ادوارد سوم و شروع جنگ صد سانه را فراهم کرد. [تصویر ۱۶۸] - م.

۱۵۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارنسانس

از طرف مادرش ایزابل فرانس^۱ مدعی حقوق قانونی خویش شده بود و فیلیپ والوا نیز نزدیکترین پسرعموی آخرین پادشاهان دودمان کاپسین و پسر یکی از برادران فیلیپ زیبارو بود.

۱. ایزابل فرانس (Isabelle de France) (۱۲۹۲-۱۳۵۸) شهبانوی انگلستان و دختر فیلیپ چهارم به خاطر طبع خشن خود به «گرگ فرانسه» ملقب شده بود. وی به همراه معشوق خود مورتیمر (Mortimer) زمینه را برای جلوس ادوارد سوم بر تخت سلطنت فراهم کرد و مسئولیت نیابت سلطنت را به عهده گرفت. [تصویر ۱۶۹]-م.

فصل پنجم

مصادب سهمگین (۱۴۰۳-۱۴۲۸)

انسانهایی که در دوره طولانی بین جلوس فیلیپ ششم والوآ بر تخت پادشاهی (۱۴۰۳) و پیروزی کاستیون^۱ (۱۴۲۸) زندگی میکردند، با حوادث سخت و رویدادهای بیسابقه زیر رو برو بودند:

جنگ پایان ناپذیر با انگلستان، جنگ داخلی، شیوع بیماری واگیردار طاعون، کاهش چشمگیر جمعیت، رکود کلی فعالیتها، ناآرامی‌های اجتماعی، جنبش‌های انقلابی وغیره.

سختی روزگار

تقارن بلا

طی چند دهه، بلایای مهیب دست به دست هم داد و موجات کاهش شدید جمعیت کشور را فراهم کرد. از آغاز قرن چهاردهم، نشانه‌های نگران‌کننده‌ای پیشاپیش حاکی از دگرگونی شرایط بود. بدی آب و هوا شدت گرفت: در ماه اوت ۱۳۴۶، شوالیه‌های ناحیه کرسی^۲ در گل و لای باتلاقهای حاصل از بارشهای سنگین

۱. La victoire de Castillon) نبرد کاستیون در سال ۱۴۵۳، میان سپاهیان پادشاه انگلستان، هانری ششم و پادشاه فرانسه، شارل هفتم روی داد و به برتری فرانسویان انجامید. [تصویر ۱۷۰] - م.

2. Crécy

زمین‌گیر شدند [تصویر ۱۷۱]. زمستان سالهای ۱۴۲۰ و ۱۴۲۱، بسیار سخت بود. قحطی‌ها به ویژه در لانگ دک از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵ و در جلگه پاریس از سال ۱۴۲۷ تا سال ۱۴۳۹ ادامه داشت. در فاصله سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۳۰، نشانه‌های رکود فعالیتهای اقتصادی و افزایش نرخ مرگ و میر به خوبی مشهود بود. در نوامبر و دسامبر ۱۳۴۷، ناگهان بلای جدیدی ظاهر شد. بیماری طاعون که از طریق کشتی‌های ایتالیایی از دریای سیاه^۱ به کشور فرانسه رسیده بود، جان اهالی مارسی را به خطر انداخت. همزمان، این بیماری در کشور ایتالیا نیز نفوذ کرد. طی سال ۱۳۴۸، این بیماری واگیردار از جنوب تا شمال، سرزمین فرانسه را فرا گرفت و سپس از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۰، در سراسر اروپا شیوع یافت.^۲ پس از شیوع طاعون قدیمی^۳ و سرایت طاعون موسوم به ژوستینین^۴، این سومین هجوم بیماری واگیردار طاعون بود که از طریق هم زیستی حشرات کَک با جونده‌ای بزدل به نام موش سیاه سرایت می‌کرد. در قرن هجدهم، موش خاکستری که اغلب تنها زندگی می‌کرد، جایگزین این جونده کوچک شد که به همراه کَک، عامل اصلی شیوع این بیماری وحشتناک بود. این بیماری ابتدا ششها را تحت تأثیر قرار می‌داد و از طریق بزاق دهان سرایت می‌کرد. سطح بدن پوشیده از کورک می‌شد، بیمار دچار تهوع و استفراغ می‌گردید، رنگ پوستش تغییر می‌کرد، در آب دهانش خون وجود داشت و پس از سه روز فوت می‌کرد. در فصول بهار و تابستان، نوعی از این بیماری موسوم به طاعون خیارکی^۵ شایع بود که خطر مرگ کمتری داشت، کِشاله ران و زیر بغل ورم می‌کرد و بیمار در هشتاد درصد موارد

1. La mer Noire

۲. این بیماری که در قرون وسطی، قربانیان بسیاری گرفت، به طاعون سیاه یا مرگ سیاه معروف است - م.

3. La peste antique

4. La peste justinienne

۵. طاعون خیارکی (La peste bubonique) یکی از انواع شایع بیماری طاعون است. دوره نهفگی بیماری بین دو تا شش روز طول می‌کشد. سپس علایم اولیه، یعنی لرز و تب بالا، سرگیجه، درد شدید عضلات و مفاصل، کوفتگی و سردرد ظاهر می‌شوند. پس از ۲۴ ساعت، خیارک‌هایی بر روی بدن بیمار به وجود می‌آیند. خیارک‌ها غدد لنفاوی هستند که متورم شده‌اند. از علایم دیگر کم شدن آب بدن و عطش دائمی بیمار است. در صورتی که بیمار به موقع معالجه نشود، علایم هشدار دهنده‌ای نظیر افزایش تعداد ضربانهای قلب، آشفتگی و هدیان ظاهر می‌شوند. البته بیست درصد این بیماران ممکن است به طور ناگهانی، پس از یک دوره نقاوت طولانی، از مرگ نجات یابند - م.

فصل پنجم / مصائب سهمگین ۱۵۹

جان می‌باخت. خطر سرایت بیماری از اجساد طاعون زدگان به سایرین تا ۴۸ ساعت به قوت خود باقی بود. باید اجساد را در گورهای دسته‌جمعی دفن می‌کردند و بلا فاصله، روی آنها آهک زنده می‌ریختند. پزشکان، بی‌دفاع و بی‌سلاح، علت این بیماری را به بدی آب و هوا نسبت می‌دادند، سفارش می‌کردند که مردم از ماسک استفاده کنند و آتشهایی بیفروزند [تصویر ۱۷۲]. فداکاری راهبه‌های مریض‌خانه^۱ پاریس در خصوص مراقبت از بیماران مثال زدنی بود؛ اما قاطبه مردم فرار را به اجرای دستورات پزشکان ترجیح می‌دادند. بسیاری از مردم این بیماری را نشانه خشم و غصب الهی می‌دانستند. اولین واکنشهای مردمی، متهم کردن یهودیان به آلوده کردن آب چاهها بود. در سال ۱۳۴۹، دو هزار نفر از یهودیان در ناحیه آلزاں قربانی شورشهای ضد یهود شدند.^۲ این ویروس برخی مناطق نظیر بارن^۳ و حوزه سنلیس را کمتر آلوده کرد. گرچه احتمالاً افراد دارندۀ گروه خونی O کمتر به این بیماری مبتلا می‌شدند؛ اما مسئله حائز اهمیت این است که این بیماری واگیردار بین سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹، قربانیان بسیاری در سراسر فرانسه بر جای گذاشت.^۴ در حدود چهل درصد از کشاورزان ایالت پروانس و نیمی از اهالی آوینیون، بورژ و تولوز بر اثر این بیماری جان سپردند. مرگ در نواحی پریگو^۵، لیون، ریم و ایپر بین یک چهارم تا یک سوم از مردم قربانی گرفت. در روستای ژیوری^۶ واقع در بورگونی با جمعیتی در حدود ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ سکنه، به طور متوسط سالانه ۳۵ نفر از دنیا می‌رفتند؛ اما آمار نشان می‌دهد که در فاصله ژوئیه و دسامبر ۱۳۴۸، در حدود ۶۲۲ نفر بر اثر این بیماری در این روستا جان خود را از دست دادند!

اگر عوامل متعدد دیگری دست به دست هم نداده بود و به مدت یک قرن، افزایش

1. L'Hôtel Dieu

۲. مردم عهد باستان و قرون وسطی، در برابر طاعون، بی‌دفاع بودند. مبارزه با این بیماری، برای مدت مديدة، به اقداماتی نظیر دعا به درگاه خدا و قدیسین و نیز سوزاندن ملحدان، یهودیان، جذامیان و جادوگران به دستور کلیسا محدود بود. [تصویر ۱۷۳] - م.

3. Le Béarn

۴. مشهور بود که مهتران، پرورش دهنده‌گان بز و افرادی که روغن حمل می‌کردند، از ابتلا به طاعون در امان بودند، زیرا بُوی اسپها، بزها و روغن، ککهارا دور می‌کرد - م.

5. Périgueux

6. Givry

جمعیت را متوقف نمی‌کرد (تحت تأثیر بلایا، در حدود یک سوم مردم جان باختند)، شاید روند رشد جمعیت در قلمرو پادشاهی ادامه می‌یافت. شرایط جوی و وضع آب و هوای آن دوره به ازدیاد باسیل طاعون^۱ کمک کرد. از آن دوره به بعد، این بیماری در مقاطع زمانی مختلف از جمله در فاصله سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱ و ۱۴۳۸، ۱۴۴۱ و غیره دوباره شیوع پیدا کرد. البته، به بلای طاعون باید بیماری‌های واگیردار محلی را نیز افزود. سایر بیماری‌ها نظیر تیفوس، سیاه‌سرفه و بهویژه سل نیز قربانی می‌گرفتند. گرچه تعداد نبردهای جنگ صدساله^۲ اندک بود؛ اما در عوض، جنگجویان غارت، ویرانی و فضای ناامنی را با خود به همراه می‌آوردند و این مسئله از هرگونه کوشش در راستای بازسازی کشور ممانعت می‌کرد. بدین ترتیب، میزان جمعیت قلمرو در تمام این سالها در سطح پایینی قرار داشت. این سیل بلایا در فاصله سالهای ۱۴۲۰ و ۱۴۶۰، شدت گرفت. این مصائب کاهش میزان زاد و ولد و [در نتیجه] خلاً نسلی^۳ را در پی داشت. مردم که به شدت ناامید شده بودند، دیر ازدواج می‌کردند و این خود سبب بروز برخی مشکلات اخلاقی نظیر روابط نامشروع، روپیگری و نیز افزایش تعداد فرزندان نامشروع می‌شد.

سقوط تولیدات، نآرامی‌های اجتماعی

تعداد اندک نیروی کار با میزان دستمزد بالا و همچنین سقوط تولید برای پاسخ‌گویی به تقاضا که خود کاهش یافته بود، از جمله پیامدهای فوری کاهش چشمگیر جمعیت به‌شمار می‌آمد. طی یک قرن یعنی از اواسط قرن چهاردهم تا

۱. باید توجه داشت که تا قرن نوزدهم، درمانی برای طاعون وجود نداشت. باسیل بیماری طاعون موسوم به یرسینیا پستیس (*Yersinia pestis*، در سال ۱۸۹۴)، پس از سالها پژوهش، توسط الکساندر پرسین کشف شد. این بیماری کشنده بارها در طول تاریخ باعث بحرانهای شدید انسانی، اقتصادی و اجتماعی شده است - م.

۲. (La guerre de Cent Ans) جنگ صد ساله اصطلاحی است که برای نبردهای میان انگلستان و فرانسه، در فاصله سالهای ۱۳۳۷ و ۱۴۵۳ به کار می‌رود. نبردهای میان دودمان والوا و دودمان پلانتاژن، به همراه دو دوره صلح موقت (در فاصله سالهای ۱۳۶۹-۱۴۱۵ و ۱۳۸۹-۱۴۵۳)، چندین نسل به طول انجامید و در نهایت در سال ۱۴۵۳، با پیروزی دودمان والوا و بیرون راندن انگلیسی‌ها از خاک فرانسه به پایان رسید. نبرد کرسی، نبرد پوئیه و نبرد ارلن‌ان از جمله نبردهای جنگ صد ساله هستند - م.

۳. (Des classes creuses) خلاً یا شکاف نسلی به معنی کاهش چشمگیر آحاد یک یا چند نسل در پی حوادثی نظیر جنگ، مرگ و میر کودکان و غیره است - م.

اواسط قرن پانزدهم، قیمت‌ها بهوضوح سیر نزولی پیدا کرد.

در روستاهای کشاورزان از کشت غلات دست کشیدند و زمینهای زراعی حاشیه روستاهای یا زمینهای کم حاصل را رها کردند. در جلگه پاریس که بهشدت درگیر جنگ بود، تولید غلات پنجاه تا شصت درصد کاهش یافت. این جریان سبب کاهش چشمگیر درآمد حاصل از قلمرو اربابی شد، حال آنکه هزینه بهره‌برداری از اراضی زراعی افزایش می‌یافتد. انبار غله کورمی^۱ واقع در ایل-دو-فرانس، در سال ۱۳۶۹، در حدود ۵۰۰ لیور درآمد داشت؛ اما در سال ۱۴۰۲، این میزان فقط به ۳۸۰ لیور رسید. به زیر کشت بردن اراضی گسترش یافت و مردم دوباره به سوی جنگل‌ها کشیده شدند و به آنجا پناه برداشتند. با این وجود، کشت انگور همچنان پر رونق بود؛ شهرت شرابهای بورگونی گواهی بر این مطلب است. ظهرور نژاد جدید گوسفندان وارداتی از اسپانیا و یا از سیسیل - گوسفند مِرینوس با پشم بلند - موجب توسعه و رشد پرورش گوسفند شد. در اوآخر قرن چهاردهم، در جالیزها، کشاورزان به کشت و تولید کاهو و توت فرنگی پرداختند. مسائل فوق، سبب تغییر و تحول در چشم‌انداز روستایی شد. از جمله این تغییرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خودداری از شخمزنی، توسعه جنگل‌ها، حصارکشی و ساخت استحکامات در بسیاری از مزارع، کلیساها و حتی دهکده‌ها به منظور محافظت از مردم در برابر حمله سربازان غارتگر.

سكنه دهکده‌ها، کاشانه خود را - اغلب اوقات به صورت موقتی - رها می‌کردند و به همراه خانواده و گله‌هایشان در بیشه‌ها (به‌ویژه در ناحیه فورز) مخفی می‌شدند و یا در مناطق صخره‌ای، محل سابق آپیدوم‌های سرزمین گالیا، پناه می‌گرفتند. به‌دلیل رسیدگی نامنظم به اراضی، بازده محصول آنها کاهش یافته بود. کشاورزان متمول قطعه زمینهای رها شده را با قیمت ناچیز اجاره می‌کردند و بدین ترتیب، بر نفوذ خود در روستاهای می‌افزودند. کمبود کارگر ساده به رکود مجدد سرفداری کمک کرد.

اربابان که به دفعات مغلوب [شرايط روزگار] شده بودند، شاهد کاهش اعتبار و زیر سؤال رفتن حاکمیت‌شان بودند. از اواسط قرن چهاردهم، واکنشهای

1. Cormeilles

۱۶۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

ضد اربابی بروز کرد. در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، کشاورزان به رهبری فره کبیر^۱ و گیوم آلو^۲ قلعه کوچکی را در نزدیکی کومپینی^۳ به اشغال خود در آوردند. آنان در مقابل انگلیسی‌ها^۴ مقاومت کردند؛ اما از پذیرفتن اشراف فرانسوی در داخل قلعه امتناع ورزیدند. شورش بزرگ مردمی موسوم به ژاکری^۵ (در نواحی دشت فرانسه^۶ و بووزی) که از مه سال ۱۳۵۸ تا زوئن همان سال طول کشید، به وضوح ضد اربابی بود. کشاورزان مرffe، اما بحران زده، قلعه‌ها را غارت کردند، اسناد نظام فنودالی را نابود کردند، بعضی از نجیبزادگان را به قتل رساندند (یکی از آنان را با سیخ کباب کردند!) و به تعدادی از زنان اشراف تجاوز کردند. در مقابل اربابان مفلوک و بی اعتبار که در وظایف نظامی شان نیز مزدوران معمولی مداخله می‌نمودند، روستائیان به چانه زنی، ایرادگیری و مطالبه شرایط ملایم‌تر برای زراعت و اجاره‌های سبک‌تر مبادرت می‌کردند. افشار کشاورز برای امتیاز گرفتن از اربابان هیچ ایابی از ورود در دعاوی قضایی طولانی نداشتند. نظام فنودالی به تدریج رو به افول بود. گرچه اربابان همچنان در مراسم تحلیف حضور می‌یافتند و از زندگی

۱. (Le Grand Ferré) فره کبیر (۱۳۳۰ - ۱۳۵۸) یکی از قهرمانان مردمی جنگ صد ساله است. این کشاورز تنومند با حمایت ارباب خود، گیوم آلو در شورش ژاکری ناحیه بووزی شرکت کرد. سپس به خدمت ولیعهد شارل پنجم در آمد. تاریخ نگاران گفته‌اند که وی به تنها یی قادر بود با تبرش ۸۵ تن از دشمنان را نابود کند. چنین نقل کرده‌اند که انگلیسی‌ها می‌خواستند وی را در بسترش به هنگام خواب غافلگیر کنند. اما فره کبیر تبر به دست گرفت و پنج تن از آنان را کشت در حالی که بقیه مجبور به فرار شدند.

[تصویر ۱۷۴] - م.

2. Guillaume l'Aloue

3. Compiègne

4. Les Anglais

5. (La Jacquerie) شورش ژاکری بزرگ‌ترین طغیان دهقانی در تاریخ فنودالیسم فرانسه و یکی از مهم‌ترین قیامهای صورت گرفته از این نوع است که نقطه عطفی در تاریخ دهقانان فرانسه بهشمار می‌رود. پس از شکست در نبرد پواتیه، کشاورزان ایل - دو - فرانس علیه اخاذی‌های اشراف و مالیات‌های پادشاه شورش کردند. این شورش در سال ۱۳۵۸، به هنگام جنگ صدساله و در موقعیت بحران سیاسی، نظامی و اجتماعی رخداد. شورش ژاکری فقط دوازده روز طول کشید. اما نام خود را به همه شورش‌های کشاورزان در دوره معاصر داد. شاید بدین دلیل که کشاورزان کتهای کوتاهی موسوم به ژاک به تن می‌کردند.

[تصویر ۱۷۵] - م.

6. Plaine de France

فصل پنجم / مصائب سهمگین ۱۶۳

اشرافی برخوردار بودند و نیز با وجود اینکه فرقه‌های غیرمذهبی شوالیه‌گری نظیر فرقه ستاره^۱ در سال ۱۲۵۱ و فرقه پشم طلایی^۲ در دول بورگونی^۳ در سال ۱۴۲۹ پدید آمد، نهاد فتووالی در حال نابودی بود. تحت تأثیر بیماری و حشتناک طاعون، جمعیت شهرها به شدت کاهش یافت. با شروع مجدد این بیماری واگیردار، دهها هزار نفر از روثن ۱۳۴۹ تا روثیه همان سال در پاریس جان باختند. روستاییان هنگام فرار از گروههای مسلح، به سوی شهرهایی می‌دویند که با حصار احاطه شده بود؛ اما این سیل جمعیت روستایی، کاهش جمعیت جوامع شهری را به طور کامل جبران نمی‌کرد. جنگ و بحران اقتصادی روند تولیدات نساجی را مختل نمود. گرچه دستمزدها افزایش یافت، اما دستیابی شاگردان به مهارت استادی بسیار مشکل بود و آنها مجبور بودند تمام عمر به عنوان «پادو» خدمت کنند. این امر موجب شد که آنان تمايل زیادی به تشکیل صنف داشته باشند و گاهی اوقات واکنشهای خشونت‌آمیزی از خود نشان دهند. تدابیری نظیر افزایش مالیاتها برای ساخت حصار شهرها و یا رسیدگی به دیوارهای اطراف آن، وضع مالیات و دریافت منظم آن به منظور جبران مخارج جنگ و به جریان انداختن سکه‌های «کم ارزش» با اندازه کوچک و ساخته شده از فلزات گرانبها در فاصله سالهای ۱۲۳۷ و ۱۲۶۱ و نیز در سالهای بین ۱۴۱۳ و ۱۴۲۲، منجر به بروز مخالفتهای مردمی و شورش‌های غیرمنتظره‌ای در شهرها شد. شورش‌های متعدد در موقعي با رنگ و بوی نبرد طبقاتی به وقوع پيوست. از اهم این شورشها می‌توان

.۱) فرقه ستاره توسط پادشاه فرانسه، ژان نیکسیرت، به وجود آمد. هدف از ایجاد آن، جذب شوالیه‌های فرانسوی و نظم و ترتیب دادن به آنها بود. برای پیوستن به این فرقه، تنها شایستگی در میدان جنگ حائز اهمیت بود و مبارزات مفرح شوالیه‌ها در نظر گرفته نمی‌شد. شوالیه‌ها قسم می‌خوردند که هرگز از دشمن روی برنگردانند و بیش از چهار قدم عقب‌نشینی نکنند. در نبرد پواتیه، رعایت این اصل، موجب مرگ یا اسارت عده زیادی از آنها شد - م.

.۲) فرقه پشم طلایی توسط دول بورگونی، فیلیپ نیکسیرت، به وجود آمد. نام این فرقه از اسطوره‌ای یونانی برگرفته شده است. در همه شرایط و بهویژه در ملأعام، شوالیه‌ها ملزم به بستن گردنبندی طلایی بودند که پشم قوچ به آن آویزان بود. این گردنبندها به خزانه فرقه تعلق داشت و پس از مرگ شوالیه، به خزانه برگردانده می‌شد. تعداد اعضای این فرقه در دوره حکومت شارل کن (۱۵۱۶) به ۵۱ شوالیه رسید - م.

.۳) Les Etats bourguignons

به شورش‌های پاریس در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، شورش هارل^۱ در روئان در سال ۱۳۸۲، شورش مایوتین‌ها^۲ در همان سال در پاریس، شورش دوباره در پایتخت در سال ۱۴۱۳ و غیره اشاره نمود. در نواحی اوورنی و لانگ دُک جنبش ضد مالیاتی موسوم به توشینا^۳ که گاهی اوقات به سرقت مسلحانه منتهی می‌شد، در فاصله سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴، موجب بروز شورش‌هایی در نواحی پوی^۴، مونپلیه و بزیه و نیز تشدید ناامنی در روستاها شد.

شرایط تیره و تار...

این بلاایا سبب اصلاح رفتارهای اجتماعی شد و به تحولات فکری انجامید. طی بیش از یک قرن برای نسلهایی که یکی پس از دیگری می‌آمدند، واژه صلح مفهومی نداشت و مردم با اضطراب ناشی از شیوع دوباره طاعون و یا هجوم دسته «راهزنان مسلح»^۵ زندگی می‌کردند. برخی شیوع طاعون را نشان خشم خداوند می‌دانستند. نقاشان در تابلوهایشان این بیماری را با باران پیکانهایی که از آسمان بر سر مردم می‌بارید، به تصویر می‌کشیدند. در سال ۱۳۴۹، در شمال شرقی فرانسه، برخی از گروههای متعصب موسوم به «شلاق به دستها»^۶ با این

۱. L'émeute de la Harelle) شورش هارل - شورشیان برای جلب توجه فریاد هارو (Haro) می‌کشیدند - شورشی مردمی در نورماندی و روئان بود که در قرن پانزدهم رخ داد. مردم در اعتراض به فشار مالیاتی قیام کردند و قیام آنان توسط شارل ششم سرکوب شد - م.

۲. L'émeute des Maillotins) نامی که به اهالی پاریس در زمان شورش علیه شارل ششم دادند چراکه مسلح به گرز بودند. قیام مایوتین‌ها برای اعتراض به فشار مالیاتی به وقوع پیوست. [تصویر ۱۷۶] - م.

۳. (Le Tuchinat) قیام توشینا معروف به توشینا، در ایالات لانگ دُک در اعتراض به وضع مالیاتهای جدید و حضور مزدوران به وقوع پیوست. دسته‌های کشاورزان و پیشه‌وران با حمایت اربابان بزرگ قیام کردند - م.

4. Pay

۵. «Les écorcheurs» دسته مسلحی که در زمان شارل ششم و شارل هفتم در فرانسه به غارتگری می‌پرداختند. در قرون وسطی، هنگامی که پادشاه قصد عزیمت به جنگ داشت و تعداد سپاهیان به اندازه کافی نبود، جنگجویان مزدوری را به خدمت می‌گرفت. طی جنگ صدساله این روند ادامه داشت، اما در دوره‌های صلح موقت، این مزدوران که کاری نداشتند، در دسته‌هایی گرد هم می‌آمدند و شهرهارا غارت می‌کردند - م.

۶. «Les flagellants» گروههای متعصب قرون سیزدهم و چهاردهم که وجه تسمیه ایشان به این دلیل است که در انتظار عمومی به خود شلاق می‌زندند. اعضای این فرقه در شهرها دسته‌های مذهبی راه می‌انداختند و در حالی که باشلاق خود را می‌زندند، برای گناهانشان طلب آمرزش می‌کردند. [تصویر ۱۷۷] - م.

فصل پنجم / مصائب سهیگین ۱۶۵

توهم که خشم الهی را فروکش کنند، به ریاضتهای طاقت فرسایی تن می‌دادند. مرگ برای مردم این دوره امری عادی شده بود، اهالی هنر آن را در قالب جسدی سبزرنگ با لبخندی منجمد و نگران‌کننده به تصویر می‌کشیدند؛ جسدی که در حین رقصی جهنمی، با دستانش فقیر و غنسی، مرد و زن را به‌سوی خود می‌کشید.^۱ هنرمندان با لذتی آمیخته با جنون به خلق تصاویر و حشتانک متعددی نظیر پیروزی مرگ، مردگان آرمیده در قبر، مصائب مسیح، آخرالزمان وغیره می‌پرداختند.

آگاهی از این امر که هر لحظه ممکن است مرگ به سراغشان بیاید، مردم را وا می‌داشت که در مورد رستگاری خود بیندیشند و امید داشته باشند روحشان هرچند که غرق در گناه باشد، در برزخ آنقدر «منتظر» بماند تا از آتش عذاب الهی در امان مانده و رهسپار بهشت شود. به محض شیوع بیماری واگیردار، مردم با عجله نزد کشیش مسئول انشای اسناد^۲ در محل سکونت خود می‌رفتند و با واقع‌گرایی ریاضی‌وار و دقیقی به پیش‌بینی هزاران احتمال در خصوص تضمین آمرزش و رستگاری روحشان می‌پرداختند. در نتیجه، مردم برای برگزاری صدها آئین عشای ربانی^۳ مبلغی در اختیار کشیش قرار می‌دادند، ژان گرلی^۴ جنگجوی مشهور قرن چهاردهم و ارباب ناحیه بوش^۵ برای آمرزش گناهان خود، برگزاری حدود ۴۰ هزار آئین عشای ربانی را از پیش تدارک دیده بود! ثروتمندان به‌دقت چگونگی انجام مراسم تدفین خود را شرح می‌دادند. از اوآخر قرن چهاردهم،

۱. ترس و وحشت از ابتلا به طاعون، ناآگاهی از چگونگی درمان آن و مرگ دردنگ طاعون‌زدگان، هنرمندان را از عهد باستان تا اواسط دوره رنسانس، به ابراز احساسات و توصیف طاعون برانگیخت. از این رو، تابلوهای نقاشی، مجسمه‌ها و آثار به جای مانده، امروزه می‌توانند اطلاعات ارزش‌های از وضعیت مردم قرون وسطی را در اختیار ما بگذارند. [تصاویر ۱۷۸ و ۱۷۹].

2. Le notaire

۳. «La messe» در این آئین عبادی، مؤمنان به یاد فداشدن مسیح(ع) به نیایش و تقدیس نان و شراب می‌پردازنند. بنابر اصول مذهب کاتولیک، نان و شراب نماینده حقیقی و مادی بدن و خون مسیح(ع) می‌باشند. موسیقی مذهبی در این مراسم جایگاه ویژه‌ای دارد -م.

۴. (Jean de Grailly) ژان گرلی (۱۳۷۶ - ۱۳۳۰) یکی از فرماندهان انگلیسی جنگ صد ساله بود که در نبرد پوآتیه نقش بهترانی ایفا کرد -م.

5. Buch

به تدریج خرید اسناد آمرزش^۱ از نماینده اسقف کلیسا به بهای هنگفت و با اميد کوتاه کردن زمان گذر به بزرخ به مدت چندین سال، رواج پیدا کرد. این دین ساده‌انگارانه، توأم با ترس و پرداخت صدقه برای کفاره گناهان، دین قاطبه مردم بود. مردمی که از بلایا بهشدت وحشت داشتند؛ اما بهندرت بیش از یک بار در سال به انجام آئین عشای ریانی و یا مراسم اعتراف نزد کشیش اقدام می‌کردند. در حقیقت، به استثنای تعدادی از راهبان فقیر، کشیشان فروdest کلیسا به هیچ وجه مقام والا بی نداشتند. گرچه کشیشان محلی باسواندی وجود داشتند؛ اما آنان بهندرت در صومعه خود اقامت می‌کردند و ترجیح می‌دادند که آن را به کشیش دستیار بی‌سواد و فقیری که دستمزد اندکی داشته و اغلب با همسر آزاد خود زندگی می‌کرد، واگذار کنند. از این دوره به بعد، گروه کوچکی از مسیحیان بسیار پرهیزگار و فرهیخته در جستجوی راه بهتری بودند. آنان آرزو داشتند که نهاد کلیسا را احیا کنند و نگران جلب توجه و فخرفروشی بی‌ثمری بودند که کشیشان عالی‌رتبه با واگذاری صومعه‌ها از خود نشان می‌دادند. تا سال ۱۳۷۸ مقر پاپ واقع در شهر آوینیون، به لطف پادشاه فرانسه، تحت تسلط فرانسویان بود. بدین ترتیب، پاپها همانند حکام رفتار می‌کردند، مالیات وضع می‌نمودند، به اداره تشکیلات اداری می‌پرداختند و بهندرت، به مسائل معنوی توجه می‌کردند. صحن باشکوه کلیسا شاهد ضیافت‌ها، جشن‌های متعدد و سفارش آثار هنرمندان بود. در سال ۱۳۷۸، به طور غیرمنتظره‌ای، عالم مسیحیت به دو قسم تقسیم شد: دو پاپ رقیب - یکی در آوینیون که از سوی فرانسه به‌رسمیت شناخته شده و از حمایت این کشور برخوردار بود و دیگری در روم که انگلستان از وی پشتیبانی می‌کرد - در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. این گسیختگی دنیای مسیحیت معروف به «انشقاق بزرگ»^۲ چهل سال به طول انجامید و پرسشهای بسیاری را در ذهن برخی از مسیحیان به وجود آورد.

۱ Les lettres d'indulgence

۲ (Le grand schisme) انشقاق بزرگ (۱۴۱۷ – ۱۳۷۸) بحران کلیسای کاتولیک در قرون چهاردهم و پانزدهم بود که طی آن مسیحیت غربی به دو قسم تقسیم شد. این بحران طی جنگ صد ساله در اروپا به‌وقوع پیوست. [تصویر ۱۸۰] - م.

...و نیز خلق آثار درخشنان

تضادهای بسیار زیادی در این دوره وجود داشت. به رغم بلایای فوق، مردم موفق به خلق آثار درخشنانی شدند.^۱ فنون به پیشرفت خود ادامه داد. از سال ۱۳۱۰، سکان کشته در دریای مدیترانه به کار رفت و کشته‌ها به این وسیله مجهز شدند. قایقهای سنگین موسوم به کوج^۲ راه دریای متلاطم شمال را در پیش گرفت. در حدود سال ۱۳۵۰، ناوگانها که براساس فن عرشه کشته‌های فرانک ساخته می‌شد، در سطح آبها بهتر حرکت می‌کردند و از قطب‌نمای وارداتی از هند استفاده می‌نمودند. در اواخر قرن چهاردهم، استفاده از کاغذهای پارچه‌ای امکان چاپ اولین تصاویر بر روی چوب و تهیه اولین نقشه‌های دریایی را فراهم کرد. در شهرها، پیدایش اولین ساعتهای مکانیکی اندازه‌گیری زمان و پرداخت دقیق دستمزد کارگران را ممکن ساخت. استفاده از چرخ نخریسی متداول شد و در قرن چهاردهم، از کوره ذوب فلزات در ناحیه لیژ^۳ استفاده شد. هنر گوتیک از سبک هنری مشتعل^۴ و پیچیدگی و تزئینات فراوان برخوردار شد؛ اما در عین حال هنر ظریفی بود که گاهی اوقات به اندکی تکلف گرایش داشت. کلیساي سن ماکلو^۵ در شهر روئان (ساخت در حدود سال ۱۴۴۰) و یا عمارت شخصی

۱. دوره پایانی قرون وسطی شاهد اختراعات مهمی بود:

* ساخت شیشه که در پنجره و تهیه آئینه به کاربرده می‌شد؛

* ساخت عدسی برای عینک؛

* استفاده از سرب در ساخت لوله؛

* نصب سکان در کشته‌ها؛

* بکارگیری قطب‌نمای که به وسیله چینی‌ها اختراج شده بود؛

* استفاده از باروت توسط اروپاییان؛

* بکارگیری صنعت چاپ و اولین چاپ کتاب مقدس در سال ۱۴۵۸ - م.

2. Les kogges

3. Liège

۴. «L'art flamboyant» نوعی از سبک معماری گوتیک که تراشهای پره به شکل شعله دارد. این سبک آخرین دوره معماری گوتیک بود که نامش را از شکل مواج و شعله مانند مشبک‌کاری پنجره‌ها گرفت. [تصویر ۱۸۱] - م.

5. Saint Maclou

ژاک کُر^۱ در بورژ از جمله مظاهر این هنر جدید بود [تصاویر ۱۸۱ و ۱۸۳]. در پاریس، شارل پنجم^۲ به اقدامات قابل ملاحظه‌ای مبادرت کرد؛ دستور ساخت حصار جدیدی را در اطراف شهر صادر نمود و در موزه لوور تعدادی نمایشگاه و یک کتابخانه ایجاد کرد. به دستور پادشاه، در شرق پاریس، اقامتگاه سلطنتی جدیدی ساخته شد. کاخ سیته^۳ که در سال ۱۳۷۰، از برجی ساعت دار برخوردار شده بود، در اختیار صاحب منصبان اداری و مشاوران قضایی قرار گرفت [تصویر ۱۸۶]. پادشاهان، از این پس، در عمارت سن-پل^۴ زندگی می‌کردند. این عمارت متشکل از قصرهایی بود که به دقت تزئین و با باغهایی احاطه شده بود. اشرف متمول با ترتیب دادن مراسم شکار به همراه بانوان شیک‌پوش در صدد فراموش کردن سختی روزگار بودند. زندگی درباری به‌ویژه در آغاز سلطنت شارل ششم^۵ (۱۴۰۰-۱۳۸۰)، از درخشش و شکوه بسیاری برخوردار بود. بدین ترتیب، پاریس به عنوان پایتخت رسوم اشرافی شناخته شد. از نمونه‌های خوب هنر ظریف و خیره‌کننده این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. (Jacques Coeur) ژاک کُر (۱۴۵۶-۱۴۰۰) فرزند بازرگانی از اهالی بورژ بود. وی به دربار شارل هفتم راه یافت و خیلی زود به تاجر بزرگی مبدل شد. وی با دریافت اجازه مخصوص از پاپ برای تجارت با مسلمانان خاور نزدیک و همچنین دایر کردن خط کشتیرانی مخصوص جهت زائرانی که به بیت المقدس می‌رفتند، به ثروت هنگفتی رسید. شاید قدر تمدن‌ترین بانکدار قرون وسطای پسین ژاک کُر معروف به آقای پول یا کارشناس امور مالی بود. او پسر یک خیاط بود و ضمن اینکه نشان داد پول قدرت است این را نیز نشان داد که ثروت دشمن آفرین است. شاه شارل هفتم برای اینکه بدھی خود را به کُرنپرداز دستور داد او را بازداشت و زندانی کنند. وی اولین نماینده طبقه متوسط بود که از رنسانس به بعد به تدریج بر اروپا مسلط شد موفقیت کُر اشراف فرانسه را برآشافت. وی همه چیز خود را از دست داد. در سال ۱۴۵۱ به زندان ابد محکوم شد اما با کمک دوستانش فرار کرد و از فرانسه خارج شد. وی در پی جبران زیانهای واردہ برخود بود که در سال ۱۴۵۶ در گذشت. [تصاویر ۱۸۲ و ۱۸۳] - م.

۲. (Charles V) شارل پنجم (Charles V) (۱۳۶۴-۱۳۲۸) از سال ۱۳۶۴ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. دوره سلطنت وی مصادف با صلح موقت جنگ صد ساله بود. وی موفق شد بخش اعظم اراضی از دست رفته را بازپس گیرد. حاکمیت دولت را احیا و ویرانی‌های قلمرو را بازسازی کند. [تصویر ۱۸۴] - م.

3. Le palais de la Cité

4. L'hôtel Saint-Paul

۵. (Charles VI) شارل ششم ملقب به شارل مجنون (Charles VI) (۱۴۲۲-۱۳۶۸) از سال ۱۳۸۰ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. آشتفتگی‌های روحی وی زمینه را فراهم کرد که پادشاه انگلستان، هنری پنجم، جنگ صد ساله را از سر گیرد. [تصویر ۱۸۵] - م.

فصل پنجم / مصائب سهیگان ۱۶۹

فرشها یی نظیر فرشینه های نیکلا باتای^۱، که در سال ۱۳۸۰، در آئزه بافته شده بود و آخرالزمان را به تصویر می کشید؛ مجسمه هایی که در دیژن، توسط کلاوس اسلووتر^۲ (فاتح در سال ۱۴۰۶) برای دوک های بورگونی تراشیده شده بود و مینیاتورهای ظریفی که در حدود سال ۱۴۱۵، توسط برادران لیمبورگ^۳ برای دوک ناحیه بربی خلق شده بود.

در اواخر قرن چهاردهم، احتمالاً در ناحیه فلاندر که البته به دوک های بورگونی تعلق داشت، فن نقاشی با رنگ روغن به کار رفت. در زمانی که نقاشان فلورانسی به نوآوری های متعددی دست می زدند، برادران ون ایک^۴ چهره انسان را با ظرافت بسیار نقاشی می کردند و از سال ۱۴۲۵ به بعد، برای نمونه در تابلوی مریم مقدس با صدراعظم رولن اثر یان ون ایک^۵ [تصویر ۱۹۱]، موفق به ارائه دقیق

۱. (Nicolas Bataille) نیکلا باتای بافته مشهور پاریس در قرن پانزدهم بود. بافت فرش معروف آخرالزمان از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۰ به طول انجامید. [تصویر ۱۸۷] - م.

۲. (Claus Sluter) مجسمه ساز قرون وسطی (۱۴۰۶ - ۱۳۵۵) در ساخت سنگ قبر فیلیپ بی باک سهیم بود. وی سبک واقع گرایی را در حالت چهره (زشتی و رنج) و لباس های مجسمه های خود به کار برد. [تصاویر ۱۸۸ و ۱۸۹] - م.

۳. (Les frères de Limbourg) پل، ژان و هرمان لیمبورگ برادران نقاشی بودند که به دلیل خلق مینیاتورهایی برای دوک ناحیه بربی در فرانسه به شهرت رسیدند. بسیاری از آثار آنها ناتمام ماند چرا که هر سه بر اثر بیماری طاعون جان باختند. [تصویر ۱۹۰] - م.

۴. (Les frères Van Eyck) برادران ون ایک تا مدت‌ها به عنوان ابداع کننده روش نقاشی رنگ روغن محسوب می شدند اما امروزه، بسیاری از تاریخ دانان بر این عقیده‌اند که از نقاشی رنگ روغن در انتهای قرون وسطی نیز استفاده می شده است. نقاشی های آنان شامل واقع گرایی تازه‌ای بود. شکلها با جزئیات دقیق تری خلق می شدند. لبه ها صاف و قابل رویت بودند. از رنگهای گرم و هیجان انگیز استفاده می کردند. درباره یان و هوبرت ون ایک می توان از طریق مدارکی نظیر نامه ها، یادداشت های مالی و سایر یادداشت های قانونی اطلاعات بیشتری به دست آورد. یان (۱۴۴۱ - ۱۳۹۰) از برادر بزرگترش هوبرت (۱۴۲۶ - ۱۳۷۰) که او نیز نقاش بود، مشهورتر است - م.

۵. (Jan Van Eyck) آثار یان معمولاً توسط خود او امضاشده اند و دارای تاریخ می باشند. وی همانند سایر نقاشان، طیف وسیعی از علایم و نشانه هارا در نقاشی های خود به عنیزه در آثار مذهبی به کار می برد. این نشانه ها برای افرادی که این نقاشی ها را در کلیسا می دیدند، کاملاً قابل فهم بود. نقاشان شمالی تا پیش از این، عیسی کوک را چنان طراحی می کردند که گویا او عروسک کوچک بر هنای است که روی پاهای مریم مقدس دراز کشیده است. در زیر قلم ون ایک، عیسی کوچک که سعی می کند کتابی را که در دست مادرش است بگیرد، همانند یک کوک واقعی است. وی به گسترش میزان استفاده از دورنما و جزئیات داخلی و استفاده از روغن به عنوان حلال رنگ، کمک شایانی کرد. [تصاویر ۱۹۲، ۱۹۳ و ۱۹۴] - م.

ژرفانمایی^۱ شدند. شاهکار آنها، تابلوی مرکب بره عرفانی^۲ [تصویر ۱۹۳۲] در سال ۱۴۳۲، در شهر گاند پایان یافت. پادشاهی مانند شارل پنجم که دوستدار کتابهای زیبا بود، شاهزاده‌هایی نظیر لویی اولان^۳، ژان بری^۴، فیلیپ نیکسیرت^۵، رنه آنژو^۶ که عاشق انواع هنر و جشن و نیز ابداع‌کننده مُدهای پوشک بودند، حامیان اصلی هنر و آموزش^۷ به‌شمار می‌آمدند. به لطف پشتیبانی این شاهزاده‌ها، در اوآخر قرن چهاردهم، کانون انسان‌گرایی (اومنیسم)^۸ متقدمی در پاریس تشکیل و شکوفا شد. اندیشه و تفکر ظرافت بیشتری پیدا کرد. شارل پنجم نیکلا اورس^۹ را ترغیب کرد تا آثار ارسسطو (سیاست)^{۱۰} و اگوستینوس قدیس (شهر خدا) را به زبان فرانسه ترجمه کند.

۱. (La perspective) ژرفانمایی یا پرسپکتیو در زمینه دید و پندار دیداری، شیوه‌ای است که از طریق آن، اشیا بر اساس فاصله، ابعاد و یا جایگاهشان نسبت به چشم نمایان می‌شوند -م.

2. L'Agneau mystique

۳. (Louis d'Orléans) لویی اولان (۱۴۰۷-۱۳۷۲) شاهزاده فرانسوی دورمان والوا، تنها برادر شارل ششم بود. وی به جشنها و هنر علاقه داشت و دستور داد عمارتهای زیبایی در پاریس بسازند -م.

۴. (Jean de Berry) ژان بری (۱۴۱۶-۱۳۴۰) سومین پسر پادشاه فرانسه، ژان نیکسیرت بود. وی نیز به هنر و ادبیات علاقه داشت و از خلق آثار هنری حمایت می‌کرد -م.

۵. (Philippe le Bon) شاهزاده فیلیپ نیکسیرت (۱۴۶۷-۱۳۹۶) پسر ژان نرس و دوک بورگونی بود. فرقه شوالیه‌گری پشم طلایی توسط وی ایجاد شد. وی از هنرمندان بهویژه نقاشان و مجسمه سازان حمایت می‌کرد. [تصویر ۱۹۴] -م.

۶. (René d'Anjou) رنه آنژو (۱۴۰۹-۱۴۸۰) ادیب فرهیخته‌ای بود که زبانهای لاتین، یونانی و ایتالیایی را می‌دانست و به علومی نظیر زیست‌شناسی و پزشکی، به زبان عربی و به مشرق زمین علاقه داشت. وی به هنگام جنگ صد ساله، از شارل هفتم در برابر انگلیسی‌ها حمایت کرد -م.

۷. (Octave Augste) «این کلمه از نام *Mécène*»، مشاور اولین امپراتور روم موسوم به آکتاو آگوست گرفته شده است. وی از شاعران بزرگ روم نظیر هوراس و ویرژیل حمایت می‌کرد. در این دوره، به عنوان اسم عام، به شخص بانفوذ و ثروتمندی گفته می‌شد که حامی نویسندهان، هنرمندان و دانشمندان بود. پشتیبانی شخصی از هنر و آموزش در پیدایش رنسانس نقش مهمی بازی کرد. این پشتیبانی شامل تأمین هزینه ساختن مدارس و پرداخت حقوق معلمان و حمایت از هنرمندانی می‌شد که می‌توانستند وقت خود را صرف نقاشی پیکرتراشی و کنده‌کاری روی چوب کنند -م.

۸. (L'humanisme) اومنیسم از واژه *Humanus* (Humanus) به معنی بشر دوستی است -م.

۹. (Nicolas Oresme) نیکلا اورس (۱۳۲۵-۱۳۸۲) اقتصاد دان، ریاضیدان، منجم، فیلسوف و مترجم فرانسوی قرن چهاردهم بود. از وی به عنوان یکی از پیشگامان دوره رنسانس و آئیشتین قرن چهاردهم نام برده شده است. [تصویر ۱۹۵] -م.

۱۰. (La Politique) این کتاب روح فلسفه پیشو زمان ارسطور را منعکس می‌کند و سرچشمه اصلی اندیشه‌هایی است که تا پایان قرون وسطی بر فلسفه سیاسی غرب اثر گذاشت -م.

تاریخ نگاری‌های فرواسارت^۱، اشعار استاش دشان^۲، کریستین پیزان^۳ و شاهزاده شارل ارلان^۴ گواهی بر این تجدید حیات ادبی بود.

دوران سلطنت محدود^۵

پیوند مشکلات و بدبختی‌ها با پیدایش انتقاداتی علیه سلطنت آشکار شد. انگلیسی‌ها به دفعات شکست‌های سنگین و تحقیرآمیزی را بر پادشاهان فرانسه تحمیل کردند.^۶ یکی از این پادشاهان به نام ژان نیک‌سیرت^۷ در سال ۱۳۵۶، در جنگ پوآتیه به اسارت در آمد. خیلی زود، دودمان جدید والوا با کاهش اعتبار خود مواجه شد. شاهان دودمان والوا که مشروعیت‌شان زیر سؤال بود، در اواسط قرن چهاردهم، با تفسیر قانون سالیک (قانون قدیمی فرانک‌ها)، شرایط را برای تدوین قانون جانشینی اولاد ذکور در سلطنت مهیا کردند. قدرت مرکزی به دفعات، دوره‌های طولانی تزلزل را پشت سر گذاشت. این دوران، زمینه را برای توطئه‌چینی‌ها و حتی بروز جنگ داخلی فراهم کرد. از این منظر، اسارت ژان نیک‌سیرت از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۰

1. Froissart

۲. این شاعر فرانسوی (Eustache Deschamps) (۱۳۴۶–۱۴۰۶) در دربار شارل پنجم مناصب مختلفی را به عهده داشت و اشعار تاریخی بسیاری برای مردان بزرگ دوره خود نظیر شارل ششم، لویی ارلان سرود.^۸
 ۳. (Christine de Pisan) کریستین پیزان (۱۳۶۴–۱۴۳۰) فیلسوف و شاعره فرانسوی است. وی اولین نویسنده زن فرانسوی بود که با نویسنده‌ی مخارج زندگی خود را تأمین می‌کرد. [تصویر ۱۹۶]–م.
 ۴. (Charles d'Orléans) شارل ارلان (۱۳۹۴–۱۴۶۵) شاهزاده فرانسوی بیشتر به دلیل اثر منظومی که در دوره طولانی اسارت خود در انگلستان سرود، به شهرت رسید.^۹–م.

5. La monarchie tempérée

۶. به عنوان مثال، در نبرد کرسی، انگلیسی‌ها به دلیل داشتن موقعیت خوب، تسلط بر بلندی‌های اطراف، حفر خندقهای و استفاده از تیر اندازان ماهر برتری خود را به فرانسویان نشان دادند و جنگ را به سود خود پایان دادند.^{۱۰}–م.

۷. (Jean le Bon) ژان نیک‌سیرت (۱۳۶۴–۱۳۱۹)، از سال ۱۳۵۰ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی ارتضی بزرگ فراهم کرد و در غرب فرانسه، در ناحیه پرآتیه، به مقابله با ارتش انگلستان به فرماندهی ادوارد شتافت. نبرد پوآتیه از نظر بسیاری از مورخان، نقطه عطف استفاده از شوالیه بود زیرا باعث شد اهمیت سواران زره‌پوش کمتر و اهمیت پیاده نظام و کمانداران افزایش یابد. فیلیپ از سر غرور، به نیروهایش دستور حمله آزادانه به نیروهای دشمن را داد اما انگلیسی‌ها با اتکا به کمانداران خود، این نیروها را در هم کوبیدند. تیرهای این کمانداران تا ۲۰۰ متر برد داشت. در این نبرد هولناک، صدها شوالیه فرانسوی قبل از رسیدن به دشمن با اصابت تیر کشته شدند. ژان هم اسیر شد. [تصویر ۱۹۷]–م.

سپس در سال ۱۳۶۴ و بحران جنون شارل ششم که به مرگش انجامید، فاجعه‌آمیز بود. وسعت سرزمین انتقال فرامین را با مشکل مواجه می‌کرد و مانع از تجمع سریع سپاهیان می‌شد: برای آنکه پیام‌رسان شاه از پاریس به پریگو برود، در فصل تابستان شش روز و در فصل زمستان ده روز وقت لازم بود.

جنگ صد ساله و فدیه سنگینی که انگلیسی‌ها برای آزادی ژان نیک‌سیرت مطالبه کرده بودند، به سرعت سبب بروز مشکل مالی برای حکومت شد و پادشاه دیگر نمی‌توانست با عایدات قلمرو خود زندگی کند. سرانجام، این موقعیت طی قرن چهاردهم، زمینه را برای وضع مجدد و پرداخت منظم مالیات بر منازل، نوشیدنی‌ها و نمک فراهم کرد.^۱ البته اخذ این مالیاتها به همین سادگی نبود. بدین منظور، پادشاهان می‌بایست در چند نوبت از نمایندگان مجلس دعوت به عمل می‌آوردند. این نمایندگان از اشراف، کشیشان و بورژواها بودند که اغلب اوقات تشکیل جلسه می‌دادند (برای مثال جلسات سالهای ۱۳۴۳، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۵۵، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ وغیره) و خیلی زود از این موقعیت بهره بردند. این گفتگوهای به‌ویژه در ایالات اویل زبان، همراه با ناآرامی بود. از این دوره به بعد، بلاغت به عنوان قابلیت ممتاز سیاسی محسوب می‌شد. شاهزاده شارل بد کردار^۲ و ولی‌عهد فرانسه^۳ به صورت علنی، با یکدیگر به مجادله پرداختند. برای انتقاد از مشاوران پادشاه، مطالبه اصلاحات و اداره هر چه بهتر دولت، گروههای متعددی با حمایت شاهزاده‌هایی نظیر شارل بدکردار

۱. نظام مالیاتی:

پس از تلاش‌های بسیار، در فاصله سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۹۰، نظام مالیاتی کشور با وضع مالیات مستقیمی موسوم به مالیات هر کوره آتش که بعدها مالیات بر منازل نامیده شد و اخذ دونوع مالیات غیر مستقیم یعنی مالیات بر نوشیدنی‌ها و مالیات بر نمک نظام و ترتیب یافت. این نظام منظم مالیاتی که بسیار ناعادلانه بود، روزنایان را تحت فشار قرار می‌داد اما کشیشان، اشراف و طبقه مشاوران حقوقی دربار را که منسوب به «اشراف قباپوش» بودند، از پرداخت مالیات معاف می‌کرد. مردم بسیاری از شهرها، از طریق پرداخت «حق اشتراک» و انجام مذاکرات، از تخفیف‌های قابل توجهی برخوردار می‌شدند.^۴

². (Charles le Mauvais) شارل بدکردار (۱۳۳۲–۱۳۸۷)، نه تنها به هیچ یک از اهداف خود مانند جلوس بر تخت پادشاهی فرانسه نرسید، بلکه به دلیل حمایت مقطوعی از انگلیسی‌ها در جنگ صد ساله، اعتبار خود را از دست داد. [تصویر ۱۹۸] - م.

³. (Le dauphin) عنوان ولی‌عهد و وارث تاج و تخت پادشاهی بود. شارل پنجم اویل و پسر شارل دهم، کنست آنگولم، آخرین ولی‌عهد تاریخ فرانسه به شمار می‌آید. - م.

و سپس ژان نترس^۱، شکل گرفت. این گروهها از این طریق در صدد نفوذ در شورای سلطنتی بودند. بین نمایندگان مجلس و پادشاه گفتگو و چانهزنی جریان داشت. در نتیجه، نمایندگان به وضع مالیات رضایت می‌دادند؛ اما خواستار نظارت خودشان بر وضع این مالیاتها بودند. بدین ترتیب، در سال ۱۳۵۵، گروه «برگزیدگان»^۲ به وجود آمد که اعضای آن از بین نمایندگان مجلس انتخاب می‌شدند و مسئولیت وضع مالیات منازل (مالیات هر «کوره آتش» یا هر خانواده) را به عهده داشتند. نمایندگان مجلس که جسور شده بودند، پارا از این فراتر گذاشته و با الهام گرفتن از اصلاحات اداری سالهای ۱۳۵۷، ۱۴۱۳ و ۱۴۳۹ و حتی دخالت در سیاست خارجی، شروع به ایفای نقش قانونگذاری کردند. در سال ۱۳۵۹، این نمایندگان مجلس بودند که برنامه قرارداد زیانباری را با انگلستان رد کردند. ده سال بعد، شارل پنجم، پیش از آنکه دوباره رهسپار جنگ با ادوارد سوم شود، محتاطانه، با نمایندگان مجلس مشورت کرد. در دوره‌های سخت (سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸)، نمایندگان مجلس حتی در صدد برآمدند که حکومت سلطنتی را تحت قیومیت خود قرار دهند. از این زمان به بعد، قدرت حاکم مجبور بود مذاکره کند، حیله و نیرنگ به کار برد و از زمان به بهترین وجه استفاده نماید. در یک مقطع زمانی بین سالهای ۱۳۷۰ و ۱۴۲۰، تحت تأثیر اندیشه‌های ارسسطو، پادشاه پذیرفت که صاحب منصبان عالی رتبه نظیر صدراعظم، رؤسا و مشاوران دیوان عدلیه توسط اعضای مجلس انتخاب شوند. در این دوره، پاریس به عنوان شهر شورش و اغلب اعتراض پرآوازه شده بود. برای مقابله با این تهدید، شارل پنجم در شرق پایتخت، دستور ساخت قلعه باستی^۳ و برج ونسین^۴ را صادر کرد. در قرن پانزدهم، شارل هفتم^۵ که بسیار بد گمان بود، نهاد سلطنت را در دره رود لوار مستقر کرد.

گرچه مجلس قدرت پادشاه را تهدید می‌کرد؛ اما هیچ‌گاه به معنای حقیقی، موفق

1. (Jean sans Peur) ژان نترس (۱۴۱۹-۱۳۷۱) دوک بورگونی، رقیب ویعهد شارل هفتم بود. [تصویر ۱۹۹]

2. Les élus

3. La Bastille

4. Vincennes

5. (Charles VII) شارل هفتم (۱۴۶۱-۱۴۰۳)، از سال ۱۴۲۲ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی به کمک

ژندارک، در سال ۱۴۵۳، به جنگ صد ساله پایان داد. [تصویر ۲۰۰]

به استقرار دولت پارلمانی^۱ نشد. برخلاف مجلس انگلستان، مجلس فرانسه بسیار نامنظم تشکیل جلسه می‌داد. در ضمن، سازماندهی ناقص نمایندگان، تأثیر آنها را محدود کرده بود. آنها به مجالس مختلفی نظیر مجلس ایالات اویل زیان، مجلس ایالات اُک زیان و مجلس ایالتی تقسیم شدند. پادشاهان توانستند خیلی زود از این تشقت بهره‌برداری کنند. گرچه نمایندگان شهرها انتخاب می‌شدند؛ اما کشیشان عالی رتبه و اشراف به خواست خود در این مجالس حضور می‌یافتند. حکومت سلطنتی که مورد انتقاد قرار گرفته بود، به حکومتی محدود و مقید مبدل شد و پادشاه باید به مذاکره با مخالفان می‌پرداخت؛ اما به رغم بحرانهای موجود، ساختار حکومت سلطنتی همچنان پایدار ماند. گرچه پادشاهان بخشی از حقوق خود را به مجالس واگذار کردند؛ اما در عین حال توانستند به نظریه قدرت سلطنتی غنا بخشنند. این نظریه که تاج و تخت به پادشاه تعلق ندارد، بلکه وی امانت‌دار آن است، به دوره سلطنت شارل پنجم برمی‌گردد.^۲

رویدادهای برجسته

اولین نقش آفرینی‌ها

دوران حساس و سرنوشت‌ساز، شاهانی با اراده و باهوش طلب می‌کرد. چنین شاهانی به ندرت وجود داشتند. در فاصله سالهای ۱۳۲۸ و ۱۴۶۱، به ترتیب، پنج شاه بر تخت سلطنتی فرانسه جلوس کردند. دو تن از آنها فرومایه بودند، یکی مجنون و دیگری متزلزل و بی‌ثبات بود و اقداماتش موجب حیرت اطرافیان می‌شد. فقط یکی از آنها عظمت یک دولتمرد را داشت.

در سال ۱۳۲۸، مرگ آخرین پادشاه بلافصل دودمان کاپسین، شارل چهارم [ملقب به] زیبارو، که فرزند ذکوری از خود به جای نگذاشته بود، موجب شد تا

۱. دولتی که برخاسته از رأی مجلس باشد - م. *Le gouvernement parlementaire*.

۲. تجلیل از حکومت سلطنتی:

شارل پنجم که به مفهوم دولت عقیده داشت، تمام تلاش خود را در جهت تجلیل از قدرت پادشاهی کرد و عظمت آن را خاطر نشان ساخت. از این پس، دربار فرانسه برای عنوان سلطنت احترام قائل بود. در حدود سال ۱۳۸۰، مراسم ورود پادشاه به پایتخت برگزار می‌شد. سفر حاکم به ایالات بهانه‌ای بود برای ترتیب دادن رژه‌های رسمی و جشنواره‌ای باشکوه (فواره‌های شراب، شیبورزنی). پادشاه به همراه محافظان تشریفاتی که لباسهای خیره‌کننده‌ای به تن داشتند، وارد شهر می‌شد. سایه‌انی که در بالای سر حاکم قرار داشت، نشان‌دهنده شخصیت مقدس وی بود - ن.

فصل پنجم / مصائب سهیگان ۱۷۵

اربابان بزرگ، کشیشان و تعدادی از نمایندگان شهرها به منظور انتخاب پادشاه جدید دور هم جمع شوند. شاهزاده انگلیسی، ادوارد سوم از عناوین قابل توجه و ارزشمندی برخوردار بود؛ اما فقط پانزده سال داشت و شاهزاده‌ای بیگانه بود. مجلس وی را ترجیح می‌داد؛ اما با توجه به احساسات ملی^۱، تاج سلطنتی را به پسرعموی شاه فقید، فیلیپ والوا و اگذار کرد. بدین ترتیب، در سی و پنج سالگی، این شاه شهسوار و با وقار، پایه‌گذار دودمان والوا شد. متأسفانه، فیلیپ ششم [فیلیپ والوا] که از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۵۰ حکومت کرد، فرمانروایی ضعیف‌نفس و نسبتاً بی‌مایه بود. ژان دوم معروف به نیک‌سیرت^۲ که از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۴ حکومت کرد، به ادبیات ارج می‌نهاد و برای سنتهای شوالیه‌گری احترام قائل بود؛ اما شخصیت افراط‌گرا، بی‌ثبات و لجوج وی مانع از درک روشن او از وقایع می‌گشت و او را به اقدامات ناشیانه زیادی وا می‌داشت. ژان داماد خود، شارل بدندرار را بهشدت تحقیر می‌کرد. شارل از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۸۷، شاه ناوار و از نوادگان بلافضل یکی از همسران فیلیپ زیبارو بود. طی سالهای متتمادی، شارل بدندرار که سخنپردازی حاذق بود و استعداد توطنده چینی داشت، اغلب اوقات به کمک انگلیسی‌ها، علیه پادشاهان دودمان والوا به توطنه‌های متعددی مبادرت می‌کرد.

پسر ارشد ژان نیک‌سیرت، به نام شارل، اولین شاهزاده‌ای بود که از عنوان ولی‌عهد برخوردار شد. این عنوان از نام ایالت دُفینه^۳ بر گرفته شده بود که در سال ۱۳۴۹، توسط فیلیپ ششم خریداری و سپس به عنوان ارث مادام‌العمر به شاهزاده وارت داده شد. شارل در هجده سالگی، در موقعیتی بسیار دشوار، به هنگام اسارت پدرش به خوبی از عهده مسئولیت نیابت سلطنت برآمد.

۱. در واقع، این قرون وسطی پسین بود که مفهوم ملت را برای ما به ارمغان آورد. پیش از دوره قرون وسطی چیزی به نام ملت وجود نداشت. در حالی که در قرن بیستم ملت مهم‌ترین تقسیم‌بندی سیاسی است در یونان و روم باستان شهر یا دولت شهر واحد اصلی سیاسی بود. ملت یک بخش از دنیا مدرن ماست که در قرون وسطی پسین ریشه دارد.-م.

۲. (Jean II dit le Bon) ژان دوم (۱۳۱۹-۱۳۶۴) پسر فیلیپ ششم و ژان بورگونی از سال ۱۳۵۰ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. [تصویر ۱۹۷]-م.

3. Le Dauphiné

شارل پنجم ملقب به خردمند^۱ که از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۸۰ حکومت کرد، خصوصیات جسمانی دو پادشاه پیشین را نداشت. این پادشاه رنگ پریده و رنجور که دست راستش همیشه ورم داشت و از فیستول بازوی چپ خود رنج می‌برد، انسانی منزوی و متفکر بود و معمولاً پنهان‌کاری می‌کرد. شارل پنجم پرکار، دوستدار موسیقی، مطالعه و علاقه‌مند به اندیشه‌های ارسطو بود. همکاران بر جسته‌ای نظیر مشاوران حقوقی دربار نیکلا اورس و فیلیپ مزیر^۲، فرمانده کل ارتش گسلن^۳ و دریاسalar ژان وین^۴ اطراف وی بودند. ویژگی بارز دوره حکومت وی تجدید قوای نظامی و ظهور سکه «معتبری» موسوم به فرانک^۵ در سال ۱۳۶۴ بود. شارل پنجم به برادرانش اراضی حاصلخیزی بخشید: لویی، ناحیه آنژو را به دست آورد و ژان بری، فیلیپ ملقب به بی‌باک^۶، ناحیه بورگونی را به ارث برد و به زودی به واسطه ازدواجش با وارث کنت نشین فلاندر، آنجا را نیز به چنگ آورد. بدین ترتیب، خاندان متغذی دوکهای بورگونی یعنی شاهزاده‌های والوا شکل گرفت که به تدریج، در صدد استقلال ایالات خویش برآمدند: فیلیپ بی‌باک (مرگ در سال ۱۴۰۴)، ژان نترس (قتل در سال ۱۴۱۹)، فیلیپ نیکسیرت (مرگ در سال ۱۴۶۷) و سرانجام

1. Charles V dit le Sage

۲. (Philippe de Mézières) فیلیپ مزیر (۱۳۲۷-۱۴۰۵) یکی از جنگجویان و نویسنده‌گان فرانسوی قرون وسطی بود. شرکت در جنگ صلیبی، توجه به فرقه‌های جدید شوالیه‌گری، حضور فعال در دربار به عنوان مشاور پادشاه و آموزگار فرزندان وی و نگارش آثار بسیار از جمله مشخصه‌های زندگی اوست.^۷

۳. (Du Guesclin) برتراند گسلن (۱۳۲۰-۱۳۸۰) از اشراف بریتانی و فرمانده کل ارتش فرانسه بود. این جنگجو بارها به اسارت درآمد اما شارل پنجم بهای آزادی وی را می‌پرداخت. در نبردهای خود، از حیله و ترفند استفاده می‌کرد. برای مثال، به منظور آزاد سازی نیورت از سلطه انگلستان، سربازان خود را با پوشش سربازان انگلیسی بدون هیچ مقاومتی وارد شهر کرد و به راحتی در نبرد چیره شد. وی در یکی از مبارزات خود احتمالاً به دلیل نوشیدن بیش از حد آب سرد پس از مبارزه‌ای طولانی زیر آفتاب داغ جان باخت.

[تصویر ۲۰۱-۷]

۴. (Jean de Vienne) دریاسalar فرانسوی طی جنگ صد ساله بود. شغل نظامی خود را از ۹ سالگی آغاز کرد و به لشکرکشی‌های متعددی در سواحل جنوبی انگلستان مبادرت نمود.^۸

5. Le franc

۶. (Philippe dit le Hardi) فیلیپ بی‌باک (۱۴۰۴-۱۳۴۲) پسر ژان دوم و دوک بورگونی بود. شاه انگلستان، ادوارد سوم، به دلیل فریادهای جسوسرانه وی در کنار پدرش به هنگام نبرد پواتیه «پدر سمت چپ بمانید، پدر سمت راست بمانید» به وی لقب «بی‌باک» را داد. [تصویر ۱۳۲-۷]

شارل دلاور^۱ (قتل در سال ۱۴۷۷).

شارل ششم که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۴۲۲ شاه فرانسه بود، در اوت ۱۳۹۲، دچار حمله جنون شدیدی شد. حادثه‌ای که در سال ۱۳۹۳، طی مجلس رقص بالماسکه رخ داد، سبب و خامت بیماری اش شد. از این پس، دوره‌های هوشیاری شاه بسیار نادر بود و وی محجور شد و عموماً مسؤولیت نیابت سلطنت را به عهده گرفتند.^۲ برادرش لوئی آرلثان، همسر والاتین ویسکونتی^۳، به زودی با پسر عمومی خود، ژان نترس، دوک بورگونی درگیر شد و در سال ۱۴۰۷، به دستور وی به قتل رسید! ملکه فرانسه، ایزابو باویر^۴، همسر پادشاه مجنون، با برادر شوهر خود، لوئی آرلثان و سپس با عاشق دیگر خود رابطه داشت. وی به توطئه چینی با انگلستان پرداخت و در نهایت، منکر پرسش، شارل هفتم شد و او را نامشروع خواند. شارل هفتم که از سال ۱۴۲۲ تا سال ۱۴۶۱ حکومت کرد، بسیار ترسو و بی ثبات بود، هراسهای غریبی داشت؛ از جمله اینکه جرئت نمی‌کرد سوار بر اسب از پلی چوبی عبور کند و بسیار از انکار مادرش متأثر شده بود. در سال ۱۴۲۹، ژندارک^۵ تاج پادشاهی را بر سر وی نهاد و

۱. (Charles le Téméraire) شارل دلاور (۱۴۷۷ - ۱۴۳۳) چهارمین و آخرین دوک بورگونی و حاکم ایالات بورگونی بود و لقب «دوک کبیر غرب» را به دست آورد. [تصویر ۲۰۲] - م.

۲. جنون پادشاه فرانسه موجب خلع وی از سلطنت نشد و نهاد سلطنتی به قوت خود باقی ماند. این امر نشان می‌داد تا چه اندازه حکومت مطلقه در اذهان عمومی ثبت شده بود که حتی توانایی‌های پادشاه که تداعی کننده این نوع حکومت بود، اهمیت چندانی نداشت - م.

۳. (Valentine Visconti) ویسکونتی (۱۴۰۸ - ۱۳۶۸) پس از ازدواج با پسر شارل پنجم، لوئی فرانس، دوشیز آرلثان شد. [تصویر ۲۰۳] - م.

۴. (Isabeau de Bavière) ایزابو باویر (۱۴۳۵ - ۱۳۷۱) همسر شارل ششم در جنگ داخلی آرمانیاک‌ها و بورگونی‌ها نقش داشت - م.

۵. (Jeanne d'Arc) ژندارک (۱۴۳۱ - ۱۴۱۲) ملقب به دوشیزه آرلثان به واسطه نقش مهمی که در جنگ صد ساله در برابر انگلیسی‌ها ایفا نمود، قهرمان ملی فرانسه به شمار آمد. وی به اتهام کفر و الحاد (اصرار بر شنیدن ندای قدیسین) توسط کلیسا محکوم و در آتش سوزانده شد. این دختر ۱۷ ساله به استطوره ملی ایمان و میهن‌پرستی مبدل شد چنانکه در قرن نوزدهم، جمهوریخواهان وی را یکی از شخصیت‌های اصلی تاریخ فرانسه قلمداد می‌کردند و در جنگ جهانی اول با آنکه دشمن نازی‌ها بودند و نه انگلیسی‌ها، فرانسویان ژندارک را گرامی می‌داشتند. در پایان جنگ در سال ۱۹۲۰، ژندارک توسط کلیسا تقدیس شد. امروزه، حزب راست افراطی به دلیل جهت‌گیری ملی گرایانه و وطن پرستانه خود از تصویر جاودان ژندارک بهره‌برداری می‌کند. [تصویر ۲۰۴] - م.

موفق شد شجاعت را به او بازگرداند. طی سالهای بعد و با کهولت سن، این پادشاه، اعتماد به نفس خود را به دست آورد و در سال ۱۴۵۳، پیروزی سرنوشت‌سازی را علیه انگلستان رقم زد.

نبرد در سده‌های چهاردهم و پانزدهم

جنگ صد ساله مستقیماً از درگیری میان دودمان‌ها ناشی نشد. ادوارد سوم که از سلطنت فرانسه محروم شده بود، در سال ۱۳۲۹، حاضر شد برای ناحیه گوین به فیلیپ ششم اعلام وفاداری کند. خلاصه، در سال ۱۳۳۷، جنگ بین دو پادشاهی آغاز شد، در حالی که از سالها پیش مبارزاتی به قصد نفوذ در ایالات بریتانی و فلاندر، فرانسویان و انگلیسی‌ها را در برابر هم قرار می‌داد. فیلیپ ششم با حمایت از شورش اسکاتلندي‌ها^۱ علیه ادوارد سوم و همچنین با تحریک و تشویق داروغه‌ها و رؤسای عدلیه به دست اندازی بر گوین، پادشاه انگلستان را در موقعیت دشواری قرار داد. ادوارد سوم که بسیار آزرده خاطر شده بود، بی‌تردید، چاره دیگری ندید جز آنکه هرگونه پیوند وفاداری با پادشاه فرانسه را قطع کند. این جنگ بسیار طولانی (۱۳۳۷-۱۴۵۳)، دو پادشاهی متفاوت را در مقابل هم قرار داد. فرانسه جمعیتی معادل چهار برابر رقیب خود، انگلستان داشت؛ اما تا مدت مديدة، قادر تشکیلات نظامی منسجم و سازمان یافته بود و متحمل شکستهای فراوانی شد. در این جنگ، می‌توان به چهار مرحله متمایز اشاره کرد:

در مرحله اول، فرانسه در نبردها یکی پس از دیگری شکست خورد (۱۳۶۰-۱۳۳۷)؛ سپس مرحله تجدید قوای نظامی و آتش بس موقت (۱۴۰۴-۱۳۶۰)، به دنبال آن دومین مرحله مصیبت‌بار برای کشور فرانسه (۱۴۰۴-۱۴۲۲) و در پایان، پیروزی نهایی که در دوره سلطنت شارل هفتم به دست آمد (۱۴۲۲-۱۴۵۳).^۲

این جنگ هرگز در واقعیت صد سال طول نکشید. نبردهای واقعی حدود سی سال

1. Les Écossais

۲. نتایج جنگ صد ساله عبارتند از: ویرانی سرزمینهای دو کشور فرانسه و انگلستان؛ نابودی بسیاری از شوالیه‌های فرانسه و سربازان انگلستان؛ تحمل مالیات‌های گراف به دهقانان برای جبران مخارج جنگ؛ شیوع بیماری‌های گوناگون؛ افول فنادالیسم و اتحاد ملت فرانسه؛ پیشرفت در تاکتیک‌های جنگی و تقویت نیروی دریایی انگلستان و ایجاد پارلمان در این کشور -م.

فصل پنجم / مصائب سه‌میگین ۱۷۹

طول کشید که با پیمانهای آتش بس وقت متعددی که اغلب اوقات به دلیل مشکلات مالی دو حکومت سلطنتی ناگزیر می‌نمود، متوقف می‌شد. تا سال ۱۳۷۸، پاپهای فرانسوی اغلب نقش میانجی را ایفا می‌کردند و به پادشاهی فرانسه یاری می‌رساندند. گرچه در سال ۱۳۴۰، ادوارد سوم در مجموع ۳۰ هزار سرباز و فیلیپ ششم حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار نیرو در اختیار داشتند؛ اما به تدریج، تعداد واقعی مبارزان به دلیل بحران جمعیت در حال کاهش بود. در سال ۱۴۴۹، تعداد سربازان ارتش فرانسه از ۱۸ تا ۱۹ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. سواره‌نظام، برای مدت طولانی، نقش اصلی را در جنگ ایفا می‌نمود و متشكل بود از شوالیه‌ها و کمکهای سواره آنها^۱، کمانداران، خنجر به‌دستان و گماشته‌های آنان. شوالیه‌ها که خودشان مخارج تجهیزات نظامی خود را می‌برداختند، اغلب، از چند اسب برخوردار بوده و از نیزه، شمشیر و گرز استفاده می‌کردند. زره که در آغاز درگیری‌ها، بسیار ابتدایی بود، به تدریج، وزین و مقاوم‌تر شد (در حدود سال ۱۴۰۰، حدود ۲۰ کیلوگرم وزن داشت). گاهی اوقات، به کمک زره از اسبها نیز محافظت می‌شد. بهای گزاف این تجهیزات، تلاش قوای پیروز برای گرفتن اسرای بیشتر را توجیه می‌کرد. تمام اشراف برای آزادی از اسارت باید فدیه می‌برداختند. به دفعات، حوادث ناگواری برای گسکلن به وقوع پیوست. در قرن پانزدهم، شاهزاده شارل اولثان به‌مدت ۲۵ سال اسیر انگلیسی‌ها بود. به تدریج، پیاده نظام نیز نقش تعیین کننده‌ای را ایفا کرد. این افراد عادی که اغلب مزدور بودند، از کمان استفاده می‌کردند. مزدوران ایتالیایی که به فرانسه خدمت می‌کردند، در استفاده از کمان مهارت داشتند. این سلاح با قدرت تا فاصله صد متری تیری را پرتاب می‌کرد که می‌توانست از زره عبور کند؛ اما استفاده از این ابزار سنگین دشوار بود؛ برای خم کردن زه کمان قرقه لازم بود. انگلیسی‌ها ترجیح می‌دادند از کمانهای بزرگ دو متری استفاده کنند که از چوب درخت سرخدار ساخته

۱. با موروثی شدن املاک، صرفاً پسر ارشد به عنوان وارث شناخته می‌شد. فرزندان دیگر برای تربیت از هفت سالگی به ارباب سپرده می‌شدند تا در سوارکاری و استفاده از شمشیر مهارت یابند. در چهارده سالگی دستیار شوالیه دیگری می‌شدند و همراه او به جنگ می‌رفتند و کارهایی مانند حمل سلاحهای ذخیره، بردن اسب یدک، بلند کردن شوالیه از زمین در صورت سقوط وی از اسب و مراقبت از اسیران جنگی را انجام می‌دادند و بدین ترتیب با چگونگی جنگهای واقعی آشنا می‌شدند. دستیار شوالیه در مراسم ویژه‌ای با زانو زدن در برابر شوالیه، سر خود را خم می‌کرد و شوالیه با پشت شمشیر ضربه آهسته‌ای به پشت گردن وی می‌زد. این تشریفات برای این بود که شوالیه جوان اهمیت مقام خود را دریابد - م.

شده و سبک‌تر، سریع‌تر و خوش دست‌تر بود؛ اما برد آن از ۵۰ متر تجاوز نمی‌کرد. نیزه‌داران که آرایش آنها مربعی شکل بود و با سپر محافظت می‌شدند، در واقع، بیشه‌هایی آهنی را تشکیل می‌دادند که می‌توانست صفوف سواره‌نظام دشمن را در هم شکند. نوآوری مهم دیگر این جنگ، مربوط به ظهور توپخانه بود. در فاصله سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، جنگ افزارهای ابتدایی نظیر نوعی منجنیق که گلوله‌های سنگی پرتاپ می‌کرد، در فلورانس و در متس به کار گرفته شد. احتمالاً انگلیسی‌ها در سال ۱۳۴۶، در نبرد کرسی، سه نوع از ادوات مذکور را به کار برداشتند. از این زمان به بعد، رسته جدیدی موسوم به توپچیان به وجود آمد. این افراد که معمولاً از بین ریخته‌گران ناقوس کلیسا به خدمت گرفته می‌شدند، باید دانش ذوب توپ توپخانه و مهارت ساخت باروت با ترکیب شوره، گوگرد و زغال را می‌داشتند. در اوایل قرن چهاردهم، توپهای تکامل یافته به تدریج عامل تهدیدکننده قلعه‌ها محسوب می‌شد. در قرن پانزدهم، این توپها که بر روی چرخ حمل می‌شدند، در میدان نبرد به کار رفتند و در سال ۱۴۵۳، امکان پیروزی فرانسویان در نبرد کاستیون را فراهم کرد.^۱

جنگ سبب بروز رنجها و آلام بسیاری شد. مردم مجبور بودند مالیات‌های سنگین پردازنده و ویرانی‌ها و مطالبات بیش از حد سربازان را تحمل کنند. مزدوران جنگجو که طی آتش‌بسهای موقت بیکار بودند، با تشکیل دسته‌های حدوداً ۵۰ تا ۱۰۰ نفری، اغلب به دستور فرمانده منتخب خود، به تعقیب و آزار و اذیت باز رگانان، زنان، کودکان و حتی کشیشان آزاد مبادرت می‌کردند. این مزدوران جنگجو در سراسر کشور زندگی می‌کردند، مرتکب جنایات بسیاری می‌شدند یا حتی اخاذی می‌کردند تا برای ترک یک منطقه و رفتن به سرزمین دیگر از بورژواهای شهرنشین به زور باجهای سنگینی بگیرند؛ البته بعد از چند ماه باز می‌گشتنند. برخی از این سربازان ماجراجو نظیر سرّوں

۱. تاکتیک:

شاهان در انجام نبردهای بزرگ تردیدی به خود راه نمی‌دادند. مردم این نبردها را ناشی از داوری الهی می‌دانستند. شاهان تاکتیک از راه دور را ترجیح می‌دادند. سپاه به چندین ستون تقسیم می‌شد که به موازات یکدیگر قرار گرفته و با حرکت به سمت جلو، قلمرو دشمن را زیر پا می‌گذاشتند، غارتگری می‌کردند و بذر غم و اندوه را می‌کاشتند. خیلی زود، انگلیسی‌ها در این امر مهارت پیدا کردند. شارل پنجم و گسلن با جنگ فرساشی، دشمن را به ستوه می‌آوردند و از طریق یورش‌هایی که از قلعه‌های به خوبی حفاظت شده صورت می‌گرفت، دست به ضد حمله می‌زدند – ن.

کشیش اعظم^۱، ژفری سیاه سر^۲، کروکارد^۳ و نزد انگلیسی‌ها، فالستاف^۴ با سرنوشت غم‌انگیزشان از شهرت بسیاری برخوردار شدند.

نخستین ناکامی‌ها (۱۳۳۷-۱۳۵۶)

فیلیپ ششم، شبیه نظامیان رومی و شهری را که علیه کنت فلاندر شورش کرده بودند، در کوه کاسل از پا درآورد و در سال ۱۳۲۸، دوران سلطنت خود را آغاز نمود. فرانسه به نظر نفوذ خود را در منطقه به ضرر انگلستان تقویت می‌کرد. در گوین، تعداد تجاوزات عوامل پادشاه فرانسه افزایش یافت. ادوارد سوم به این مسئله اعتراض کرد. در ۲۴ مه ۱۳۳۷، فیلیپ ششم دستور مصادره تیول گوین را صادر نمود. پادشاه انگلستان با ادعای تاج و تحت فرانسه عکس العمل نشان داد و وفاداری خود به فیلیپ ششم را در ۷ اکتبر ۱۳۳۷ انکار کرد. توقف صدور پشم انگلستان به شهرهای فلاماند سبب بروز آشوب و ناآرامی شد. بورژوایی از اهالی گاند، موسوم به ژاک وان آرتولد^۵، مردم را به برپایی انقلاب برانگیخت. کنت نشین فلاندر با ادوارد سوم متحد شد و از سال ۱۳۳۹ به بعد، نیروهای انگلیسی که از برابان راهی نبرد شده بودند، کامبرزی^۶ را ویران کردند. فیلیپ ششم به منظور جلوگیری از اعزام نیروهای کمکی جدید انگلستان، ناوگانی شامل ۲۰۰ کشتی را روانه دریای شمال کرد. در ۲۴ ژوئن ۱۳۴۰، به هنگام نبرد اکلوز^۷، کشتی‌های انگلیسی در بندر کوچک بروژ، به ناوگان فرانسوی ایتالیایی شکست سنگینی وارد کرد. احتمالاً، در این نبرد دریایی بزرگ حدود بیست هزار نفر جان باختند. نیروهای ادوارد سوم با تمام قوا در فلاندر

1. Cervole l'Archiprêtre

2. Geoffroy Tête Noire

3. Croquard

4. Falstaff

5. Jacques Van Artevelde) زان ون آرتولد (Jacques Van Artevelde) در قرن چهاردهم، ثروت فراوانی را به دست آورد. ادوارد سوم به منظور جذب شهرهای فلاماند، صادرات پشم انگلستان را به ناحیه فلاندر متوقف کرد. در این ناحیه بیکاری افزایش یافت و بافت‌گان که قادر به پرداخت مالیات نبودند، بهره‌بری زان دست به شورش زدند. [تصویر ۲۰۵-۲۰۶].

6. Cambrésis

7. La bataille de l'Écluse) در نبرد دریایی اکلوز در سال ۱۳۴۰، ادوارد سوم ناوگان رقیب خود فیلیپ ششم والوارا نابود کرد. این اولین نبرد دریایی مهم جنگ صد ساله بود. [تصویر ۲۰۶-۲۰۷].

مستقر شدند. سال بعد، جنگ به بریتانی کشیده شد. کاندیدای انگلیسی دوکنشین بریتانی، ژان مونفور^۱، بر نامزدهای پادشاه فرانسه یعنی شارل بلوآ^۲ و ژن پانتیور^۳ چیره شد. در مارس ۱۳۴۱، فیلیپ ششم که به شدت به پول نیاز داشت، تصمیم به وضع مالیات جدیدی بر نمک گرفت. در ۱۲ ژوئیه ۱۳۴۶، ادوارد سوم دستور اعزام ۱۵ هزار سرباز به سن واس لـ هوگ^۴ را صادر نمود. حمله سواره نظام انگلستان از خاک نورماندی، به انگلیسی‌ها امکان داد تا به سرعت، غنایم بسیاری را به دست آورند. در حالی که نیروهای دشمن به طرف فلاندر حرکت می‌کردند، فیلیپ ششم که از ارتش قدرتمندی برخوردار بود، بعد از تردیدهای بسیار، تصمیم به رویارویی با نیروهای ادوارد سوم در نبردی سهمگین گرفت. در ۲۶ اوت ۱۳۴۶، در کرسی - آن - پوانتیو^۵، شوالیه‌های فرانسوی که به شدت ترغیب شده بودند و از فرماندهی آگاه بی‌بهره بودند، به نیروهای انگلیسی متجاوز حمله کردند. کمانداران انگلیسی، صفوف نیروهای فرانسوی را درهم شکستند. شکست بزرگی برای فرانسویان رقم خورد. برادر فیلیپ ششم به قتل رسید و بی‌تردید، هزاران کشته دیگر بر جای ماند. ادوارد سوم، شهر کاله با ۷ هزار سکنه را محاصره کرد. شهر به مدت یازده ماه از سپتامبر ۱۳۴۶ تا اوت ۱۳۴۷ مقاومت کرد؛ اما عدم کمکرسانی موجب تسلیم شهر شد. سه تن از بورژواهای شهر، پیراهن بر تن و طناب بر گردن، از پادشاه انگلستان طلب عفو کردند و او نیز در قبال تسلیم شهر سلامتی سکنه آن را تضمین کرد. به مدت دو قرن، شهر کاله - که از سال ۱۳۶۳ به بعد، پشمehای اوتر-مانش^۶ وارد آن می‌شد - بخشی از سرزمین انگلستان به حساب می‌آمد.

۱. (Jean de Montfort) ژان مونفور (۱۲۹۴-۱۳۴۵) دوک بریتانی در جنگ جانشینی دوکنشین که حدود بیست سال به طول انجامید، با برخورداری از حمایت انگلستان، بر رقبای خود چیره شد - م.

۲. (Charles de Blois) شارل بلوآ (۱۳۱۹-۱۳۶۴) خواهرزاده فیلیپ والوآ، پادشاه فرانسه بود و در جنگ جانشینی بریتانی از حمایت وی بهره مند شد - م.

۳. (Jeanne de Penthievre) ژن پانتیور (۱۳۱۹-۱۳۸۴) همسر دوک بریتانی، شارل بلوآ بود که به منظور مطالبه حقوق خود، در جنگ جانشینی بریتانی سرسرخانه به مقابله با ژان مونفور و همسرش ژن فلاندر برخاست - م.

4. Saint-Vaast-la-Hougue

5. Crécy-en-Ponthieu

6. Outre-Manche

شیوع طاعون بزرگ عملیات نظامی را مختل می‌کرد. اقدامات ناشیانه پادشاه جدید فرانسه، ژان دوم [معروف به] نیکسیرت علیه داماد خود، شارل بدکردار - وی در قرن شانزدهم ملقب به این لقب شد - وضعیت را پیچیده‌تر ساخت. شارل که شاه ناوار و کنت اورو^۱ و مورتن^۲ بود، در ژانویه ۱۳۵۴، دستور قتل فرد مورد علاقه پدرزنش را صادر نمود و با ادوارد سوم رابطه برقرار کرد. ادوارد پسر ارشد خود، شاهزاده سیاهپوش^۳ - وی نیز در قرن شانزدهم این لقب را به دست آورد - را به گوین فرستاد. شاهزاده سیاهپوش که جنگجویی بی‌نظیر و مدیری توانا بود و در ضمن، شخصیتی حساس و زودرنج داشت، از اکتبر تا نوامبر ۱۳۵۵، با سواره‌نظام خود به لانگ دک لشکرکشی کرد. ژان نیکسیرت مجبور بود در نوامبر، نمایندگان ایالات اویل زبان را دعوت و آنها را متلاعنه به وضع مالیات‌های جدید کند. انتقادات عليه حکومت سلطنتی شدت یافت و حضور «برگزیدگان» در محل، به‌وضوح نشان می‌داد که ایالات قصد نظارت بر استفاده از اموال مردمی را داشتند. در آوریل ۱۳۵۶، ژان نیکسیرت دستور بازداشت شارل بدکردار و حکم اعدام فوری چهار تن از مشاوران شاه ناوار را صادر کرد. بدین ترتیب، شاهزاده سیاهپوش سواره‌نظام جدیدی را از بردو و در امتداد رود لوار عازم نبرد کرد. هنگامی که نیروهای انگلیسی در حال عقب‌نشینی بودند، در ۱۹ سپتامبر ۱۳۵۶، ژان نیکسیرت در موپرتوئیس^۴ واقع در ۸ کیلومتری پواتیه، به آنها حمله کرد. کمانداران و شوالیه‌های شاهزاده سیاهپوش با سنگرگیری به موقع در خندقها و پشت پرچینهای خاردار، بار دیگر صفوف سواره‌نظام دشمن را درهم شکستند. این امر سبب هرج و مرج در صفوف فرانسویان شد. بعد از نبردی پنج ساعته، پادشاه فرانسه و یکی از پسرانش - که بی‌وقفه فریاد می‌زد: «پدر سمت راست بمانید، پدر سمت چپ بمانید» - به اسارت انگلیسی‌ها درآمدند.

1. Evreux

2. Mortain

3. (Le Prince Noir) ادوارد پلاتتاژن معروف به شاهزاده سیاهپوش (۱۳۷۶ - ۱۳۳۰) پسر ارشد ادوارد سوم پادشاه انگلستان بود. به دلیل زره‌پوش سیاه رنگ خود، در قرن شانزدهم به شاهزاده سیاهپوش ملقب شد.
[تصویر ۲۰۷] - م.

4. Maupertuis

خطه اقلاب (۱۳۵۶-۱۳۶۰)

در زمانی که همه‌مه نارضایتی مردم از اشراف به گوش می‌رسید، شارل ولیعهد مسئولیت نیابت سلطنت را به عهده گرفت. نمایندگان ایالات اویل زبان که در آکتبر ۱۳۵۶، در پاریس اجتماع و نافرمانی خود را ابراز کردند. بلافضله، ۸۰۰ نماینده مجلس هیأت ۸۰ نفره‌ای را تشکیل دادند تا از ولیعهد بازخواست کنند و خواستار خلع هفت مشاور پادشاه و تسلط نمایندگان ایالات بر شورای [مشورتی] وی شوند. یکی از افراد وفادار به شارل بذکردار، به نام روبر کوک^۱ خواهان آزادی شاه ناوار شد. نماینده بازرگانان پاریس^۲ (معادل شهردار)، اتین مارسل^۳، ایجاد اصلاحات و کاهش تعداد صاحب منصبان حکومتی را مطالبه کرد. وی اعتصابی را ترتیب داد که ولیعهد را مجبور به ممانعت از به جریان افتادن پول «غیرمعتبر» کرد. در مارس ۱۳۵۷، نمایندگان به وضع مالیات رضایت دادند؛ اما در عوض، ولیعهد باید می‌پذیرفت که برای پاسخگویی به مطالبات آنها، فرمان مهمی را منتشر کند. در این فرمان، پیش‌بینی شده بود که نمایندگان بتوانند بدون دعوت پادشاه و به طور منظم گرد هم آیند. بدین ترتیب، آنها به وضوح در پی آن بودند که حکومت سلطنتی را تحت سلطه خویش درآورند. در نوامبر، شارل بذکردار از زندان فرار کرد، خود را به پاریس رساند و با بیانیه‌های عمومی متعدد در این شهر خود را قربانی زیاده‌طلبی‌های حکومت معرفی کرد.

در ژانویه ۱۳۵۸، تعداد درگیری‌ها میان طرفداران ولیعهد، شاه ناوار و اتین مارسل افزایش یافت. ایالات اویل زبان خواهان لغو دعوت ولیعهد از نمایندگان ایالتی مطیع تر بودند. اتین مارسل برای آنکه نائب‌السلطنه را وادار به تسليم کند، همراه با

۱. (Robert Le Coq) روبر کوک (۱۳۷۲-۱۳۱۰) از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۸ اسقف ناحیه لانوں بود. وی در دانشگاه ارلنان به تحصیل حقوق پرداخت، سپس، وارد دیوان عالی شد و نیز عضو شورای فیلیپ نیک‌سیرت بود. در شورش اهالی پاریس به رهبری اتین مارسل نقش بسزایی داشت -م.

۲. (Le prévôt des marchands) در رژیم گذشته فرانسه، رئیس بازرگانان پاریس مسئولیت شهردار را به عهده داشت. دارنده این سمت دارای چهار معاون بود و به امور شهری نظیر مالیات، تجارت و غیره رسیدگی می‌کرد اما به دلیل ارتباط با طبقه بورژوا، با گذشت زمان، نقش سیاسی مهمی را ایفا نمود و از حقوق این طبقه در برابر شاه دفاع می‌کرد -م.

۳. (Étienne Marcel) اتین مارسل در دوره سلطنت ژان نیک‌سیرت، شهردار پاریس بود. وی رهبری شورشی را به منظور ایجاد اصلاحات حکومتی به عهده گرفت اما در نهایت توسط بورژواهای پاریس به قتل رسید چراکه نزدیک بود شهر را تسليم انگلیسی‌ها کند. [تصویر ۲۰۸] -م.

فصل پنجم / مصائب سهیگین ۱۸۵

حدود ۳ هزار نفر از بازرگانان به تهدید و زور روی آورد. در ۲۲ فوریه ۱۳۵۸، جمعیت مذبور قصر شاهی را اشغال کرد. در برابر چشمان مملو از هراس و لیعهد، دو تن از اعضای خانواده اش کشته شدند؛ سپس، اتیین مارسل کلاهی به رنگهای آبی و قرمز که نماد شهر پاریس بود، بر سر وی گذاشت. و لیعهد قول داد که چند تن از بورژواهای شهر را در شورای خویش بپذیرد؛ اما در ماه مارس از پایتخت فرار کرد و در کامپینی، به جمع آوری نیرو پرداخت. در ماههای مه و ژوئن، سورش ژاکری به وقوع پیوست. کشاورزان ملقب به ژاک^۱ (لقب آنان از نام کُتهاي کوتاهی که به تن می‌کردند، برگرفته شده است) با اتیین مارسل رابطه برقرار کردند. این سورش، برخی از اهالی پاریس را نگران کرد. شارل بدکردار که از او جگیری سورش این کشاورزان می‌هراست، دستور قتل سرکرده ژاک‌ها را صادر کرد و در ۹ ژوئن ۱۳۵۸، آنها را از پادرآورد. بدین ترتیب، شاه ناوار از جنبش پاریس فاصله گرفت. و لیعهد با نیروهایش پاریس را تهدید کرد، در حالی که اتیین مارسل بیشتر از هر وقت دیگر تنها شده و لبه تیز انتقامات متوجه وی بود. اتیین مارسل بعد از آنکه اجازه ورود تعدادی سرباز انگلیسی را به پاریس صادر کرد، در ۳۱ ژوئیه به قتل رسید. پس از بازگشت به پایتخت، و لیعهد از طریق نمایندگان ایالات اولیل زبان در سال ۱۳۵۹، تمام حقوقی را که از سال ۱۳۵۶ واگذار کرده بود، ملغی اعلام کرد.

مذاکراتی با ادوارد سوم صورت گرفت؛ اما شرایط تحریرکننده و مفاد سنگین طرح معاهده مارس ۱۳۵۹، توسط نمایندگان مجالس در ماه مه رد شد. ادوارد سوم جنگ را از سر گرفت و در ماه اکتبر، سواره نظام خود را احتمالاً به امید تاجگذاری در فرانسه، از کاله به شهر ریم اعزام کرد. در ماه دسامبر، شهر ریم در مقابل نیروهای انگلیسی مقاومت کرد و آنها مجبور به عقب‌نشینی به طرف شهر بُس^۲ شدند و در این شهر بر اثر صاعقه بسیار شدیدی در آوریل ۱۳۶۰، تعداد زیادی از انگلیسی‌ها جان سپردند. ادوارد سوم این واقعه را آیتی الهی قلمداد کرد و پذیرفت که مذاکرات را ابتدا در ماه مه در بریتانی^۳ و سپس در ماه اکتبر در شهر کاله از سر گیرد.

1. Les Jacques

2. La Beauce

3. Brétigny

۱۸۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

در معاهده صلح بریتانی - کاله^۱ در سال ۱۳۶۰، مبلغ فدیه ژان نیکسیرت سه میلیون ایکو تعیین شد. این مبلغ معادل دو سال درآمد مالیاتی فرانسه بود. همچنین، بر طبق این معاهده صلح، حاکمیت پادشاه انگلستان بر شهرهای کاله و پونتیو^۲، کنت نشین گین^۳ و سرزمین وسیع آکیتن به رسمیت شناخته شد. در مجموع، یک سوم مملکت فرانسه به دودمان پلانتاژنه رسید و پادشاه انگلستان در عوض متعهد شد از تاج و تخت فرانسه صرف نظر کند. چشم پوشی ژان نیکسیرت از حاکمیت بر سرزمینهایی که دیگر به انگلستان تعلق داشت و انصراف ادوارد سوم از تاج و تخت فرانسه احتمالاً پیش از نوامبر ۱۳۶۱ به وقوع پیوست. کندي انتقال اراضی فرانسه به حاکم جدید انگلیسی موجب شد که این انصراف دوگانه هرگز تحقق نپذیرد و از این پس، احتمال از سرگیری جنگ افزایش یافت. ژان نیکسیرت که در سال ۱۳۶۰ آزاد شد، برای پرداخت فدیه خود مالیاتهای سنگینی را وضع کرد. فرار دوک آنژو که توسط ادوارد سوم گروگان گرفته شده بود، به اسارت مجدد ژان نیکسیرت در ژانویه ۱۳۶۴ انجامید. در ۸ آوریل ۱۳۶۴، پادشاه شهسوار فرانسه در لندن از دنیا رفت.

اولین تجدید قوای فرانسوی‌ها (۱۳۶۰-۱۴۰۴)

صلح با انگلستان تا سال ۱۳۶۹ پایدار ماند. بنابراین، صدھا مزدور جنگجو که از جنگ فارغ شده بودند، روستاه را ویران می‌کردند. گسلکن این دسته سربازان ماجراجو را گرد خود جمع کرد و آنها را از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۹ به نبرد کاستی فرستاد.^۴ شارل پنجم به آرامی حاکمیت و موقعیت خود را تقویت

1. La paix de Brétigny-Calais

2. Le Ponthieu

3. Guines

4. شکست شارل بدکردار:

توطنه گر همیشگی، شاه ناوار، تهدیدی برای حکومت سلطنتی فرانسه به شمار می‌آمد. در ۱۶ مه ۱۳۶۴، سپاهیان سلطنتی که تحت فرماندهی یکی از اشراف بریتانی موسوم به برتراند گسلکن قرار داشتند، سپاهیان ناوار به فرماندهی حاکم ناحیه بوش، ژان گرلی را در ناحیه کوشتل از پادر آوردند. آخرین اراضی متعلق به شاه ناوار به استثنای شریبورگ، در سال ۱۳۷۸، توسط نیروهای سلطنتی اشغال شدند. شارل بدکردار در سال ۱۳۸۷ درگذشت - ن.

فصل پنجم / مصائب سهمگین ۱۸۷

کرد. ارزش پول ثبیت شد و پرداخت منظم مالیات با سود و ضرر سالانه آن، حدود ۲ میلیون فرانک برای حکومت عایدی داشت. معاهده‌ای در بریتانی منعقد شد. برادر پادشاه، فیلیپ بی‌باک، در سال ۱۳۶۳، دوک بورگونی شد و شش سال بعد با وارث کنت نشین بسیار حاصلخیز فلاندر ازدواج کرد. حاکم کاستی، هانری تراستامار^۱، با اعزام ناوگان دریایی خود به جنگ، حمایت خود را از فرانسه نشان داد.

شاهزاده سیاه‌پوش از طرف ادوارد سوم که به دوران کهولت پا گذاشته بود، بر آکیتن حکومت می‌کرد. وی در سال ۱۳۶۸، دستور وضع مالیات جدیدی را بر منازل صادر نمود. سنگینی این مالیات کنت آرمانیاک^۲ سپس حاکم آلبر^۳ را ودار به اعتراض کرد و آنان در خصوص لغو این تصمیم، از ادوارد سوم و بالاخره - در شرایطی که آتش‌بسها و متارکه‌های مطرح شده در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ هرگز صورت نپذیرفت - از شارل پنجم که همچنان بر اساس حقوق فئودالی حاکم آکیتن بود، یاری طلبیدند. شارل پنجم که بسیار محاط بود، با حقوق‌دانان دانشگاه‌های فرانسه و ایتالیا مشورت کرد و همه آنها با وی موافقت کردند. بنابراین، پادشاه فرانسه تصمیم گرفت از نمایندگان مجلس درخواست کمک کند. در ۲ مه ۱۳۶۹، شارل با نمایندگان مملکت مشورت کرد و آنها نیز سیاست وی را تأیید کردند. از این زمان به بعد، شارل پنجم رابطه خود را با انگلستان قطع نمود و در ۳۰ نوامبر ۱۳۶۹، دستور مصادره آکیتن را اعلام کرد.

گسلکن، به طور حساب شده‌ای، با اجتناب از نبردهای بزرگ و با روی آوردن به جنگهای فرسایشی و ایدایی، انگلیسی‌ها را مغلوب ساخت و در فاصله سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۵، شکست‌های سنگینی را به آنها وارد کرد. هر چند که این تاکتیک جدید از نظر نظامی بسیار کارآمد بود؛ اما ضررهای مادی و خرابی‌های بسیاری را برای کشاورزان به دنبال داشت. در سال ۱۳۷۲، نیروهای کاستی^۴ ناوگان انگلیسی‌ها را در

۱. (Henri de Trastamare) هانری تراستامار (۱۳۷۹-۱۳۳۴) حاکم کاستی و وفادار به شارل پنجم، با ناوگان قادرمند خود به انگلیسی‌ها حمله کرد و بسیاری از اراضی واگذار شده به موجب قرارداد بریتانی - کاله را از آنها باز پس گرفت - م.

2. Armagnac

3. Albret

4. Les Castillans

بندر راشل نابود کردند. سواره نظام دشمن نیز شکست خورد. گسلن، با سرسرختی بسیار، بر تعداد زیادی از قلعه‌ها و ایالات چیره شد. در سال ۱۳۷۵، ادوارد سوم در خاک فرانسه تنها بر شهرهای کاله، برسٹ^۱، بردو و بایون^۲ حکومت می‌کرد. در این زمان، معاهده صلح موقت منعقد شد. شارل پنجم به استثنای اقدام ناشیانه خود در بریتانی که موجبات اتحاد بریتانی با انگلستان را در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ فراهم کرد، قلمرو وسیعی از خود به جای گذاشت؛ اما با این وجود، با شک و تردید بسیار، در بستر مرگ، مالیات بر منازل را ملغی اعلام کرد.

شاهزاده سیاهپوش در سال ۱۳۷۶ از دنیا رفت، ادوارد سوم در سال ۱۳۷۷ و شارل پنجم و گسلن در سال ۱۳۸۰ درگذشتند. بنابراین، پادشاهان صغیری مثل ریچارد دوم^۳ و شارل ششم در این سو و آن سوی دریای مانش بر تخت پادشاهی انگلستان و فرانسه جلوس کردند. در فرانسه، عموهای پادشاه، به ویژه دوک‌های آنژو، بربی و بورگونی حکومت می‌کردند و به رغم شورش مردمی سال ۱۳۸۲، به زحمت، مالیات بر منازل را دوباره برقرار ساختند. انعقاد معاهده‌های ترک مخاصمه با انگلستان موجب تداوم برقراری صلح شد؛ اما عموهای پادشاه، با حسادت به یکدیگر، خیلی زود، دیدگاههای بسیار متفاوتی نسبت به سیاست خارجی پیدا کردند. در سال ۱۳۸۸، شارل ششم، در بیست سالگی عموهایش را عزل نمود و خود شخصاً بر کشور حکومت کرد. برادر پادشاه، لویی اولثان که دارای شخصیتی تجملگرا و تا حدودی سبکسر بود، نفوذ بسیاری در دریار داشت. در ۱۵ اوت ۱۳۹۲، شارل ششم در حین سوارکاری نزدیک ناحیه منس دچار بحران جنون حادی شد. با توجه به نامطمئن بودن سلامت روانی پادشاه، عموهای وی و لویی اولثان قدرت را در دست گرفتند. در سال ۱۳۹۹، پادشاه انگلستان، ریچارد دوم که طرفدار مصالحه با فرانسه بود، توسط پادشاهی جنگ طلب به نام هانری چهارم لانکاستر^۴ از

1. Brest

2. Bayonne

۳. (Richard II) ریچارد دوم (۱۴۰۰-۱۳۶۷)، کوچکترین فرزند شاهزاده سیاهپوش، از سال ۱۳۷۷ تاریخ خلع از سلطنت در سال ۱۳۹۹، پادشاه انگلستان بود. [تصویر ۲۰۹] - م.

۴. (Henri IV de Lancastre) هانری چهارم (۱۴۱۳-۱۳۶۷) نخستین پادشاه دودمان انگلیسی لانکاستر بود. [تصویر ۲۱۰] - م.

سلطنت خلع شد. از سال ۱۴۰۴ به بعد، خصومت‌های مختصر میان دو حکومت از سر گرفته شد. دوک بورگونی، فیلیپ بی‌باک، از دنیا رفت و پسرش ژان نترس در شورای سلطنتی جانشین وی شد.

شکست‌های تازه (۱۴۰۴-۱۴۲۲)

دوک جدید بورگونی فردی باهوش، متعصب، مستبد و بسیار جاهطلب بود. وی، خیلی زود، با پسر عمومی خود، لویی آرلثان اختلاف پیدا کرد. شوراهای سلطنتی به صحنه درگیری‌های شدید میان این دو شاهزاده مبدل گردید. در ۲۳ نوامبر ۱۴۰۷، به دستور ژان نترس، رقیش [لویی آرلثان] در یکی از کوچه‌های پاریس به قتل رسید. دوک با وفاحت بسیار، جنایت خود را توجیه کرد و خود را به اهالی پاریس به عنوان طرفدار اصلاحات سلطنتی معرفی نمود. بدین ترتیب، گروه بورگونی‌ها شکل گرفت که به دنبال جنون شارل ششم بر حکومت تسلط یافت. در مقابل، به رهبری شاهزاده جوان، شارل آرلثان و پدرزنش، کنت آرمانیاک، گروه مخالفی شکل گرفت که در ابتدا از حمایت شهبانو ایزابو برخوردار بود. این دو گروه که آشکارا با یکدیگر مبارزه می‌کردند، در سال ۱۴۱۱، موجب مداخله نظامی انگلیسی‌ها شدند. در سال ۱۴۱۲، سواره نظام انگلستان، غرب فرانسه را ویران کرد. جنگ با انگلستان زمانی از سر گرفته شد که جنگ داخلی میان فرانسویان تفرقه ایجاد کرده بود.

نمایندگان ایالات اویل زیان که در ژانویه ۱۴۱۳، در پاریس گرد هم آمدند، استقلال خود را از بورگونی‌ها اعلام کردند. ژان نترس با تحریک مردم فکر می‌کرد می‌تواند آنها را منصرف کند. در ماه آوریل، سیمون کابوش^۱، در رأس قصابها و گروههای مسلح پاریس تحرکات را به شورشی خونین مبدل ساخت. آرمانیاک‌ها^۲ زندانی شدند و حتی به قتل رسیدند. نمایندگان که به شدت از این وقایع متأثر شده بودند، در ماه مه، فرمان مهم اصلاح حکومت موسوم به فرمان کابوشین را اعلان

۱. (Simon Caboche) سیمون کابوش یا سیمون چاقو‌ساز رهبر مردمی قیام کابوشین‌ها در قرن پانزدهم بود. مادر وی در شبستان کلیسای نتردام پاریس کله گوسفند می‌فروخت. شاید لقب کابوشین به معنای کله به دلیل خالی کردن کله گاو و گوسفند به وی داده شده است. [تصویر ۲۱۱]-م.

۲. «آهالی آرلثان و فرانسویان حامی ولی‌عهد، شارل هفتم، بودند -م.

۱۹۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

کردند. کابوشین‌ها^۱ فضای رعب و وحشت را در پاریس به وجود آوردند، بازرگانان بورژوا و دانشگاهیان هراسان، از این جریان جدا شدند. دوک بورگونی، شتابان، پاریس را ترک کرد. در سپتامبر ۱۴۱۳، عقبنشینی و حشیانه‌ای موجب بازگشت قدرتمندانه آرمانیاک‌ها به پایتخت شد. به مدت پنج سال، در فاصله سالهای ۱۴۱۳ و ۱۴۱۸، آرمانیاک‌ها کاملاً بر سلطنت تسلط پیدا کردند.

جنگ با انگلستان تداوم یافت. در ۱۴ اوست ۱۴۱۵، پادشاه جدید انگلستان، هانری پنجم^۲، ۱۲ هزار نیرو به شف - دو - کو^۳ اعزام کرد. گروههای آرمانیاک و بورگونی در صدد نزدیک شدن به یکدیگر بودند؛ اما این تلاش ثمری نداشت. در ۲۵ اکتبر ۱۴۱۵، فقط سپاه آرمانیاک بود که با انگلیسی‌ها در آزنکور^۴ درگیر شد. تاکتیک دفاعی انگلستان، بار دیگر، صفوف سواره نظام فرانسه را در هم شکست. این امر فرانسه را متحمل شکست سنگینی کرد.^۵ بسیاری از اسیران را در میدان نبرد گردن زدند، شاهزاده شارل اول^۶ را اسارت انگلیسی‌ها درآمد. سپس، هانری پنجم عازم نورماندی شد و از سال ۱۴۱۷ تا سال ۱۴۱۹، این دوک نشین را تسخیر کرد. تبلیغات ماهرانه بورگونی‌ها متحдан زیادی را در سراسر فرانسه برای آنان فراهم آورد. شهبانو ایزا بو نیز با زان نترس مصالحه کرد. در مه ۱۴۱۸، دوک بورگونی وارد شهر پاریس شد. مردم کسی را تشویق می‌کردند که خود را قهرمان اصلاحات اداری و مالیاتی معرفی کرده و علیه آرمانیاک‌ها قیام کرده بود؛ قیامی که به قتل عام مجدد بسیاری از آنها انجامید. شارل ولیعهد که فقط ۱۵ سال داشت، به عنوان رئیس گروه آرمانیاک به بورژ پناهنده

۱. «*Les cabochiens*» هواداران سیمون کابوش اغلب از صنف قصابان ثروتمند پاریس بودند. به موجب فرمان کابوشین، نماینده‌گان مجلس باید بر چگونگی اخذ مالیات‌ها نظارت می‌کردند. [تصویر ۲۱۱] - م.

۲. (Henri V) هانری پنجم (۱۴۲۲ - ۱۳۸۶)، پسر هانری چهارم، از سال ۱۴۱۳ تا زمان مرگش پادشاه انگلستان بود. [تصویر ۲۱۲] - م.

3. Chef-de-Caux

4. Azincourt

۵. نبرد آزنکور یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های فرانسه در تاریخ نظامی این کشور به شمار می‌آید. برخلاف انتظار فرانسویان، سپاه ۶۰۰۰ نفری فرانسه در برابر سپاه کم تعداد انگلستان متحمل شکست سختی شد. رزم آرایی و هوش دفاعی سپاه انگلستان برای انگلیسی‌ها پیروزی به ارمغان آورد چراکه در خط مقدم سپاه تیراندازان عادی قرار گرفتند حال آنکه خط مقدم سپاه فرانسه راه‌هاران شوالیه و اشراف بر جسته با تجهیزات جنگی سنگین تشکیل می‌داد. تیراندازان انگلیسی پایان دوره درخشان شوالیه‌گری را رقم زدند. بدین ترتیب، تعداد زیادی از شوالیه‌ها و اشراف فرانسه کشته و یا اسیر شدند. [تصویر ۲۱۳] - م.

شد و سپس به طور رسمی در دسامبر ۱۴۱۸، خود را نائب‌السلطنه حکومت اعلام کرد. پیش روی نیروهای انگلیسی به طرف پاریس، سبب نزدیکی غیرمنتظره دو گروه شد. گفتگویی بین ژان نترس و ولیعهد بر روی پل مونترو^۱ ترتیب داده شد. در مکان مذکور، در ۱۰ سپتامبر ۱۴۱۹، یکی از وفاداران ولیعهد موسوم به تانگی شاتل^۲ به انتقام قتل لویی اولثان، ژان نترس را به قتل رساند. با این واقعه، جنگ داخلی از سر گرفته شد که تنها به سود پادشاه انگلستان، هانری پنجم بود.

بنابراین، فرانسه به سه سرزمین تقسیم شد؛ در شمال رود لوار، ایالاتی که به دوک جدید، فیلیپ نیک‌سیرت تعلق داشت و نیز مناطق متعلق به پادشاه مجنون و شهبانو ایزابو که مقیم پاریس بود، تحت نفوذ و تسلط اهالی بورگونی قرار داشت. انگلیسی‌ها بر نواحی کاله، نورماندی و گوین تسلط یافتدند. در مرکز و جنوب فرانسه، شارل ولیعهد از شهر بورژ بر اراضی وسیعی حکومت می‌کرد و تشکیلات اداری پادشاهی رقیب را به وجود آورد. قتل ژان نترس بر روی پل مونترو فیلیپ نیک‌سیرت را به اردوگاه انگلیسی‌ها کشاند. شهبانو ایزابو و اهالی پاریس نگران محاصره شهر توسط هانری پنجم بودند. پس از تردیدهای بسیار، فیلیپ نیک‌سیرت و شهبانو ایزابو با هانری پنجم قرارداد تروی^۳ را منعقد کردند که به موجب آن، شارل ولیعهد از جانشینی سلطنت خلع شد، نیابت سلطنت فرانسه به پادشاه انگلستان واگذار گردید و کاترین فرانس^۴ به عقد هانری پنجم درآمد! هانری پنجم که داماد شارل ششم شده بود، می‌بایست پس از مرگ پدرزن خود، پادشاهی فرانسه را به ارث می‌برد با این وجود، در این قرارداد پیش‌بینی شده بود که انگلستان و فرانسه نهادها و آداب و رسوم خود را همچنان حفظ کنند. شارل ولیعهد در بورژ به همراه برخی از شاهزاده‌ها، به سرعت، قرارداد را لغو کرد. در ۱۴۲۱ آوت، هانری پنجم به صورت ناگهانی درگذشت و تاج و تخت انگلستان به فرزند چند ماهه‌اش رسید. شارل ششم

1. Montereau

2. «Tanguy du Châtel» فرد مورد علاقه شارل هفتم و بکی از عاملان قتل ژان نترس که شارل را به حمایت از ژنبداری تشویق کرد - م.

3. Le traité de Troyes

4. Catherine de France) کاترین فرانس (۱۴۲۸ - ۱۴۴۶) دختر شارل هفتم و همسر شارل دلاور بود. [تصویر ۲۱۴] - م.

۱۹۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

نیز در اکتبر ۱۴۲۲، از دنیا رفت و ولیعهد با عنوان شارل هفتم خود را پادشاه فرانسه اعلام کرد.

وسانجام پیروزی (۱۴۲۲-۱۴۵۳)

دوک بدنورد^۱ با امکانات ناچیز (سپاهی متشكل از ۸ هزار سرباز) از طرف هانری ششم^۲ خردسال به مبارزه علیه شارل هفتم، «شاه اهالی بورژ» که رفتاری عجیب و شخصیتی متزلزل داشت، مبادرت نمود. در دو سوی دریای مانش، احساسات ملی گرایانه بروز کرد. سلطنت انگلستان از زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی صرف نظر کرد. در نورماندی، روستاییان به اعمال خشونت‌آمیزی علیه سربازان انگلیسی مبادرت می‌کردند. در سال ۱۴۲۸، انگلیسی‌ها در صدد انجام عملیات تعیین‌کننده‌ای به طرف رود لوار و بری برآمدند. محاصره شهر ارلنان از ۱۲ اکتبر آغاز شد. در حالی که سقوط شهر قریب الوقوع به نظر می‌رسید، در ۶ مارس ۱۴۲۶، ژندارک در شینو^۳ به حضور شارل هفتم رسید. وی که دختری هفده یا هجده ساله از اهالی دومرمی^۴، محدوده آرمانیاک واقع در اراضی بورگونی و از خانواده‌ای مرغه و کشاورز بود به پادشاه توضیح داد که ندای میشل قدیس، کاترین قدیسه^۵ و مارگریت قدیسه^۶ را شنیده که به وی امر کردند به کمک پادشاه فرانسه بشتابد. علمای پوآتیه تحت تأثیر ایمان ژندارک قرار گرفتند. شارل هفتم با دادن تجهیزات نظامی به ژندارک، به وی اجازه داد به سپاهی که در بلوا برای آزادسازی ارلنان گرد هم آمده بودند، بپیوندد. دختری که خود را «دوشیزه»^۷ می‌نامید، سور و هیجان بسیاری در دل مزدوران جنگجو و فرماندهان خشن ارتش شاهی ایجاد کرد. در

1. Bedford

2. (Henri VI) هانری ششم (۱۴۲۱-۱۴۷۱) فرزند هانری پنجم و کاترین والوآ، از سال ۱۴۲۲ تا سال ۱۴۶۱ پادشاه فرانسه بود. سپس از سال ۱۴۷۰ تا سال ۱۴۷۱ پادشاه دودمان لانکاستر بود. وی بسیاری از فتوحات انگلستان در فرانسه را از دست داد و برای مدتی سلطنت در اختیار دودمان یورک قرار گرفت. [تصویر ۲۱۵]-م.

3. Chinon

4. Domrémy

5. Sainte Catherine

6. Sainte Marguerite

7. La Pucelle

فصل پنجم / مصائب سهیگین ۱۹۳

۱۴۲۹ مه، شهر ارلثان آزاد شد. بلا فاصله، ژندارک اجازه یافت لشکرکشی را به طرف شهر ریم ادامه دهد، شهری که در ۱۸ ژوئیه شارل هفتم در آن تاجگذاری کرد.^۱ از این زمان به بعد، شارل هفتم به عنوان پادشاه مشروع و کسی که خداوند حافظ اوست، نزد بسیاری از فرانسویان به رسمیت شناخته شد. شهرهای شمال رود لوار فرمانبرداری خود را اعلام کرده بودند؛ اما پاریس همچنان به هانری ششم وفادار بود. انگلیسی‌ها نگران بودند: آیا ژندارک فرستاده‌ای از جانب خداوند و یا از طرف شیطان است؟ در ۲۳ مه ۱۴۳۰، ژندارک در راه کمکرسانی به شهر گمپیزی به اسارت اهالی بورگونی درآمد. آنان وی را در ازای ده هزار ایکو به انگلیسی‌ها تحويل دادند. دادگاه فرانسه در شهر روئان به ریاست اسقف بورگونی، پیر کوشون^۲، تشکیل شد. دادگاه با استفاده از روند دادگاههای تفتیش عقاید (عدم برخورداری از وکیل و پرسش‌های فریبنده) در جستجوی اثبات این مسئله بود که دوشیزه ارلثان یک جادوگر است. ژندارک که از سوی شارل هفتم رها شده بود، با ایمان راسخ و عقل سليم از خود دفاع کرد. با این وجود، دادگاه وی را محکوم به مرگ نمود و در ۳۱ مه ۱۴۳۱، در شهر ارلثان، زنده در آتش سوزانده شد.^۳.

در دسامبر ۱۴۳۱، بدفورد در پاریس تاج شاهی را بر سر هانری ششم گذاشت؛

۱. مراسم تاجگذاری با عهد سنتی پادشاه مبنی بر حمایت از کلیسا و برقراری صلح و آرامش برای مردم آغاز شد. سپس شاه هدایای نمادین قدرت شاهانه را دریافت کرد: مهیز طلایی، شمشیر نماد حمایت از کلیسا، انگشت‌شاهی نماد پیمان پادشاه و کلیسا، چوکان شاهی نماد قدرت مطلق شاه و دست عدالت – یا همان عصا که در دوره لویی پارسا متداول شد. در این مراسم بر سرو سینه، شانه‌ها و بازوی‌های شارل هفتم (اعضای قدرتمند بدن) چند قطره روغن مالیده شد (مراسم تدهین پادشاه) و تاج شاهی (به وزن ۷،۳ کیلوگرم!) توسط اسقف اعظم بر سروی گذاشته شد. از این پس، پادشاه از توانایی شفابخشی به بیماران مبتلا به مرض خنازیر (نوعی سل) برخوردار بود و بدین منظور، با دستان خود آنان را لمس می‌کرد. [تصویر ۲۱۶]-م.

۲. (Pierre Cauchon) پیر کوشون (۱۴۴۲-۱۳۷۱) اسقف ناحیه بووه و رئیس دادگاه ژندارک در روئان بود. وی که در خدمت انگلیسی‌ها بود، تمام تلاش خود را برای بی اعتبار کردن ژندارک و به دنبال آن شارل هفتم کرد. پوشش مردانه که مغایر با آداب و سنت آن روزگار بود و اصرار بر شنیدن ندای قدیسین از جمله اتهامات برای اثبات جادوگری ژندارک بود.-م.

۳. انواع شکنجه دستگاه تفتیش عقاید عبارت بود از: شلاق زدن متهم، سوزاندن پاها، کشیدن دست و پا به وسیله طناب و چرخ و یازندان در سیاه چال. توقیف اموال متهم به عنوان جریمه اضافی نیز رواج داشت و اغلب بخشی از اموال وی به حاکم و بخش دیگر به کلیسا تعلق می‌گرفت. افرادی که با وجود شکنجه فراوان پایداری می‌کردند و دست از عقیده خود نمی‌کشیدند، در میدان عمومی شهر بر روی تلى از هیزم به آتش کشیده می‌شدند. علت انجام این کار، پرهیز از ریختن خون بر طبق شعار قدیمی کلیسا بود. [تصویر ۲۱۷]-م.

اما توپهای و شورش‌های طرفداران پادشاه فرانسوی که موجب ناآرامی در نورماندی شد، محدودیت عمل وی را نشان داد. بدین ترتیب، شارل هفتم موفق شد در قبال امتیازات زیاد (نظیر واگذاری اراضی که دوک بورگونی اشغال کرده بود؛ اما با امکان بازخرید شهرهای ناحیه سُم توسط شاه) فیلیپ نیکسیرت را از اتحاد با انگلستان منصرف کند. قرارداد آراس^۱ در ۲۱ سپتامبر ۱۴۳۵ منعقد شد. نیروهای سلطنتی به فرماندهی ریچمون^۲ بر ایل - دو- فرانس تسلط یافتند. پاریس در آوریل ۱۴۳۶ تسليم شد. نمایندگان مجلس در سال ۱۴۳۹ موافقت خود را با پادشاه برای وضع مالیات فوق العاده اعلام کردند؛ اما شارل هفتم را ملزم به برقراری مجدد نظم در بین سربازانش نمودند. شورش شاهزادگان به رهبری لویی ولیعهد (لویی یازدهم)^۳، شارل هفتم را در سالهای ۱۴۴۰ و ۱۴۴۱، در وضعیت دشواری قرار داد. پیمان صلح موقت با هانری ششم که به سن قانونی رسیده بود، در شهر تور منعقد شد. بدین ترتیب، شارل هفتم سپاهیانش را دوباره سازماندهی کرد. در سال ۱۴۴۵، گروهان‌های فرماندهی به وجود آمد. هر گروهان تحت هدایت یک فرمانده متشكل از صد «rstes نیزه‌داران» بود. هر رسته نیزه‌داران نیز در اصل از شش سواره نظام (یک جنگجوی مسلح، دو کماندار، یک خنجر به دست و دو گماشته) تشکیل شده بود که چهار تن از آنها قادر به جنگیدن بودند. محل زندگی، حقوق و مواجب این سربازان که به طور دائمی می‌جنگیدند، به کمک درآمدهای مالیاتی تأمین می‌شد. بر تعداد سربازان به طور منظم («ساعته») نظارت می‌شد. در واقع، شارل هفتم در حدود سال ۱۴۵۰، ۱۸۰۰ رسته نیزه‌داران را در اختیار داشت که بالغ بر ۱۰ هزار سواره نظام می‌شد. اردوگاه توپخانه به فرماندهی برادران بورو^۴ و ۸ هزار مبارز پیاده نظام، ارتش سلطنتی را کامل می‌کردند. در سال ۱۴۴۸، رسته‌های کمانداران آزاد ایجاد شد. این نیروها به طور موقت در سراسر

1. Le traité d'Arras

2. Richemont

۳. (Louis XI) لویی یازدهم (۱۴۶۱-۱۴۲۳) از سال ۱۴۶۱ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. وی نخستین شاهی بود که آشکارا از حقوق مردم عادی در برابر مالکان بزرگ و حتی در برابر دستگاه تفییض عقاید دفاع می‌کرد. [تصویر ۲۱۸] - م.

۴. (Les frères Bureau) برادران بورو برای اولین بار در غرب از توپخانه استفاده کردند، در نبرد کاستیون در برابر انگلیسی‌ها به پیروزی دست یافتند و بدین ترتیب به جنگ صد ساله پایان دادند - م.

فصل پنجم / مصائب سهمگین ۱۹۵

ملکت به قیمت یک کمان با ۸۰ تیر به خدمت گرفته شده بودند و از پرداخت مالیات معاف یا به عبارت دیگر «آزاد» بودند. تجهیزات آنان توسط روستایان تأمین می‌شد و کمانداران آزاد می‌بایست یکشنبه‌ها، به تمرین تیراندازی با کمان می‌پرداختند.

در بهار سال ۱۴۴۹، پیمان صلح موقت شکسته شد. بار دیگر، ارتش جدید فرانسه به سرعت نورماندی را فتح کرد. شارل هفتم در نوامبر وارد شهر روئان شد. در ۱۵ آوریل ۱۴۵۰، نیروهای انگلیسی در نبرد فورمینی^۱ مغلوب شدند و ۲ تا ۳ هزار کشته دادند. بلا فاصله، فتح مجدد گوین توسط نیروهای فرانسوی آغاز شد. در ژوئن ۱۴۵۱، شهر بردو برای اولین بار تصرف شد. فرمانده انگلیسی، تالبوت^۲ با سرسختی بسیار مقاومت کرد و شهر را که سکنه آن طرفدار انگلستان بودند، در اکتبر ۱۴۵۲، بازپس گرفت و در صدد بیرون راندن فرانسوی‌هایی برآمد که شهر کاستیون را به محاصره خود درآورده بودند. مهارت فرانسوی‌ها در استفاده از توپخانه، در ۱۲ ژوئیه ۱۴۵۳، منجر به پیروزی آنها شد. شهر بُردو در ماه اکتبر تسليم شد. در این زمان، فقط شهر کاله تحت سلطه انگلیسی‌ها قرار داشت.

۱. La bataille de Formigny

۲. (Talbot) تالبوت فرمانده سپاه انگلستان در جنگ صد ساله بود که در نبرد سرنوشت‌ساز کاستیون جان باخت - م.

فصل ششم

دورانی تازه (۱۵۱۵-۱۴۵۳)

تحکیم قدرت سلطنتی مقتدر تر

شاهان دوره پایانی قرون وسطی موفق شدند به سادگی مردم را به اطاعت از خود وادار کنند. شارل هفتم که با کهولت سن، مستبد شده بود، تا سال ۱۴۶۱ حکومت کرد. پسرش، لویی یازدهم، از سال ۱۴۶۱ تا سال ۱۴۸۳، جانشین وی شد. این پادشاه ریزاندام و فربه که پوششی معمولی داشت، عاشق سرگرمی‌های ساده نظیر ماهیگیری با قلاب و رفتن به مهمانخانه‌های بیلاقی بود و توسط افرادی از طبقات پائین نظیر اولیویه لودم^۱ آرایشگر احاطه شده بود. وی از هنر طرح و اجرای توطئه‌های پیچیده برخوردار بود. رقبای بورگونی وی را «عنکبوتی عالمگیر»^۲ می‌دانستند. این شاه خرافاتی که بسیار حرف بود و در یک جا نمی‌ماند، از مرگ وحشت داشت. او خیال می‌کرد به جذام مبتلا شده است، اطبای زیادی در رکاب خود گرد آورده بود و به جمع آوری اشیای متبرکه می‌پرداخت. وی که پنهان‌کار، اما سرسخت بود،

۱. Olivier le Daim (۱۴۲۸ - ۱۴۸۴) یکی از مشاوران اصلی لویی یازدهم بود. در پی کسب قدرت، دشمنان و رقبای زیادی پیدا کرد که پس از مرگ شاه وی را به سرقت و قتل متهم کردند. در سال ۱۴۸۴، اولیویه به دارآویخته شد.^{-م.}

۲. L'universelle araignée».^{-م.} به دلیل توطئه‌چینی و سیاستهای خدعاً آمیز خود به این نام ملقب شد.

فصل ششم / دورانی تازه ۱۹۷

به دنبال شورشی، سکنه آراس را تبعید کرد و دستور داد تا دشمنانش را در قفسهای آهنی موسوم به «ترک دنیا» زندانی کنند. لویی یازدهم شخصیت پیچیده‌ای داشت و از صفات نیک انکار ناپذیری مانند ضمیر روشن، علاقه به کار و فهم و شعور اداره دولت برخوردار بود. دخترش «آن»، همسر پییر بوژو^۱، با مهارت و قاطعیت، طی دوره صغیر شارل هشتم^۲ که از سال ۱۴۸۳ تا سال ۱۴۹۱ به طول انجامید، به خوبی از عهده مسئولیت نیابت سلطنت برآمد. حکومت شخصی شارل هشتم فقط به مدت شش سال از ۱۴۹۲ تا ۱۴۹۸ پایدار ماند. شاه جوان که از هوش متوسطی برخوردار بود، فقط سودای نبردهای حمامی را در سر می‌پروراند، به لباسهای فاخر علاقه داشت و به جمع آوری پرندگان غیر بومی نظیر قناری و طوطی می‌پرداخت. در ۷ آوریل ۱۴۹۸، شارل هشتم، در آمبواز^۳، بهشدت به چارچوب درب کوچکی برخورد کرد و بر اثر خونریزی مغزی درگذشت بی‌آنکه اولاد ذکوری از خود به جای گذارد. پسرعمویش، لویی ارلثان، پسر دوک شارل ارلثان با نام لویی دوازدهم^۴ بر تخت سلطنت جلوس کرد. لویی دوازدهم که از سال ۱۴۹۸ تا سال ۱۵۱۵ حکومت کرد، به دلیل خیر خواهی و بهویژه رعایت اعتدال در مطالبات مالیاتی خود، عنوان خوشایند «پدر مردم»^۵ را کسب نمود. کاردینال ژرژ آمبواز^۶ به عنوان صدراعظم^۷ منصوب شد.

شورشایی که گاهی به وقوع می‌پیوست، به خوبی اداره و سرکوب می‌شد. از جمله آنها می‌توان به شورشای شهری سال ۱۴۶۱ نظیر قیام بافندگان^۸ در شهر

1. Pierre de Beaujeu

۲. (Charles VIII) شارل هشتم (۱۴۹۸ – ۱۴۷۰) پسر لویی یازدهم از سال ۱۴۸۳ تا سال ۱۴۹۸ پادشاه فرانسه بود. وی هفتین و آخرین شاه دودمان والوا محسوب می‌شد. شعار سلطنت وی بر دیوارهای قلعه لانژه نقاشی شد: «اگر خدا همراه ما باشد، هیچ کس علیه مانخواهد بود» [تصویر ۲۱۹] - م.

3. Amboise

۴. (Louis XII) لویی دوازدهم (۱۵۱۵ – ۱۴۶۲) ملقب به «پدر مردم» از سال ۱۴۹۸ تا زمان مرگش پادشاه فرانسه بود. مشخصه اصلی دوره سلطنت وی جنگهای ایتالیا بود. [تصویر ۲۲۰] - م.

5. Le Père du peuple

۶. (Georges d'Amboise) ژرژ آمبواز (۱۴۶۰ – ۱۵۱۰) کاردینال و اسقف اعظم روئان، صدراعظم لویی دوازدهم و حامی هنر و ادبیات فرانسه بود - م.

7. Premier ministre

8. La Tricoterie

آنژه و قیام میکماک^۱ در شهر ریم اشاره کرد. گرچه «اتحاد مصلحت عامه»^۲ به رهبری برادر لویی یازدهم، شارل فرانس^۳ و وارت ایالات بورگونی، شارل دلاور، در ژوئیه ۱۴۶۵، لویی دوازدهم را در موقعیت دشوار نبرد نامعلوم مونلری^۴ قرار داد؛ اما پادشاه موفق شد خیلی زود بین رقبایش جدایی بیفکند و برتری خود را دوباره به دست آورد. آن بوژو^۵ در «جنگ احمقانه‌ای» به پیروزی رسید که در فاصله سالهای ۱۴۸۵ و ۱۴۸۸ توسط دوک‌های بریتانی و ارلثان رهبری می‌شد و به شکست آنان در سن اوین دو-کورمیه^۶ انجامید. لویی ارلثان به مدت سه سال در زندان ماند.

ثبت احساسات ملی به تحکیم دولت مرکزی کمک کرد. از اواسط قرن پانزدهم به بعد، زبان فرانسه از زبان لاتین در اسناد تشکیلات اداری پیشی گرفت. شارل هفتم کلیساي فرانسه را تشویق به بیان آزادی خود و رهایی از تعدی‌های مقام پاپ نمود. بدین ترتیب، جنبش گالیکانیسم^۷ شکل گرفت. مقاومت مون-سن-میشل^۸ طی جنگ صد ساله در برابر انگلیسی‌ها موجب شد که پس از مارتن قدیس در دوره قرون وسطی پسین و دُنی قدیس از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم، در این دوره، ملک مقرب میکائیل قدیس به عنوان یکی از قدیسین بزرگ حافظ فرانسه شناخته شود. لویی یازدهم که در صدد گردآوری اشراف بود، با برخورداری از حمایت میکائیل قدیس، در سال ۱۴۶۹،

1. Le Miquemaque

۱. اتحاد «مصلحت عامه» (La ligue du Bien public) فرانسه لویی یازدهم بود که از مارس ناکتبر ۱۴۶۵ طول کشید - م.

۲. شارل فرانس (Charles de France) کوچک‌ترین برادر لویی یازدهم بود که علیه وی به دسیسه چینی پرداخت - م.

۳. نبرد مونلری در سال ۱۴۶۵ میان لویی یازدهم و اتحاد مصلحت عامه به وقوع پیوست و نتیجه‌ای جز تضعیف قوای دولتی در بی نداشت - م.

۴. آن فرانس ملقب به آن بوژو (Anne de Beaujeu) دختر ارشد لویی یازدهم بود و در زمان صغر شارل هشتم، مسئولیت نیابت سلطنت را از سال ۱۴۸۳ تا سال ۱۴۹۱ به عهده گرفت. [تصویر ۲۲۱] - م.

6. Saint-Aubin-du-Cormier

۵. گالیکانیسم مکتبی مذهبی - سیاسی بود که در صدد سازماندهی کلیساي کاتولیک فرانسه و حفظ استقلال آن از روم برآمد. این جنبش برتری روحانی و قضایی پاپ را به رسمیت می‌شناخت اما خواستار جلوگیری از هرگونه دخالت پاپ در امور کلیساي فرانسه بود. در نتیجه، تصمیم شورای اسقف‌های فرانسه به تصمیم پاپ ارجحیت داشت - م.

8. Le Mont-saint-Michel

فصل ششم / دورانی تازه ۱۹۹

یکی از بزرگ‌ترین فرقه‌های شوالیه‌گری را ایجاد کرد. خطر تحت قیومیت درآوردن سلطنت توسط نمایندگان مجلس کاهش یافت. در این خصوص، لویی یازدهم چنین اظهار کرد: «فرانسه خود من هستم». در سال ۱۴۹۸، اصل جانشینی سلطنت فرانسه توسط فرزند ذکور ارشد در خانواده والوا به آسانی به اجرا درآمد و هیچ دوره خلاً پادشاهی وجود نداشت. در ضمن، به هنگام مراسم خاکسپاری شارل هشتم برای اولین بار شعار «پادشاه شارل مرد، زنده باد پادشاه لویی» در فضا پیچید که به روشنی نشان‌دهنده پذیرش اصل تداوم سلطنت بود.^۱ نمایندگان مجلس عمومی طبقاتی که به‌ندرت دعوت می‌شدند (تشکیل جلسه نمایندگان در سالهای ۱۴۷۰ و ۱۴۸۴ و ۱۵۰۶) به تدریج بخشن زیادی از نفوذ سیاسی خود را از دست دادند. نمایندگانی که در سال ۱۴۸۴، در شهر تور، توسط آن و پییر بوژو گرد هم آمدند را می‌توان به عنوان اولین نمایندگان واقعی مجلس عمومی در نظر گرفت: نمایندگان ایالات اویل زیان و اُک زیان در کنار هم نشستند، نجبا و اسقف‌ها نمایندگان را انتخاب کردند، گفتگوها از جدیت بیشتری برخوردار بود؛ اما هیچ تصمیم مهمی اتخاذ نشد. از این پس، اصل اخذ منظم مالیات پذیرفته شد و مشورت با نمایندگان در خصوص سایر موضوعات نظیر لغو قرارداد، ازدواج شاهزاده، نیابت سلطنت و غیره صورت می‌گرفت.

افزایش قدرت عمل

به هنگام اخذ مالیات، حکومت بر این عادت بود که در برخی از مناطق با نمایندگان ایالات در خصوص افزایش مالیات مذاکره کند. بدین ترتیب، «مناطق نمایندگی»^۲ به وجود آمد که در آنها مالیات تصویب شده نسبت به مالیات اخذ شده در «مناطق رأی‌گیری»^۳ معمولاً مبلغ کمتری بود؛ یعنی مناطق فاقد مجالس منطقه‌ای (زیرا در آنها «منتخبان» میزان مالیات را تعیین می‌کردند). در قرن پانزدهم،

۱. در مراسم خاکسپاری، برتابوت شارل هفتم آدمکی چوبی قرار گرفت که معرف نمادین شاه فرانسه بود. این اقدام تازه حامل پیام سیاسی مهمی بود: از این پس، در کنار جسم شاه فقید، تمثال‌وی قرار می‌گرفت تا بر تداوم نهاد سلطنتی تاکید شود. نظریه «جسم دو گانه شاه» مقدمه روند ایجاد دولت بود -م.

2. Les pays d'états

3. Les pays d'élections

حوزه‌های مالیاتی مستقر شدند: در مناطق رأی گیری، منتخبان و یک مأمور دریافت کننده مالیات در پنج یا شش حوزه مالیاتی^۱ گرد هم می‌آمدند. «مشاوران عالی امور مالی» بر مجموعه عوامل تسلط داشتند. بدین ترتیب، مالیات ۸۰ درصد از عواید حکومت را تأمین می‌کرد. در سال ۱۴۶۲، مالیات حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار لیور سلطنتی^۲ برای حکومت عایدی داشت. لویی یازدهم، در سال ۱۴۸۱، میزان مالیات را چهار میلیون و ۶۰۰ هزار لیور تعیین کرد. این مبلغ در دوره سلطنت لویی دوازدهم کاهش یافت. مبلغ مالیات از یک میلیون و ۷۰۰ هزار لیور در سال ۱۵۰۷ به سه میلیون و ۷۰۰ هزار لیور در سال ۱۵۱۴ رسید. مالیات عادلانه اخذ نمی‌شد، روستائیان بهویژه در ایالات اویل زبان بهشدت تحت فشار مالیاتی بودند، از شهرنشینان مالیات کمتری گرفته می‌شد و اشراف و کشیشان کاملاً معاف از مالیات بودند. مالیات بر نمک، مالیات بر نوشیدنی‌ها و عواید مملکتی، منابع مالی سلطنت را کامل می‌کرد.

بهواسطه این درآمدهای هنگفت، پادشاهان فرانسه به ثروتمندترین حکمرانان اروپا مبدل شدند. آنها از توانایی حفظ ارتش دائمی و افزایش کارگزاران اداری برخوردار بودند. در ایالات، داروغه‌ها، تا حد زیادی، قدرت خود را از دست دادند. از اواخر قرن سیزدهم به بعد، صاحبمنصبان متخصص پا به عرصه حکومت گذاشتند: مأمور اخذ مالیات که از اختیارات مالیاتی برخوردار بود، نائب رئیس عدليه^۳، قائم مقام^۴، وکیل پادشاه که وظایف قضایی داشت، امیرلشکر^۵ که عهده‌دار وظایف نظامی بود وغیره. از سال ۱۴۲۰ به بعد، اصل گزینش خدمتگزاران دولت از بین رفت. خرید و فروش مناسب رواج یافت. درنتیجه، کارگزار سلطنتی می‌توانست مقام خود را بفروشد یا شخصاً جانشین خود را تعیین نماید. در سال ۱۴۵۴، شارل هفتم دستور سازماندهی مجدد دستگاه قضایی را صادر کرد. بهمنظور قضاوت برخی از

۱. (Les généralités) حوزه‌های مالیاتی که پیش از انقلاب فرانسه تابع اختیار خزانه‌داران بود - م.

۲. (Les livers tournois) در فرانسه به سکه‌ای اطلاق می‌شده که قرن سیزدهم در شهر تور ضرب می‌شده است و سپس در باب سکه سلطنتی گفته‌اند که مانند سکه شهر تور ضرب می‌شد - م.

3. Le juge-mage

4. Le lieutenant

5. Le capitaine général

فصل ششم / دورانی تازه ۲۰۱

جرائم در محکمه‌ها، دیوان عالی^۱ در ایالاتی نظیر تولوز، گرونوبل^۲، بُردو، دیژن و غیره به وجود آمد؛ اما لویی یازدهم نسبت به دیوان عالی پاریس بدگمان شد، چرا که این دیوان توانمند به هنگام تأیید برخی فرامین، از پادشاه بازخواست می‌کرد. در موقعی، حق داوری در خصوص مسائل مهم و حساس از قضات دیوان عالی سلب شده و این مسائل مستقیماً در شورای پادشاه مطرح می‌شد. گرچه شاهان در شهرهای پلسی -له - تور^۳، آمبوآز، بِلوآ و غیره واقع در دره رود لوار اقامت داشتند؛ اما پاریس به عنوان پایتخت اداری حکومت حفظ شد. از دوره سلطنت شارل پنجم، تشکیلات اداری به طور کامل در کاخ سیته مستقر شد. در دوره پادشاهی لویی یازدهم، پرونده‌های دیوان محاسبات در راهروها روی هم انباشته می‌شد. بی‌نظمی‌ای که در بی‌هر تشریفات اداری می‌آمد، از این دوره به بعد، به خوبی مشهود بود. در حدود سال ۱۵۰۰، در سراسر مملکت حدود ۴ تا ۵ هزار صاحب منصب سلطنتی وجود داشت که حدود ۱۰ هزار کارمند جزء در خدمت آنان بودند.

تأثیر فرانسه در اروپا تجزیه ایالات شاهزاده نشین

طی چندین دهه ایالات اصلی فئودالی که در مملکت فرانسه وجود داشت، استقلال خود را از دست داد. این امر در خصوص ایالات بورگونی صادق بود. این ایالات که از سال ۱۳۶۳ به بعد، توسط یکی از برادران شارل پنجم موسوم به فیلیپ بی‌باک ایجاد شده بود، با گذشت زمان، گسترش یافت و در اواسط قرن پانزدهم، مجموعه ارضی پیچیده؛ اما به ویژه حاصلخیزی را به وجود آورد. در جنوب، کنت نشین نور، شاروله^۴، دوک نشین بورگونی (دیژن) و کنت نشین بورگونی یا فرانشکنته^۵ (سالین^۶، بُزانسون) متعدد شدند. تجارت شراب و نمک برای فیلیپ نیک‌سیرت،

1. Le parlement

2. Grenoble

3. Plessis-lez-Tours

4. Le Charolais

5. Franche-Comté

6. Salins

۲۰۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس

دوک بورگونی از سال ۱۴۱۹ تا سال ۱۴۶۷، عواید قابل ملاحظه‌ای را به همراه داشت. در شمال، فعالیتهای تجاری، دریایی و صنعت نساجی شهرهای فلاندر، آرتوا، هنوا^۱، برabant و هلند^۲ به دوک بورگونی امکان داد تا بر یکی از پیشرفته‌ترین مناطق اروپا تسلط یابد. به واسطه اراضی خود، فیلیپ نیکسیرت در عین حال به امپراتور ژرمن و به پادشاه فرانسه اعلام سرسپردگی کرده بود؛ اما وی که به زبان فرانسه صحبت می‌کرد و از اعضای خاندان والوآ بود، به کشور فرانسه بیشتر از امپراتوری ژرمن توجه و علاقه داشت. فیلیپ در سال ۱۴۶۳ پذیرفت که شهرهای دره رود سُم را به لویی یازدهم بفروشد. پسرش، شارل که باهوش، شجاع اما بی‌فکر و بسیار جاه طلب بود، با الحاق شهرهای لیژ، لورن، آلزاس و حتی کنتون‌های سوئیس به ایالات بورگونی، آرزوی یکپارچگی آنها را داشت و سودای احیای لوთارنژی باستان را در سر می‌پروراند. شارل که مالک حاصلخیزترین ناحیه اروپا شامل دره رودهای سائون، راین و نواحی ساحلی دریای شمال بود، توانست اعلام خود مختاری کند و از امپراتور فردریک سوم^۳ تاج شاهی را بگیرد.

جاه طلبی‌های شارل دلاور منافع لویی یازدهم را به خطر انداخت. از سال ۱۴۶۵ به بعد، وارث بورگونی پادشاه فرانسه را به هنگام جنگ موسوم به «مصلحت عامه»^۴ در موقعیت دشواری قرار داد، لویی یازدهم شهرهای ناحیه سُم را به فیلیپ نیکسیرت باز گرداند. در سال ۱۴۶۷، شارل جانشین پدر شد؛ لویی یازدهم به وی پیشنهاد مذاکره داد. در اکتبر ۱۴۶۸، در زمانی که اهالی لیژ^۵ با تشویق و تحریک کشور فرانسه، علیه بورگونی شورش کرده بودند، پادشاه فرانسه به همراهی گروه کوچکی در قلعه پرون^۶ به ملاقات «دوک کبیر غرب» رفت. شارل دلاور که بهشدت خشمگین شده بود، لویی یازدهم را به مدت چند روز زندانی کرد و او را به واگذاری‌های جدید و تحقیرآمیزی مجبور نمود. در نوامبر ۱۴۷۰، برای لغو قرارداد، شاه نمایندگان مجلس

1. Le Hainaut

2. Hollande

3. فردریک سوم (Frédéric III) (۱۴۱۵-۱۴۹۳) از سال ۱۴۴۰ تا ۱۴۸۶ شاه رومی‌ها و از سال ۱۴۵۲ تا زمان مرگش امپراتوری ژرمنی بود.

4. Le guerre du Bien public

5. Les Liégeois

6. Péronne

فصل ششم / دورانی تازه ۲۰۳

را در شهر تور گرد هم آورد. شارل دلاور به سیاست خود ادامه داد و در سال ۱۴۶۹، بر قسمتی از آلزاں تسلط یافت و در سال ۱۴۷۳، رنه دوم^۱ شهرهای اصلی دوکنشین لورن را به وی واگذار کرد. گسترش ایالات بورگونی نگران کننده بود و سبب بروز مقاومتها بی شد. در سال ۱۴۷۲، نیروهای شارل دلاور ناحیه پیکارדי را به تصرف خود درآوردند؛ اما از سکنه بوده به رهبری زن جوان دلیری به نام ژن، [ملقب به] «تبر»^۲، شکست خوردند. در سال ۱۴۷۳، امپراتور از اعطای تاج شاهی به شارل دلاور سر باز زد. در سال ۱۴۷۴، لویی یازدهم با کانتونهای سوئیس متحد شد و شارل با پادشاه انگلستان، ادوارد چهارم^۳ که قول دخالت به نفع وی را داده بود، هم پیمان گردید. در ۲۹ اوت ۱۴۷۵، لویی یازدهم بی دردسر، طبق قرارداد پیکینی^۴ با پرداخت مبلغی نیروهای انگلیسی را بازگرداند. از این پس، شارل تنها شد، درحالی که رقیش اهالی لورن^۵، سوئیس^۶ و شهرهای حاشیه رود رن^۷ را به اتحاد علیه بورگونی ترغیب می نمود. در دوم مارس ۱۴۷۶، در گراندسون^۸ و سپس در ۲۲ ژوئن در مورا^۹ پیادنظام هراسناک سوئیس سپاه بورگونی را مغلوب کرد. در ۵ ژانویه ۱۴۷۷، شارل بورگونی با شجاعتی که به بی عقلی نزدیک بود، در کنار دیوارهای شهر نانسی^{۱۰} نبرد سومی را با نیروهای سوئیس آغاز کرد. سربازان سوئیسی دوباره شکست را بر نیروهای بورگونی تحمیل کردند. در ۷ ژانویه، جسد دوک کیر غرب را که توسط گرگها دریده شده بود، یافتند. لویی یازدهم شادی خود را پنهان نکرد و بی صبرانه دستور تصرف ایالات بورگونی توسط سپاهیانش را صادر نمود. در اوت ۱۴۷۷، دختر شارل دلاور، ماری

1. René II de Lorraine

۲. وی چهره نمادین مقاومت مردمی در برابر شارل دلاور بود. [تصویر ۲۲۲] - م.
۳. ادوارد چهارم (Édouard IV) از سال ۱۴۶۱ تا سال ۱۴۸۳ پادشاه انگلستان و اولین پادشاه دودمان بورک بود. [تصویر ۲۲۳] - م.

4. Le traité de Picquigny

5. Les Lorrains

6. Les Suisses

7. Les villes rhénanes

8. Grandson

9. Morat

10. Nancy

۴۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننسانس

بورگونی^۱، به منظور حفظ میراث خود در سیزده سالگی با پسر امپراتور، ماکسیمیلیان هابسبورگ^۲، ازدواج کرد. نمایندگان مجلس عمومی هلند^۳ حمایت خود را از وی اعلام نمودند. ماکسیمیلیان در جنگی رویروی لویی یازدهم قرار گرفت و در ۷ اوت ۱۴۷۹، وی را در گینگات^۴ شکست داد. پس از مرگ ناگهانی ماری، در ۲۳ دسامبر ۱۴۸۲، توافقی موسوم به قرارداد آراس بین طرفین صورت پذیرفت که به موجب آن، فرانسه دوکنشین بورگونی و ناحیه پیکاردی را حفظ کرد و پسر ماری بورگونی^۵ و ماکسیمیلیان، فیلیپ زیبارو^۶، نواحی فلاندر، برabant، هینو، هلند و لوگزامبورگ^۷ را به دست آورد. دختر دوسره ماری و ماکسیمیلیان، شاهزاده مارگریت^۸ به عنوان نامزد پسر لویی یازدهم برگزیده شد و جهیزیه وی شامل نواحی آرتوا، شارل روا و فرانشکته بود. شارل هشتم پس از آنکه نامزدی خود را با مارگریت ملغی کرد، آخرین تصرفات خود را به ماکسیمیلیان هابسبورگ باز پس داد و خود در سال ۱۴۹۳ عازم جنگ ایتالیا شد.

مرگ شاهزاده‌ای بی‌وارث یا محکومیت مالکی بزرگ توسط دستگاه قضایی سلطنت امکان الحق مجدد سایر تیول‌هارا به قلمرو شاه فراهم می‌آورد. این امر در مورد کنتنشین‌های آلانسون^۹، آرمانیاک و دوکنشین‌های بری، گوین، آنژو و پروانس صادق بود. ناحیه روسیلون^{۱۰} که در دوره سلطنت لویی یازدهم به فرانسه الحق شده بود، در

۱. (Marie de Bourgogne) ماری بورگونی (۱۴۵۷-۱۴۸۲) تنها دختر شارل دلاور و دوشس بورگونی بود.

[تصویر ۲۲۴] - م.

۲. (Maximilien de Habsbourg) ماکسیمیلیان هابسبورگ (۱۴۵۹-۱۵۱۹) از سال ۱۵۰۸ تا زمان مرگش امپراتور ژرمنی بود. [تصویر ۲۲۵] - م.

3. Les États-Généraux des Pays-Bas

4. Guinegarde

۵. فیلیپ زیبارو، پدر امپراتور «شارل کن» بود. طی حیات خود در صدد بازپس‌گیری میراث مادر بزرگش، ماری بورگونی، برآمد - ن.

۶. (Philippe le Beau) فیلیپ هابسبورگ معروف به فیلیپ زیبا (۱۴۷۸-۱۵۰۶) پسر امپراتور ژرمنی ماکسیمیلیان هابسبورگ و پایه‌گذار دودمان هابسبورگ بود. این دودمان به مدت طولانی بر اتریش و اسپانیا حکومت می‌کرد. [تصویر ۲۲۶] - م.

7. Le Luxembourg

8. La princesse Marguerite

9. Alençon

10. Le Roussillon

فصل ششم / دورانی تازه ۲۰۵

سال ۱۴۹۳، توسط شارل هشتم به آرگون واگذار شد. مملکت فرانسه مفاد قرارداد وردن در سال ۱۴۹۳ را زیر پا گذاشت و به ضرر امپراتوری ژمن قلمرو خود را در امتداد ساحل سمت چپ رود رن (دُفینه در قرن چهاردهم و سپس پروانس) گسترش داد. به دنبال مرگ دوک بریتانی، فرانسوی دوم^۱، اهالی بوژو^۲ وارد عمل شدند و در سال ۱۴۹۰، با ازدواج مجدد ماسیمیلیان هابسبورگ و دوشیز جوان «آن»^۳ مخالفت کردند و شهر نانت را فتح نمودند. در دسامبر ۱۴۹۱، آن بریتانی^۴ با شارل هشتم ازدواج کرد؛ اما در عقدنامه تصریح شده بود که ایالت بریتانی به فرانسه الحق نشود و استغلال و آزادی خود را حفظ کند. «آن» که در سال ۱۴۹۸ بیوه شد، با پادشاه جدید، لویی دوازدهم ازدواج کرد. لویی حکم فسخ ازدواج اول خود را از پاپ الکساندر ششم بورجیا^۵ دریافت کرده بود. در سال ۱۵۰۶، کلود فرانس^۶ که ثمره ازدواج آن بریتانی و لویی دوازدهم بود، با وارت مسلم تاج و تخت پادشاهی فرانسه، فرانسوآ آنگولم - والوآ^۷ ازدواج کرد. ایالت بریتانی با حفظ حقوق خود، از این پس، با فرانسه متحد شد.

ماجرای جویی در ایتالیا

عواملی نظیر تمدن درخشان، ثروتهای فراوان و نیز توطئه‌های پیچیده و رقابت‌های شدید میان ایالات مختلف، پادشاه جوان، شارل هشتم را بر آن داشت تا خواهان مداخله در جنگ ایتالیا شود. پادشاه فرانسه حقوق خود را از میراث کهن شارل آنزو^۸، برادر لویی قدیس و شاه ناپل^۹ در قرن سیزدهم، مطرح کرد. اشراف ناپل که علیه شاه آرگونی‌الاصل آنجا دست به شورش زده بودند و دوک میلان،

۱. (François II) فرانسوی دوم (۱۴۸۸-۱۴۳۳) آخرین دوک بریتانی بود - م.

2. Les Beaujeu

3. Anne

4. Anee de Bretange

5. «یکی از پاپهای کلیسای کاتولیک روم که در اسپانیا به دنیا آمد و از سال ۱۴۹۲ تا سال ۱۵۰۳ پاپ بود. [تصویر ۲۲۷] - م.

6. (Claude de France) کلود فرانس دختر پادشاه فرانسه لویی دوازدهم، دوشیز بریتانی و همسر اول فرانسوی اول بود - م.

7. François d'Angoulême-Valois

8. Charles d'Anjou

9. Naples

لودویک اسفورتزا^۱، فرانسه را به دخالت تحریک کردند. در سال ۱۴۹۳، شارل هشتم آماده لشکرکشی به ایتالیا شد و با واگذاری تعدادی ایالت به همسایگان خود از بی طرفی آنها اطمینان حاصل کرد. در ژوئیه ۱۴۹۴، سپاه فرانسه از رشتہ کوههای آلپ گذشت، در فوریه ۱۴۹۵، بدون هیچ مشکلی، به فلورانس، روم و سپس ناپل نفوذ کرد و شارل هشتم با پوشش امپراتوران روم شکوهمندانه وارد شهر ناپل شد. سپاهیان فرانسوی که به وجود آمده بودند، به سرعت خزانه‌ها را خالی کردند و به تفریح و سرگرمی مشغول شدند. اتحاد ونیز^۲ که در ماه مارس شکل گرفته بود، به ناگاه شارل هشتم را در موقعیت دشواری قرار داد و دوک میلان^۳ موضع خود را تغییر داد. سپاه فرانسه تصمیم به عقب‌نشینی گرفت. در ششم ژوئیه ۱۴۹۵، در فورنو^۴، نزدیک پارم^۵ نیروهای فرانسوی ایتالیایی‌ها را شکست دادند؛ اما نیروهایی که در ناپل مانده بودند، در سال ۱۴۹۶، تسلیم دشمن شدند. پادشاه جدید، لویی دوازدهم مالک دوکنشین میلان بود که آن را از مادر بزرگش والانتین ویسکونتی^۶ همسر لویی ارلثان به ارث برده بود. در اواخر سال ۱۴۹۹، لشکرکشی جدیدی برای نیروهای فرانسوی امکان تصرف دویاره شهر میلان را فراهم آورد. در سال ۱۵۰۰، دوک لودویک اسفورتزا به اسارت درآمد. لویی دوازدهم با آراغون توافق کرد که به اتفاق هم سرزمین ناپل را دوباره تصرف کنند و آن را بین خود تقسیم نمایند. این سرزمین ناپل در سال ۱۵۰۱ باز پس گرفته شد اما، خیلی زود، اسپانیایی‌ها علیه فرانسه وارد جنگ شدند. با وجود پیروزی‌های بایار^۷ روی پل گاریگلیانو^۸، نیروهای فرانسه در سالهای ۱۵۰۳ و ۱۵۰۴ متحمل شکست شدند. فرانسه به طور قطعی سرزمین ناپل را از دست داد؛ اما لویی دوازدهم نیروهای خود را در ایتالیای شمالی نگه داشت. پاپ جدید، ژول دوم^۹ که فردی زیرک و حقه‌باز بود، با اتحاد

۱. Ludvoic Sforza (لودویک اسفورتزا ۱۴۵۲-۱۵۰۸) از اشراف ایتالیا و دوک میلان در لومباردی بود. خانواده اسفورتزا از سال ۱۴۵۰ تا سال ۱۴۶۶ بر میلان حکومت می‌کرد -م.

2. La ligue de Venise

3. Milan

4. Fornoue

5. Parme

6. Valentine Visconti

7. Bayard

8. Garigliano

۹. Jules II (پاپ ژول دوم از سال ۱۵۰۳ تا سال ۱۵۱۳) پاپ کلیسا کاتولیک روم و از تأثیرگذارترین پاپهای عصر رنسانس بود. [تصویر ۲۲۸] -م.

فصل ششم / دورانی تازه ۲۰۷

کامبری^۱ در سالهای ۱۵۰۸ و ۱۵۰۹، موفق به استفاده از نیروهای فرانسوی علیه نیز شد و سپس اتحاد خود را برهم زد و در سال ۱۵۱۱، رهبری اتحاد مقدس^۲ را علیه فرانسه به عهده گرفت! فرمانده نیروهای لویی دوازدهم، گاستون فوا^۳، در نواحی بولونی، برسیا^۴ و راون^۵ پیروزی‌های درخشانی را کسب کرد (در فاصله فوریه و آوریل ۱۵۱۲) و بالاخره در ناحیه راون جان باخت. حمله نیروهای سوئیس به لُمباردی نیروهای فرانسوی را مجبور به عقب‌نشینی کرد. ماکسیمیلیان اسفورتزما^۶ بر شهر میلان تسلط یافت. در ژوئن ۱۵۱۳، نیروهای سوئیسی فرانسویان را در نوار^۷ شکست دادند، سپس شهر دیژن را در تیررس حملات خود قرار دادند. پادشاه انگلستان، هانری هشتم^۸، به شهر کاله نیرو اعزام کرد و سواره نظام فرانسه را نابود کرد. در سالهای ۱۵۱۳ و ۱۵۱۴، مذکرات با سوئیسی‌ها و انگلستان، امکان جلوگیری از اشغال فرانسه را فراهم آورد؛ اما آخرین نیروهای فرانسوی که در میلان مانده بودند، به هنگام مرگ لویی دوازدهم در اول ژانویه ۱۵۱۵، دچار یأس و ناامیدی شدند.

رونق دوباره اقتصاد

دگرگونی شرایط

از اواسط قرن پانزدهم به بعد، وضعیت اقتصادی در سراسر اروپا به سوی بهبود پیش می‌رفت.^۹ بدین ترتیب، مرحله مهمی از توسعه آغاز شد. هواندکی گرم شد و این امر تولید محصولات کشاورزی را تسهیل کرد. قحطی‌های بزرگ به ندرت رخ می‌داد (قحطی در سالهای ۱۴۶۵، ۱۴۸۱ و ۱۴۹۲)، جنگ در نواحی مرزی مملکت در

1. La ligue de Cambrai

2. La Sainte Ligue

3. Gaston de Foix

4. Brescia

5. Ravenne

6. ماکسیمیلیان اسفورتزما (Maximilien Sforza) در لومباردی بود - م.

7. Novare

8. هانری هشتم (Henri VIII) پسر هانری هفتم و از سال ۱۵۰۹ تا زمان مرگش پادشاه انگلستان بود. [تصویر ۲۲۹] - م.

9. در پی اتمام جنگ صد ساله - م.

جريان بود و بدین ترتیب، برای سکنه سرزمین امنیت بسیاری حاصل شد. تا اندازه‌ای به واسطه تغییرات مساعد جوی و نیز به دلیل مصنونیت نسبی مردم از بیماری، ویروس طاعون کمتر جان مردم را تهدید می‌کرد و شیوع گسترده بیماری‌های واگیردار نادر در سالهای ۱۴۴۰ و ۱۴۸۱ محدود بود. میزان مرگ و میر کاهش یافت، بیماری جذام از بین رفت؛ اما تیفوس، وبا و سل همچنان قربانی می‌گرفت. به هنگام اولین جنگ ایتالیا، بسیاری از سربازان فرانسوی در ناپل به مرض سیفلیس مبتلا شدند، فرانسویان این بیماری را خیلی زود «مرض ایتالیایی» نامیدند و ایتالیایی‌ها به آن «مرض فرانسوی» می‌گفتند! زوجهای جوان در سن پائین ازدواج می‌کردند و صاحب فرزندان زیادی می‌شدند. از این دوره به بعد، ازدیاد زاد و ولد امکان جوان شدن و بهویژه افزایش جمعیت مملکت را فراهم کرد؛ یعنی جمعیتی تقریباً معادل جمعیت فرانسه در سال ۱۳۲۸ (حدود ۱۵ میلیون سکنه). شهر تور با بحران کمبود مسکن مواجه شد و مردم در بسیاری از مناطق مجبور به بزرگ‌تر کردن کلیساها شدند.

کشتی‌های چهار دکل ایتالیایی که در فاصله سالهای ۱۴۵۰ و ۱۴۶۰ با الهام از عرشه کشتی‌های کوج، ساخته شده بود، به دریانوردان ایتالیایی یا ایبری^۱ امکان می‌داد تا به اولین لشکرکشی‌های بزرگ دریایی مبادرت کنند. در سال ۱۴۹۲، کریستف کلمب^۲ جزایر سان سالوادور^۳، کوبا^۴ و هائیتی^۵ را فتح کرد. به تدریج، مرکز فعالیتهای اروپا به دریای شمال که بندر آنور^۶ در آنجا برتری داشت و بالاخص به اقیانوس اطلس انتقال یافت. در سال ۱۵۰۵، لیسبون^۷ با تجارت ادویه، رونق تجارت و نیز را از بین برد. بنادر فرانسه در ساحل اقیانوس اطلس رونق پیدا کردند. نانت، راشل، بُردو، همچنین

1. Ibérique

۲. (Cristophe Colombe) کریستف کلمب (۱۴۵۱-۱۵۰۶) اولین دریانوردی بود که قاره آمریکا را کشف کرد. وی از طریق اقیانوس اطلس در جستجوی راهی بود که اروپا را به هندوستان مرتبط کند اما مسیری که آمریکا و اروپا را به هم متصل می‌کرد، کشف نمود. وی که در خدمت پادشاهان کاتولیک اسپانیا دریانوردی می‌کرد، هرگز متوجه نشد که قاره جدیدی را کشف کرده است. [تصویر ۲۳۰]-م.

3. San Salvador

4. Cuba

5. Haïti

6. Anvers

7. Lisboenue

۲۰۹ فصل ششم / دورانی تازه

سَن - مالو^۱، هونفلور^۲، روئان، دیپ^۳ و غیره بنادر فعالی بودند. بازرگانان و بورژوآها یک یا چند سهم از یک کشتی تجاری را می خریدند یا ضمانت آن را تقبل می کردند. دریانوردان فرانسوی نیز به جریان اکتشافات دریایی پیوستند. بتانکور^۴ که از اهالی دیپ بود، در سال ۱۴۰۲، به جزایر قناری^۵ رسید. در سال ۱۵۰۳، لوپولمیه گونویل^۶ به سواحل برزیل^۷ گام نهاد.

فعالیتهای پیش‌روندۀ

جریان افزایش قیمت‌ها در فاصله سال‌های ۱۴۲۰ و ۱۴۶۰ در برخی مناطق بروز کرد. بهره‌برداری از معادن نقره اروپای مرکزی^۸ و حتی لیون سرعت بیشتری گرفت؛ اما به میزان کمی نیاز به فلزات گرانبها را برآورده می کرد.^۹ در سال ۱۴۷۵، پول «معتبری» به نام اِکو خورشیدی^{۱۰} به جریان افتاد. دستمزدها همزمان با جریان افزایش قیمت‌ها رشد نکردند. افزایش قیمت محصولات کشاورزی کشاورزان را به آمایش اراضی وزیر کشت بردن قطعه زمینهای رهاسده ترغیب کرد. بازرگانان ثروتمند و صاحب منصبان سلطنتی شروع به خرید اراضی نمودند. در مقابل، در طبقه پائین اجتماعی، رشد روز افزون جمعیت منجر به نابودی قطعه زمینهای روستایی شد. دو سوم اراضی کشاورزی

1. Saint-Malo

2. Honfleur

3. Dieppe

4. کاشف و دریانورد فرانسوی (۱۳۶۲-۱۴۲۵) صاحب عنوان شاه جزایر قناری شد. [تصویر ۲۲۱-۳].

5. Les îles Canaries

6. دریانورد فرانسوی قرن پانزدهم بود که در سال ۱۵۰۴ به جزایر برزیل رسید. [تصویر ۲۲۱-۴].

7. Les Côtes brésiliennes

8. L'Europe centrale

9. ژاک گر، وی یکی از اهالی بورژ و بازرگانی تمام عیار بود - بعدها، دستور داد تا عمارت بسیار باشکوهی را در آنجابرای خودش بسازند - ژاک به بهره‌برداری از معادن نقره، بانکداری، تجارت شراب، نمک، پشم و بالاخص ادویه‌جات می‌پرداخت. کشتی‌هایش راهی بیروت و اسکندریه می‌شدند. ژاک بیش از سیصد نفر را به خدمت می‌گرفت، به شارل هشتم نفره قرض می‌داد، مالیات بر نمک، مالیات بر نوشیدنی‌ها را دریافت می‌کرد، اصل آنها را به شاه می‌داد و سود آنها را به نفع خود کسر می‌کرد. پیشرفت سریع و ثروت زیادی دشمنی افراد زیادی را به دنبال داشت. ژاک که شعار «برای قلب دلیر، هیچ چیز غیر ممکن نیست». راهنمیشه بر زبان داشت، در سال ۱۴۵۱، به اتهام اختلاس بازداشت شد. در سال ۱۴۵۳، فرار کرد و در سال ۱۴۵۶، در شهر چیواز دنیارفت - ن.

10. L'écu au soleil

در دشت نوبورگ^۱ در حدود سال ۱۵۰۰، کمتر از چهار هکتار وسعت داشت. در شهرها، ساخت بناهای سنگی متداول شد. صنعت نساجی در شهرهای روئان، لوویه^۲، ریم، آمین، تولوز، آراس، پاریس و غیره رونق یافت. امنیت داخلی امکان داد و ستد و مبادلات را فراهم آورد. ساخت اولین جاده‌های سنگفرش در منطقه لیل به دوره سلطنت فیلیپ نیک‌سیرت برمی‌گردد. بازارهای محلی لیون، کان^۳ و روئان در دوره سلطنت لوویی یازدهم بسیار معروف بود. لوویی یازدهم نظام پستی را توسعه داد، در حیات اقتصادی دخالت کرد و تسهیلاتی از قبیل ایجاد صنعت ابریشم در شهرهای تور و لیون و نیز صدور دستور نگارش ۷۰ آئین نامه صنفی را به وجود آورد.

گرچه تا حدودی دانشگاههای آن دوره همگام با این توسعه رشد نکرد، با این وجود، در دانشگاه سورین، در سال ۱۴۷۰، گیوم فیشه^۴ اولین ماشین چاپ را در فرانسه مستقر کرد. فرانسوآ ویون^۵ اشعارش را بین سال‌های ۱۴۵۶ و ۱۴۶۲ سرود و کومین^۶ تاریخ‌نگاری‌های خود را بین سال‌های ۱۴۸۹ و ۱۴۹۸ به رشته تحریر در آورد. کاخ دادگستری روئان نمایانگر شکوه و عظمت سبک مشتعل هنر گوتیک بود. تابلوهای ژان فوکه^۷ (مرگ در سال ۱۴۸۱) یا انگراند کارتون^۸ (مرگ در فاصله سال‌های ۱۴۴۰ و ۱۴۶۰) گواه پیشرفت هنر نقاشی در فرانسه بود. میشل کلمب^۹ سنگ‌تراش برای فرانسوآی دوم دوک بریتانی و همسرش مقبره باشکوهی ساخت (واقع در کلیسای جامع نانت).

1. Neubourg

2. Louviers

3. Caen

۴. (Guillaume Fichet) گیوم فیشه صنعت چاپ را وارد فرانسه کرد. وی در دانشگاه سورین الهیات تدریس می‌کرد. سپس به ایتالیا رفت و در آنجا با انسان‌گرایی آشنا شد.-م.

۵. (Villon) فرانسوآ ویون (۱۴۳۱-۱۴۶۳) شاعر فرانسوی دوره پایانی قرون وسطی بود. نویسنده‌گان مکتب رمانیسم وی را پیشگام «شاعران نفرین شده» می‌دانند. [تصویر ۲۲۲]-م.

۶. «Commynes» سیاستمدار، تاریخ‌نگار و زندگینامه‌نویس فرانسوی از اهالی فلاندر بود. وی وقایع دوره لووی یازدهم و شارل هشتم را به رشته تحریر درآورد. [تصویر ۲۲۳]-م.

۷. (Jean Fouquet) ژان فوکه یکی از نقاشان بزرگ قرن پانزدهم و از پیشگامان رنسانس در نقاشی فرانسه است. در قرن نوزدهم، آثار وی توجه پیروان سبک رمانیسم را به خود جلب کرد. [تصویر ۲۲۴]-م.

۸. (Enguerrand Quarton) انگراند کارتون نقاش قرون وسطی پسین در آثار خود از نقاشان ایتالیایی الهام می‌گرفت.-م.

۹. (Michel Colombe) مجسمه‌ساز فرانسوی (۱۴۳۰-۱۵۱۳) که ساخت مقبره بزرگانی نظیر لووی یازدهم و دوک بریتانی را به عهده گرفت. [تصویر ۲۲۵]-م.

واژه نامه

۷

آریانیسم (Arianisme): یک شاخه اولیه مسیحیت که به تسلیت یعنی اینکه خدا، مسیح و روح القدس اجزای برابر یک وجود یگانه‌اند باور داشت.

الف

اتحاد مصلحت عامه (La Ligue du Bienpublic): شورش اشراف علیه افزایش قدرت و سیاستهای شاه فرانسه لویی یا زدهم بود که از مارس تا اکتبر ۱۶۴۵ طول کشید.

ارباب (Le Seigneur): وی که می‌توانست اشراف‌زاده یا عضوی از جامعه مذهبی و حتی گاهی یک فرد عادی باشد، دارای حق برقراری نظم و اجرای عدالت میان واسال‌های قلمرو خویش بود و آنان به وی سوگند وفاداری یاد می‌کردند.

اردالی، روش (Ordalie): این روش نوعی مداخله الهی برای اثبات بی‌گناهی متهم تلقی می‌شد و از ماهیتی مذهبی برخوردار بود.

أسقف (L'Évêque): یک مقام کلیسايی که سرپرستی چندین کلیسا را در یک ناحیه اداری به نام **أسقفنشین** به عهده داشت.

اسکولاستیک یا مدرّسی، فلسفه (La Scolastique): این کلمه از واژه لاتین «schola» به معنای مکتب یا مدرسه برگرفته شده است؛ اما در حقیقت از شیوه تدریس و نظام فکری فلسفی حکایت می‌کند که در دانشگاه‌های قرون وسطی به کار گرفته می‌شد.

اعانه یا کمک مالی (Aide financière) پرداختی که از یک واسال درخواست می‌شد تا به اربابش در تأمین هزینه آزاد سازی یک اسیر یا یک مناسبت خاص مثل شوالیه شدن پسر ارباب یا ازدواج دخترش کمک کند.

امپراتوری بیزانس (Empire byzantin) امپراتوری هزار ساله روم شرقی که بنیانگذار آن کنستانسین یکم و پایتختش قسطنطینیه یا بیزانسیوم بود.

انشقاق بزرگ (Schisme Legrand): بحران کلیسای کاتولیک در قرون چهاردهم و پانزدهم (۱۴۱۷ - ۱۳۷۸) که طی آن مقر کلیسای کاتولیک روم به آوینیون منتقل گردید و به دنبال آن، مسیحیت غربی به دو قسم تقسیم شد. این بحران طی جنگ صد ساله در اروپا به وقوع پیوست.

ب

بارون (Le Baron): بارون لقبی اشرافی است. این اصطلاح معمولاً به ارباب فثودال یا واسالی که تیول خود را مستقیماً از پادشاه می‌گرفت، اطلاق می‌شد.

بازار خرید و فروش کالا (Foire Le): این کلمه از واژه لاتین «feria» به معنای جشن برگرفته شده است چراکه در اصل بازارگانان به مناسبت جشن‌های مذهبی گرد هم جمع می‌شدند. بازارهای محلی امکان اجتماع دوره‌ای و منظم بازارگانانی را که از نقاط دوردست می‌آمدند، فراهم می‌کرد و تحت حمایت مقامات دولتی بود. به تدریج، برخی از این بازارها نظیر بازار شامپانی در قرن سیزدهم، بازار لیون و یا بازار ژنو در اوخر قرون وسطی به قطبهای اصلی و مهم تجارت بین‌الملل مبدل شدند.

بازیلیک (La Basilique): عمارت رومی سه گوش سرپوشیده‌ای که دارای چندین شبستان بوده و با ایوانهای ستون‌بندی شده احاطه شده بود و بعدها به کلیساهای بزرگ تبدیل شد.

بربرها (Les Barbars): رومی‌ها و یونانیان باستان این کلمه را به منظور تمیز دادن یونانیان از غیر یونانیانی که به لاتین یا یونانی سخن نمی‌گفتند، به کار می‌بردند.

برج اصلی (Le Donjon): بلندترین برج قلعه که برای دیده‌بانی و تیراندازی مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین، در صورتی که دشمن قلعه و استحکامات را تصرف می‌کرد، این برج به عنوان آخرین پناهگاه و مأمن محسوب می‌شد. به طور کلی، ارباب به همراه خانواده خود در این برج اقامت داشت و خزانه، تسلیحات و

اسناد در آنجا نگهداری می‌شد.

بلژیها Belges (Les): مردمانی که در شمال شرقی گالیا، در ساحل غربی رود راین در سده یکم ق.-م. می‌زیستند. نام کشور بلژیک از نام آنها برگرفته شده است.

بنیدیکتی‌ها Bénédictins (Les): اعضای یک فرقه رهبانی که بنیدیکت قدیس Saint Benoit در سال ۵۲۹ پایه‌گذاری کرد. آنها طی قرون وسطی به تأسیس بیمارستانها، یتیم‌خانه‌ها و مدارس پرداختند.

بورژواها Bourgeois (Les): در قرون وسطی به معنای شهرنشین به کار برده می‌شد. بورژواها طبقه اجتماعی متوسطی را تشکیل دادند و در ایجاد رنسانس و در انقلاب فرانسه نقش مهمی را ایفا کردند.

پ

پُشت بند معلق (L'Arc boutant): ستونی که انتهای آن نیم طاق دارد و برای نگهداری دیوار یا سقف به کار برده می‌شود.

پلانتاژنه، دودمان Plantagenet: نام یکی از دودمانهای انگلستان که ژفری پنجم (۱۱۵۱-۱۱۲۸) اولین پادشاه آن به شمار می‌آید.

پنجره گل سرخی (La Rosace): این شکل تزئینی متقارن مت Shankel از شیشه‌های منقوش رنگارنگ است، در ساخت آن، از کمانهای دایره‌ای شکل در حول یک مرکز استفاده می‌شود و به همین دلیل، تداعی کننده گل سرخ می‌باشد.

پول زور (La Maltôte): اعانه فوق العاده‌ای که گذشته از مالیات در سال ۱۲۹۲ و سالهای بعد برای پرداخت مخارج جنگ در فرانسه دریافت می‌شد و مردم آن را به این شکل می‌نامیدند.

پیشکش (بنفیس) (Le Bénéfice): در گذشته، پادشاه به عنوان پاداش، قطعه زمینی را به صورت موقت یا مدام‌العمر می‌بخشید. در دوره کارولنژی، به عنوان پاداش در قبال تعهد نظامی و اسلحه، قطعه زمینی به وی پیشکش می‌شد که اغلب به معنای تسلط او بر یک ملک اربابی بود.

پیپینید، خاندان Pippinides (Les): خاندان ثروتمند و بسیار متفاوتی که با مکرو خشونت از ضعف دودمان مروونژی سوء استفاده نموده و قدرت را از چنگ آنان بیرون آورده است.

ت

تاکتیک زمین سوخته (La Tactique de la terre brûlée): این تاکتیک در شرایط نبرد نظامی به منظور تخریب و سوزاندن زیرساختها، بناها، محیط اطراف، و به طور کلی امکانات به کار برده می‌شد تا آنها را برای دشمن غیر قابل استفاده سازند.

تذهیب (L'Enluminure): تزئین دستنوشته‌ها هنر ویژه قرون وسطی است. این تذهیبها بر روی حروف و یا پیرامون صفحات و تصاویر صورت می‌گرفت. معنای ابتدایی مینیاتور، حرف مزین به رنگ قرمز بوده است. هنر تذهیب در دوره گوتیک شکوفا شد و در قرن پانزدهم به اوج خود رسید. این هنر با ابداع صنعت چاپ و پیشرفت نقاشی تابلوها تا حد زیادی از بین رفت.

ترکها (Les Turcs): ترکهای سلجوقی در سال ۱۰۷۸ با غلبه بر عباسیان، بیت‌المقدس را اشغال کردند و مانع از ورود زائران مسیحی به این شهر شدند.

تروپیرها (Les Trévoires): مردمان بسیار قدرتمندی از نژاد سلت که به گروه بلژ تعلق داشتند و در شرق گالیا ساکن شدند.

تقدیس (La Canonisation): یکی از آئینهای کلیسای کاتولیک است که پس از انجام آن، یک شخص در زمرة قدیسین قرار می‌گیرد. این آئین در قرن دوازدهم بسیار رواج داشت. ایمان، انجام اعمال نیکو و معجزات از جمله معیارها برای تقدیس یک فرد بود. این رسم امروزه نیز در کلیسای کاتولیک برقرار است؛ اما تابع مقررات سختی است. از جمله باید از مرگ شخص مورد نظر برای تقدیس سالهای زیادی گذشته باشد.

تکفیر (L'Excommunication): سلب حق شرکت در آئینهای عبادی کلیسا که بسیاری معتقد بودند برای رستگاری ضروری است. کلیسا با ادای عبارات انشائی - عباراتی که بیان آنها به مثابه وضع حکمی ملغی ناپذیر است - می‌توانست یک مسیحی را از اجتماع مؤمنان و وفاداران به آئین مسیحیت طرد کند. تکفیر صغیر یا فرعی وی را از حق شرکت در مراسم مقدس محروم می‌کرد. تکفیر کبیر یا اصلی از تدفین وی در زمینهای مقدس و متبرک ممانعت می‌کرد؛ همچنین مانع از آن می‌شد که سایر مسیحیان با وی ارتباط برقرار کنند.

تمثال‌شکنی (Iconoclasme): نابود سازی تصویرهای مذهبی، نام یک نهضت بیزانسی

در قرن هشتم که مدعی بود احترام به پیکره‌ها و تصویرهای مقدس گناه است. توشینا (Tuchinat) Le: قیام توشینا معروف به توشینا (بین سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴)، در ایالات اُک زبان در اعتراض به وضع مالیاتهای جدید و حضور مزدوران به وقوع پیوست. دسته‌های کشاورزان و پیشه‌وران با حمایت اربابان بزرگ قیام کردند. تیول (فِیف) (Fief) Le: نوعی بخشش فتووالی که به یک واسال اهدا می‌شد و اختیار یک ملک اربابی را به او می‌داد. اغلب یک قلعه زمین یا یک قلعه بود؛ اما گاهی به عنوان پاداش خدمات، به واسال حق ویژه یا درآمد حاصل از زمین اعطا می‌شد.

ج

جنبیش چوپانان (Le mouvement des Pastoureaux): در این جنگ صلیبی مردمی، فرا و چوپانان حضور داشتند. این جنبیش به لحاظ اجتماعی و مذهبی برای صاحبان قدرت خطرناک بود و توسط قدرتهای حکومتی سرکوب شد.

جنگ صد ساله (La Guerre de Cent Ans): اصطلاحی است که برای نبردهای میان انگلستان و فرانسه، در فاصله سالهای ۱۳۳۷ و ۱۴۵۳ به کار می‌رود. نبردهای میان دودمان والوآ و دودمان پلانتاژن، به همراه دو دوره صلح موقت (در فاصله سالهای ۱۳۶۰-۱۴۱۵ و ۱۳۸۹-۱۴۵۳)، چندین نسل به طول انجامید و در نهایت در سال ۱۴۵۳، با پیروزی دودمان والوآ و بیرون راندن انگیسی‌ها از خاک فرانسه به پایان رسید.

جنگ صلیبی (La Croisade): جنگ مذهبی مورد حمایت کلیسا علیه ملحدان یا بدعت‌گذاران.

جنگ صلیبی کودکان (La Croisade des enfants): در این جنگ مردم عادی و کشاورزان فقیر آلمان و فرانسه حضور داشتند که به کودکان خدا یا مردانی که همانند کودکان در فقر زندگی می‌کنند، ملقب شده بودند.

ح

حامیان (Les Mécènes): این کلمه از نام مشاور اولین امپراتور روم برگرفته شده است. وی از شاعران بزرگ روم نظیر هوراس و ویرژیل حمایت می‌کرد. در این دوره، به عنوان اسم عام، به شخص بانفوذ و ثروتمندی گفته می‌شد که حامی نویسنده‌گان، هنرمندان و دانشمندان بود.

حروف کوچک کارولین (La): مسئله کتابت به منظور حفظ متون مقدس و نیز فرامین امپراتور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به دلیل نوشتار نامناسب، متون دوره مروونی بسیار ناخوانا بود. از سال ۷۸۰، نسخه‌برداری از دست نوشه‌ها در صومعه‌های فرانسه شمالی با حروف کارولین که بسیار زیبا و خوانا بود، صورت گرفت. این حروف در واقع شکل ابتدایی حروف چاپ بود.

حقوق خصوصی (Le Droit privé): حقوق خصوصی یکی از دو شاخه اصلی علم حقوق است. حقوق خصوصی به روابط افراد جامعه با یکدیگر می‌پردازد. جدایی میان حقوق خصوصی و عمومی پیشینه بسیار طولانی دارد و حتی به عهد رومیان بازمی‌گردد.

حقوق عمومی (Le Droit public): حقوق عمومی قواعد مربوط به دولت و مقررات مربوط به نهادهای دولتی را تنظیم می‌کند. روابط دولت و سازمانهای وابسته به آن و مأموران آنها با افراد جامعه در قلمرو این شاخه از حقوق می‌گنجند. حقوق عمومی به روابط میان افراد با دولت و نظام اداری می‌پردازد.

حکومت فتووالی (La Féodalité): سلسله مراتب در میان انسانها و تقسیم اراضی مشخصه اصلی این حکومت به شمار می‌آید. برتری طبقه اشراف جنگجو، تقسیم قدرت دولتی و حقوق مالکیت از دیگر ویژگی‌های این حکومت است.

خ

خدمت نظام (Le Service d'ost): از واژه لاتین «Hostis» به معنای دشمن برگرفته شده است و به لشکرکشی نظامی یا خدمت نظامی اطلاق می‌شود.

خارج: پرداخت یک دهقان به اربابش که اغلب به صورت جنس بود تا پول.

خزانه‌دار (Le Chambrier): وی به امور مربوط به «اتاق» پادشاه به عبارت دیگر خزانه وی رسیدگی می‌کرد و به بررسی درآمدها و هزینه‌ها می‌پرداخت.

خلأ یا شکاف نسلی (Les Classes creuses): به معنی کاهش چشمگیر آحاد یک یا چند نسل در پی حوادثی نظیر جنگ، مرگ و میر کودکان وغیره است.

۵

داروغه‌ها (Les Baillifs): صاحب منصبی که به نمایندگی از سوی پادشاه به امر قضاؤت

و انجام برخی از وظایف اجرایی مانند نظارت بر اخذ مالیات و انجام بازرگانی می‌پرداخت.

دروییدها (Druides): شخص دانا و توانای کل، متعلق به طبقه جنگجویان سلت که در عین حال فیلسوف، صاحب خرد، مورخ، قانوندان، و مشاور نظامی بود. در اصل، درویید واسطه میان خدایان و انسانها به شمار می‌رفت و برگزاری مراسم مذهبی از جمله قربانی کردن را به عهده داشت. دروییسم نه تنها مذهب سلت‌ها محسوب می‌شد، بلکه پایه و اساس تمامیت تمدن آنها را نیز تشکیل می‌داد.

دفتر ثبت اراضی (Cadastre): توزیع سهم اراضی به زارعین وابسته به زمین مستعمرات رومی گالیا در دفتر ثبت اراضی صورت می‌گرفت.

دُلمَن‌ها (Dolmens): سنگی افقی که بر روی حدائقی دو سنگ عمود که به عنوان پایه محسوب می‌شدند، قرار می‌گرفت. این سنگها غالباً به عنوان بناهای یادبود دسته جمعی مردگان تفسیر می‌شوند.

دُنیه (Deniers): واحد پول روم قدیم و واحد قدیم پول فرانسه است. ۲۴۰ دنیه معادل ۲۰ سو یا یک لیور بوده است.

دوکنشین (Le Duché): منطقه وسیعی از قلمرو پادشاهی که شاه آن را به عنوان فیف به یک واسال قدرتمند واگذار می‌کرد و معمولاً بزرگ‌تر از کنت‌نشین بود. دارنده این فیف از لقب دوک برخوردار می‌شد.

دوک (Duc): از واژه لاتین «Dux» به معنای رهبر، اقتباس شده است. دوک لقب نجای فرانسه بوده و بعد از لقب شاهزاده از تمام القاب بالاتر است. این لقبی اشرافی به ارباب یک دوک نشین داده می‌شد.

دولت پارلمانی (Le Gouvernement parlementaire): دولتی که برخاسته از رأی مجلس باشد.

دولت مطلقه (L'Etat absolu): نوعی رژیم سیاسی که در آن قدرت فقط در دست یک شخص قرار دارد.

دیوان دربار (La Chancellerie): مکانی که در آن فرامین پادشاه مکتوب و ممهور می‌شد و بعدها جایگاه مهمی به عنوان منصب صدراعظم پیدا کرد.

دیوان سالار (Le Chancelier): وی در دوره کارولنژی مسئولیت نظارت بر نگارش

۲۱۸ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

و ارسال فرامین پادشاه و نیز ممکن کردن آنها را به عهده داشت. همچنین اداره گروهی از برجسته‌ترین کاتبان به عهده وی بود. در دوران کاپسین، دیوان سالار از نفوذ بیشتری برخوردار شد و به شخصیت مهم شورای پادشاه و رئیس نظام اداری حکومت مبدل شد. در این دوره، از وی با عنوان صدر اعظم یاد کردہ‌ایم.

دیوان عالی (La Cour en Parlement): این دیوان در اواسط قرن سیزدهم و در دوره سلطنت لویی قدیس شکل گرفت و اعضاً آن به امر قضاوت و داوری می‌پرداختند.

دیوان محاسبات (La Chambre des comptes): در اواخر قرن سیزدهم، این دیوان به درآمدهای قلمرو سلطنتی رسیدگی می‌کرد.

و

رُنسانس (La Renaissance): دوره نو زایی معمولاً به شکوفایی مجدد هنر و آموزش گفته می‌شود. به طور خاص، به دوره‌ای در تاریخ اروپا گفته می‌شود که از پی قرون وسطی برآمد.

رهبانیت: یک نهضت کلیساًی که اعضاً آن راهبانی بودند که در جایی دور افتاده و منزوی به نام صومعه زندگی می‌کردند تا به خدا نزدیک‌تر شوند. راهبان برای دستیابی به این هدف ریاضت‌کشی و نیکوکاری را مهم می‌شمردند.

رئيس بازرگانان (Le Prévôt des marchands): در رژیم سابق، رئيس بازرگانان مسئولیت شهردار را به عهده داشت. دارنده این سمت دارای چهار معاون بود و به امور شهری نظیر مالیات، تجارت وغیره رسیدگی می‌کرد؛ اما به دلیل ارتباط با طبقه بورژوا، با گذشت زمان، نقش سیاسی مهمی را ایفا نمود و از حقوق این طبقه در برابر شاه دفاع می‌کرد.

میرآخور (Le Connétable): رسیدگی به اسطلبل‌ها و تیمار اسبها به عهده وی بود.

ز

زبان اُک (Oc La langue d'oc): از زبانهای گالیای رومی بوده که در جنوب فرانسه و بخش‌هایی از ایتالیا و اسپانیا گویش می‌شده است. این زبان در خلق فرهنگی و ادبی قرون وسطی سهم بسزایی داشته است.

زبان اُیل (Oil La langue d'oil): گروه زبانی از زبانهای گالیای رومی است که در شمال

فرانسه، جنوب بلژیک و جزیره‌های دریایی مانش گویش می‌شده است.

زمینهای اربابی (La Reserve): در قرون وسطی، بخشی از قلمرو وسیعی بود که به بهره‌برداری مستقیم ارباب و عواملش اختصاص می‌یافت.

زمینهای دهقانی (Les Manses): خانواده رستائیانی که بر روی زمینهای اربابی کار می‌کردند، در این املاک کوچک زندگی می‌کردند.

ژ

ژاکری (La Jacquerie): پس از شکست در نبرد پواتیه، کشاورزان ایل -دو- فرانس علیه اخاذی‌های اشراف و مالیات‌های پادشاه شورش کردند. این شورش در سال ۱۳۵۸ به هنگام جنگ صد ساله و در موقعیت بحران سیاسی، نظامی و اجتماعی رخ داد. شورش ژاکری فقط دوازده روز طول کشید؛ اما نام خود را به همه شورشهای کشاورزان در آن دوره داد.

ژرفانمایی یا پرسپکتیو (La Perspective): در زمینه دید و پندار دیداری، شیوه‌ای است که از طریق آن، اشیا بر اساس فاصله، ابعاد و یا جایگاهشان نسبت به چشم نمایان می‌شوند.

ژرمنها (Les Germaniques): جمعیت هند- اروپایی تبار که در مناطق دریایی بالتیک ساکن شدند و به دلیل تغییرات آب و هوایی مناطق اروپای شمالی به سوی اروپای مرکزی مهاجرت کردند.

س

سارازنها (Les Sarrasins): نامی که اروپاییان در سده‌های میانه برای مسلمانان به‌ویژه اعراب شمال آفریقا و بعدها برای اشاره به همه مسلمانها به کار می‌بردند و دژهای زیادی در شهرهای کرانه دریای مدیترانه برای حفاظت در برابر این مردم ساخته بودند.

ساکسونها (Les Saxons): قبیله ژرمنی که بخشی از آنها به همراه آنگل‌ها در آغاز قرن پنجم جزیره بریتانیا را درنوردیدند. باقی‌مانده این قبیله در پایان قرن هشتم به تسخیر شارلمانی درآمد.

سالیک، قانون (La Loi Salique): قانون فرانک‌های سالیک که در دوره کلوویس (حدود ۴۸۶-۴۹۶) تدوین شد، و تا دوره شارلمانی چندین بار مورد بازبینی قرار گرفت.

سامبرها (Cimbres): از اقوام سلتی یا آلمانی که همراه با توتن‌ها، امپراتوری روم را در اواخر قرن دوم ق.م. تهدید کردند.

سبک مشتعل هنر گوتیک (Flamboyant Style): نوعی از سبک معماری گوتیک که تراشهای پره پره به شکل شعله دارد.

ستاره، فرقه (Étoile): این فرقه توسط پادشاه فرانسه، ژان نیکسیرت، به وجود آمد. هدف از ایجاد آن، جذب شوالیه‌های فرانسوی و نظم و ترتیب دادن به آنها بود. برای پیوستن به این فرقه، تنها شایستگی در میدان جنگ حائز اهمیت بود و مبارزات مفرح شوالیه‌ها در نظر گرفته نمی‌شد. شوالیه‌ها قسم می‌خوردند که هرگز از دشمن روی برنگردانند و بیش از چهار قدم عقب‌نشینی نکنند. در نبرد پواتیه، رعایت این اصل، موجب مرگ یا اسارت عده زیادی از آنها شد.

سرفاداری (Servage): نوعی از رعیت‌داری محسوب می‌شود که در پایان امپراتوری روم شکل گرفت و در فرانسه در قرن پانزدهم از میان رفت.

سرفها (Serfs): رعایای خدمتگزار وابسته به زمین بخشی از دارایی ارباب بودند و پایین‌ترین طبقه اجتماعی در نظام فئودالی را تشکیل می‌دادند. خدمت آنان صرفاً کشاورزی نبود و جنگلبانی، کار در معدن، گذراندن مردم و بار از دو سوی رودخانه و صنعت را نیز دربر می‌گرفت. موقعیت این کارگر کشاورز ملک اربابی موروثی بود و نمی‌توانست بدون اجازه ارباب زمیندار ملک اربابی را ترک کند.

سنای روم (Sénat de Rome): شورایی متشكل از ۶۰۰ نفر از قضات قدیمی روم بود. کانون سنای روم، خانواده‌های اعیان را گرد هم می‌آورد و تداعی کننده بالاترین طبقه اجتماعی روم بود.

سند ارضی (Le Polyptique): در دوره کارولنژی، قلمروهای وسیع دارای اسناد دقیق و روشی بودند.

سند معافیت (La Chartre de franchise): این امتیاز مبنی بر معافیت و اسال از ادائی برخی از حقوق ارباب بوده و به یک جماعت شهری یا روستایی اعطا می‌شد. به موجب آن برخی از مطالبات حقوقی ارباب حذف و یا محدود می‌شد. سند معافیت، سندی مكتوب بود که در آن ارباب معافیتهای اعطاشده را برابر می‌شمرد.

سهم‌الارث یا تیول مادام‌العمر (Les Apanages): اراضی که از جانب پادشاه به فرزندان

ذکور کوچک‌تر یا به برادران وی داده می‌شد تا واگذاری تاج و تخت پادشاهی به فرزند ارشد را جبران کند.

سوگند فثودالی (L'Homme féodal): سوگند دوچانبه‌ای که ارباب و واسال می‌خوردند تا به شرایط توافقشان پایبند بمانند. واسال سوگند وفاداری می‌خورد و تعهد خدمت نظامی می‌داد، در حالی که ارباب متعهد می‌شد از فیف واسال حفاظت کند.

سویوهای آریوویست (Les Suèves d'Arioviste): گروهی از مردمان ژرمانتبار که در لشکرکشی آریوویست (در حدود سال ۵۸ ق.م) از سزار شکست خوردند.

ش

شعرای دوره گرد جنوب (Les Troubadours): این شعرای دوره گرد به «یابندگان» معروف بودند و به جمع آوری و سروden اشعار به زبان اُک می‌پرداختند. در اصل، دوره این شعراء، از سال ۱۱۰۰ آغاز شده و تا اواسط قرن سیزدهم ادامه یافت.

شلاق به دستها (Les Flagellants): گروههای متعصب قرون سیزدهم و چهاردهم که وجه تسمیه ایشان به این دلیل است که در انتظار عمومی به خود شلاق می‌زدند. اعضای این فرقه در شهرها دسته‌های مذهبی راه می‌انداختند و در حالی که به یاد شکنجه‌های عیسی مسیح با شلاق خود را می‌زدند، برای گناهانشان طلب آمرزش می‌کردند.

شواليه (Le Chevalier): در اصل، شوالیه مبارزی سوار بر اسب و دارای تجهیزات نظامی ویژه بود. در اغلب موارد، شوالیه‌ها در خدمت ارباب مبارزه می‌کردند. از قرن دوازدهم به بعد، آنان طبقه اجتماعی‌ای را تشکیل دادند که به تدریج با طبقه اشراف درهم آمیخت. تحت تأثیر نهاد کلیسا و نیز ادبیات کورتواز، این جنگجویان برای خود آرمانی اخلاقی - اجتماعی کسب کردند و پس از انجام مراسم شوالیه‌گری به عنوان شوالیه دست می‌یافتدند.

شواليه‌گری (La Chevalerie): ارزشها و آداب و رسوم شوالیه‌های قرون وسطی پسین. **شورای اسقف‌های لاتران چهارم (Le Concile de Latran IV):** این شورا که با ابتکار عمل پاپ اینوسان سوم توسط کلیسای کاتولیک برگزار شد، نقطه اوج اصلاحات کلیسا در قرون وسطی بود. تصمیمات بسیاری در راستای مبارزه با العاد، بیرون راندن یهودیان از قلمرو مسیحیت، اعلان جنگ صلیبی و اصلاح کلیسا اتخاذ شد.

۲۲۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تارنانت

که موجبات تقویت نفوذ امپراتوری روم در مسیحیت غربی را فراهم کرد.
شورای پادشاه (Le Conseil du roi): در این شورا به امور مربوط به مملکت رسیدگی می‌شد و مشاوران به پادشاه در امور حکومتی یاری می‌رساندند.

ص

صرافان (Les Changeurs): صرافی در قرون وسطی معامله‌ای مبتنی بر داد و ستد و مبادله سکه‌های پول بود. به دلیل تنوع این سکه‌ها و تغییر ارزش آنها در مکانهای مختلف، این حرفه بسیار رواج داشت و ضروری به نظر می‌رسید. اغلب یهودیان عهده‌دار آن می‌شدند. بعدها، وقتی نهاد کلیسا دریافت نزول و بهره را ممنوع کرد، حرفه صرافی فرصتی را برای معاملات مخفیانه فراهم کرد.

صلح الهی (La Paix de Dieu): این جنبش مصونیت برخی اماکن از تعرض را تحت عنوان «حق پناهگاه و مأمون» اعلام کرده و اهمیت و جایگاه ویژه‌ای را برای حفاظت از کلیساها و برخی گروههای انسانی نظیر بانوان، کودکان، زائران، کشیشان، بازرگانان و غیره قائل بود.

صلیبی، جنگهای (Les Croisades): مسیحیان به بهانه رهایی بیت المقدس که زیر سلطه مسلمانان بود، در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی جنگهای صلیبی را به راه انداختند. در سال ۱۰۹۵، اولین جنگ صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان آغاز شد. عده زیادی از جنگجویان صلیبی طی سفر از اروپا تا خاورمیانه جان خود را از دست دادند. آنها که زنده ماندند در سال ۱۰۹۹، بیت المقدس را تسخیر کردند. بین سالهای ۱۰۹۹ تا ۱۲۵۰، شش جنگ صلیبی دیگر رخ داد؛ اما در هیچ یک از آنها، صلیبیون موفقیتی به دست نیاوردند. بنابراین، غیر از جنگ اول، در باقی جنگها مسیحیان از مسلمانان شکست خوردن.

ط-ظ

طاعون ژوستینین (La Peste justinienne): شروع این بیماری واگیردار از مصر بوده، سپس به بیزانس سرایت کرد و بارها ساکنان ایتالیا را مبتلا ساخت. این بیماری، موجب مرگ و میر و در نتیجه کاهش تعداد سکنه سواحل مدیترانه، نواحی رن و سانون شد.

ظرف سوآسون (Le Vase de Soissons): ظرف مقدسی که سربازان فرانک از کلیسای

رمی ربوده بودند و توسط یکی از سربازان کلوویس شکسته شد.

ع

عِشاء ربانی (La): در این آئین عبادی، مؤمنان به یاد فدا شدن مسیح(ع) به نیایش و تقدیس نان و شراب می‌پردازند. بنابر اصول مذهب کاتولیک، نان و شراب نماینده حقیقی و مادی بدن و خون مسیح(ع) می‌باشند. موسیقی مذهبی در این مراسم جایگاه ویژه‌ای دارد.

عَشریه (la): به منظور رسیدگی به امور کلیسا، یک دهم محصول یا درآمد به اماکن مذهبی اختصاص می‌یافتد. در واقع، این رسم توسط کلیسای ابتدایی از آئین یهودیت بر گرفته شده بود و در دوره کارولنژی بسیار متداول شد.

عصر پارینه‌سنگی (La Paléolithique): در این عصر بر اثر تغییرات محیطی، دریاها پدید آمد. گسترش و پیشرفت ابزارهای ظریف سنگی واکنشی به نیاز به یافتن منابع خوراکی تازه بود. ابزارهای پیشرفتی دوره پارینه‌سنگی شکار را آسان و ماهیگیری را امکان پذیر ساخت.

عصر نو سنگی (La Néolithique): در این عصر، به دلیل گسترش کشاورزی و نیاز به خرمن و فرآیند کاشت، ساخت و تراش ابزارهای سنگی که به کار تیز کردن، بریدن و تیشهزدن می‌آمد، گسترش یافت.

عید پاک (Pâques): بزرگ‌ترین عید مسیحیان و مصادف با یکشنبه‌ای در ماه مه یا آوریل است. مسیحیان بر این باورند که در این روز، حضرت مسیح(ع) پس از اینکه به صلیب کشیده شد، عروج کرد و به آسمان رفت. عید پاک در فصل بهار با رستاخیز و قیام حضرت مسیح(ع) پیوند خورده است.

ف

فرامین سلطنتی (Les Capitulaires): این فرامین به چندین ماده یا بند «capitula» تقسیم می‌شد. این واژه خصوصاً در دوره کارولنژی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

فرانک‌ها (Les Francs): قبیله ژرمونی که بخش عمده اروپای غربی را تسخیر کردند و سرانجام از قلمرو آنها فرانسه و آلمان پدید آمدند.

فرقه اُگوستینوس (Les Augustins): کشیشانی که مطابق با اصول اُگوستینوس قدیس روزگار می‌گذراندند. این کشیشان زندگی خود را صرف نگهداری از بیماران و

خدمت در مریض خانه‌ها می‌کردند.

فرقه پرستاران (Les Hospitaliers): در قرن یازدهم به دنبال تأسیس مریض خانه‌ها در بیت المقدس به وجود آمد. مانند فرقه شوالیه‌های معبد، این گروه مذهبی - نظامی نقشی نظامی نیز ایفا می‌کرد و علاوه بر مراقبت از زائران بیمار، به مقابله با سارازنها (یعنی اعراب و مسلمانان) برحاست.

فرقه پشم طلایی (Toison d'or L'ordredela): توسط دوک بورگونی، فیلیپ نیکسیرت، به وجود آمد. نام این فرقه از اسطوره‌ای یونانی برگرفته شده است. در همه شرایط و بهویژه در ملأ عام، شوالیه‌ها ملزم به بستن گردنبندی طلایی بودند که پشم قوچ به آن آویزان بود. این گردنبندها به خزانه فرقه تعلق داشت و پس از مرگ شوالیه، به خزانه برگردانده می‌شد. تعداد اعضای این فرقه در دوره حکومت شارل کن (۱۵۱۶) به ۵۱ شوالیه رسید.

فرقه دُمینیکن (Les Dominicains): رسالت مذهبی پیروان این فرقه موعظه بوده و دیرهایشان اغلب در شهرهای بزرگ دارای جمعیت بسیار زیاد قرار گرفته است. موعظه‌هایشان زمینه را برای گفتگو و بحث با پیروان فرقه‌های الحادی فراهم می‌کرد. در این فرقه، آموزش، تحصیل و تدریس تعالیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود چرا که راهبان درویش آنچه را که می‌آموختند، در قالب موعظه به زبان می‌آوردند. بعدها دادگاههای تفتیش عقاید به این فرقه سپرده شد.

فرقه شوالیه‌های معبد (L'Ordre du Temple): گروهی نظامی - مذهبی که در حدود سال ۱۱۲۹ توسط کلیساي کاتولیک روم به وجود آمد. هدف این گروه در ابتدا شرکت در جنگهای صلیبی بود، سپس آنها وظیفه خود را محافظت از زائران بیت المقدس دانستند؛ اما پس از قتل عام آنها در جنگی با مسلمانان، عده کمی از آنان با ثروت فراوان ساکن اروپا شدند و با نوعی سیستم بانکداری ثروت زیادی اندوختند. قدرت این گروه آنقدر افزایش یافت که در بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ پاپ کلمان پنجم و فیلیپ زیبارو آنها را به بهانه بدعت‌گذاری در دستگاه تفتیش عقاید محاکمه کردند و همراه با رهبرشان ژاک موله به قتل رساندند.

فرقه فرانسیسکن (Les Franciscains): این مبلغان مذهبی با پیروی از حضرت مسیح(ع)، مطابق با تعالیم کتاب مقدس زندگی می‌کردند. رسالت مذهبی و سفر

بخشی از زندگی آنان بود. در کنار دومینیکن‌ها، پیروان این فرقه نیز در آموزش فکری نهاد کلیسا نقش بسزایی داشتند.

فرقه کارم (Carmes): کشیشان و راهبه‌هایی که مطابق با اصول کارمل زندگی می‌کردند. آنان سکوت اختیار می‌کردند و به اعمالی نظیر روزه و نیایش می‌پرداختند.

فریسون‌ها (Frisons): شاخه‌ای از اقوام ژرمونی که در قرن دوم شکل گرفت و توانست با همسایگان نزدیک خود یعنی آنگل‌ها و ساکسون‌ها متحد شود.

فیف: اجرتی که لرد به واسال خود می‌داد و معمولاً به صورت زمین بود.

فُئو‌دالیسم: نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌ای که بخش عمده اروپای قرون وسطی بر اساس آن اداره می‌شد. این نظام مستلزم سوگند وفاداری بین اشرافی بود که در ازای دریافت تیول تعهد خدمت به ویژه خدمت نظامی می‌دادند.

ق

قاضی (Le Vergorbet): صاحب منصب قضایی عالی شهرهای گالیا که در خصوص مرگ و زندگی ساکنان گالیا تصمیم می‌گرفت، به ارتضی دستور دفاع از این سرزمین را می‌داد و از شهر محل خدمت خود ممنوع الخروج بود.

قانون شریعت (Le droit canon): مجموعه قوانینی که از سوی کلیسای کاتولیک برای مؤمنان تشریع شده است. قانون شریعت مسائل مربوط به احکام و آئین عبادی را دربر نمی‌گیرد.

قرارداد پاریس (Le traité de Paris): این قرارداد در سال ۱۲۵۹ میان فرانسه و انگلستان منعقد شد و به خصوصیت دودمان کاپسین با دودمان پلاتتاژنه که بیش از صد سال طول کشیده بود، پایان داد.

ک

کابوشین‌ها (Les Cabochiens): در سال ۱۴۱۳، هواداران سیمون کابوش که اغلب از صنف قصابان ثروتمند پاریس بودند. به موجب فرمان کابوشین، نمایندگان مجلس باید بر چگونگی اخذ مالیات‌ها نظارت می‌کردند.

کاپسین، دودمان (Les Capétiens): این دودمان از سال ۹۸۷ تا سال ۱۳۲۸ بر فرانسه حکومت کردند. از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۸۳۰، سه شاخه دیگر از این دودمان بر فرانسه

۲۲۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

فرمان راندند. دودمان کاپسین تداعی کننده تاریخ فرانسه تا انقلاب فرانسه است. کاتار، جنبش (Cathare) Le mouvement: پیروان جنبش کاتار بر این باور بودند که دنیا توسط دو خدا که در مقابل هم قرار می‌گیرند، اداره می‌شود: یکی خدای خیر و خالق روح است و دیگری خدایی که بدن انسان را خلق کرد به عبارت دیگر خدای شر.

کارولنژیان (Les Carolingiens): دودمان پادشاهان و آمپراتوران فرانکی که شارلمانی به آن تعلق داشت.

کلیساي جامع يا کلیساي مادر (La Cathédrale): بنای اصلی هنر قرون وسطی به شمار می‌آيد و حتی نماد این دوره تلقی می‌شود؛ چنانکه گاهی از «دوره کلیساهاي جامع» ياد کرده‌اند.

کمون‌ها (Les Communes): جمعی از ساکنان یک شهر به منظور دفاع از منافع جمعی سوگند ياد می‌کردن. اگر ارباب این اجتماع را به رسمیت می‌شناخت، نهاد دائمی کمون تشکیل می‌شد که اداره شهر را به عهده می‌گرفت. به تدریج، این شهرها از یوغ اربابها درآمده و تحت تسلط بورژواها قرار گرفت و بدین ترتیب از شهر کمون یا به بیان ساده‌تر از کمون به عنوان اولین هسته‌های شهری ياد می‌شود.

کُنت (Le Comte): از واژه لاتین «Comes» به معنای همراه و ملازم اقتباس شده است. کنت در ابتدا ملازم حاکم به شمار می‌آمد. بعدها، این لقب اشرافی به لرد یک کنت نشین داده می‌شد.

کُنسول ایالتی (Le Proconsul): کنسولی که توسط سنای روم به منظور اداره یک ایالت فاقد لژیون انتخاب می‌شد. در گالیا، این انتخاب تنها در ایالت ناربونز صورت می‌گرفت.

کُنسول‌ها (Les Consuls): در دودمان کاپسین، صاحب منصبی که سالی یک‌بار انتخاب می‌شد و به همراهی شخص دیگری ریاست عالیه مملکت را به عهده داشت.

کُنت نشین (Le Comté): منطقه وسیعی از قلمرو پادشاهی که شاه آن را به عنوان فیف به یک واسال قدرتمند واگذار می‌کرد.

گ

گالیکانیسم (Le Gallicanisme): مکتبی مذهبی- سیاسی که در صدد سازماندهی کلیساي

کاتولیک فرانسه و استقلال آن از کلیسای روم برآمد. این جنبش برتری روحانی و قضایی پاپ را به رسمیت می‌شناخت؛ اما خواستار جلوگیری از هرگونه دخالت پاپ در امور کلیسای فرانسه بود. درنتیجه، تصمیم شورای اسقف‌های فرانسه به تصمیم پاپ ارجحیت داشت.

گالیا (Gaulle): بخشی از امپراتوری روم غربی که بخش عمدۀ فرانسه کنونی را در بر می‌گرفت.

گلادیاتورها (Gladiateurs): دسته‌ای از جنگجویان حرفه‌ای در روم باستان که با یکدیگر و با حیوانات درندۀ جنگیده و دست و پنجه نرم می‌کردند تا موجبات تفریح تماشاگران را فراهم آورند. این پیکارها که گاه به مرگ ایشان می‌انجامید، در میدانگاه‌های بسیاری از شهرهای امپراتوری روم، اجرا می‌شد.

گوتها (Goths): بربرهای ژرمنی که در جایی که اکنون رومانی است اقامت گزیدند و به دو گروه ویزیگوت‌ها و استروگوت‌ها یعنی گوت‌های غربی و گوت‌های شرقی تقسیم شدند و سرانجام به امپراتوری روم هجوم بردن.

ل

لنگون‌ها (Lingons): اینان به جوامع سلت تعلق داشتند و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مردمان گالیا به شمار می‌رفتند.

لومباردها (Lombards): این قبیله ژرمنی به ایتالیای شمالی هجوم برد و حکومت پادشاهی پاوی را تشکیل دادند. سران لومبارد به منظور مقابله با تهدید همسایگانشان با یکدیگر متحد و در اوایل نیمه دوم قرن هشتم، به روم حمله و رشدند.

لژیون‌های روم (Légion romaines): این واحد اصلی ارتش روم، در حدود ۵ هزار نفر را دربر می‌گرفت که به ده گروهان (واحد نظامی در روم باستان، معادل یک دهم لژیون) تقسیم می‌شد. هر گروهان متشکل از سه واحد نظامی بوده که هریک، از دو گروه حدوداً هشتاد نفره تشکیل می‌شده است.

م

مارشال (Le Maréchal): عنوانی افتخاری در ارتش فرانسه است.

مارکی (Marquis): لقبی اشرافی پایین‌تر از دوک و بالاتر از کنت است. در دوره کارولنژی، این عنوان به کسی اطلاق می‌شد که فرماندهی نظامی در نواحی مرزی

را به عهده داشت.

مالیات ارث: مبلغی که واسال جدید برای حق به ارث بردن یک فیف باید به اربابش می‌پرداخت.

مأموران عدلیه (Sergents): این مأموران برای ابلاغ حکم، تعقیب جزایی، توقيف اموال، مصادره اراضی و دستگیری اشخاص مأموریت داشتند.

مانی (مانوی) (Le Manichéisme): ترکیبی از آئینهای مسیحیت و زرتشت است. در این آئین، از مسیحیت ایده مسیح و از زرتشت اعتقاد دوگانه به نیکی و بدی برگرفته شده است.

مايوتین‌ها، شورش (Maillotins L'émeute des): نامی که به اهالی پاریس در زمان شورش علیه شارل ششم دادند چراکه مسلح به گرز بودند. قیام مايوتین‌ها برای اعتراض به فشار مالیاتی به وقوع پیوست.

مبادر: کسی که از طرف یک لرد بزرگ بر اجرای عدالت، مالیات‌گیری و اجرای قانون در ناحیه خاصی از یک دوکنشین یا کنت‌نشین نظارت می‌کرد.

مبادران حکومتی (Prévôts): در قرون وسطی، این افراد مأمورانی بودند که اداره قلمرو اربابان را به عهده داشتند. اداره کنندگان قلمرو پادشاهی در عین حال صاحب مناصب مالیاتی، قضایی و نظامی بودند.

متارکه الهی (La Trêve de Dieu): این جنبش جنگ را طی چند روز در هفته و چند دوره در سال ممنوع کرده و جنگجویان را به واسطه ادائی سوگند، متعهد به رعایت قوانین این صلح می‌نمود. کسانی که عهدشکنی می‌کردند، توسط کلیسا به تکفیر مجازات می‌شدند.

مجلس عمومی طبقاتی (États généraux): نهاد سیاسی که در سال ۱۳۰۲ توسط فیلیپ زیبارو به وجود آمد. هدف از تشکیل آن، مشروعیت بخشی به تصمیمات پادشاه فرانسه در زمان درگیری وی با پاپ کلیسای روم بود. بدین‌منظور، نمایندگان کشیشان، اشراف و بورژواها در شهرهای مختلف گرد هم می‌آمدند. جرقه اولیه انقلاب فرانسه با فراخواندن این مجلس توسط لویی شانزدهم زده شد. آبه سیس با انتشار جزوهای خواستار برابری طبقه سوم با سایر طبقات شد؛ زیرا تا آن زمان طبقات بالاتر برخوردار از همه امتیازات و معاف از مالیات بودند.

مجموعه آداب و قوانین (Coutumes Les): قوانینی که مدون نبود؛ اما به واسطه رسوم و عادات آنها را محترم می‌شمردند. در خلاف قانون، این رسوم اهمیت مضاعف می‌یافتد.

مراسم شوالیه‌گری (La Cérémonie de l'adoubement): مراسمی که طی آن شوالیه از تجهیزات نظامی نظیر شمشیر برخوردار می‌شد. این مراسم که در ابتدا لائیک بود، به تدریج جنبه مذهبی بسیار بارز و چشمگیری به خود گرفت.

مرد آزاد (L'Homme libre): کسی که سرف یا بردہ نبود.

مرونژیان (Les Mérovingiens): سلسله‌ای از پادشاهان که کلوویس، خان‌سالار فرانکی تأسیس کرد.

مشاوران حقوقی دربار (Les Légistes): مشاوران حقوقی پادشاه فرانسه در دوره کاپسین که به کمک حقوق و قوانین رومی سعی در اثبات سلطنت مطلقه پادشاه و الغای نظام فثودالی داشتند. مشاوران حقوقی از قرن دوازدهم به بعد در دربار لویی قدیس حضور یافتند. آنان بر مفهوم قدیمی دولت مطابق با حقوق رومی تأکید می‌کردند. به کمک این مشاوران قضایی، از دوره فیلیپ زیبارو به بعد، سلطنت فثودالی به تدریج به سلطنت مطلقه گرایش پیدا کرد. آنان اولین بنیانگذاران حکومت مطلقه در فرانسه محسوب می‌شوند.

مصادره (La Commise): مصادره تیول و اسال توسط ارباب در دو صورت انجام می‌شد: هنگامی که واسال وفاداری خود را به ارباب در موعد مشخص اعلام و یا تجدید نمی‌کرد و هنگامی که واسال عهد وفاداری خود را می‌شکست.

معاونان کمون (Les Échevins): معاونانی که توسط شورای کمون انتخاب می‌شدند، دارای مناصب گوناگونی بودند و تعدادشان متناسب با جمعیت کمون بین دو تا ده نفر تغییر می‌کرد.

مغول‌ها (Les Mongols): قوم جنگاوری از نژاد زرد بودند. در حال حاضر، بیشتر مغولان در چین زندگی می‌کنند و پیرو آئین بودایی تبتی و عده کمی از آنها مسیحی و مسلمان هستند.

ملک اربابی (La Réserve): ملک کشاورزی قرون وسطایی که جامعه‌ای تقریباً خودکفا بود. اختیار چنین ملکی به عنوان تیول به یک واسال واگذار می‌شد.

مملوک‌ها (Mameluks) (Les): سربازانی بودند که بیش از دو قرن در شام و مصر فرمانروایی کردند. پادشاهان مملوک توانستند به رویارویی با صلیبیون برخیزند و در برابر شورش مغولان مقاومت کنند. آثار تمدن آنان هنوز در مصر و سوریه باقی است.

منهیر‌ها (Menhirs) (Les): سنگی عمود ایستاده بر روی زمین که به تنها یک یا در یک ردیف قرار می‌گرفت و به ندرت دایره‌ای را تشکیل می‌داد. از جمله تفاسیر بنای این سنگ می‌توان به پرستش خدایان و نیاکان اشاره کرد. دلمن‌ها بر عکس منهیرها حالت افقی داشتند.

ن

نقاشی‌های بزرگ دیواری (Fresques) (Les): به طور کلی، در قرون وسطی، منظور از نقاشی‌های بزرگ دیواری، نقاشی‌های رنگی است که دیوارهای داخلی کلیساها را می‌پوشاند. این نقاشی‌ها به ویژه، دیوارهای کلیساهای ساخته شده به سبک رُمانسک را مزین می‌نمود چراکه به دلیل تعداد کم ورودی‌ها، دیوارهای این کلیساها وسیع‌تر و گسترده‌تر بود. دیوارنگاره‌ها یا دیوارهای منقوش در واقع کتابی تصویری بود که در تعلیم مذهبی به مسیحیان بی‌سواد نقش بسزایی داشت. در معنای فنی آن، نقاشی دیواری شیوه‌ای از نقاشی مبتنی بر استفاده از رنگ‌های رقیق شده در آب آهک بر روی سطحی است که اندکی پیش از آن روغن مالی شده باشد.

نماینده سنای روم (Légat) (Le): نماینده‌گان رسمی روم باستان که از سوی سنای روم به مدت کوتاه یا مديدة انتخاب می‌شدند.

نورمان‌ها (Normands) (Les): این قوم پیش از آنکه در ایتالیا، انگلستان و امپراتوری مقدس ساکن شوند، سواحل غرب را غارت و ویران می‌کردند.

و

واسال (Vassal) (Le): فرد آزاد و معمولاً نجیب‌زاده‌ای که در نظام فئودالی با ادائی سوگند وفاداری، تحت قیومیت یک حاکم قدرتمند و با نفوذ قرار می‌گرفت.

وایکینگ‌ها (Vikings) (Les): یورشگران دریانورد اهل اسکاندیناوی که در قرن‌های نهم و دهم اروپا را به وحشت افکنندند.

وزیر دربار (Maire du palais) (Le): وی به نام پادشاهان مروونژی حکومت می‌کرد. در

اصل، رئیس خدمات داخلی دربار بود؛ اما بعدها، مسئولیت سازماندهی حیات اقتصادی دربار و اداره دادگاه را به عهده گرفت، و نیز به محافظatan پادشاه فرمان می‌داد. در اواخر قرن هفتم، این منصب در خانواده پیپینیدها موروثی شد و امکان جلوس آنان بر تخت پادشاهی را فراهم کرد.

وفاداری (L'Hommage): به واسطه این حرکت نمادین، فرد آزاد به عنوان واسال یک ارباب شناخته می‌شد.

ولیعهد (Le Dauphin): این عنوان از نام ایالت دفینه برگرفته شده است. شارل پنجم اولین و پسر شارل دهم، کنت آنگولم، آخرین ولیعهد تاریخ فرانسه به شمار می‌آید. **ویزیگوت‌ها (Les Wisigoths)**: قوم ژرمون در قرن چهارم و پنجم میلادی که از آن سوی رودخانه راین به سمت جنوب گالیا آمده و یک پادشاهی را در نواحی شهر تولوز تأسیس کردند. بعدها، این قوم توسط پادشاه فرانک‌ها، کلوویس، از این منطقه بیرون رانده شده و به سمت اسپانیا عقب‌نشینی کردند. آنان در اسپانیا یک پادشاهی برپا ساختند که در قرن هشتم مسلمانان به آن پایان دادند. **ویکُنْت (Le Vicomte)**: لقبی اشرافی پایین‌تر از کنت است.

ه

هارِل، شورش (L'émeute dela Harelle): شورشی مردمی در نورماندی و روئان بود که در قرن پانزدهم رخ داد. مردم در اعتراض به فشار مالیاتی قیام کردند و قیام آنان توسط شارل ششم سرکوب شد.

هنر رُمانسک (L'Art roman): این هنر در حدود سال ۱۰۳۰ پدید آمد و تا اواسط قرن دوازدهم ادامه یافت. اولین جریان هنری قرون وسطی به شمار می‌آید که همزمان چندین کشور نظیر ایتالیا، فرانسه، آلمان و اسپانیا را تحت تأثیر قرار داد. سادگی صور و اشکال، طاقهای نیم دایره از ویژگی‌های برجسته این هنر است.

هنر گوتیک (L'Art gothique): این سبک هنری که تا قرن شانزدهم سراسر اروپا را فرا گرفت، امکان ساخت بنایی بلندتر و نورگیرتر را فراهم می‌کرد. «گوتیک» در واقع واژه‌ای تحقیرآمیز همانند «بربر» است که مردمان دوره رنسانس به هنر قرون وسطی و به طور خاص به هنری که در ایل-دو-فرانس و در پی هنر رُمانسک در قرن دوازدهم شکل گرفت، اطلاق می‌کردند.

۲۳۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

هلوت‌ها (Les Helvètes) ساکنان سِلتی سوئیس کنونی در دوران باستان بودند. در سده نخست ق.م. از جنوب آلمان به سوئیس کوچ کردند و تحت فشار ژرمن‌ها تصمیم گرفتند تا به گالیا مهاجرت کنند.

فهرست‌های راهنمایی

فهرست کسان

الف

ابروئن، وزیر دربار Ébroïn
 ادوارد اول، پادشاه انگلستان I Édouard I
 ادوارد چهارم، پادشاه انگلستان IV Édouard IV
 ادوارد سوم، پادشاه انگلستان III Edouard III
 ارستال، پین، وزیر دربار Pépin d'
 ارسطو Aristotle
 ارلن، شارل، شاهزاده Orléans (Charles d')
 ارلن، لویی، شاهزاده Orléans (Louis d')
 اژینار، نویسنده Eginhard
 اسفورتزاز، لودویک، دوک میلان Sforza (Ludovic)
 اسفورتزاز، ماسیمیلیان Sforza (Maximilien)
 اسکات، ژان Scot (Jean)
 اسلوتر، کلاوس Sluter (Claus)
 اقليدس Euclide
 اگوست، امپراتور روم Auguste
 اگوستینوس، قدیس St Augustin
 الکساندر ششم بورجیا، پاپ Borgia Alexandre VI

ج

آبلار، پیر Abélard (Pierre)
 آدلبرون، اسقف لانون Adalbéron
 آربرسیل، روبر، راهب Arbrissel (Robert d')
 آرل، فاورینوس، خطیب Arles (Favorinus d')
 آسیز، فرانسوآ، قدیس St Assise (François d')
 آکوئیناس، توماس Aquin (Thomas d')
 آگریپا Agrippa
 آلاریک دوم Alaric II
 آلبرت کبیر Albert (de Grand)
 آلكوئن، دانشمند Alcuin
 آلو، گیوم Aloue (Guillaume l')
 آمبوآز، ژرژ، کاردینال Amboise (Georges d')
 آن Anne
 آنتونن، امپراتور Antonin
 آنزو، رنه Anjou (René d')
 آنزو، شارل Anjou (Charles d')
 آنگولم والوا، فرانسوآ Angoulême-Valois(François d')

بُنوا، قدیس St Benoît	الوا، اسقف Éloi	
بورگونی، بلانتش Bourgogne (Blanche de)	اللينور Aliénor	
بورگونی، مارگریت Bourgogne (Marguerite de)	أموری Amaury	
بورگونی، ماری Bourgogne (Marie de)	إنيان، اسقف قدیس St Aignan	
بورو، برادران، فرمانده Bureau (Les frères)	أوتون اول، امپراتور ژرمی Otton I	
بوژو، آن Beaujeu (Anne de)	أوتون چهارم، امپراتور ژرمی Otton IV	
بوژو، پیر Beaujeu (Pierre de)	أوتون سوم، امپراتور ژرمی Otton III	
بومنوآر، فیلیپ، مشاور حقوقی دربار Beaumanoir (Philippe de)	اود Eudes	
بونیفیس هشتم، پاپ Boniface VIII	اود متس، معمار Eudes de Metz	
بونیفیس، قدیس St Boniface	اورین دوم، پاپ Urbain II	
بیش، فرانزیچی Biche	اورسم، نیکلا Oresme (Nicolas)	
بیکن، راجر Bacon (Roger)	اورل، مارک، امپراتور Aurèle (Marc)	
ب		
پانثیور، ژان Penthievre (Jeanne de)	اوینی، گوتیه Aunay (Gautier d')	
پِن کوته قامت Pépin (le Bref)	اینگبرگ، شاهزاده دانمارکی Ingeburge	
پروانس، مارگریت، شهبانو فرانسه Provence (Marguerite de)	اینوسان چهارم، پاپ Innocent IV	
پلاتتاژنه، دودمان Plantagenet	اینوسان سوم، پاپ Innocent III	
پلزیان، گیوم، مشاور حقوقی Plaisians (Guillaumede)	ب	
پوآتیه، آلفونس Poitiers (Alphonse de)	باتای، نیکلا Bataille (Nicolas)	
پوتن، اسقف Pothin	باربیت، اتین، خطیب بورژوا Barbette (Étienne)	
پوستوموس، امپراتور Postumus	باویر، ایزابو، شهبانو فرانسه Bavière (Isabeau de)	
پولو، مارکو Polo (Marco)	برنارد، قدیس St Bernard	
پیپینید، خاندان Les Pippinides	برونو، شهبانو فرانسه Brunehaut	
پیز، پیر، دانشمند Pise (Pierre de)	بری، ژان Berry (Jean de)	
پیزان، کریستین، شاعر Pisan (Christine de)	بریتانی، آن Bretagne (Anne de)	
پیر، راهب Pierre (l'Ermite)	بِکت، توماس Becket (Thomas)	
ت		
تالبوت، فرمانده انگلیسی Talbot	بلاندین، اسقف Blandine	
	بلوآ، شارل Blois (Charles de)	
	بنواونتور Bonaventure	

روتبوف، ژان Rutebeuf	تِریکوس، امپراتور Tétricus
رودل، ژوفره Rudel (Jaufré)	تراستامار، هانری، حاکم کاستی
Rouche (Michel)	Trastamare (Henri de)
روش، میشل، مورخ Roland	تروگ پُمپه، مورخ Pompée – Trogue
Rollon	تروی، کرتین Troyes (Chrétien de)
رونود، کنت بولونی Renaud	تور، گرگوار، نویسنده قرن ششم
ریچارد دوم Richard II	Tours (Grégoire de)
ریچارد، شیردل، پادشاه انگلستان Richard (Cœur de Lion)	Toulouse (Jeanne de)
ریچمون، فرمانده Richemont	تیبیر، امپراتور Tibère
Rigaud (Eudes)	تیتوس، امپراتور Titus
ریگود، اواد، راهب درویش Raymond VI	تیبری Thierry
ریموند ششم Raymond VII	تیبری سوم، پادشاه فرانسه Thierry III
ز Zacharie	ج
زاكاري، پاب Zacharie	Jehan Boinebroke، خانواده
ژ Jean Ier	د
ژان دوم، نیکسیرت، پادشاه فرانسه Jean II (le Bon)	Dagobert، پادشاه فرانکها
ژان، بی‌ملک، پادشاه فرانسه Jean (sans Terre)	دامپیر، گی، کنت فلاندر Dampierre (Guy de)
ژان، نرس، پادشاه فرانسه Jean (sans Peur)	دشان، استاش، شاعر Deschamps (Eustache)
ژان، نیکسیرت، پادشاه فرانسه Jean (de Bon)	دم، اولیویه Daim (Olivier le)
ژفری، سیاهسر، فرمانده Geoffroy (Tête Noire)	دوشیزه، زندارک Pucelle (La)
ژن، تبر Jeanne (Hachette)	دومنیک، قدیس St Dominique
ژن، شاهزاده Jeanne (La princesse)	دین، هوگ، راهب درویش Digne(Huguesde)
ژندارک Jeanne d'Arc	دیوکلیسین، امپراتور Dioclétien
ژنویو، قدیسه Sainte Geneviève	ر
ژوان ویل، تاریخ‌نگار Joinville	رمی، انکمار Reims (Hincmar de)
ژول دوم، پاب Jules II	رمی، قدیس St Remi
ژولین، امپراتور Julien	روب ریرومند Robert (le Fort)
	روب ریرومند، خاندان Les Robertiens
	روب، پارسا Robert (le Pieux)
	روب، کوک Robert (Le Coq)

ص	س
صلاح الدین ایوبی، فرمانده Saladin	سِروِل، کشیش، سرباز ماجراجو
ف Falstaff	Cervole (l'Archiprêtre)
فالستاف، سرباز ماجراجو	سِزار، ژولیوس (Jules)
فراند، کنت فلاندر Ferrand	سِور الکساندر، امپراتور Sévère Alexandre
فرانزیچی، آلبیزی، صراف فلورانسی Franzesi (Albizi)	سوژر، کشیش Suger
فرانس، ایزابل، شاهزاده France (Isabelle de)	سیاگریوس Syagrius
فرانس، شارل France (Charles de)	سیویلیس، فرمانده Civilis
فرانس، کاترین France (Catherine de)	ش
فرانس، کلود France (Claude de)	شاتل، تانگی Châtel (Tanguy du)
فرانسوای دوم François II	شارل پنجم، پادشاه فرانسه Charles V
فرانکها، پادشاهی Francorum (Le Regnum)	شارل پنجم، خردمند، پادشاه فرانسه Charles V (le Sage)
فردریک سوم، امپراتور ژرمونی Frédéric III	شارل چهارم، زیبارو، پادشاه فرانسه Charles IV (le Bel)
فریدگوند، شهبانو فرانسه Frédégonde	شارل ششم، پادشاه فرانسه Charles VI
فرواسارت، تاریخنگار Froissart	شارل طاس، پادشاه فرانسه Charles (le Chauve)
فرِره، کبیر Ferré (Le Grand)	شارل هشتم، پادشاه فرانسه Charles VIII
فلوت، پیر، مشاور حقوقی Flote (Pierre)	شارل هفتم، پادشاه فرانسه Charles VII
فوآ، گاستن Foix (Gaston de)	شارل، بدکردار، شاهزاده Charles (le Mauvais)
فورنیه، گابریل، مورخ Fournier (Gabriel)	شارل، دلاور، پادشاه فرانسه Charles (le Téméraire)
فوکه، ژان Fouquet (Jean)	شارل، ساده، پادشاه فرانسه Charles (le Simple)
فیشه، گیوم Fichet (Guillaume)	شارل، کبیر Charles (le Grand)
فیلیبر، قدیس St Philibert	شارل، مارتل، پادشاه فرانسه Charles (Martel)
فیلیپ اول Philippe I	شارلمانی، پادشاه فرانسه Charlemagne
فیلیپ پنجم، بلندقامت، پادشاه فرانسه Philippe V (le Long)	شامپانی، تیبو، کنت Champagne (Thibaut de)
فیلیپ چهارم، زیبارو، پادشاه فرانسه Philippe (le Bel)	شاهزاده سیاهپوش Noir Prince (Le)
فیلیپ دوم، اگوست، پادشاه فرانسه Philippe II	شیلپریک، پادشاه فرانسه Chilpéric
	شیلدبر، پادشاه فرانسه Childebert

۲۳۹ فهرست کسان

کولمب، میشل، سنگ‌تراش (Michel Colombe) **ك**

گُدری، اسقف Gaudry
گِرگوار هفتم، پاپ Grégoire VII
گرلی، ژان (Jean de) Grailly
گرن، برادر Guérin
گِلادیاتورها (Les Gladiateurs)

گِسکلن، فرمانده کل ارتش (Du) Guesclin

گونویل، پولمیه (Le Paulmier de) Gonville

گیوم مارشال (le Maréchal) Guillaume

گیوم، دوک Guillaume

گیوم، فاتح (le Conquérant) Guillaume

ل

لئون سوم، پاپ Léon III

لوتیر Lothaire

لورن، رنه دوم (René II de) Lorraine:

لوریس، گیوم (Guillaume de) Lorris

لویی پارسا، پادشاه فرانسه (le Pieux) Louis

لویی پنجم، پادشاه فرانسه Louis V

لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه Louis XIV

لویی دوازدهم، پادشاه فرانسه Louis XII

لویی دوم، الکن، پادشاه فرانسه Louis II (de Bègue)

لویی دهم، ستیزه جو، پادشاه فرانسه Louis X (de Hutin)

لویی ژرمونی (le Germanique) Louis

لویی ششم، فربه، پادشاه فرانسه Louis VI (le Gros)

لویی نهم، قدیس، پادشاه فرانسه Louis IX

لویی هشتم، پادشاه فرانسه Louis VIII

فیلیپ سوم، بی‌باک، پادشاه فرانسه

Philippe III (de Hardi)

فیلیپ هورپل Philippe Hurepel

فیلیپ، زیارو، پادشاه فرانسه Philippe (le Beau)

فیلیپ، نیک سیرت، پادشاه فرانسه Philippe (le Bon)

ك

کاستلنو، پیر (Pierre de) Castelnau

کروکارد، سریاز ماجراجو Croquard

کلاری، روبر، شوالیه فرانسوی Clari (Robert de)

کلوتیر دوم، پادشاه فرانسه Clotaire II

کابوش، سیمون Caboche (Simon)

کاپسین، پادشاهان دودمان Capétiens (Les)

کاترین، قدیسه Sainte Catherine

کادوک Cadoc

کارتُن، انگراند Quarton (Enguerrand)

کارلومن، شاهزاده Carloman

کاستی، بلانش Castille (Blanche de)

کُر، ژاک، بازرگان Coeur (Jacques)

کلمان پنجم، پاپ Clément V

کلمب، کریستف Colombe (Christophe)

کلُنْبان، راهب ایرلندی، قدیس St Columban

کلوتیر Clotaire

کلوتیلد Clotilde

کلواد، امپراتور Claude

کلودومیر Clodomir

کلوویس، پادشاه فرانسه Clovis

کُمد، امپراتور Commode

کُنراد سوم، امپراتور Conrad III

کوشون، پیر، اسقف بورگونی Cauchon (Pierre)

۲۴۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس

والدو، پیر، بازرگان Valdo (Pierre)	لویی هفتم، پادشاه فرانسه Louis VII
والریشین، خانواده Val – Richin	لویی یازدهم، پادشاه فرانسه Louis XI
والوا، فیلیپ ششم، پادشاه فرانسه	لویی، پادشاه آن سوی دریا، شاهزاده
Valois (Philippe VI de)	Louis d'Outremer
وان آرتولد، ژاک Van Artevelde (Jacques)	لیمبورگ، برادران Limbourg (Les frères de)
وانتادور، برنارد Ventadour (Bernard de)	مارتن، قدیس St Martin
ورسان ژتریکس Vercingétorix	مارسل، اتین Marcel (Etienne)
ویسپاسین، امپراتور Vespasien	مارگریت، شاهزاده Marguerite (La princesse)
ون ایک، یان Van Eyck (Jan)	مارگریت، قدیسه Sainte Marguerite
ون ایک، برادران Van Eyck (Les frères)	مارینی، انگراند Marigny (Enguerrand de)
وندکس، فرمانده Vindex	ماریوس، امپراتور Marius
ویلهاردوبن، شوالیه فرانسوی Villehardouin	مررووه Mérrovée
ویسکونتی، والانتین Visconti (Valentine)	مریم، حضرت Vierge (La)
ویکتورینوس، امپراتور Victorinus	مزیر، فیلیپ، مشاور حقوقی
وین، ژان، دریاسالار Vienne (Jean de)	Mézières (Philippe de)
ویون، فرانسوآ، شاعر Villon	مسيح(ع) Christ
ه	
هارون الرشید Haroun al – Rachid	موریاکوس، کامپوس Mauriacus (Campus)
هابسبورگ، ماکسیمیلیان، امپراتور Habsbourg (Maximilien de)	موسچیاتو، صراف فلورانسی Musciatto
هال، آدام Halle (Adam de la)	موش، موسچیاتو Mouche
هانری اول، شاهزاده فرانسوی Henri I	موله، ژاک Molay (Jacques de)
هانری اول بوکلرک، شاهزاده انگلیسی Henri Beauclerc	مونفور، ژان Montfort (Jean de)
هانری پلانتاژنه، پادشاه انگلستان Henri Plantagenet	مونفور، سیمون Montfort (Simon de)
هانری پنجم، امپراتور ژرمی Henri V	مهونگ، جیام Mehung (Jeham de)
هانری پنجم، پادشاه انگلستان Henri V (de Lancastre)	ن
هانری چهارم، لانکاستر Henri IV	نوگاره، گیوم، مشاور حقوقی
هانری دوم، پلانتاژنه Henri II	Nogaret (Guillaume)
و	
	نیtar، نویسنده Nithard
	وارو، ترنتیوس، شاعر Varo (Terentius)

۲۴۱ فهرست کسان

هورپل، فیلیپ (Philippe)	هانری سوم، پادشاه انگلستان Henri III
هوگ کاپه (Hugues Capet)	هانری ششم، پادشاه انگلستان Henri VI
هوگ، کبیر (Hugues le Grand)	هانری هشتم، پادشاه انگلستان Henri VIII

هانگری، کلمنس (Clémence de) Hongrie

فهرست اماکن و جایها

آلمان	Allemand	۷
آلمان جنوبی (L')	Allemagne du Sud (L')	آراس
آلز - سنت - رن	Alise - Sainte - Reine	آرتوآ
آمبوآز	Amboise	آرل
آمیه نوا	Amiénois	آرمانیاک، کنتنشین
آمیس، کلیساي جامع	Amiens	آرموریک
آناب	Annapes	آرورن
آناینی، قلعه	Anagni (Le château d')	آزنکور
آنژو	Anjou	آژن
آنژه	Angers	آژنه (L')
آنور	Anvers	آکیتن (L')
آواریکوم، آپیدا	Avaricum	آلنسون، کنتنشین
اویرون	Aveyron	آلبره
اوینیونه	Avignonnet	آلبی
الف		آلپ - ماریتیم
آبیول	Abbeville	آلپ، دره های
آپیدا (L')	Oppida (L')	آلزاس
آپیدوم ویکس (L')	Oppidum de Vix (L')	آلزیا، ناحیه

بازیلیک، عمارت (La)	باڙو سک
باستی، قلعه (La)	اُرانچ
Bavière (La)	اُرلئان
بایون Bayonne	اُرلنائے (L')
بِتانکور، بندر Béthencourt	اروپائی مرکزی (L')
Béthune	Océan (L')
بِدفورد Bedford	اسپانیا (L')
براپان Brabant	استراسبورگ
برِتینی Brétigny	اسکاندیناوی
بُردو Bordeaux	اُکسیر Auxerre
برست Brest	اکس - لا - شاپل Chapelle - la - Aix
برسیا Brescia	اگمورت، بندر Mortes - Aigues
بروژ Bruges	اُگوستوبونا، قصبه Augustobona
بری Berry	اُگوستوریتم، قصبه Augustoritum
بری Brie	اُگوستوماگوس، قصبه Augustomagus
بریتانی Bretagne	الْمَان Alaman
بِزیه Bézier	الِمانی Alemani
بُس Beauce (La)	اوئن Oise
بِک، صومعه Bec (Abbaye du)	اوتر - مانش Outre - Manche
بلژیک Belgique (La)	اوتون، تناطر Autun
بلوآ Blois	اورو Évreux
بن Bonn	اوسترازی، پادشاهی (L') Austrasie (L')
بوردوله Bordelais (Le)	اوورنی، ناحیه Auvergne
بورژ، ویکنت نشین Bourges	ایپر Ypres
بورگونی Bourgogne	ایسودن Issoudun
بوزانسون Besançon	ایل - دو - فرانس France - de - Ile
بوش، ناحیه Buch	ب
بوکر Beaucaire	بِارن (Le) Béarn (Le)
بولونی - سور - مر Boulogne - sur - Mer	بار - سور - اووب Bar - sur - Aube
بولونی، بندر Boulogne	بارسلون Barcelone

تُرو	Trèves	بُون	Beaune
تُروی	Troyes	بووه	Beauvais
تلبورگ، ناحیه	Taillebourg	بووین، ناحیه	Bouvines
تُور	Tours	بیراکت، آپیدا	Bibracte
تورنژ (La)	Thuringe (La)	پ	
تورنوس، ناحیه	Tournus	پارم	Parme
تُورنه	Tournai	پاریس	Paris
تُولوز	Toulouse	پامیه، ناحیه	Pamiers
تُولوزن	Toulousain	پاوی، پادشاهی	Pavie
تونس، شهر	Tunis	پرپینیان، ناحیه	Perpignan
تونس، کشور (La)	Tunisie (La)	پروانس	Provence
چین، کشور (La)	Chine (La)	پروانسیا	Provincia
پ		پِرون، قلعه	Péronne
دامیت	Damiette	پروون	Provins
دانمارک	Danemark	پِریگو	Périgueux
دانوب، رود (Le)	Danube (Le)	پِریگور	Périgord
درو، ناحیه	Dreux	پلسی - له - تور، شهر	Plessis - lez - Tours
دشت فرانسه	Plaine de France	پوئیزه	Puiset
دُفینه، ایالت (Le)	Dauphiné (Le)	پوآتو	Poitou
دمشق	Damas	پوآتیه	Poitiers
دورستِد	Duurstede	پومپی	Pompéi
دولت شهرهای گالیا (Les)	Cités gauloises (Les)	پونتوآز	Pontoise
دومرمی	Domrémy	پونتیو (Le)	Ponthieu (Le)
دونکرک، بندر	Dunkerque	پوی، ناحیه	Puy
دویه	Douai	پویی - آن - ولای	Puy - en - Velay
دیپ، بندر	Dieppe	پیرنه، رشته کوههای (Les)	Pyrénées (Les)
دیژون	Dijon	پیکارדי	Picardie
ت - ج		ت - ج	
راتیسبون	Ratisbonne	ترا آماتا	Terra Amata
راشل، بندر (La)	Rochelle (La)	ترتری	Tertry

فهرست اماکن و جایها ۲۴۵

سرزمین باسک Pays basque	راون Ravenne
سرزمین مقدس Terre sainte	راین، رود Rhin (Le)
سُم، رود Somme	رُن، رود Rhône (Le)
سن - تروفیم، کلیساي Saint-Trophime	روئان Rouen
سن - او بن - دو - کورمیه Sen - Aubin - do - Cormier	روسیلون، ناحيه (Le) Roussillon (Le)
سن - او مر Saint-Omer	روش - آ - موآن، قلعه (La) Roche-aux-Moines (La)
سن بِنْزه، پل Saint Bénézet	روکبرون - کاپ - مارتَن Rocbaron - Cap - Martin
سن - پل، عمارت (L'hôtel) Saint - Paul (L'hôtel)	رومیرمون، صومعه Remiremont
سن تونژ، سرزمین هاي (La) Saintonge (La)	رونسو، گردنه Roncevaux
سن - دُنی، صومعه Saint-Denis	ریم، مدرسه Reims
سن - ریکيه Saint-Riquier	ڙ
سن - زاک - دو - کومپوستل Saint-Jacques-de-compostelle	ژرگووی، آپیدا Gergovie
سن - ژرمن - د - پره، صومعه Saint-German-des-Prés	ژرمینی - د - پره، کلیسا prés-des-Germgny
سن - ژیل Saint-Gilles	ژریکو Jéricho
سن - ساون - سور - گارتامپ، کلیساي Saint-Savin-sur-Gartempe	ژِن، ناحيه Gênes
سن - سِرن، کلیساي Saint-Sernin	ژورا (Le) Jura (Le)
سن - فیلیر - دو - تورنووس، کلیسا Saint-Philibert-de-Tournus	ژومیژ، صومعه Jumièges
سن - گال، کلیسا - Gall Saint - Gall	ژیوری، روستا Givry
سن - مارتن - دو - تور، صومعه Saint-Martin-de-Tours	س
سن - مارتن - دو - کانیگو Saint-Martin-du-Canigou	ساندون، رود (La) Saône (La)
سن ماکلو، کلیساي Saint Maclou	ساراگوسه Saragosse
سن - مالو Saint-Malo	ساکس (La) Saxe (La)
سن - میشل، کوه (Le Mont) Saint-Michel (Le Mont)	سالین Salins
	سان سالوادور، جزيره San Salvador
	سان، کنتنشین Sens
	سانلیس Senlis
	ساواه Savoie
	سِپتیم سِور Septime Sévère
	سِپتیمانی Septimanie

شیلاک، ناحیه	Chilhac	سن-نکتر، کلیساي	Saint-Nectaire
شینو	Chinon	سن-واس-لا-هوك	Saint-Vaast-La-Hougue
ف - ق			
فرانسي شرقى (La)	Francie orientale (La)	سن-ولریش	Saint-Ulrich
فرانسي غربى (La)	Francie occidentale (La)	سن-شابل، کلیساي	Sainte-Chapelle (La)
فرانسيا	Francia	سینگال (Le)	Sénégal (Le)
فرانش - کته، شهر	Franche-Comté	سنلیس	Senlis
فرتوال، قلعه	Fréteval	سوئد	Suède
فرژوس، بندر	Fréjus	سواسون	Soissons
فلاتدر	Flandre	سوربن، دانشگاه	Sorbonne (La)
فلورانس	Fleurance	سولونى	Sologne
فواکس، کنتنشين	Foix	سوله اك، ناحيه	Soleihac
فورز، کنتنشين	Forez	سومور، منطقه	Saumur
فورنو	Fornoue	سیون، ناحيه (Les)	Cévennes (Les)
فورویر، تپه	Fourvière	سیاه، دریای	Noire (La mer)
فولدا، کلیسا	Fulda	سیتو، صومعه	Citeaux
فوتن، صومعه	Fontaines	سیته، جزيره	Cité (L'île de la)
فوندی	Fundi	سیته، کاخ	la Cité (Le palais de)
قبرس	Chypre	سیسیل	Sicile
قمارى، جزایر	Canaries (Les îles)	ش	
ك			
كامبره	Cambrai	شاتو - گایار، قلعه	Château-Gaillard
کامپوس مورياكوس	Campus Mauriacus	شارانت، سواحل	Charente (La)
کریبوس، قلعه	Quéribus	شارتر	Chartres
کنستانتینوپل يا قسطنطينيه	Constantinople	شاروله	Charolais (Le)
کومین	Commynes	شالون - سور - مارن	Châlons-sur-Marne
کاھور	Cahors	شامپانی	Champagne (La)
کاتالونى	Catalogne	شش ضلعى، فرانسه (L')	Hexagone (L')
کاراکلا	Caracalla	شف - دو - کو	Chef-de-Caux
کارتاج، ناحيه	Carthage	شمال، دریای	Nord (La mer du)
		شیراگان	Chiragan

گروفه زانک (La)	Graufesenque	کارتیه لاتین، محله Quartier latin (Le)	
گرونداد (Grenade)	Grenade	کارکاسون Carcassonne	
گرونوبل (Grenoble)	Grenoble	کاسیل، کوه Cassel	
گلنوم (Glanum)	Glanum	کالا، بندر Calais	
گورنی - سور - آرونده، آپیدا (Gournay-sur-Aronde)	Gournay-sur-Aronde	کامبریزی Cambrésis	
گوین (Guyenne)	Guyenne	کان Caen	
گین گیت (Guinegatte)	Guinegatte	کانتربری، کلیساي Canterbury	
گین، کنت نشین (Guines)	Guines	کرسی Quercy (Le)	
ل			
لانون (Laon)	Laon	کرسی - آن - پونتیو Crécy-en-Ponthieu	
لاسکو، غار (Lascaux)	Lascaux	کرسی، ناحيه Crécy	
لاندی، بازار (Lendit (Foire du	Lendit (Foire du	کلاریسیم Clarissime	
لانژه (Langeais)	Langeais	کلروو، ناحيه Clairvaux	
لانگ دک (Languedoc)	Languedoc	کلونی، صومعه Cluny	
لانگر (Langres)	Langres	کلیساي جامع Cathédrale (La)	
لانی (Lagny)	Lagny	کنتوویک Quentovic	
لوار، دره رود (Loire (Le Val de la)	Loire (Le Val de la)	کوبا، جزیره Cuba	
لوار، رود (Loire)	Loire	کورتره، ناحيه Courtrai	
لوتس، آپیدا (Lutèce)	Lutèce	کورتیزون، ناحيه Courthezon	
لورن (Lorraine)	Lorraine	کورس، جزیره Corse (La)	
لوكسوی، صومعه (Luxeuil)	Luxeuil	کورمهیل، انبار غله Cormeilles	
لوگرامبورگ (Le Luxembourg)	Luxembourg (Le)	کوسی Coucy	
لوور، قلعه (Louvre)	Louvre	کومپئنی Compiègne	
لوویه (Louviers)	Louviers	گ	
لیژ (Liège)	Liège	گاتینه Gâtinais (Le)	
لیسبون (Lisbonne)	Lisbonne	گارد - فرن (La) Gard-Freinet (La)	
لیگزه، صومعه (Ligugé)	Ligugé	گارد، ناحيه Gard (Le)	
لیل (Lille)	Lille	گاریگلیانو، پل Garigliano	
لیم (Limes)	Limes	گالیای رومی Gaule romaine (La)	
		گاند Gand	
		گراندsson Grandson	

میلان	Milan	لیموزن (Le)
ن		لیموز
ناپل	Naples	لیون
ناربونز (La)	Narbonnaise (La)	لیونز
نانت	Nantes	م
نانسی	Nancy	مارسی، بندر
نوآرموتیه، جزیره (L'île de)	Noirmoutier (L'île de)	مارش
نووار	Novare	ماکنه
نوبورگ، دشت	Neubourg	ماکون
نوتردام پاریس، کلیسا	Notre Dame de Paris	مالی، کشور
نوتردام - لا - گراند، کلیسا	Notre Dame-la-Grande	مانش، دریا
		متز
نور، کنت نشین	Nevers	مصر (L')
نورمانها (Les)	Normands (Les)	من
نوژان - لو - روترو، قلعه	Nogent-le-Rotrou	منس
نیس، ناحیه	Nice	منصوره
نیل، رود (Le)	Nil (Le)	مواساک
نیم، ناحیه	Nimes	موپرتونیس
نیوپرت، بندر	Nieuport	مورا
نیورنه	Nivernais	مورتن
و - ه		موز، رود
والونه، غار	Vallonnet	موزل، رود
وردن، بازار	Verdun	مون - آن - پول، ناحیه
ورماندویا	Vermandois	مون بریسون،
و زله	Vézelay	مونپلیه
وزون	Vaison	مونت مورین
و سر	Vosges (Les)	مونترو، پل
و کسن (Le)	Vexin (Le)	مونسگور، قلعه
و کلوز (Le)	Vaucluse (Le)	میدی، ناحیه
و نس، برج	Vincennes	میرپوآ

۲۴۹ فهرست اماکن و جایها

هائیتی، جزیره	Haïti	وینیز	Venise
هلند	Hollande	وین	Vienne
هنو	Hainaut (Le)	وین، مدرسه	Vienne
هونفلور	Honfleur	وینسِن، ناحیه	Vincennes

فهرست آثار، اسناد و رویدادها

بووژی، آداب و قوانین Beauvaisis	آ - الف
پاریس، قرارداد de Paris (Le traité de)	آخر الزمان یوحنا Apocalypse de St Jean
پاک، عید Pâques	آراس، قرارداد d'Arras (Le traité d')
پرسوال، کرتین تروی Perceval	آرل، شورای اسقفهای Arles (Le concile d')
پیکنی، قرارداد de Picquigny (Le traité de)	آن، قدیسه، مجسمه Sainte Anne
تروی، قرارداد de Troyes (Le traité de)	استراسبورگ، سوگندنامه‌های Strasbourg (Les segments)
تریستان و ایزوت Tristan et Iseut	اسکولاستیک یا مدرّسی، فلسفه Scolastique
توشینا، جنبش ضد مالیاتی Tuchinat (Le)	اکلوز، نبرد l' Cluse (La bataille de l')
تولبیاک، نبرد Tolbiac (La bataille de)	ب - ب - ن
ح	بازی شاخ و برگ، نمایشنامه
حکومت پاپی (L') État pontifical	de la feuillée jen (La)
خدای زیبا، مجسمه Dieu (Le Beau)	بافندگان، قیام Tricoterie (La)
ر	بایار، پیروزی Bayard
رمان رونار Roman de Renart (Le)	برتینی - کاله، معاهده صلح
رمان گل سرخ Roman de la Rose (Le)	Brétigny-Calais (La paix de)
رمانسک، هنر Roman (L'art)	بره عرفانی، تابلوی مرکب یان ون ایک
ز	Jacquerie (La)
زاکری Jacquerie (La)	Agneau mystique (L')

کامبری، اتحاد Cambrai (La ligue de)	ژوستینین، طاعون Justinienne (La Peste)
کلرمون، شورای اسقفهای Clermont	ژیزور، فرار Gisors
کنستانتین، فرمان Constantin (l'édit de)	س - ش
کورتوآز، شعر Courtoise (La poésie)	مالیک، قانون Salique (La loi)
گالیکانیسم، جنبش Gallicanisme (Le)	سرف داری Servage (Le)
گوتیک، هنر Gothic (L'art)	سروده حماسی الکسی قدیس، کرتین تروی سروde حماسی الکسی قدیس، کرتین تروی
ل - م	
لاتران چهارم، شورای اسقفهای Latran IV (Le concile de)	Chanson de Saint Alexis (La)
لانسلوت، کرتین تروی Lancelot	Chanson de Roland (La)
لوری - آن - گاتینه، سند Lorris-en-Gâtinais	سنده معافیت Chartre de franchise (La)
مایوتین‌ها، شورش Maillotins (L'émeute des)	سوآسون، نبرد Soissons (La bataille de)
منهیرها Menhirs (Les)	سیاست، ارسسطو Politique (La)
موره، نبرد Muret (La bataille de)	سیویلیس، فرمان Civilis
موناشبیسم Monachisme (Le)	شارو، شورای اسقفهای شارو، شورای اسقفهای
مونلری، نبرد Montlhéry	Charroux (Le concile de)
میکماک، قیام Miquemaque (Le)	شهر خدا، آگوستینوس قدیس Cité de Dieu (La)
و - ه	
وردن، پیمان Verdun (Le traité de)	ص
ورژل، اصل Wehrgold (Le)	صد ساله، جنگ Cent Ans (La guerre de)
وَندِکس، فرمان Vindex	صلیبی، جنگ‌های Croisades (Les)
وَنیز، اتحاد Venise (La ligue de)	ف
وَوئیه، نبرد Vouillé (La bataille de)	فرشته خندان، مجسمه Ange au sourire (L')
ویلیس، فرمان سلطنتی Villis (Le capitulaire de)	فورمینی، نبرد Formigny (La bataille de)
وینشی، نبرد Vinchy (La bataille de)	فورن، پیروزی Furnes
هارل، شورش Harelle (L'émeute de la)	ک - گ
کتاب عدالت و داوری Livre de Justice et Plet (Le)	
کاتار، جنبش Cathare (Le mouvement)	
کاراکالا، فرمان Caracalla (L'édit de)	
کاستیون، پیروزی Castillon (La victoire de)	

فهرست اقوام و فرقه‌ها

ترک‌ها	Turcs (Les)	آ - الف
ترویرها	Trévires (Les)	آرمانیاک‌ها
توتون‌ها	Teutons (Les)	آرورن‌ها
د		آلین‌ها
دروییدها	Druïdes (Les)	آنگل‌ها
دُلمن‌ها	Dolmens (Les)	آوارها
دیپ، از اهالی	Dieppois	ادئون‌ها
ژ		اسکاتلندي‌ها
ژرماني، اقوام	Germaniques (Les peuples)	اگوستینیوس، پیروان فرقه مذهبی
س - ش		انگلیسی‌ها
سارازن‌ها	Sarrasins (Les)	انگلیسی‌ها
ساکسون‌ها	Saxons (Les)	ایبری
سامبرها	Cimbres (Les)	ب - ت
سلت، قوم	Celte	باربرها
سوئون‌ها	Suèves (Les)	برتون‌ها
سوئوهای آریوویست	Suèves d'Arioviste (Les)	بروکترها
سوئیس، اهالی	Suisses (Les)	بلژها
سیسترنسی، راهبان فرقه	Cisterciens (Les)	بورگوند، قوم
		بوژو، اهالی

۲۰۳ فهرست اقوام و فرقه ها

ل - م

لَنگون‌ها (Lingons (Les)	Sicambres (Les)
لورن، اهالی (Lorrains (Les)	شات‌ها (Chattes (Les)
لومباردها (Lombards (Les)	شاماوهای (Chamaves (Les)
لیژ، اهالی (Liégeois (Les)	ف
مانی، آئین (Manichéisme (Le)	فرانسیسکن، پیروان فرقه مذهبی (Franciscains (Les)
مانی، پیروان مذهب (Manichéens (Les)	فرانک (Franc (Le)
مجارها (Hongrois (Les)	فرانک‌های ژرمن تبار (Francs originaires de Germanie (Les)
مغول‌ها (Mongols (Les)	فریسون‌ها (Frisons
مَملوک‌ها (Mameluks (Les)	فلاندر، اهالی (Flamands (Les)
ن - و - ه	فلورانسی‌ها (Florentins (Les)
نورمان‌ها (Normands (Les)	گ - گ
واندال، قوم (Vandales (Les)	کارم، پیروان فرقه مذهبی (Carmes (Les)
وَنیز، از اهالی (Vénitien (Les)	کابوشین‌ها (Cabochiens (Les)
وَنیزی‌ها (Vénitiens (Les)	گال‌ها (Gaulois (Les)
ویزیگوت‌ها (Wisigoths (Les)	گالات‌ها (Galates (Les)
هِلوت‌ها (Helvètes (Les)	گُت، قوم (Goths (Les)
هون‌ها (Huns (Les)	یونانی‌ها (Greecs (Les)

کتابنامه

منابع فارسی

- * فلیس کلاوزن بارکر، هنر در بستر زمان، تحلیلی بر آثار و زندگی هنرمندان مشهور جهان، ترجمه سعیده رامز، انتشارات فخر اکیا، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۵ ش.
- * آن شیور کراندل، تاریخ هنر، ترجمه حسن افشار، سده‌های میانه از مجموعه هشت جلدی تاریخ هنر، نشر مرکز، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۶ ش.
- * تیموتی لوی بیل، عصر فنودالیسم، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، مجموعه تاریخ جهان، انتشارات ققنوس، چاپ دوم: ۱۳۸۶ ش.
- * جیمز آ. کوریک، قرون وسطی اولیه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، مجموعه تاریخ جهان، انتشارات ققنوس، چاپ سوم: ۱۳۸۲ ش.
- * دکتر عزت‌الله نوذری، اروپا در قرون وسطی، انتشارات نوید شیراز، چاپ سوم: ۱۳۸۲ ش.
- * جیمز آ. کوریک، قرون وسطی پسین، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، مجموعه تاریخ جهان، انتشارات ققنوس، چاپ دوم: ۱۳۸۴ ش.
- * جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ هفدهم: ۱۳۸۶ ش.

منابع فرانسوی

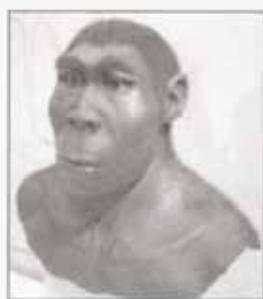
1. Bernard Phan, Rois et reines de France, Editions du Seuil «Points Histoire», Paris, 2008.
2. Bernard Auzanneau et Yves Avril, Dictionnaire Latin -Français, Le livre de Poche, Librairie générale française, Paris, 2000 .
3. Aurélien Fayet, Michelle Fayet, L'Histoire de France tout simplement Culture Générale, Groupe Eyrolles, Paris, 2009.
4. Jean Carpentier et François Lebrun, Histoire de France, Éditions du Seuil« Points Histoire», Paris, 2000.
5. Patricia Briel, Regards sur 2000 ans de christianisme, Éditions saint -augustin, Paris, 2000.
6. Georges Duby, Histoire de la France des origines à nos jours, Larousse, Bibliothèque historique, Paris, 2007.
7. Philippe Boissinot, L'Histoire de France, Encyclopédie junior, Groupe Fleurus, Chine, 2009 .

ترجمه منابع فرانسوی

- * برنارد فان، پادشاهان و شهبانوان فرانسه، انتشارات سوی، «موضوعات تاریخی»، پاریس، ۲۰۰۸م.
- * برنارد اوزانو، فرهنگ لاتین فرانسه، کتاب جیبی، کتابخانه عمومی فرانسه، پاریس، ۲۰۰۰م.
- * ارلین فایت، تاریخ فرانسه به سادگی تمام! فرهنگ عمومی، گروه ایروول، پاریس، ۲۰۰۹م.
- * ژان کارپانتیه، تاریخ فرانسه، انتشارات سوی، «موضوعات تاریخی»، پاریس، ۲۰۰۰م.
- * پاتریسیا بریسل، نگاهی بر ۲۰۰۰ سال تاریخ مسیحیت، انتشارات اگوستینوس قدیس، پاریس، ۲۰۰۰م.
- * ژورژ دوبی، تاریخ فرانسه از آغاز تا امروز، انتشارات لاروس، کتابخانه تاریخی، پاریس، ۲۰۰۷م.
- * فیلیپ بوآسینو، تاریخ فرانسه، دایرة المعارف جونیور، گروه فلوروس، چین، ۲۰۰۹م.

تصاویر

۲۵۹ تصاویر



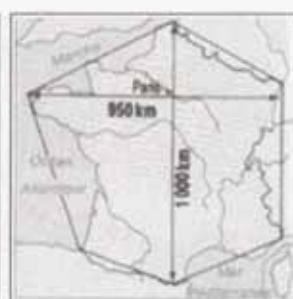
تصویر (۴)
انسان هوموساپین



تصویر (۳)
انسان نئاندرتال



تصویر (۲)
شش ضلعی (فرانسه کنونی) کلوویس، پادشاه فرانک‌ها



تصویر (۱)
شش ضلعی (فرانسه کنونی)



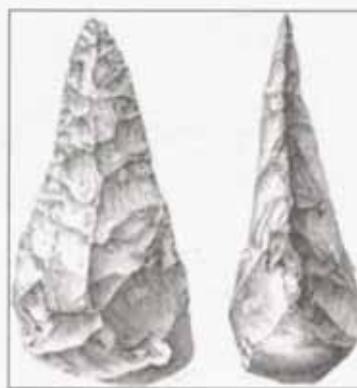
تصویر (۶)
نقاشی‌های غار لاسکو



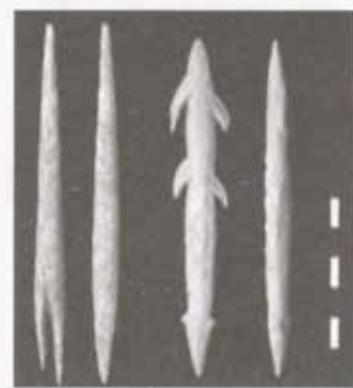
تصویر (۵)
نقاشی‌های غار لاسکو



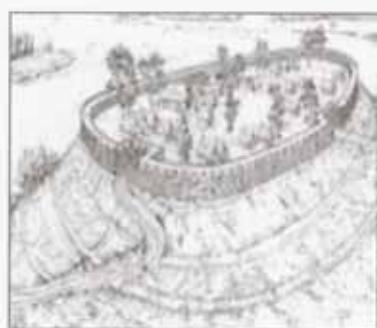
تصویر (۹)
ابزارهای سنگی عصر نو سنگی



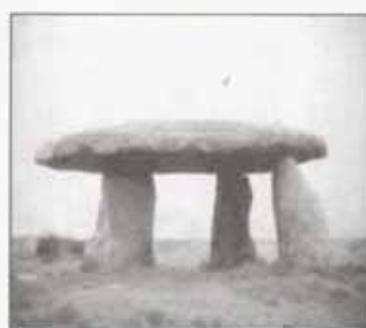
تصویر (۸)
ابزارهای سنگی عصر پارینه سنگی



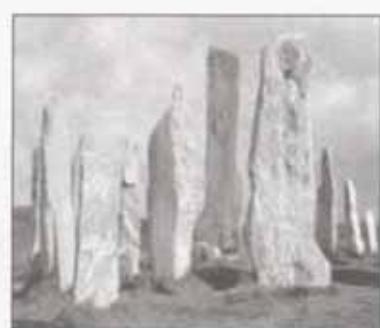
تصویر (۷)
ابزارهای استخوانی عصر پارینه سنگی



تصویر (۱۲)
أیدا



تصویر (۱۱)
دُلْمَن: سنگ افقی بر روی حداقل
دو سنگ عمود



تصویر (۱۰)
منهیر: سنگ عمود ایستاده بر روی زمین

۲۶۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس



تصویر (۱۵)
نیم تنه ژولیوس سزار



تصویر (۱۴)
دروییدها



تصویر (۱۳)
جنگجوی گال



تصویر (۱۹)
سرزمین گالیای رومی



تصویر (۱۸)
اگوست، امپراتور رومی



تصویر (۱۷)
سربازان لژیون روم



تصویر (۱۶)
ورسان ژتوریکس



تصویر (۲۲)
گلادیاتورها



تصویر (۲۱)
آمفی تئاتر آرل



تصویر (۲۰)
تیبر، امپراتور رومی

۲۶۱ تصاویر



تصویر (۲۵)
شیلپریک اول، شاه مروونزی



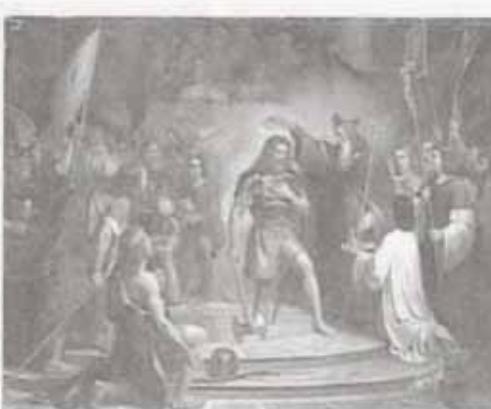
تصویر (۲۴)
راههای رومی



تصویر (۲۳)
پیکار گلادیاتورها



تصویر (۲۸)
کلوتراول، شاه مروونزی



تصویر (۲۷)
غسل تعمید کلوویس توسط رمی قدیس



تصویر (۲۶)
مروروه، جد کلوویس



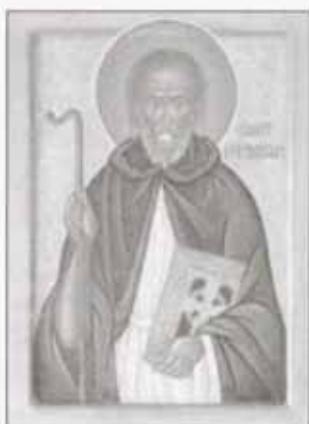
تصویر (۳۰)
واقعه ظرف سوآسون



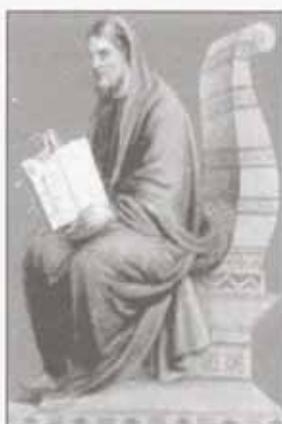
تصویر (۲۹)
واقعه ظرف سوآسون



تصویر (۳۱)
اثبات یگناهی طبق روش اوردالی



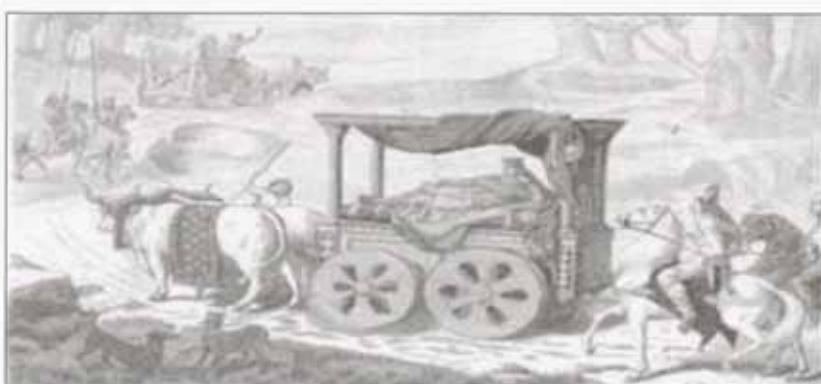
تصویر (۳۴)
کلمبان قدیس



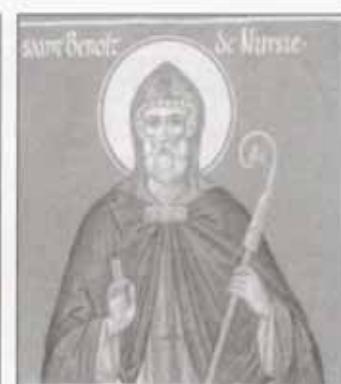
تصویر (۳۳)
گرگوار تور، پدر تاریخ
ملی فرانک‌ها



تصویر (۳۲)
طاعون زوستینین



تصویر (۳۶)
پادشاهان بی‌عار در سفر



تصویر (۳۵)
بنو آقدس

۲۶۳ تصاویر



تصویر (۳۸)
تجزیه قلمرو پادشاهی در دوره مروونی

تصویر (۳۷)
کلوتودوم، شاه مروونی



تصویر (۴۱)
تیبری سوم، شاه مروونی



تصویر (۴۰)
شارل مارتل در نبرد پوآتیه



تصویر (۳۹)
داغوبرت اول، شاه مروونی



تصویر (۴۳)
پین کوته قامت، شاه کارولنگی

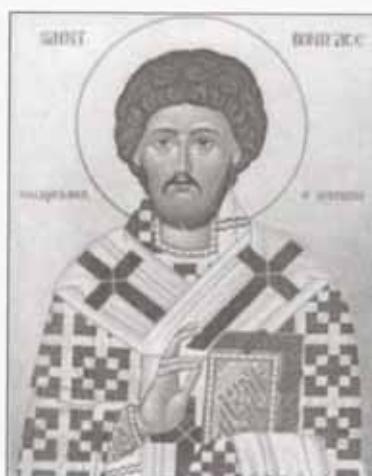


تصویر (۴۲)
گوشتنی کارلمن در صورمه

۲۶۴ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننسانس



تصویر (۴۶)
عقبه سپاه شارلمانی به فرماندهی رولان



تصویر (۴۵)
بونیفس قدیس



تصویر (۴۴)
شارلمانی، امپراتور و پادشاه کارولنژی



تصویر (۴۸)
تاجگذاری شارلمانی توسط پاپ لئون سوم



تصویر (۴۷)
تاجگذاری شارلمانی توسط پاپ لئون سوم



تصویر (۵۰)
هیأت بازرگانی در دوره شارلمانی



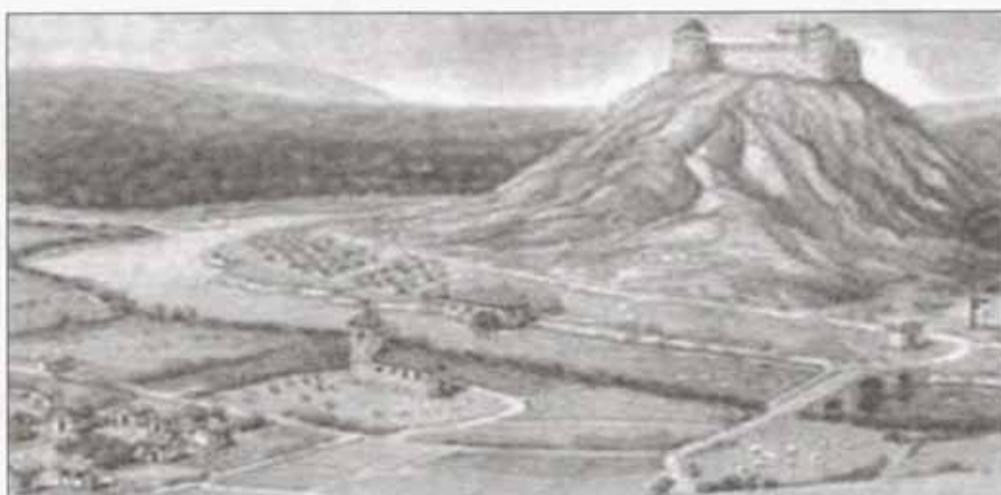
تصویر (۴۹)
تابلو اثر جولیوس کوکر، نقاش آلمانی؛ نماینده دربار شارلمانی تزد
هارون الرشید، خلیفه بغداد

۲۶۵ تصاویر



تصویر (۵۱)

واسال با اعلام وفاداری و سرسپردگی به ارباب از وی به عنوان پیشکش قطعه زمینی «نیول» دریافت می‌کند.



تصویر (۵۲)

زمینهای اربابی و زمینهای دهقانی

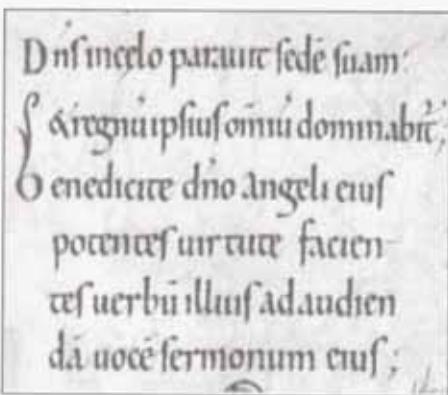


تصویر (۵۴)

تذہب به جای مانده از دوره کارولنژی که ابزارهای کشاورزی را نشان می‌دهد. آلکون، دانشمندانگلیسی دوره کارولنژی



تصویر (۵۳)



تصویر (۵۶)
حروف کوچک کارولین



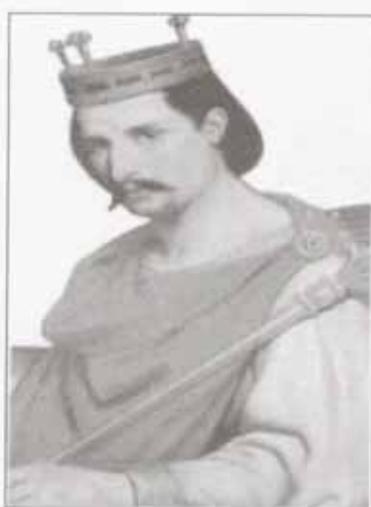
تصویر (۵۵)
ساخت قصر اکس لا شاپل به دستور شارلمانی



تصویر (۵۸)
امپراتوری شارلمانی



تصویر (۵۷)
هر تذهیب در دوره کارولینزی



تصویر (۶۱)
شارل طاس، پادشاه فرانسی غربی



تصویر (۶۰)
لوتر، امپراتور فرانسی میانی



تصویر (۵۹)
لویی پارسا، شاه کارولینزی

۲۶۷ تصاویر



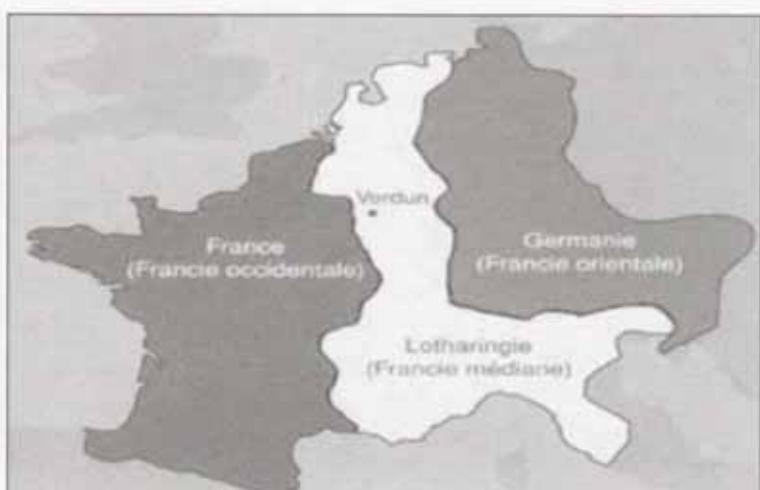
تصویر (۶۳)
لویی ژرمی، پادشاه فرانسی شرقی



تصویر (۶۲)
هجوم نورمان‌ها به سواحل غرب



تصویر (۶۵)
شارل ساده، شاه کارولنژی



تصویر (۶۴)
تجزیه امپراتوری در دوره کارولنژی، فرانسی غربی، فرانسی میانی، فرانسی شرقی



تصویر (۶۸)
لویی (پادشاه آتسوی دریا)،
شاه کارولنژی



تصویر (۶۷)
لویی گندزبان، شاه کارولنژی



تصویر (۶۶)
اوتون اول، بنیانگذار امپراتوری مقدس
رومی ژرمی

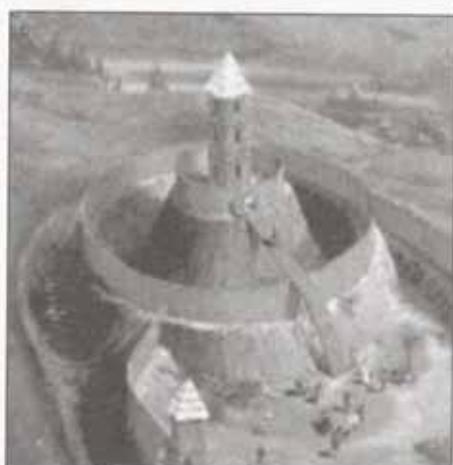
۲۶۸ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ ناسی



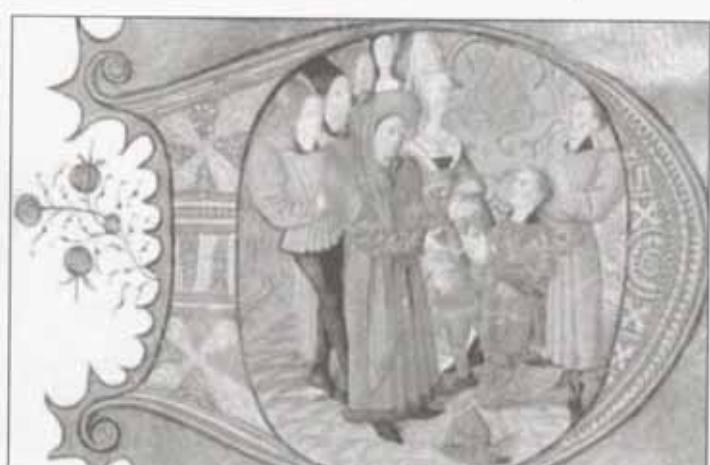
تصویر (۷۰)
هوگ کاپه، بنیانگذار دودمان کاپسین



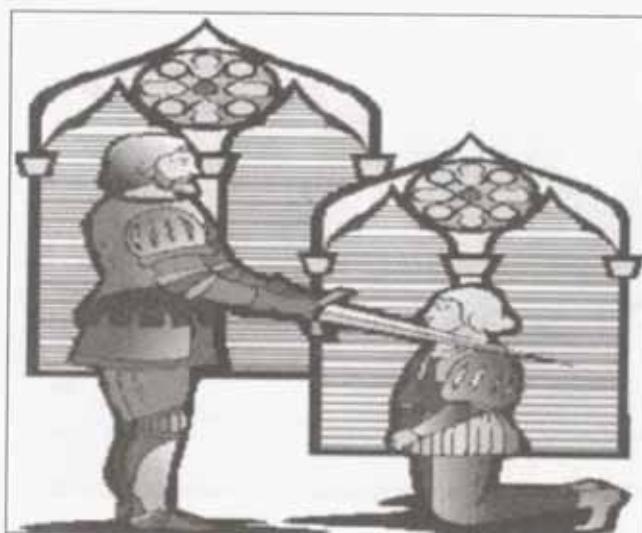
تصویر (۶۹)
لویی پنجم، آخرین شاه کارولنژی



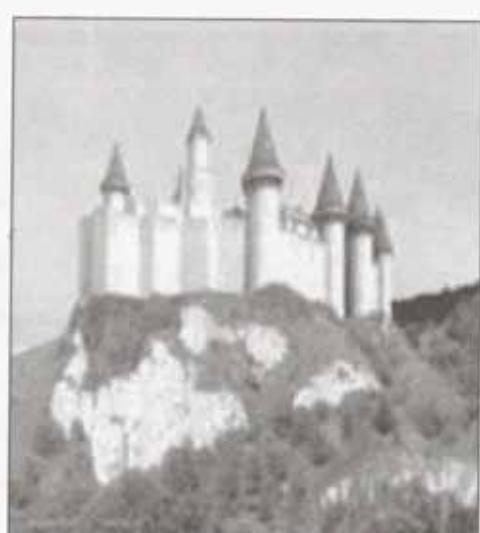
تصویر (۷۲)
قلعه ویرج اصلی



تصویر (۷۱)
مراسم تحلیف و اسال



تصویر (۷۴)
مراسم شوالیه‌گری

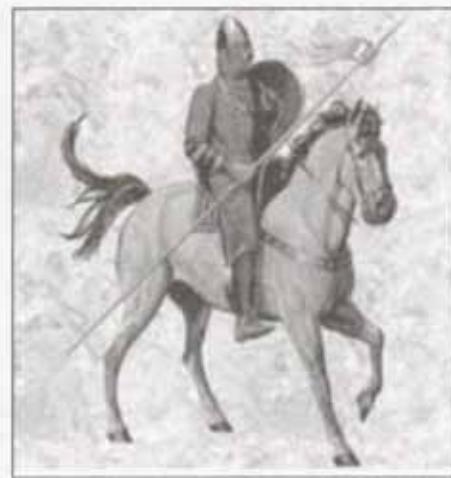


تصویر (۷۳)
قلعه شاتو گایار

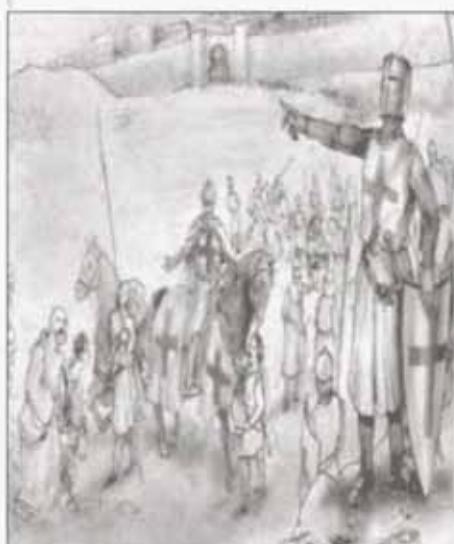
۲۶۹ تصاویر



تصویر (۷۶)
مسابقات رزمی شوالیه‌ها



تصویر (۷۵)
شوالیه در قرون وسطی



تصویر (۷۸)
دومین جنگ صلیبی با موعظه‌های برنارد قدسی



تصویر (۷۷)
پاپ اوربن دوم در شورای اسقفهای کلمون و آغاز جنگ‌های صلیبی



تصویر (۸۲)
لویی هفتم، شاه کاپیتن



تصویر (۸۱)
فلیپ اول، شاه کاپیتن



تصویر (۸۰)
هانری اول، شاه کاپیتن



تصویر (۷۹)
روبر دوم ملقب به پارسا،
شاه کاپیتن

۲۷۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس



تصویر (۸۵)
لویی ششم ملقب به لویی فربه
شاه کاپیتان



تصویر (۸۴)
گیوم فاتح، شاه دودمان
انگلیسی نورمان



تصویر (۸۳)
اوتون سوم، امپراتور ژرمونی



تصویر (۸۸)
هانری دوم پلاتنائزه، شاه انگلیسی
دودمان پلاتنائزه



تصویر (۸۷)
هانری اول بلکرک، شاه انگلیسی
دودمان نورمان



تصویر (۸۶)
کنراد سوم، امپراتور ژرمونی



تصویر (۹۰)
آمایش اراضی



تصویر (۸۹)
سرف‌های خدمتگزار وابسته به زمین

۲۷۱ تصاویر



تصویر (۹۲)
زندگی کشاورزان در مزارع



تصویر (۹۱)
استفاده از خیش اولیه



تصویر (۹۴)
بازار لاندی، مینیاتور، قرن پانزدهم



تصویر (۹۳)
حرفه صرافی در قرون وسطی



تصویر (۹۶)
سفرهای زیارتی در قرون وسطی



تصویر (۹۵)
شهر در قرون وسطی



تصویر (۹۹)
فلسفه مدرسی یا سکولاستیک



تصویر (۹۸)
پیر والدو، بنانگذار جنبش ودا



تصویر (۹۷)
پاپ گرگوار هفتم



تصویر (۱۰۱)
رمان رونار



تصویر (۱۰۰)
سروده حماسی رولان: رولان، فرمانده عقبه سپاه شارلمانی
در بوق عاج می دهد.



تصویر (۱۰۳)
نقاشی های بزرگ دیواری در قرون وسطی



تصویر (۱۰۲)
شعرای دوره گرد جنوب

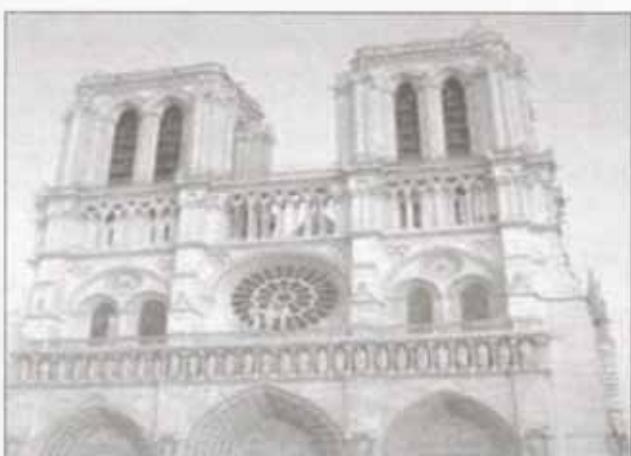
۲۷۳ تصاویر



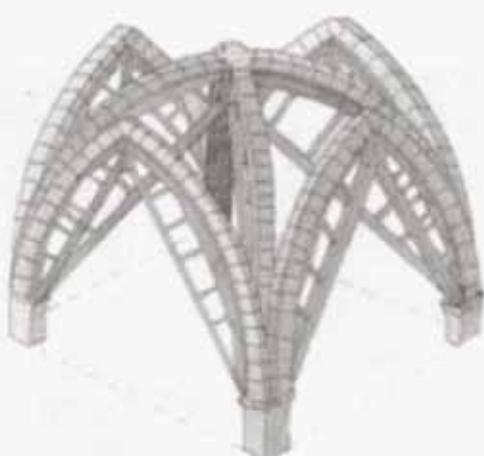
تصویر (۱۰۵)
کلیسا نوتردام لارگاند واقع در پواتیه،
شاهکار هنر معماری رمانسک



تصویر (۱۰۴)
کتیبه در هنر معماری قرون وسطی



تصویر (۱۰۷)
کلیسا نوتردام پاریس، شاهکار هنر معماری گوتیک



تصویر (۱۰۶)
قوس جناغی با چهار خم



تصویر (۱۰۹)
شورای اسقفهای لاتران چهارم و اصلاحات کلیسا



تصویر (۱۰۸)
جنگ صلیبی کودکان

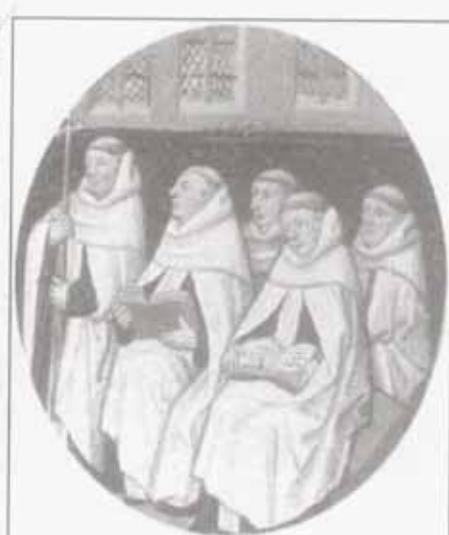
۲۷۴ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس



تصویر (۱۱۲)
فرانسو آسیز قدیس



تصویر (۱۱۱)
دومنیک قدیس



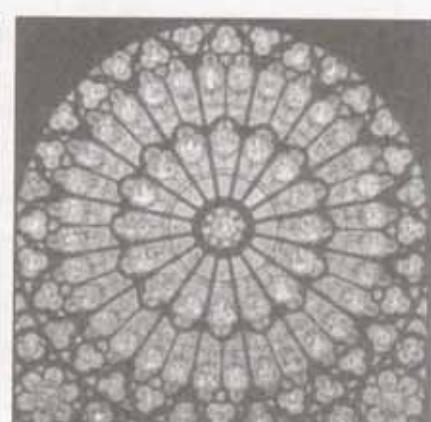
تصویر (۱۱۰)
پیروان فرقه دومینیکن



تصویر (۱۱۵)
مجسمه خدای زیبا، کلیسای جامع رمی



تصویر (۱۱۴)
مجسمه فرشته خندان، کلیسای جامع رمی



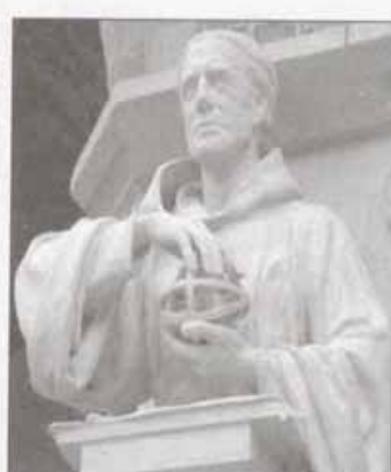
تصویر (۱۱۳)
پنجره گل سرخی



تصویر (۱۱۸)
توماس آکویناس، فیلسوف قرن سیزدهم



تصویر (۱۱۷)
آلبرت بزرگ، فیلسوف آلمانی



تصویر (۱۱۶)
راجر بیکن انگلیسی

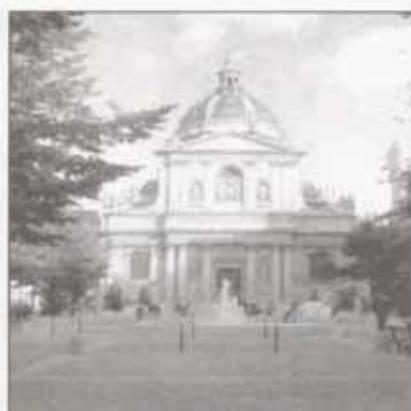
تصاویر ۲۷۵



تصویر (۱۲۱)
دستنوشت رمان گل سرخ



تصویر (۱۲۰)
مارکوپولو



تصویر (۱۱۹)
دانشگاه سوربن کنونی



تصویر (۱۲۳)
تاجگذاری فیلیپ آگوست به عنوان پادشاه فرانسه



تصویر (۱۲۲)
فیلیپ دوم آگوست، شاه کاپسین



تصویر (۱۲۶)
شهبانو اینگبرگ



تصویر (۱۲۵)
لویی هشتم، شاه کاپسین



تصویر (۱۲۴)
فیلیپ چهارم ملقب به زیبارو، شاه کاپسین

۲۷۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس



تصویر (۱۲۹)
بلانش کاستی



تصویر (۱۲۸)
لویی نهم ملقب به لویی قدیس



تصویر (۱۲۷)
پاپ اینوسان سوم



تصویر (۱۳۱)
لویی قدیس و کمک به فقرا در موزه لوور، اثر لویی ترستان



تصویر (۱۳۰)
مارگریت پروانس



تصویر (۱۳۴)
بلانش بورگونی



تصویر (۱۳۳)
مارگریت بورگونی



تصویر (۱۳۲)
فیلیپ سوم بی باک

۲۷۷ تصاویر



تصویر (۱۳۷)
شارل چهارم ملقب به زیبا و



تصویر (۱۳۶)
فیلیپ پنجم ملقب به بلند قامت



تصویر (۱۳۵)
لویی دهم ملقب به سیزده جو



تصویر (۱۳۹)
ریچارد شیردل در سومین جنگ صلیبی



تصویر (۱۳۸)
ریچارد شیردل، پادشاه انگلستان



تصویر (۱۴۲)
هانری سوم، پادشاه انگلستان



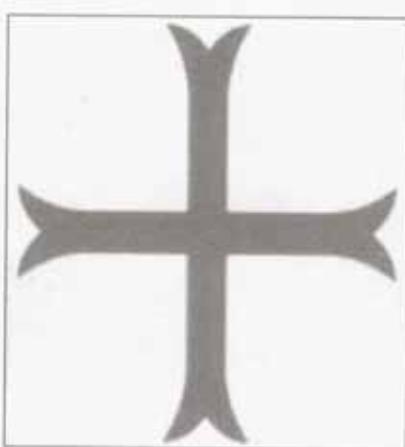
تصویر (۱۴۱)
اوتون چهارم، امپراتور زرمنی



تصویر (۱۴۰)
ژان بی ملک



تصویر (۱۴۵)
سیمون مونفور، عامل اصلی جنگ
صلبی آلبیزوآ



تصویر (۱۴۴)
نماد جنگ‌های صلیبی



تصویر (۱۴۳)
ادوارد اول، پادشاه انگلستان



تصویر (۱۴۶)
سوژاندن آلی‌هادر جنگ صلیبی آلبیزوآ



تصویر (۱۴۸)
کُشت به همراه واسال‌هایش رهبر جنگ می‌شود (قرون
هشتم و نهم)

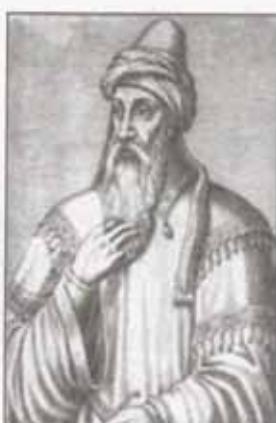


تصویر (۱۴۷)
قلعه مونسگور

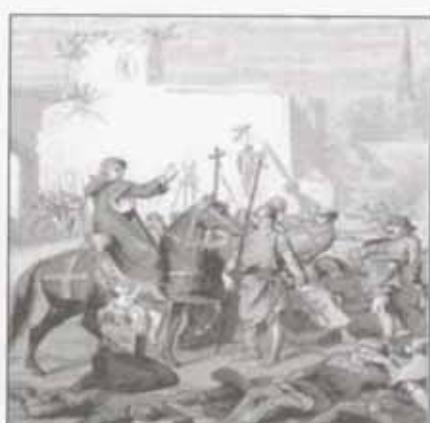
۲۷۹ تصاویر



تصویر (۱۵۱)
شورش اهالی سبیل به هنگام نیایش غروب
علیه شارل آنزو



تصویر (۱۵۰)
صلاح الدین ایوبی



تصویر (۱۴۹)
جنگ صلیبی علیه کاتارها



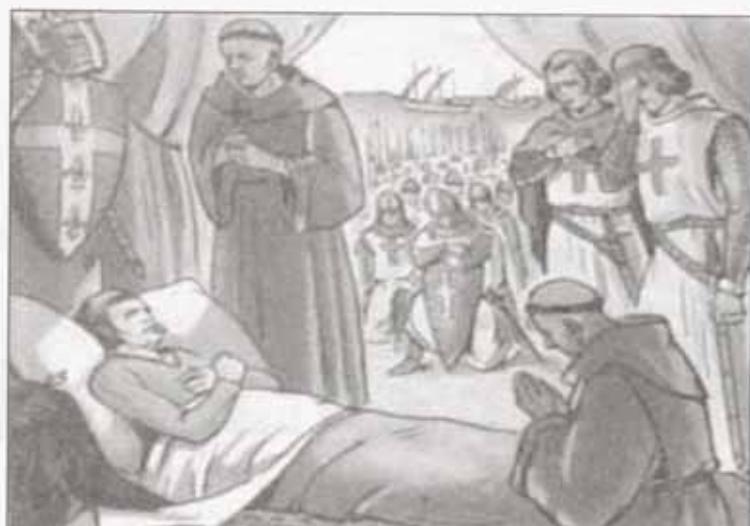
تصویر (۱۵۲)
اعزام نیروی بند را گمourt توسط لویی قدیس



تصویر (۱۵۳)
لویی قدیس و شستن پای جذامیان



تصویر (۱۵۵)
اینوسان چهارم، پاپ کلیسای کاتولیک روم



تصویر (۱۵۴)
لویی قدیس در بستر مرگ



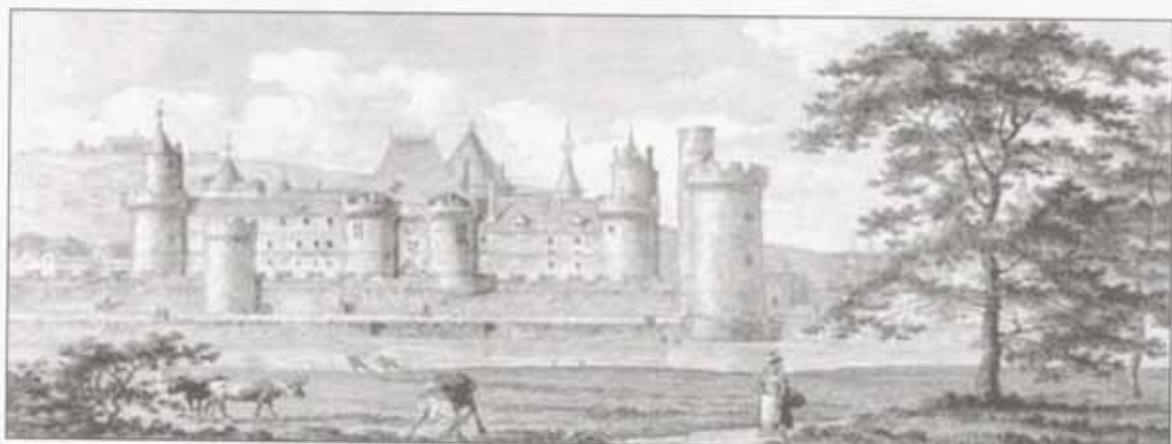
تصویر (۱۵۸)
انگریاند مارینی، پیشکار دربار



تصویر (۱۵۷)
پاپ بونیفاس هشتم



تصویر (۱۵۶)
پیر فلوت، مشاور حقوقی دربار



تصویر (۱۵۹)
قلعه لوور در زمان فیلیپ اگوست

۲۸۱ تصاویر



تصویر (۱۶۱)
فرقه شوالیه‌های معبد



تصویر (۱۶۰)
ایل دو سیته



تصویر (۱۶۳)
پاپ کلمان پنجم



تصویر (۱۶۲)
مجلس عمومی طبقاتی



تصویر (۱۶۶)
لویی چهاردهم



تصویر (۱۶۵)
فرقه پرستاران



تصویر (۱۶۴)
زاک موله، رهبر فرقه شوالیه‌های معبد

۲۸۲ تاریخ فرانسه، از آغاز تاریخ



تصویر (۱۶۹)
ایزابل فرانس، شهبانوی انگلستان



تصویر (۱۶۸)
فیلیپ والوا، اولین پادشاه دودمان فرانسوی والوا



تصویر (۱۶۷)
ادوارد سوم، پادشاه انگلستان



تصویر (۱۷۱)
شکست شوالیه‌های فرانسوی در نبرد کروان



تصویر (۱۷۰)
تجدد قوای تیروهای فرانسوی پس از پیروزی کاستیون



تصویر (۱۷۳)
يهودیان، قربانیان بیماری طاعون



تصویر (۱۷۴)
پزشک مجهز به ماسک در برابر بیماری طاعون



تصویر (۱۷۵)
قیام ڈاکری



تصویر (۱۷۴)
فره کبیر، فهرمان مردمی جنگ صد ساله



تصویر (۱۷۷)
فرقہ شلاق به دستها



تصویر (۱۷۶)
قیام مایوتین ها



تصویر (۱۷۹)
نقاشی تمثیلی با موضوع بیماری طاعون در قرن پانزدهم

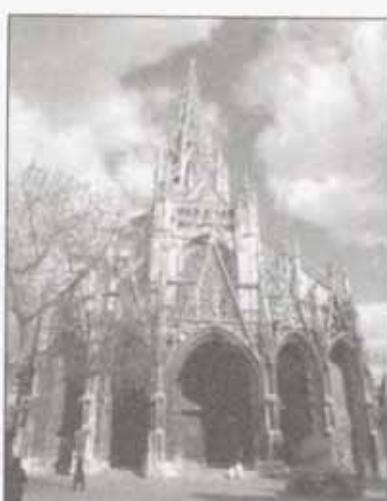


تصویر (۱۷۸)
نقاشی بزرگ دیواری که بیماری طاعون را با تبرهای
به تصور می کشد.

۲۸۴ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس



تصویر (۱۸۲)



تصویر (۱۸۱)



تصویر (۱۸۰)

انشقاق بزرگ، تاجگذاری پاپ
کلیساي سن ماکلو، نمونه سبک هنري مشتعل
زاک کر، بازركان معروف قرن پانزدهم
در شهر آوبینيون



تصویر (۱۸۵)



تصویر (۱۸۴)



تصویر (۱۸۳)

شارل ششم، پادشاه فرانسوی
دومن والوا

شارل پنجم، پادشاه فرانسوی
دودمان والوا

عمارت زاک کر، نمونه سبک هنري مشتعل



تصویر (۱۸۶)

کاخ سیته در اختیار صاحب منصبان اداری و قضایی

۲۸۵ تصاویر



تصویر (۱۸۷)
آخر الزمان، فرشته نیکلا باتای



تصویر (۱۸۹)
مجسمه‌ای از کلاوس اسلوتر



تصویر (۱۸۸)
کلاوس اسلوتر، مجسمه‌ساز قرون وسطی با سبک واقع‌گرایی



تصویر (۱۹۱)
تابلوی مریم مقدس با صدراعظم رولن، اثر یان ون ایک



تصویر (۱۹۰)
مینیاتور، اثر برادران لیمبورگ

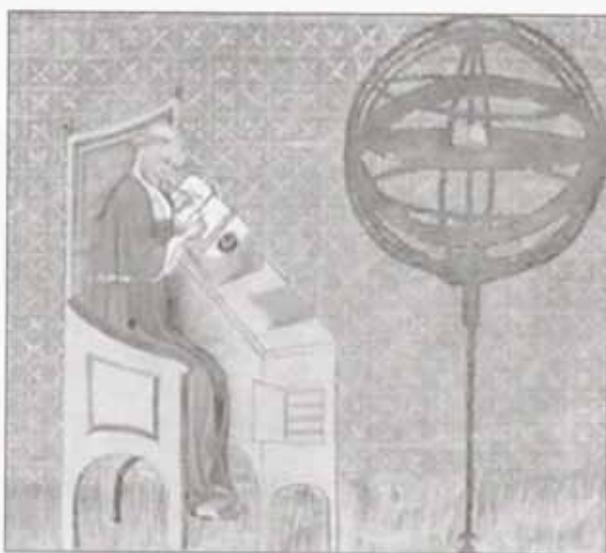
۲۸۶ تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس



تصویر (۱۹۳)
فرشتگان نوازنده، تابلوی مرکب بره عرفانی
اثر برادران ون ایک



تصویر (۱۹۲)
تابلوی رنگ روغن اثر یان وان ایک:
در بالای آینه امضا هنرمند دیده می شود.



تصویر (۱۹۵)
نیکلا اورسم، اینشتین قرن چهاردهم



تصویر (۱۹۴)
فیلیپ نیکسیرت، بنیانگذار فرقه پشم طلایی



تصویر (۱۹۸)
شارل بدکردار در زندان



تصویر (۱۹۷)
ژان نیکسیرت، پادشاه فرانسوی
دودمان والوا اولین چهره نگاری
قرون وسطی



تصویر (۱۹۶)
کریستین پیزان، اولین تویسته
زن فرانسوی که با نوشتن مخارج
زندگی خود را تأمین می کرد.

تصاویر ۲۸۷



تصویر (۲۰۱)
گسلن، فرمانده کل ارتش فرانسه
در زمان شارل پنجم



تصویر (۲۰۰)
شارل هفتم، تابلو اثر ژان فوکه



تصویر (۱۹۹)
ژان نرس، شاهزاده فرانسوی



تصویر (۲۰۴)
ژندارک، ناجی فرانسه



تصویر (۲۰۳)
والاتین ویسکونتی، دوشس اولتان



تصویر (۲۰۲)
شارل دلاور، دوک کبیر غرب



تصویر (۲۰۶)
نبرد دریایی اکلوز، اولین شکست جنگ صد ساله برای فرانسویان



تصویر (۲۰۵)
ژان ون آرتولد، رهبر قیام بافتگان



تصویر (۲۰۸)
شورش مردمی پاریس به رهبری اتین مارسل



تصویر (۲۰۷)
شاهزاده سیاه، پادشاه انگلستان



تصویر (۲۱۰)
هانری چهارم، اولین پادشاه دودمان انگلیسی لانکاستر



تصویر (۲۰۹)
ریچارد دوم، پادشاه انگلستان



تصویر (۲۱۲)
هانری پنجم، پادشاه انگلستان



تصویر (۲۱۱)
قیام کابوشین‌ها به رهبری سیمون کابوش



تصویر (۲۱۴)
کاترین فرانس، شاهزاده فرانسوی



تصویر (۲۱۳)
شکست فرانسویان در نبرد آزنکور



تصویر (۲۱۶)
مراسم تاجگذاری شارل هفتم، پادشاه فرانسه



تصویر (۲۱۵)
هانری ششم، پادشاه دودمان انگلیس لانکاستر



تصویر (۲۱۹)
شارل هشتم، آخرین پادشاه دودمان والوا



تصویر (۲۱۸)
لویی یازدهم، پادشاه دودمان
فرانسوی والوا



تصویر (۲۱۷)
انواع شکنجه در دستگاه تنبیش عقاید

۲۹۰ تاریخ فرانسه، از آغاز تارننس



تصویر (۲۲۲)
ژن ملقب به تیر کوچک، چهره نمادین
مقاومت مردمی



تصویر (۲۲۱)
آن بوزو، شاهزاده فرانسوی



تصویر (۲۲۰)
لویی دوازدهم، پادشاه فرانسه
ملقب به پدر مردم



تصویر (۲۲۵)
ماکسیمیلیان هابسبورگ، امپراتور ژرمنی



تصویر (۲۲۴)
ماری بورگونی، دختر شارل دلاور



تصویر (۲۲۳)
ادوارد چهارم، اولین پادشاه دودمان
انگلیسی بورک



تصویر (۲۲۸)
ژول دوم، تأثیرگذارترین پاپ
عصر رنسانس



تصویر (۲۲۷)
الکساندر ششم بورجیا، پاپ
کلیسای کاتولیک روم



تصویر (۲۲۶)
فیلیپ هابسبورگ، پایه گذار دودمان
ژرمنی هابسبورگ

۲۹۱ تصاویر



تصویر (۲۳۱)
پتانکور، دریانورد فرانسوی
صاحب عنوان شاه جزاير قناری



تصویر (۲۳۰)
كريستف كُلُمب، کاشف قاره
آمریکا



تصویر (۲۲۹)
هانری هشتم، پادشاه انگلستان

Histoire de la France

Daniel Rivière

Traduit en persan par

Shahnaz Salami



Éditions d'Ettelaat
Téhéran - 2011

از زمانی که کلوویس، بر رگ فرانک‌ها، به عنوان تخت‌ستین شاه بود، به کیش منسیحیت گروید و بالدفع موج کو بندۀ آریانیسم، کلیسای روم را خطر تجزیه و اضمحلال نجات داد، فرانسه به یکی از بازیگران اصلی پنهان‌ارویابدی گشت. از شارل مارتل و نمرداو در پواتیه علیه عبدالرحمن غافقی گرفته تا شارلمانی و ظهور ارنسانس کارولینزی، از اوین دوم و برادر و خته شدن آتش‌جنگ‌های صلیبی در کل مون فرانسه تا گسترش «امپراتوری کلوس»، از کشتار آلبیزو و مونسکور تا «سو. قحمد آسکن» علیه بو نیفاس هشتم و بالآخر از جنگ‌های صد ساله بالکلستان تا «انشقاق کبیر غربی»، در هر یک از این مقاطع مهم، فرازهایی از تاریخ پرتلاطم این کشور شکل گرفت. کتاب پیش‌روی بانشری زوان، انسجام‌ستودنی و نظمی روشنند و آموزشی، به تحلیل این حوادث و دیگر وقایع اثراگذار تاریخ فرانسه در دوره میانه می‌پردازد.



انتشارات اطلاعات

